

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی

بررسی ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد

مهدی اسماعیلی



بسم الله الرحمن الرحیم

عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی

نویسنده:

مهدی اسماعیلی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسماعیلی، مهدی، ۱۳۵۹ - ، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی: بررسی ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد/ [گردآوری] مهدی اسماعیلی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : [۲]، ۲۳۱ ص.: جدول.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۷۷۲.

شابک : ۱۴۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۶۰۶-۰۶-۴

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۲۷] - ۲۳۱ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : سازمان ملل متحد

موضوع : سازمان های بین المللی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : JZ۴۹۳۴/الف۵ع۸ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی : ۳۴۱/۲۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۰۲۹۲۷

ص:۱

اشاره

عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی

کد: ۷۷۲

گردآوری: مهدی اسماعیلی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۱۴۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: - -۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۷۸۰۸-۷۸۰۸- -

ص:۲

دیباچه

قرن بیستم که از یک سو، شاهد بروز دو جنگ خانمان سوز به نیمه نخست آن و از سویی، شاهد گسترش روزافزون ارتباطات بین المللی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی بوده است. این دو پدیده به ایجاد سازمان ها و نهادهای بین المللی برای برقراری صلح و امنیت جهانی از یک سو و همکاری های منطقه ای و فرا منطقه ای از سوی دیگر انجامیده است.

سازمان ملل متحد در میان سازمان ها، مؤسسه و نهادهای بین المللی، مهم ترین و گسترده ترین آن ها به شماره می رود. این نهاد بین المللی در پی ضعف های بنیادین در ساختار «جامعه ملل» ناتوانی آن در جلوگیری از رخ دادن جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود نهاد.

سازمان ملل متحد از ارکان اصلی و فرعی و مؤسسه ها و سازمان های تخصّصی و مستقل ولی مرتبط با آن تشکیل شده است و اهداف متعددی را در دستور کار خود دارد. مهم ترین هدف آن نیز حفظ صلح و برقراری امنیت

ص:۳

جهـانی است که بر دوش مهم ترین رکن این نهـاد؛ یعنی شورای امنیت نهاده شـده است. بررسـی اجمالی دخالت های شورای امنیت در بحران های مناطق گوناگون جهان، ما را به این نکته مهم رهنمون می سازد که سازمان ملل متحـد و شورای امنیت تا چه میزان توانسته است به هدف پیش گفته شده دست یابند.

این نوشتار، تحلیلی است در مورد ساختار تشکیلاتی، وظایف و اختیارات و هم چنین شیوه تصمیم گیری در سازمان ملل متحد و سازمان های تخصّصی وابسته و ارتباط میان این سازمان ها با دولت جمهوری اسلامی ایران.

ایـن پژوهش در سـه بخش و پنـج فصـل تـدوین یـافته است. در بخش نخست، تـاریخچه سازمـان هـای بین المللی، شخصـیت حقوقی و انواع طبقه بنـدی آن هـا مورد بررسـی قرار گرفته و بخش دوم در چهـار فصـل به این ترتیب سازمـان یـافته است. در فصل نخست، نویسـنده در سه گفتار، پیـدایش سازمان ملل و اهـداف و عملکرد آن را بررسـی می کند. فصل دوم، به بررسـی ارکان اصـلی سازمان ملل، اهداف، وظایف و عملکرد آن ها اختصاص یافته و آشنایی با شورای امنیت به عنوان ضامن صلح و امنیت جهانی، در این فصل از اهمیت بیش تری برخوردار است.

آشـنایی بـا ارکـان فرعی مجمع عمومی، شورای اقتصـادی و اجتماعی و شورای امنیت در سازمان ملل نیز فصل سوم را به خود اختصـاص داده است. بررسـی عملکرد مؤسـسه هـا و سازمـان هـای تخصصـی وابسـته به سازمـان ملل در عرصه های فرهنگی، اجتماعی بهداشت، ارتباطات و رابطه آن ها با دولت جمهوری اسلامی ایران، مباحث فصل چهارم را تشکیل می دهد.

سرانجام، عملکرد سازمان تجارت جهانی و آژانس بین المللی انرژی اتمی از جمله مؤسسه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل در فصل پنجم مورد بررسی قرار گرفته است.

این اثر حاصل تلاش پژوهشگر محترم جناب آقای _مهدی اسماعیلی_ است که با رجوع به منابع متعدد و گردآوری اطلاعات و تدوین آن ها، کوشیده است مخاطبان را با ساختار، اهداف و عملکرد سازمان ملل متحد آشنا سازد. امید است که مورد توجه برنامه سازان ارجمند صدا و سیما قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۵

پیش گفتار

تعامل بین المللی دولت ها در عرصه های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و گره خوردن منافع دولت ها به عملکرد یکدیگر به صورت محسوسی در پیدایش سازمان های بین المللی و روند رو به رشد آن ها تأثیر داشته است.

پیوند تنگاتنگ منافع کشورها، دولت ها را مجبور می سازد که در نهادهای بین المللی با یکدیگر و در کنار هم برای دستیابی به مقاصد مشترك فعالیت کنند. این ارتباط به قدری اهمیت حیاتی یافته است که دولت ها بدون عضویت در نهادهای بین المللی نمی توانند به حیات سیاسی و اقتصادی خود در عرصه بین المللی ادامه دهند؛ چرا که فعالیت یک دولت چه در مسایل اقتصادی و چه در زمینه های سیاسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دولت ها و منافع آن ها تأثیر خواهد گذاشت، چنان که نمونه عینی آن، وضعیت کشورهای خاور میانه است که ناآرامی در آن ها، بر همه دنیا اثر می گذارد.

گفتنی است افزون بر اهمیت موارد یاد شده، استمرار توسعه کشورها به حفظ صلح و آرامش بین المللی بستگی دارد. درك این اهمیت و تجربه دو جنگ وحشتناك جهانی کشورها را بر آن داشت تا سازمان را ایجاد کنند که

به طور فعال و دایم، صلح و امنیت جهانی را تضمین کند. سازمان ملل متحد که پس از شکست جامعه ملل شکل گرفت، با دارا بودن ارکان اصلی و فرعی و آژانس های فنی گوناگون، اهداف متعددی را دنبال می کند که مهم ترین آن ها، برقراری صلح و امنیت جهانی است و بر عهده شورای امنیت _ یکی از ارکان اصلی این سازمان _ نهاده شده است.

به جز این ها، پیشرفت صنعت و تکنولوژی و پیدایش علوم جدیدی چون فن آوری هسته ای سبب شد تا نهادی به طور تخصصی مسایل مربوط به این فن آوری را دنبال کند؛ زیرا قدرت بازدارندگی این انرژی خواه ناخواه بر مسایل بین المللی تأثیر می نهاد و معادله های سیاسی بین المللی را به سود دارندگان آن تغییر می داد.

هم چنین پیشرفت مسایل کار و کارگری، کشاورزی، اهمیت بهداشت و سلامتی، مالکیت معنوی و... سبب گردید تا دولت ها، نهادهای بین المللی را پی گیری این امور در سطح جهانی با نظارت سازمان ملل ایجاد کنند.

فکر ایجاد این سازمان ها در ابتدا از افکار منفعت طلبانه و شخصی صرف به دور بود و در دهه های اول فعالیت این مجامع، کارهای مفید بین المللی مانند گسترش حقوق بین الملل عمومی و قواعد آن شکل گرفت. با این حال، به مرور زمان و با قدرت گرفتن برخی کشورهای کوچک و به اصطلاح جهان سومی در زیر چتر حمایت سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی، عملکرد آنان در تضاد با منافع و اهداف کشورهای بزرگ و قدرتمند قرار گرفت، به گونه ای که قدرتمندان ناچار شدند با استفاده از اهرم های فشار

سیاسی در این مجامع ظهور یابند و معادله های جهانی را در راستای حفظ منافع خود تنظیم کنند.

پیدایش این اندیشه در میان کشورهای قدرتمند چون امریکا و انگلیس سبب شد تا عملکرد این سازمان ها به ویژه سازمان ملل (با ارکان اصلی و فرعی و مؤسسه های تخصصی وابسته آن) به گونه ای پیش رود که خواست و منافع آن قدرت ها اقتضا دارد. این پدیده تا آن جا ادامه می یابد که هنگام تحلیل عملکرد شورای امنیت _ که بر اساس منشور، عهده دار صلح جهانی است _ تبعیض ناروا و موضع گیری های سیاسی منطبق با خواست صاحبان حق وتو در مسایلی چون: جنگ تحمیلی ایران، جنگ خلیج فارس و فلسطین به چشم می خورد.

استمرار این روند موجب شده است تا در عملکرد آژانس های فنی و کاملًا تخصصی سازمان ملل نیز ملاحظه هایی سیاسی و منافع قدرت های بزرگ منظور شود. مثال برجسته این مسئله، عملکرد آژانس بین المللی انرژی اتمی در برخورد بار پرونده هسته ایران است، این در حالی است که رژیم صهیونیستی بدون پای بندی به هیچ ضابطه ای، آشکارا همه تعهدهای بین المللی خود را در مورد انرژی هسته ای نقض می کند و آژانس انرژی اتمی در برابر آن، سکوت اختیار کرده است.

استفاده از حق وتو در جهت منافع صاحبان آن یکی دیگر از نکته های منفی در عملکرد سازمان ملل به شمار می رود که جامعه جهانی با پی آمدهای زیان بار آن روبه رو است. این در حالی است که فلسفه ایجاد این حق هنگام

تأسیس سازمان ملل، چیزی جدای از تأمین منافع پنج قدرت دارنده حق وتو بود.

با همه این ها، هر چند منکر کارهای سودمند نهادهای جهانی در سطح بین المللی نیستیم، ولی عملکرد این مجامع به ویژه سازمان ملل در سال های اخیر کاملاً منطبق با خواست های سیاسی برخی کشورها به ویژه امریکا است که به یقین، این مسئله مورد پسند جامعه جهانی و وجدان بین المللی نخواهد بود.

در این نوشتار پس از بررسی ساختار و اهداف سازمان ملل متحد و برخی عملکردهای آن در سال های، هماهنگی یا ناهماهنگی آن ها را با منشور ملل متحد و اساس نامه های هر یک از این نهادها یادآور می شوریم.

بخش اول: کلیات

تاریخچه و مشخصات سازمان های بین المللی

می دانیم که تجارت و ارتباطات روزافزون بین المللی به پیدایش و توسعه سازمان های بین المللی انجامیده است. پیشرفت مکانیسم های ارتباطی و گسترش تجارت بین المللی، نیاز جامعه انسانی را به تأسیس نهادهایی آشکار ساخت که براساس و ضوابط خاصی فعالیت کنند. پیش از قرن نوزدهم، نمونه های نادری از سازمان های بین المللی در تاریخ به چشم می خورد.

تمدن های نخستین در انزوا و جدا از یکدیگر، رشد کردند و از برقراری ارتباط با بیگانگان _ یعنی کسانی که به چشم وحشی به آن ها می نگریستند _ اکراه داشتند. آن ها گاهی به ندرت، اتحادیه های دفاعی تشکیل می دادند. برای نمونه، کشورهای کوچک سرزمین چین در میانه قرن های پنجم و هفتم پیش از میلاد که پادشاهی_ چو_(۱) آن ها را تهدید می کرد، برای بحث در مورد سازمان نیروهاینظامی شان، مجامعی برپا می کردند. در یونان باستان نیز شکل های معدودی از سازمان های بین المللی را پیدا می کنیم، مانند: _آمفیکتیونی ها_(۲) و کنفدراسیون هایسیاسی. آمفیکتیونی ها، شوراهای داوری میان شهرهایی بودند که از محراب های مقدس یکسان استفاده می کردند. کنفدراسیون های سیاسی نیز دارای شوراهایی بودند که می توانستند با اکثریت آرا تصمیم گیری کنند.(۳)

ص:۱۰

۱- [۱] .Chu.

۲- [۲] . Amphictyonies.

۳- [۳] . ژرژ ابی صعب، مفهوم سازمان بین المللی، برگردان: ایرج پاد، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۳۷.

مثال های یاد شده تا حدودی حاشیه ای هستند. با این حال، باید دانست پس از ظهور کشورهای برخوردار از حاکمیت مستقل و برابر، همکاری میان آن ها به طور دو جانبه و سپس چند جانبه در چهارچوب یک حقوق عرفی و آن گاه حقوق قراردادی به تدریج گسترش یافت. این همکاری ها ابتدا در چهارچوب کنفرانس های ادواری و بعدها در قالب سازمان های بین المللی که همکاری های سازمان یافته دایمی میان دولتها را تحقق می بخشید، نهادینه شدند.(۱)

برای حیات سازمان های بین المللی، سه نسل می توان بر شمرد و آن ها را در حیطه این سه نسل مورد بررسی قرارداد. نخستین تجربه ها در این مورد به سده ۱۹ میلادی برمی گردد که با توسعه ارتباطات، ابتدا در شکل _کمیسیون بین المللی کشتی رانی _در رودخانه _راین _(۱۸۱۵) و سپس در رودخانه _دانوب _(۱۸۵۶) رابطه دارد. در همین دوره بود که _سازمان های بین المللی فنی_(۲) در زمینه توسعه وپیشرفت فنّی پا به عرصه وجود نهاد. به عنوان مثال، استفاده از تلگراف الکتریکی، در سال ۱۸۶۵ به تأسیس _اتحادیه تلگرافی بین المللی_(۳) انجامید. استفاده و کشفامواج رادیویی و رواج استفاده از تلگراف بی سیم نیز زمینه های تأسیس _اتحادیه بین المللی تلگراف رادیویی_(۴) را در سال ۱۹۰۶ فراهم کرد.

۱- [۱] . دانیل دورموای، حقوق سازمان های بین المللی، برگردان: کمال الدین هریسی نژاد، تهران، نشر دانیال ۱۳۷۹، ص ۱۷.

۲- [۲] .Aganisation internationales techniques.

۳- [۳] .Union Telegraphique Internationale.

۴- [۴] .Union Radio - Telegraphique Internationale.

نسل دوم سازمان های بین المللی در فاصله دو جنگ جهانی پس از ظهور جامعه ملل در پایان جنگ اول و در پیوند با آرمان های عنوان شده در پیام _ویلسون _به _کنگره ایالات متحده امریکا _در تاریخ نهم ژانویه ۱۹۱۸ پدیدار شد. میثاق جامعه ملل را _کنفرانس صلح _در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ به تصویب رساند که در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۲۰ هم زمان با معاهده _ورسای _لازم الاجرا شد. در همان زمان، سازمان های بین المللی دیگری نظیر _سازمان بین المللی کار_(۱) بر اساس _معاهدهورسای_، _دیوان دایمی دادگستری بین المللی_(۲) با تصویب اساس نامه آن به دست_مجمع جامعه ملل _در دسامبر ۱۹۲۰ و _کمیسیون بین المللی هوانوردی _(سلف OACI کنونی) به استناد _عهدنامه هوانوردی بین المللی _در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۱۹ به وجود آمدند.

نسل سوم سازمان های بین المللی به دوره پس از جنگ دوم جهانی مربوط می شود. در مرحله اول، باید به تشکیل _سازمان ملل متحد_(۳) در این دوره اشاره شودکه منشور آن در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ _در کنفرانس سانفرانسیسکو _به تصویب رسیده و از ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم الاجرا شده است. این دوران، دوره ظهور و افزایش سازمان های نوین دیگر در سطح جهانی و منطقه ای است. بر اساس آمارِ _اتحادیه انجمن های بین المللی،_(۴) تعداد سازمان های بین دولتی از ۳۷ مورد در سال۱۹۰۹ به ۱۳۲ مورد در سال ۱۹۶۰، ۲۸۰ مورد در سال ۱۹۷۲ و ۳۷۸ مورد در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است.(۵)

۱- [۱] . Organisation Internationale Du Travail (OIT).

۲- [۲] . Cour Permanente De Justice Internationale (CPJI).

۳- [۳] . Organisation Des Nations Unies (ONU).

۴- [۴] . Union Des Association Internationales.

۵- [۵] . حقوق سازمان های بین المللی، صص ۱۸ و ۱۹.

پس از بررسی تاریخچه سازمان های بین المللی و بیان دوره زندگی سه نسل گوناگون این سازمان ها، اکنون ضرورت یک تعریف جامع و کامل از این سازمان ها نمایان می شود؛ زیرا با توجه به اهمیت این سازمان ها، در عصر کنونی ــ که می توانیم آن را ــعصر سازمان های بین المللی ــبنامیم ــ و گستردگی فعالیت های این سازمان ها در جامعه بین الملل، باید این سازمان ها را بشناسیم و ویژگی های آن ها را برشماریم.

به طور کلی، هیچ تعریف جامع و مورد قبولی از سازمان های بین المللی وجود ندارد و تعریف های موجود گاه برخی ویژگی های این سازمان ها و گاه همه ویژگی های آن ها را دربرمی گیرند. سازمان ها بین المللی باید از پنج ویژگی برخوردار باشند که بدین قرار است:

۱. مبنای میان کشوری: سازمان از اجتماع دولت ها تشکیل شود.

۲. مبنای ارادی: سازمان بین المللی براساس یک «سند تأسیس»(۱) ایجاد می شود.

۳. برخورداری از یک نظام دایمی دستگاه ها.

۴. اعضای سازمان، اهداف مشترکی را دنبال می کنند.

۵. فعالیت سازمان پیوسته و همیشگی است.

با توجه به این پنج ویژگی اصلی، سازمان بین المللی را می توانیم این گونه تعریف کنیم: یک سازمان بین المللی، مجمع یا تجمعی از کشورهاست که با عقد قرارداد یا همان سند تأسیس ایجاد می شود و با داشتن یک نظام و

۱- [۱] . Constituent Treaty.

مجموعه ای از دستگاه ها، پیوسته به تعقیب هدف های مربوط به مصالح مشترک می پردازد.

اکنون به بررسی و توضیح ویژگی های یاد شده می پردازیم:

۱. _اجتماع دولت ها: _اصولاً_ سازمان های بین المللی از اجتماع دولت هایی تشکیل می شوند که سند تأسیس سازمان را تصویب کرده اند. هر یک از دولت های عضو با اعزام نمایندگانی به سازمان، از مواضع خود دفاع می کنند.

هر چند اعضای تشکیل دهنده سازمان های بین المللی معمولاً از دولت ها هستند، می توان شاهد پیدایش سازمان هایی با موجودیت های غیردولتی نیز بود. برای نمونه، قضات دیوان بین المللی دادگستری لاهه، نماینده دولت متبوع خود به شمار نمی آیند و با حفظ استقلال رأی، از مواضع حقوقی خود دفاع می کنند حتی اگر بر خلاف مواضع دولت متبوع شان باشد.(۱)

۲. _مبنای ارادی: _تمام سازمان های بین المللی که در حال حاضر وجود دارند، بر مبنایی ارادی بنا شده اند؛ یعنی کشورهایی به این سازمان ها تعلق دارند که تمایل خود را به عضو شدن ابراز داشته باشند. در عمل نیز تنها آن کشورهایی عضو باقی می مانند که تمایل خود را به ترک سازمان ابراز نکرده باشند. از دیدگاه حقوقی، این ویژگی به واسطه این واقعیت روشن می گردد که هر سازمان بین المللی براساس یک پیمان تشکیل می شود.(۲)

تصویب این پیمان یا سند تأسیس به دوامر می انجامد:

۱- [۱] . رضا موسی زاده، سازمان های بین المللی، تهران، نشر دادگستر و نشر میزان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴.

۲- [۲] . مفهوم سازمان بین المللی، ص ۷۲.

ـالف) اعلام موجودیت سازمان: ـتأسیس سازمان های بین المللی ضرورتاً در پی انعقاد معاهده های چند جانبه صورت می گیرد به طوری که می توان گفت «حقوق معاهدات» بخش مهمی از «حقوق سازمان های بین المللی» را تشکیل می دهند. پس تصویب سند تأسیس از ضرورت های اولیه تشکیل سازمان های بین المللی است و بدون تصویب، سند تأسیس لازم الاجرا نخواهد بود.

ـب) احراز شخصیت حقوقی و بین المللی: ـتصویب اساس نامه به سازمان های بین المللی، شخصیت حقوقی می بخشد و آن را از حقوق و تکلیف ویژه ای برخوردار می کند.

شخصیت حقوقی به سازمان ها، استقلال می دهد و آن ها را از دولت های به وجود آورنده متمایز می سازد. سازمان بین المللی در قبال اعمال و اقدامات خود، مسؤول بوده و از نظر بودجه، اموال، کارکنان و...، مستقل از دولت های عضو عمل می کنند.(۱)

۳.ـ برخورداری از یک نظام دایمی دستگاه ها: ـاین مسئله، یک ویژگی بدیهی است؛ زیرا هیچ سازمانی بدون نظام اداری و ارکان اجرایی نمی تواند اهداف و اصول اولیه سازمان را تحقق بخشد. هر یک از این سازمان ها با توجه به اهداف، اعضا و دیگر موارد، ارکان مختلفی دارند.

۴. ـاهداف مشترک: ـدر راستای تأمین منافع جمعی، دولت ها در چهارچوب سازمان های بین المللی، اهداف مشترکی را دنبال می کنند. در واقع، اهداف

۱- [۱] . سازمان های بین المللی، ص ۲۶.

سازمان، قلمرو فعالیت آن را مشخص می کند.(۱) سازمان ها را براساس اهدافی که دنبال می کنند، به دو دسته بزرگ می توان طبقه بندی کرد:

یک ـ سازمان های بین المللی با اهداف عام (مثل: سازمان ملل متحد)

دو ـ سازمان های بین المللی با اهداف خاص (مثل: یونسکو)

ـ۵. تداوم و استمرار فعالیت: ـتلاش پیوسته و همیشگی یک سازمان، پشتوانه تحقق اهداف آن سازمان است. برخی سازمان ها مانند ـسازمان ملل متحدـ که فعالیت شان با مسایل فراگیر جهانی مرتبط است باید فعالیت پیوسته و همیشگی داشته باشند تا به این اهداف که حافظ صلح و امنیت بین المللی است، دست یابند. البته برخی سازمان ها با توجه به اهداف خود، دوره خاصی را برای فعالیت خود اختصاص می دهند مانند ـپیمان ورشو ـکه پس از برقراری سیستم امنیت دسته جمعی در اروپا، به فعالیت خود پایان داد.

۱- [۱] . همان، ص ۲۷.

شخصیت حقوقی بین المللی سازمان ها و طبقه بندی آن ها

۱. شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی

پس از جنگ جهانی دوم، در این مورد که آیا سازمان های بین المللی دولتی می توانند دارای شخصیت حقوقی شوند یا نه، مناقشه ای جدّی در گرفت. حقوق دانان و سازمان های متعددی از جمله: _بانک حل اختلاف بین المللی_، _کمیسیون جبران خسارات و کمیسیون اروپایی رود دانوب _از اعطای چنین شخصیتی به سازمان های بین المللی دفاع می کردند.(۱) برای بررسی شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی، نخست شخصیت بین المللی سازمان، سپس شخصیت داخلی سازمان را مورد بررسی قرار می دهیم.

_الف) شخصیت بین المللی: _امروزه بیش تر نویسندگان به هواداران این نظریه پیوسته اند که شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی یک شخصیت حقوقی اعتباری(۲) است.

تا آن جا که به شخصیت حقوقی _سازمان ملل متحد _مربوط می شود، منشور ملل متحد دربردارنده هیچ قاعده ای در مورد آن نیست. به همین دلیل، از

ص:۱۷

۱- [۱] . همان، ص ۲۸.

۲- [۲] . Personnalite Juridique Subjective.

ابتدای پیدایش سازمان ملل و به دنبال قتل _کنت برنادوت، _(۱) سیاستمدار سوئدی و میانجی سازمان ملل در فلسطین پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به دست یک گروه مسلح، این پرسش مطرح بوده است که آیا سازمان ملل می تواند برای جبران خسارت وارده، علیه حکومت مسئول، دعوای بین المللی طرح کند؟

دیوان _بین المللی دادگستری _هنگام اعلام نظریه مشورتی خود به _مجمع عمومی سازمان ملل متحد_، در این باره اظهار داشت که سازمان، اهلیت انجام دادن آن را دارد؛ زیرا از شخصیت بین المللی برخوردار است. در قسمتی از نظریه این دیوان (۱۱ آوریل ۱۹۴۹) آمده است: «... اگر از شخصیت بین المللی در حد وسیعی برخوردار نبوده و اهلیت اقامه دعوا بین المللی را نداشته باشد، قادر به تأمین اهداف مؤسسان خود نخواهد بود.» به نظر دیوان، سازمان ملل متحد، عالی ترین نوع سازمان های بین المللی است، ولی با وجود این، یک کشور نیست. بیان این نکته که سازمان بین المللی یک شخص حقوقی بین المللی است، معادل آن نیست که گفته شود سازمان یک کشور است یا این که شخصیت حقوقی و حقوق و تکالیف آن همانند یک دولت است.

اگر اعتبار شخصیت حقوقی یک سازمان بین المللی در برابر همه، براساس یک عرف بین المللی و با چشم پوشی از منشأ قراردادی آن، پذیرفتنی است، پذیرش فکر شخصیت بین المللی برون ذاتی، به استثنای مورد مشخصی که «دیوان» عنوان کرده و در آن، «سازمان»، داعیه جهانی داشته و واقعاً هم شبیه

۱- [۱]. Conte Bernado tte.

به جهانی است، شاید دشوار باشد. استدلال موجود درباره این مورد را به همه سازمان های بین المللی نمی توان تعمیم داد. این سازمان ها براساس یک معاهده ایجاد می شوند و همان گونه که ماده ۳۴ _عهدنامه وین _(۲۳ مه ۱۹۶۹) درباره _معاهده میان دولت ها _یادآوری کرده است، یک معاهده برای کشور ثالث، بدون رضایت وی، تعهدات یا حقوقی ایجاد نمی کند.(۱)

_ ب) شخصیت داخلی:_ شخصیت حقوقی داخلی برای اقدامات سازمان در نظم [حقوقی] داخلی کشورها ضرورت دارد. از آن جا که سازمان دارای سرزمین خاصی نیست، در قلمرو یکی از کشورها استقرار می یابد، ولی در قلمرو تمام کشورهای عضو، برای انجام وظایف و تحقق اهداف خود، به اقدام دلخواه دست می زند. در هر حال، ممکن است سازمان به تحصیل یا انتقال اموال منقول و غیرمنقول، انعقاد قراردادهایی برای کار یا تهیه تدارکات و اقامه دعوا در دادگستری نیاز داشته باشد. این اهلیت اقدام در نظم داخلی کشورها، افزون بر شخصیت حقوقی بین المللی، شخصیت حقوقی داخلی را نیز ایجاب می کند.(۲)

ماده ۱۰۴ منشور سازمان ملل در مورد این سازمان این گونه بیان می دارد:

سازمان در خاک هر یک از اعضا از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است، متمتع می شود.

مفاد منشور درباره مزایا و مصونیت های سازمان که در ماده ۱۰۵ پیش بینی شده است، مفهوم مشابهی را افاده می کند:

سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازها و مصونیت هایی که

۱- [۱] . حقوق سازمان های بین المللی، صص ۵۹ _ ۶۲.

۲- [۲] . همان، ص ۶۵.

برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است، برخوردار خواهد بود.

با توجه به بحث های یاد شده، پس از این که سازمان ها شخصیت حقوقی و بین المللی به دست آورند، از آثار حقوقی چندی مانند: استقلال در تصمیم گیری، استقلال مالی، استقلال حقوقی، پیدایش موجودیت جدید تابع حقوق بین الملل برخوردار می شوند که در رسیدن سازمان ها به ویژه سازمان ملل متحد و ارکان آن به اهدافشان بسیار مهم و مؤثر است.

۲. طبقه بندی سازمان های بین المللی

یکی از مشخصات جامعه بین المللی معاصر، وجود شمار زیادی سازمان های بین المللی است. طبقه بندی این سازمان ها که تعداد آن ها در سال ۱۹۹۹ به بیش از ۱۴۰۰ سازمان بین الدولی و ۲۷۰۰۰ سازمان غیردولتی تخمین زده شده است،(۱) کار چندان ساده ای نیست.

برخی طبقه بندی ها براساس ترکیب جغرافیایی سازمان ها صورت گرفته است. براساس این معیار، سازمان ها به سازمان های جهانی و منطقه ای تقسیم شده اند. این معیار می تواند در برخی موارد مشکل ایجاد کند؛ زیرا «سازمان ها اصولاً بر مبنای ارادی تشکیل می شوند و همواره ممکن است برخی از دولت ها از عضویت در آن ها خودداری کنند.»(۲) به عنوان مثال در مورد این طبقه بندی، این پرسش مطرح می شود که آیا می توان بانک جهانی را یک سازمان بین المللی به شمار آورد یا خیر؟ به نظر برخی نویسندگان ــ مانند ژرژ ابی صعب ــ از آن جا که عضویت در بانک جهانی مشروط به پذیرش اصول

۱- [۱] . مفهوم سازمان بین المللی، ص ۳۵.

۲- [۲] . همان، ص ۸۰ .

اقتصادی و مالی حاکم بر آن است، دولت هایی که آن اصول را مردود می شمارند، نمی توانند به عضویت آن سازمان درآیند. در این صورت، بانک جهانی جامعیت خود از دست می دهد و در نتیجه، در قالب این طبقه بندی قرار نخواهد گرفت.

گروه دیگری از نویسندگان، سازمان ها را براساس اهدافشان طبقه بندی می کنند که بر این اساس، می توان انواع سازمان های سیاسی، نظامی، فرهنگی و... داشت. این تقسیم بندی به هیچ وجه یک طبقه بندی واقعی به شمار نمی آید؛ چون بیش تر این سازمان ها اهداف چندگانه ای را دنبال می کنند.

برخی دیگر از صاحب نظران، سازمان ها را براساس اختیارات آن ها طبقه بندی می کنند. بر این اساس، سازمان های بین المللی را می توان به _سازمان های تصمیم گیرنده_ و _سازمان های عمل کننده (اجرایی)_ یا _سازمان های مشورتی _و _سازمان های تعیین معیار _طبقه بندی کرد. این معیار نیز همیشه به یک طبقه بندی درست نمی انجامد؛ زیرا برای مثال، _مجمع عمومی _را نمی توان همیشه یک دستگاه مشورتی و _شورای امنیت _را یک دستگاه اجرایی به شمار آورد. در این میان، طبقه بندی بر مبنای «نوع اعضا» یا «نوع مؤسسان» نسبت به دیگر طبقه بندی ها فراگیرتر و دقیق تر است؛ زیرا به بازیگران اصلی سازمان های بین المللی؛ یعنی اعضای تشکیل دهنده آن توجه داشته است. در این طبقه بندی، سازمان ها به دو گروه _سازمان های بین الدولی و سازمانهای غیر دولتی _تقسیم

شده اند(۱) و هر یک تقسیم بندی های جداگانه ای دارند که از بحث ما خارج است.

پس از بررسی اجمالی سازمان های بین المللی و آشنایی مختصر با آن ها، ضرورت بحث در مورد عملکرد سازمان ملل متحد ــ به عنوان عالی ترین سازمان بین المللی که داعیه جهانی دارد ــ و ارکان اصلی و فرعی آن، آشکار می شود. بنابراین، در بخش بعد، به بررسی تحلیلی عملکرد این سازمان در دهه های اخیر پرداخته و در راستای مشخص ساختن نقاط ضعف و قوّت این سازمان در عمل به تئوری ها پیش می رویم. بهترین سند، در این زمینه، منشور سازمان ملل است که می کوشیم به دقت به آن بپردازیم.

۱- [۱] . سازمان های بین المللی، صص ۵۳ و ۵۴.

بخش دوم: سازمان ملل متحد

فصل اول: سازمان ملل متحد در نظریه و عمل

گفتار اول: پیدایش سازمان ملل متحد

ناکامی جامعه ملل(۱) در پیش گیری از آغاز جنگ جهانی دوم، این باور را تقویت کرد که «ایجاد یک سیستم همکاری بین المللی کارآمد می تواند در حفظ جهان در برابر جنگ مؤثر باشد». طرح چنین سازمان بین المللی ابتدا در _کنفرانس دومبارتن اوکس_ در سال ۱۹۴۶ ریخته شد. سپس در _کنفرانس یالتا_ و سرانجام در کنفرانس سانفرانسیسکو هر دو در سال ۱۹۴۵ برگزار شدند که پنجاه و یک کشور پیش نویس منشور ملل متحد را بر اساس پیشنهادهای ارایه شده در کنفرانس _دومبارتن اوکس_ تدوین کرده بودند، سازمان ملل متحد به صورت رسمی پا به عرصه جهانی نهاد. این سازمان بین المللی از اکتبر ۱۹۴۵ کار خود را آغاز کرد. از آن زمان تا کنون، جهان شاهد دگرگونی های

۱- [۱]. این سازمان بین المللی در سال ۱۹۲۰ براساس پیشنهاد ویلسون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا، برای حفظ صلح، داوری در مورد اختلاف بین کشورها و ترویج همکاری بین المللی تشکیل شد، ولی خود ایالات متحده امریکا عضویت در جامعه ملل را نپذیرفت. جامعه ملل (League Of Nations) در سال ۱۹۴۶ منحل گشت و همه اداره ها و اموال آن به سازمان ملل متحد انتقال یافت. نک: علی آقابخشی و مینو افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، ۱۳۷۹.

بی سابقه و ژرف سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی و حقوقی بوده که بر سازمان ملل متحد نیز اثر نهاده است. شمار اعضای سازمان ملل در دو دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی رو به فزونی نهاد، به گونه ای که شمار اعضای آن در سال ۱۹۸۸ به ۱۵۹ کشور و در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۹ به ۱۸۸ کشور رسید.

سازمان ملل متحد به عنوان نهادی که همکاری های سیاسی و اقتصادی گسترده ای را میان نظام های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و توسعه اقتصادی _ اجتماعی در ساختار کنونی روابط بین المللی برقرار می سازد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

سازمان ملل متحد، کانون اصلی گردهم آیی ها و انجام مذاکره و مباحثه در زمینه صلح و امنیت بین المللی است. نقشی که این سازمان بین المللی برای حفظ صلح به عهده دارد، به شکل ممانعت یا محدود کردن درگیری ها و در نهایت، استقرار صلح نمودار گشته است. هم اکنون سازمان ملل متحد، سازمانی جهانی است که در اثر تجربه ها، ابتکارها و گسترش فعالیت هایش به صورت سازمانی متفاوت با آن چه در کنفرانس _سانفرانسیسکو _پیش بینی و طراحی شده بود، درآمده است.(۱)

گفتار دوم: اهداف و اصول سازمان ملل متحد

ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، اهداف سازمان را این گونه بیان می دارد:

۱. حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور، به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و...

۱- [۱] . ناصر ثقفی عامری، سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۱۲ و ۱۳.

با وسایل مسالمت آمیز و براساس اصول عدالت و حقوق بین الملل.

۲. توسعه روابط دوستانه میان ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام دیگر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۳. حصول همکاری بین المللی در حل مسایل بین المللی که دارای جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی است و در پیشبُرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب و... .

۴. بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل برای حصول به این هدف های مشترک معمول می دارند.

ماده ۲ منشور سازمان ملل دربردارنده اصولی است که این سازمان برای پی گیری اهداف خود در ماده ۱ منشور بر اساس آن ها عمل می کند:

۱. سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت همه اعضای آن قرار دارد.(۱)

۲. همه اعضا برای تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت، تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته اند، با حسن نیت انجام خواهند داد.

۳. اختلاف بین المللی اعضا باید به صورت مسالمت آمیز حل و فصل شود.

۴. همه اعضا در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگر که با اهداف ملل متحد مباینت داشته باشد، خودداری خواهند کرد.

۵. همه اعضا در هر اقدامی که سازمان بر اساس این منشور به عمل آورد، به سازمان همه گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر دولتی که سازمان ملل متحد علیه آن، اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می آورد، خودداری خواهند کرد.

۶ . سازمان ملل متحد باید مراقبت کند کشورهایی که عضو سازمان نیستند تا

۱- [۱] . قدرت های دارنده حق وتو با استفاده نادرست از آن در راستای اهداف خود، نقص کننده این اصل هستند.

آن جا که حفظ صلح و امنیت بین المللی ایجاب می کند، بر اساس این اصول رفتار کنند.

۷. سازمان نباید در اموری که اساساً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست، دخالت کند. البته این شرط، مانع اقدامات قهری در مورد تهدید به صلح، نقض صلح و اقدام تجاوزکارانه نمی شود.

با توجه به مفاد منشور و این اصول می توان قاعده سلبی منع دولت های عضو از توسل به زور و قوه قهریه برای حل اختلافات بین المللی و قاعده ایجابی الزام دولت های عضو برای در پیش گرفتن شیوه های مسالمت آمیز در مورد اختلافات موجود را نتیجه گیری کرد.(۱)

در پایان این فصل، یادآوری این نکته ضروری است که اقدامات این سازمان بین المللی در وهله نخست متکی بر اصول منشور است که به امضا و تصویب کشورهای عضو رسیده و از نظر ماهیت، یک معاهده بین المللی حقوقی به شمار می رود. هدف سازمان ملل متحد در این معاهده، حفظ صلح و امنیت بین المللی تعریف شده است. نکته قابل توجه این است که در بند یک از ماده اول منشور و در عرصه هدف های سازمان ملل متحد، جایگاه خاصی به امر حفظ صلح و امنیت بین المللی تفویض شده است. با این حال، در منشور، تعریفی از صلح به عمل نیامده است. پس چنین می توان استنباط کرد که منشور به طور کلی، به حفظ صلح و به عبارتی، به پیش گیری از تجاوز و رفع آن نیز توجه داشته است. به دیگر سخن، منشور به صلح نه تنها

۱- [۱] . سازمان های بین المللی، صص ۸۴ و ۸۵ .

به عنوان نبود جنگ در یک دوره کوتاه، بلکه به مثابه ایجاد دنیای مسالمت آمیز براساس ارزش های متعالی انسانی می نگرد.(۱)

گفتنی است متأسفانه در عمل دیده ایم که اقدامات سازمان ملل در برخی موارد در راستای اهداف قدرت های بزرگ و قدرت هایی است که از حق وتو برخوردارند. این مسئله نیز از نظر حقوقی و سیاسی با اهداف والایی که برای سازمان ملل متحد در منشور آن تعریف شده است، مغایرت دارد.

گفتار سوم: عملکرد سازمان ملل متحد در مسئله خلع سلاح

اشاره

خلع سلاح(۲) عمومی، اختراع و ابداع جدیدی در حقوق بین الملل عمومی نیست،ولی کاهش تدریجی سلاح، نقش مهمی را در ساختار حفظ صلح و امنیت بین المللی ایفا می کند و در میثاق جامعه ملل نیز جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده بود؛ زیرا حیات و بقای جامعه بشری به کنترل و کاهش تسلیحات در جهان بستگی کامل دارد. دلیل آن جنگ جهانی دوم است که از سال ۱۹۳۹ آغاز شد و تا سال ۱۹۴۵ ادامه داشت و دست کم ۵۰ میلیون نفر در این مدت کشته شدند. در اواخر سال ۱۹۴۵ سلاح های جنگی در دست شمار معدودی از کشورهای جهان قرار داشت.

بند یک ماده ۱۱ منشور ملل متحد می گوید:

مجمع عمومی می تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین المللی از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد این اصول به اعضا یا شورای امنیت یا هر دو، توصیه هایی کند.

۱- [۱] . سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۱۴.

۲- [۲] . Le de'sarmement.

براساس ماده ۲۶ منشور ملل متحد، برای کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین المللی با به کاربردن تدابیری برای صرف کم ترین منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک ستاد نظامی یاد شده در ماده ۴۷، طرح هایی را برای وضع اصول تنظیم تسلیحات، تهیه و به اعضای سازمان ملل تقدیم کند.

مهم ترین دستاورد گسترش حقوق بین الملل عمومی، تصویب ـ کنوانسیون منع کشتار جمعی ـ (۱) در سال ۱۹۴۸ است که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در اجلاس ویژه سال ۱۹۷۸ سازمان ملل متحد در مورد خلع سلاح، از همه کشورهای تولید و عرضه کننده اصلی تسلیحات و خریداران آن خواسته شد که برای تأمین امنیت و استقرار صلح در جهان، انتقال سلاح های معمولی را محدود کنند.

در سال ۱۹۸۲ م در دومین ـ اجلاس مخصوص خلع سلاح ـ و سومین ـ اجلاس مخصوص خلع سلاح ـ که در سال ۱۹۸۷ تشکیل گردید، همه کشورهای جهان بر توصیه های اجلاس اول تأکید کردند و خواستار تحقق امور زیر شدند:

یک ـ توقف کامل آزمایش سلاح های هسته ای از جمله آزمایش زیرزمینی و تنظیم و امضای قراردادهای منع آزمایش های هسته ای؛

دو ـ تنظیم و تثبیت سقف سلاح های هسته ای همه کشورهای دارنده سلاح هسته ای به ویژه کشورهای شوروی سابق و امریکا.(۲)

۱- [۱]. Convention Genocide.

۲- [۲]. سید عبدالمجید قایم مقام فراهانی، حقوق بین الملل سازمان های بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

باید دانست با وجود این که منشور ملل متحد به موضوع خلع سلاح توجه کرده است، ولی اهمیت خاصی برای آن قایل نیست و در این زمینه هیچ نوع محدودیتی برای دولت ها در نظر نگرفته است. تنها شورای امنیت و مجمع عمومی را مأمور می کند طرح هایی را برای تنظیم تسلیحات، تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم کنند.(۱) دلایل توجه ناکافی منشور به خلع سلاح بدین قرار است:

۱. هنگام تدوین منشور هنوز سلاح های هسته ای اختراع نشده بود. بنابراین، میزان خطری که این گونه سلاح ها برای صلح و امنیت بین المللی دارند، برای طراحان منشور روشن نبود.

۲. در زمان تدوین منشور، این خوش بینی وجود داشت که با ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی و تأسیس یک پلیس بین المللی براساس فصل هفتم منشور، صلح و امنیت در جهان برقرار خواهد شد و شورای امنیت خواهد توانست با همکاری کمیته نظامی، راه هایی را برای خلع سلاح، تهیه و تسلیم کند. البته این خوش بینی دیری نپایید.(۲)

نکته دیگر در مورد خلع سلاح این است که اگرچه مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۹ تاکنون این مسئله را در دستور کار خود قرار داده، ولی اختلاف نظر میان دولت هایی که بیش ترین سهم را در روند نظامی شدن جهان دارند، مانع تحقق این هدف انسانی شده است. اختلاف اساسی میان

۱- [۱] . مواد ۱۱ و ۲۶ منشور.

۲- [۲] . سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۳.

امریکا و شوروی از همان ابتدای تشکیل ـسازمان ملل متحدـ، مانع هرگونه پیشرفت در زمینه خلع سلاح بود.(۱)

اکنون در دو بخش، به بررسی اجمالی عملکرد سازمان ملل در دو مورد مشهود خلع سلاح؛ یعنی ـخلع سلاح هسته ای و خلع سلاح شیمیایی ـمی پردازیم.

۱. خلع سلاح اتمی

الف) مسابقه تسلیحات هسته ای

امریکا نخستین کشوری بود که به طور موفقیت آمیز به این سلاح دست یافت و در نتیجه، تنها قدرت هسته ای و به تبع آن از نظر استراتژیکی، برترین قدرت جهان شد. امریکا تا نیمه دهه ۱۹۶۰ هم چنان قدرت اتمی بدون رقیب بود تا این که با دست یابی اتحاد شوروی به سلاح هسته ای، قدرت انحصاری امریکا شکسته شد و دوران جدیدی در روابط و استراتژی سیاسی بین المللی به وجود آمد. پس از این دوران بود که مسابقه تولید و انباشت سلاح مرگبار اتمی شتاب بیش تری یافت.

به اعتقاد نظریه پردازان غرب، در دوران جنگ سرد، توان هسته ای امریکا در مرتبه اول و انگلستان و فرانسه در مرتبه بعدی، تأثیر بازدارنده ای بر دولت های عضو پیمان ـورشو ـداشته است. گفتنی است که با وجود فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، بازدارندگی هسته ای جایگاه خود را در راهبرد نظامی غرب حفظ کرده است.

اهمیت فوق العاده بازدارندگی هسته ای نزد قدرت های هسته ای، آن ها را وا می دارد تا در مقابل حرکت هایی که در مقام اثبات نامشروع بودن تهدید به

۱- [۱] . سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۵۳.

استفاده یا استفاده از سلاح هسته ای برمی آیند، سرسختانه موضع بگیرند.(۱) به اعتقاد برخی نویسندگان،(۲) زمام داران امریکا چه در گذشته و چه در حال حاضر با صراحت اعلام کرده اند که در صورت لزوم، امریکا اولین کشوری خواهد بود که سلاح های اتمی را به کار خواهد برد.(۳)

این نتیجه را واقعیت های امروزی نیز تأیید می کند. اصرار قدرت های هسته ای به ویژه امریکا بر حفظ و نگهداری ذخایر سلاح های هسته ای و حتی افزایش کارآیی و نوسازی آن ها حکایت از این دارد که آن ها نمی خواهند از اتکای خود به این نیرو چه در روابط خود با دیگران و چه در روابط خود با اعضای باشگاه هسته ای صرف نظر کنند.

توجه به قطع نامه ۳۷/۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶) با عنوان _ممنوعیت توسعه و ساخت انواع سلاح های کشتار جمعی و تعبیه سیستم های جدید برای این سلاح ها_، از این نظر بسیار با اهمیت به نظر می رسد. هر چند اجرای محدود موافقت نامه استارت به وسیله امریکا و روسیه و آغاز برچیدن شماری از کلاهک های اتمی را نمی توان نادیده گرفت، ولی نباید فراموش کرد که این دو کشور، شمار کلاهک های هسته ای خود را از ۱۲ هزار در دهه ۱۹۶۰ به بیش از ۵۰ هزار در پایان دهه ۱۹۸۰ رسانده اند!

ص:۳۱

۱- [۱] . جمشید ممتاز، حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق: امیر حسین رنجبریان، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۳۴ و ۳۵.

۲- [۲] . ایرج صدیقی، «ایالات متحده امریکا و استعمال سلاح های هسته ای»، مجله حقوق بشر نشریه کمیته ایرانی حقوق بشر، ش ۳۱، ص ۱۶ به بعد.

۳- [۳] . استفاده دهشت زای امریکا از این انرژی در بمباران دو شهر هیروشیما و ناکازاکی ژاپن و کشتار شمار زیادی از غیرنظامیان در این شهرها، مصداق برجسته عملکرد امریکا در پای بند نبودن به معاهده های بین المللی در این زمینه است. شمار کشتگان و زخمیان این حادثه اگرچه متفاوت نقل شده، ولی قدر مسلّم این است که یکصد و پنجاه هزار نفر در حمله اتمی روزهای ششم و نهم اوت ۱۹۴۵ جان باخته اند که بیشترشان غیرنظامی بوده اند.

ب) معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای

مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۶۱ در قطع نـامه ۱۶۶۵، اهمیت و آثـار پیش گیری از گسترش سـلاح هـای هسـته ای را یادآور شد. پس از آن، مجمع با تصویب چند قطع نامه دیگر به تأیید سیاست خود در این باره پرداخته است که مهم ترین آن، قطع نامه ۲۰۲۸ در سال ۱۹۶۵ است. این قطع نامه، خطوط اصـلی و کلی و مهم ترین مطالب معاهـده آتی منع گسترش را تبیین کرد. از نظر مجمع، معاهـده آتی می بایست تهی از «گریزگاه هایی باشـد که به قـدرت های هسـته ای یا غیر آن، امکان تکثیر مسـتقیم یـا غیر مسـتقیم سـلاح هسته ای را می دهـد.» وانگهی این معاهـده براسـاس نظر مجمـع می بـایست تـوازن معقولی در مسئولیت و تعهـدهای مشترک قـدرت های هسـته ای و دیگر دولت ها برقرار کنـد. در عمل، معاهـده منع گسترش که مذاکره های آن در کنفرانس خلع سـلاح برگزار شـد، درصـدد حفظ وضع موجود برآمـد. در واقع، ماده ۹ معاهده در عمل، وضـعیت دولت هسـته ای را برای شـماری از دولت ها شـناسایی کرد. براساس این ماده، اصطلاح _دولت هسته ای _به دولتی گفته می شود که تا پیش از ژانویه ۱۹۶۷ یک سلاح هسته ای یا وسیله انفجاری ساخته و منفجر کرده باشد.(۱)

هرچند دیدگاه ها درباره این معاهده متفاوت است، ولی برخی حقوق دانان معتقدند که آن چه در ابتدای امر برای قدرت های اتمی اهمیت داشت، این بود که مانع دست یابی دولت های دیگر به این سلاح شوند و با این معاهده، پای

۱- [۱] . حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، صص ۳۵ و ۳۶.

بندی به چنین وضعیت نابرابری را از دیگر دولت ها تضمین گرفتند.(۱) برخی دیگر اعتقاد دارند که معاهده اساساً معاهده ای دوجانبه میان دو قدرت اتمی؛ یعنی امریکا و شوروی بود. تعریف نشدن سلاح هسته ای، پیش بینی نکردن حق شرط و حق تفسیر، نبود نظارت بر فعالیت دولت های هسته ای، موکول شدن حق خروج دولت ها از معاهده به موافقت شورای امنیت که اعضای اصلی آن امریکا و شوروی هستند و برخی موارد دیگر بیانگر وضعیت نابرابر دولت ها در مقابل امریکا و شوروی در این معاهده است.(۲)

نکته قابل تأمل این است که در عمل هم چنان شاهد رعایت نقض این معاهده چه از سوی دولت های صاحب سلاح هسته ای و چه از سوی دولت های بدون سلاح هسته ای هستیم. برای نمونه، دولت عراق که عضو این معاهده است، با نقض معاهده به ویژه ماده ۲(۳) معاهده، برنامه غنی سازی اورانیوم را به اجرا گذارده بود که مأموران _آژانس بین المللی اتمی _موفق به کشف آن شدند و با تصویب قطع نامه ای، حرکت عراق را به دلیل نقض معاهده محکوم کردند و از شورای امنیت خواستند تا پی گیر موضوع باشد.(۴)

۱- [۱] . برای مطالعه بیش تر نک: هدایت اللّه فلسفی، «نابرابری دولت ها در قبول و اجرای معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای؛ تصورات و واقعیات»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۱۸ و ۱۹، صص ۱۵ _ ۱۷.

۲- [۲] . نک: ابراهیم بیگ زاده، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای در قلمرو حقوق بین الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۶ _ ۱۷، صص ۲۵۸ _ ۲۷۶.

۳- [۳] . بر اساس ماده ۲، هر یک از دولت های بدون سلاح هسته ای متعهد است از «قبول مستقیم یا غیر مستقیم انتقال سلاح هسته ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته ای یا کنترل بر این سلاح ها از هر انتقال دهنده ای خودداری کند و به هیچ صورت، سلاح هسته ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته ای نسازد و تحصیل نکند و برای ساختن آن در پی جست و جو یا قبول کمک بر نیاید».

۴- [۴] . حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ص ۳۷.

دولت های صاحب سلاح هسته ای با زیرپا گذاشتن تعهد خود در انتقال ندادن فن آوری هسته ای به دیگر دولت ها یا در کمک به دولت ها برای استفاده صلح جویانه از این انرژی، همگی نقض این معاهده را در عمل به اثبات رسانیده است به عنوان مثال، در بیانیه ای که به تصویب سومین اجلاس کنفرانس دولت های عضو در سال ۱۹۸۵ رسید، کمک های اعطایی به اسرائیل و افریقای جنوبی برای دست یابی آن ها به سلاح هسته ای افشا شد، بدون این که نامی از دولت های مظنون به میان آید. اعمال فشار امریکا برای باز داشتن روسیه از تحویل تجهیزات اتمی به ایران برای استفاده صلح جویانه نیز می تواند موردی از بی توجهی دولت های صاحب سلاح هسته ای به تعهد خود باشد. این در حالی است که دولت ایران عضو معاهده منع گسترش است و با آژانس، موافقت نامه امنیتی(۱) امضا کرده است. بازرسان آژانس نیز در بازرسی های متعدد و متناوب خود به صراحت اعلام کرده اند که «ایران به صورت شایسته ای به تعهداتش در قبال معاهده منع گسترش عمل می کند و ما در بازرسی های خود هیچ گونه نشانه ای از برنامه های نظامی به دست نیاوردیم».(۲)

سازمان ملل متحد و مجمع عمومی آن هم چنان به فعالیت های خود در راه خلع سلاح ادامه می دهند،(۳) ولی در این شرایط که میان حرف و عمل

۱- [۱] . موافقت نامه نوع ۲۱۴ _ INFCIRC .

۲- [۲] . حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ص ۳۵ به بعد.

۳- [۳] . از دیگر فعالیت های سازمان ملل و مجمع عمومی می توانیم موارد زیر را برشمریم: _ صدور قطع نامه های کاهش بودجه نظامی کشورها، منع آزمایش های اتمی، تثبیت تسلیحات متعارف؛ _ صدور قطع نامه از سوی شورای امنیت در زمینه نابرابری قدرت هسته ای در جهان ۱۹۹۵؛ _ موافقت نامه ممنوعیت انبار کردن سلاح های اتمی و دیگر سلاح های کشتار و تخریب در قعر دریاها و اقیانوس ها و بخش زیرزمینی که مشتمل بر یازده ماده بوده و براساس ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و هم سو با حقوق بین الملل، امضا شده است. نک: سید عبدالمجید قایم مقام فراهانی، حقوق بین الملل، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۳۴. متن موافقت نامه ها به فارسی ترجمه شده است. _ فعالیت هایی که سازمان ملل متحد در راه ایجاد مناطق تهی از سلاح اتمی در مناطقی از جهان مثل اروپا، خاورمیانه و... انجام داده است. (برای آشنایی بیش تر با فعالیت های سازمان ملل در این باره نک: سید عبدالمجید قایم مقام فراهانی، حقوق بین الملل سازمان های بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۱۰۸ _ ۱۱۰ و جمشید ممتاز، حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ص ۴۲ به بعد).

سازمان های فراگیر بین المللی، تفاوت فاحشی وجود دارد و در بسیاری موارد، جاه طلبی قدرت های بزرگ مانع تحقق اهداف مثبت این سازمان ها و سازمان ملل می شود، شایسته است که در مجامع بین المللی به ویژه مجمع عمومی سازمان ملل درباره پیوستن دیگر کشورها به ـپیمان خلع سلاح هسته ای_ و تقویت معاهده یاد شده، اقدام بین المللی صورت گیرد. اکنون خطرناک ترین کشورها اهمیتی برای این پیمان، قایل نیستند. قدرت تسلیحاتی امریکا و اسرائیل، نمود بین المللی آن است که چشم انداز آینده جهان را مبهم ساخته اند.(۱)

۲. خلع سلاح شیمیایی و بیولوژیک

الف) قطع نامه ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو

کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ ها از دوره های قدیم به عنوان روشی ناپسند شناخته شده است. حقوق دانان رومی با صراحت به این موضوع اشاره کرده اند که «جنگ باید با اسلحه باشد نه با سم».(۲) البته در آموزه های اسلامی نیز این مسئلهمهم را می توانیم بیابیم و در فتواهای مراجع بزرگ شیعه و سنی به مواردی از حکم این مسایل برخورد می کنیم که آیا کاربرد این سلاح ها در جنگ جایز است یا خیر و اگر جایز است، در چه حالتی؟

۱- [۱] . صلاح الدین چشمه خاور، «چشم انداز مبهم پیمان خلع سلاح هسته ای»، روزنامه رسالت، ۲۱/۷/۷۶.

۲- [۲] . Armisbella Non Veneris Geri.

به هر حال، همه مردم دنیا کاربرد این سلاح ها را ناپسند می دانند و سازمان ملل متحد که حافظ صلح و امنیت بین المللی است، در سال ۱۹۶۶ اولین قطع نامه خود را در مورد سلاح های شیمیایی و بیولوژیک صادر کرده است.(۱) مهم ترین سند بین المللی در مورد این سلاح ها، _پروتکل ۱۹۲۵ ژنو_ است. در مقدمه این پروتکل تأکید شده که کاربرد سلاح های شیمیایی و بیولوژیک «مورد تنفر افکار عمومی دنیای متمدن» است و منع به کارگیری آن با «وجدان و رویه معمول ملل» هم آهنگی دارد. براساس این پروتکل، دولت ها متعهد می شوند ممنوعیت کاربرد سلاح های شیمیایی را به رسمیت بشناسند و این ممنوعیت را شامل وسایل جنگ بیولوژیک نیز بدانند.

ب) موارد نقص پروتکل

از جمله ضعف ها و نقص های این پروتکل باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱. متن پروتکل بسیار خلاصه بود و بیش از آن که شبیه اسناد حقوقی معمول و دربردارنده جزئیات مسئله باشد، به اعلامیه اصولی می ماند که به بیان اصول کلی بسنده کرده است.

۲. پروتکل ژنو تنها استفاده از این سلاح را ممنوع می کند، نه نگهداری آن را. هنگام تصویب پروتکل، دولت های فرانسه و امریکا در حق شرط های خود با صراحت اعلام کرده بودند در مواردی که دولت دشمن یا متحدانش این ممنوعیت را رعایت نکند، آن ها نیز ملزم به رعایت پروتکل نیستند؛ یعنی آن ها نیز باید متعهد شوند که اولین استفاده کننده نباشند. وانگهی این مسئله

۱- [۱] . نک: محمد علی بصیری، کاربرد سلاح های شیمیایی از جنگ جهانی اول تاکنون؛ مسایل تاریخی، حقوقی، سیاسی و دیدگاه اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۸.

مطرح بود که آیا پروتکل، علف کش ها را نیز دربرمی گیرد یا خیر؟ امریکا با تفسیر مضیق این پروتکل، از این گونه علف کش ها در ویتنام به صورت گسترده استفاده کرد که این تفسیر با تفسیر مجمع عمومی سازمان ملل مغایر بود.

۳. اجمال پروتکل در منع استفاده از سلاح های شیمیایی و بیولوژیک در درگیری های بین المللی یا همه درگیری ها که اتحادیه عرب به تفسیری مضیق از آن معتقد بود.

۴. نبود فهرستی از سلاح های شیمیایی و مواد شیمیایی ممنوع در متن پروتکل.

۵. نبود راهکاری برای نظارت بر ممنوعیت های مقرر در پروتکل ژنو.

وجود این ضعف ها سبب شد که در کنوانسیون سلاح های بیولوژیک و شیمیایی درصدد رفع آن بر آیند. (کنوانسیون منع گسترش، تولید و انباشت سلاح های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آن ها [۱۹۷۲] و کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح های شیمیایی و انهدام آن ها [۱۹۹۳])

پیوستن ایران به کنوانسیون دوم هر چند با روندی تقریباً ۵ ساله همراه بود، ولی از این نظر قابل تقدیر است که به اعتراف محافل و رسانه های غربی، ایران در حالی به این کنوانسیون پیوست که دولتی چون عراق را در همسایگی خود دارد و در همین منطقه، دولت اسرائیل وجود دارد که بارها به طور رسمی اعلام کرده است به این کنوانسیون نخواهد پیوست. با وجود این مسایل و فشارهای سیاسی، مفاد این کنوانسیون ها در عمل رعایت نشده

است یا دست کم دولت هایی که از خلع سـلاح شـیمیایی دم می زننـد، پای بنـدی چنـدانی به این معاهده ها ندارند. متأسـفانه سازمان ملل و شورای امنیت نیز در مقابل کاربرد این سلاح ها، مواضع قدرت مندانه ای از خود نشان نداده اند. مواضع شورای امنیت در قبال کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، گواه ما است. افزون بر آن، محکوم کردن عراق از سوی جامعه بین المللی نیز تا سال های پایانی جنگ به طول انجامیـد.(۱) باید دانست تنها دولت های عضو اتحادیه اروپا در ۲۵ می۱۹۸۷ م با ذکر نام عراق، آیین نامه ای را تصویب کردند.

۱- [۱] . حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، صص ۱۹ ــ ۳۱.

فصل دوم: ارکان اصلی سازمان ملل متحد و عملکرد آن ها در سطح بین الملل

اشاره

این سازمان _ که شاخص ترین و پیچیده ترین سازمان بین المللی است _ از بخش های زیر تشکیل یافته است:

۱. ارکان اصلی سازمان ملل متحد

۲. ارکان فرعی سازمان ملل متحد

۳. مؤسسه های تخصصی (کارگزاری های تخصصی) وابسته به سازمان ملل متحد

۴. مؤسسه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد

در این فصل، بخش اول از این موارد را بررسی می کنیم. سازمان ملل دارای ۶ رکن اصلی است که عبارتند از:

۱. شورای امنیت

۲. مجمع عمومی

۳. دیوان بین المللی دادگستری

۴. دبیرخانه

ص:۳۹

۵. شورای اقتصادی و اجتماعی

۶ . شورای قیمومت

گفتار اول: شورای امنیت

اشاره

(۱)

در ماده ۱ منشور، یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین المللی بیان گردیده و براساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد، این وظیفه بر عهده شورای امنیت گذاشته شده است. تدوین کنندگان منشور با توجه به ناتوانی جامعه ملل در مقابله با آفت جنگ، این بار وظیفه خطیر استقرار صلح و امنیت بین المللی را به شورایی واگذار کردند که در آن، فاتحان جنگ جهانی دوم (امریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه) و چین از امتیاز ویژه برخوردار بودند. بدین ترتیب، شورای امنیت با اختیاراتی گسترده، مجری امنیت مشترک شد و در مقام رکن انتظامی، مسئول استقرار نظم و امنیت در جهان گردید. برای رسیدن به این هدف والا، شورای امنیت در چارچوب مقررات فصل ششم منشور، در مقام میانجی و درچارچوب مقررات فصل هفتم، هم چون مجری نظم، عمل می کند.(۲)

۱. ساختار شورای امنیت

شورای امنیت براساس ماده ۲۳ منشور، ۱۵ عضو دارد که پنج عضو آن دایم و ۱۰ عضو آن غیر دایم هستند. جمهوری خلق چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و ایالات متحده امریکا اعضای دایم شورای امنیت هستند که افزون بر امتیاز

۱- [۱] . Security Council.

۲- [۲] . سید داوود آقایی، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران، نشر پیک فرهنگ، ۱۳۷۵، صص ۱۴۹ _ ۱۵۰.

عضـویت دایم در این شـورا، از امتیـاز ویژه ای به نـام ـ«حـق وتو» ـنیز برخوردارنـد. ـد.و.بـاوت ـ بر این اعتقـاد است که در حقیقت، شـناسایی این پنج کشور در سال ۱۹۴۵ به عنوان قـدرت های بزرگ یک قضاوت سیاسـی بر مبنای حقایق موجود در آن زمان بود؛ زیرا نمی توان ادعا کرد که این پنـج کشور همواره به صورت پنـج قـدرت اول جهان باقی خواهند ماند. البته در این که این پنـج کشور با توجه به مسایل مطرح شـده در سال های پایانی قرن بیسـتم، اکنون نیز پنـج قـدرت اول جهان باشـند، تردیـد وجود دارد. همین نکته، منشور ملل متحـد را از پویایی باز می دارد و سازمان ملل را که با قصد پایداری به وجود آمده اسـت، هنگـام بروز تغییرهـای بنیـادین در قـدرت دولـت هـا، بـا مشـکل روبـه رو می سـازد. آیین تجدیـد نظر در منشـور نیز بر پیچیدگی این مشـکل می افزاید؛ زیرا به موجب مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ منشور ملل متحـد، هرگونه تجدیـد نظر در متن منشور باید با رضایت ۵ کشور یاد شده صورت گیرد و بدیهی است که هیچ یک از اعضای دایم، به سـلب امتیازهای خود رضایت نخواهند داد.(۱)

۲. وظایف و حدود صلاحیت شورای امنیت

منشور ملل متحد، وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت محول کرده(۲) و براساس فصل های ششم و هفتم و هشتم، اختیارات لازم را در اجرای این وظیفه به آن شورا داده است.(۳)

ص:۴۱

۱- [۱] . د.و.باوت، حقوق نهادهای بین المللی، برگردان: هومن اعرابی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۳، صص ۵۳ و ۵۴.

۲- [۲] . بند ۱ ماده ۲۴ منشور.

۳- [۳] . سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۱۸۰.

شورا در اجرای وظیفه اصلی خود ــ حفظ صلح و امنیت بین المللی ــ از دو راه عمل می کند:

الف) مداخله مسالمت آمیز در حل اختلاف هایی که احتمال دارد صلح وامنیت بین المللی را به خطر بیاندازد یا فراهم آوردن وسایل حل اختلافات (فصل ششم منشور).

شورای امنیت بر اساس ماده ۳۴ منشور می تواند «در هر مورد اختلاف یا وضعیتی که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین المللی شده یا موجد اختلافی گردد، تحقیقاتی را انجام داده و تعیین کند که آیا ادامه آن اختلاف یا وضعیت می تواند حفظ صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره افکند».

هنگامی که طرف های اختلاف نتوانند آن را براساس ماده ۳۳ حل و فصل کنند، بایستی براساس ماده ۳۷، آن را به شورا احاله کنند. هرگاه شورای امنیت مطمئن شود که امکان دارد در اثر ادامه اختلاف، صلح و امنیت جهان به مخاطره بیافتد، می تواند نه تنها روش های اجرایی، بلکه شیوه های حل و فصل را آن گونه که مناسب می داند، توصیه کند.

به هر حال، توصیه های شورا در این فصل، تعهد حقوقی برای طرفین ایجاد نمی کند، ولی در بیش تر موارد سبب وارد آوردن فشار سیاسی زیادی می شود. در مجموع، مداخله های شورا در این زمینه، به قدر کافی ناامید کننده بوده است.(۱)

ص:۴۲

۱- [۱] . جهانگیر کرمی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ص ۵.

ب) مداخله قهرآمیز یا در پیش گرفتن روش های اجبار کننده پس از شکست شیوه اول (صل هشتم منشور).

شورا می تواند تصمیم های الزام آور بگیرد؛ زیرا همه اعضای سازمان ملل متحد براساس ماده ۲۵ منشور موافقت کرده اند که تصمیم های شورای امنیت را عملی سازند. البته برداشت کلی این است که تصمیم های الزام آور شورا تنها در مورد «تهدید علیه صلح یا نقض صلح یا اعمال تهدید علیه صلح و اقدامات تجاوزکارانه» گرفته می شود.

در این باره، باید به دو نکته توجه کرد:

یک ـ شناسایی مواد مندرج در ماده ۳۹ حق شورا است یا تکلیف آن. هر چند در این باره، اتفاق نظری وجود ندارد، ولی می توان این گونه بیان داشت که تکلیف شورا در این است که مورد را بررسی کند و در صورت احراز نقض صلح یا تهدید علیه صلح، توصیه هایی داشته باشد یا بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲، به اقدام عملی دست بزند. پس نمی توانیم بگوییم که شورا حتماً مسئول است نقض صلح یا تهدید صلح را احراز کند.

دو ـ آیا صلاحیت شورای امنیت در این زمینه با محدودیت روبه رو است یا نامحدود است؟

اقدامات شورای امنیت در سال های اخیر موجب نگرانی افکار عمومی در جهان سوم شده است؛ زیرا قدرت انحصاری شورا به عنوان باشگاهی متشکل از چند قدرت بزرگ، حاکمیت دولت های دیگر را در معرض تهدید قرار داده است. در سال های اخیر شاهد برخورد متقابل درباره صلاحیت شورا بوده ایم. از یک سو، دولت های غربی به ویژه اعضای دایم شورای امنیت بر دکترین

نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت تأکید دارند و در مقابل، دولت های جهان سوم، صلاحیت شورای امنیت را محدود می داننـد و بر حاکمیت و صـلاحیت داخلی خود پافشاری می کنند. از طرفی می بینیم که نامحدود بودن صـلاحیت شورای امنیت موجب نادیده گرفتن برخی جنبه های اساسی بحران و نا امنی جهانی شده و به برخی دیگر اهمیت داده است.(۱)

به هر حـال، هر چنـد نمی توانیم شورای امنیت را خیلی محـدود کنیم، ولی قـدر مسلّم این است که این شورا در عمل، با یک سری محـدودیت ها چون: منشور ملل متحد و عمل در قالب آن، محدودیت های خاص در مداخله بشـر دوسـتانه، نظارت های موجود بر تصـمیم های شورا و محـدودیت های سیاسـی روبه رو است. پس شورا نمی توانـد به صورت نامحدود در برخورد با نقض صـلح یا عمل تجاوزکارانه در صحنه بین المللی ظاهر گردد. به ویژه اعضای دایم نمی توانند با این نامحدود تفسیر کردن عمل شورا، به صورت دلخواه و نامحدود در عرصه بین الملل دخالت داشته باشند.(۲)

۳. شورای امنیت و حقوق بشر

«تشویق و احترام به حقوق بشـر و آزادی های اساسـی برای همه و بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب»(۳) از جمله اهـداف منشور ملل متحد است که در بند ج ماده ۵۵ نیز مورد تأکیـد قرار گرفته است. اعضای سازمان ملل متحد براساس ماده ۵۶ منشور متعهد می شوند که برای رسیدن به اهداف

۱- [۱] . همان، صص ۲۲ ـ ۲۴.

۲- [۲] . نک: محمد شریف، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

۳- [۳] . بند ۳ ماده یک منشور.

مندرج در ماده ۵۵، در همکاری با سازمان ملل متحد، اقدامات فردی یا دسته جمعی را به عمل آورند.(۱)

در مورد حقوق بشر و اجرای موارد بالا ـ به طور خاص، براساس بند ب ماده ۱۳ و بند ۲ ماده ۶۲، وظایفی به مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی محول شده است. در مورد وظایف شورای امنیت در این زمینه، با توجه به رویکردها و تحولات جدید بین المللی، موضوع حقوق بشر در قلمرو حفظ صلح و امنیت بین المللی در دستور کار شورای امنیت قرار می گیرد.(۲)

به موجب بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۴ منشور، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی به عهده شورای امنیت واگذار شده است. نقض فاحش حقوق بشر از جمله مواردی است که به احتمال زیاد به بروز جنگ می انجامد. براساس این وظیفه، شورا باید مراقب هرگونه اقدامی باشد که به حفظ صلح جهانی لطمه می زند.

هم چنین براساس ماده ۳۴ منشور که مربوط به حل مسالمت آمیز اختلافات است، شورای امنیت وظیفه دارد به نقض فاحش حقوق بشر و آزادی های اساسی که احتمال دارد صلح جهانی را به خطر اندازد، مانند هر وضعیت دیگری که تهدید علیه صلح به شمار می آید، رسیدگی کند.(۳) با توجه به کلیت متن ماده ۳۹ منشور، می توانیم نقض فاحش حقوق بشر را هم یکی

۱- [۱] . تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، ص ۲۱.

۲- [۲] . حسین شریفی طرازکوهی، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۲۲.

۳- [۳] . منوچهر گنجی، سازمان ملل متحد در عمل، شرکت سهامی کتاب های حبیبی، ۱۳۵۲، ج ۲، صص ۴۲۴ ـ ۴۲۵.

از موارد «تهدید علیه صلح» بدانیم که شورا باید اقدامات مقتضی را در این مورد انجام دهد.

نکته قابل درنگ این است که «بدیهی است تشخیص مصداق تخلف و نقض حقوق بشر از ماهیت قضایی برخوردار است. پس واگذاری توصیف و تشخیص به رکنی که دارای ماهیت و کارکرد سیاسی است، به منزله اعطای اختیارات قضایی به رکن سیاسی است که با منطق حقوق سازگار نیست و در منشور ملل متحد نیز [به طور خاص] در نظر گرفته نشده است. توصیف و بررسی و احراز اتهام انتسابی، سازوکارهای قضایی ویژه ای را می طلبد و در پرتو اصول کیفری هم چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات صورت می پذیرد به ویژه آن که شورای امنیت در زمینه وظایف اصلی خود، عملکرد قابل انتقادی داشته است».(۱)

توجه به رفتار شورای امنیت در «بحران های سومالی و هاییتی و نوع عینی تر و ملموس تر آن، یعنی جنگ بوسنی و هرزه گوین و بحران افغانستان [و] برخوردهای متفاوت و گزینشی در مورد آن ها به محکومیت اقدامات شورای امنیت ختم می شود».(۲) (در ادامه هر یک از این موارد مورد بررسی قرار می گیرد).

نکته دیگر در مورد شکست اقدامات سازمان ملل به ویژه اعلامیه حقوق بشر این است که افزون بر ناکامی حقوق دانان غربی و تنظیم کنندگان اعلامیه در تشخیص درستی مواد حقوقی مندرج در آن، دلیل اصلی ناکامی این

۱- [۱] . حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، صص ۲۲ _ ۲۳ پاورقی.
۲- [۲] . همان، ص ۲۲.

اعلامیه و اقدامات سازمان را باید در مبانی حقوق بشر غربی و الحادی بودن آن جست وجو کرد؛(۱) زیرا این مبانی با همه فرهنگ ها، قومیت ها و مذاهب هم خوانی ندارد و به همین دلیل، در عمل، شاهد معطل ماندن این اعلامیه در بسیاری از کشورها شده ایم. البته در عمل ثابت شده که این اعلامیه تنها دستاویزی مناسب و خاستگاهی بی خطر برای ابرقدرت ها است و بس.

۴. بررسی اقدامات شورای امنیت درباره مسایل ایران

مورد اول _ شکایت انگلستان به دیوان بین المللی دادگستری در مورد ملی شدن صنعت نفت ایران

دولت انگلستان در ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۱ با فرستادن نامه ای به شورای امنیت، از این شورا خواست چون ایران اقدامات تأمینی از طرف دیوان بین المللی دادگستری در زمینه شرکت نفت انگلیس و ایران را رعایت نکرده است، این موضوع در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد.

جلسه شورا از ۱۳ تا ۱۸ اکتبر ۱۹۵۱ برای رسیدگی به شکایت انگلستان تشکیل گردید. ریاست هیأت نمایندگی ایران را در این جلسه ها، دکتر _محمد مصدق_، نخست وزیر وقت عهده دار بود. مصدق در مورد صلاحیت نداشتن شورای امنیت برای رسیدگی به این اختلاف سخن گفت. شورای امنیت نیز مقرر داشت تا هنگامی که دیوان بین المللی دادگستری درباره صلاحیت خود اظهار نظر نکرده است، موضوع مسکوت بماند. گفتنی است دیوان بین المللی

۱- [۱] . عبداللّه جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، ۱۳۷۷، صص ۲۵۷ _ ۲۵۸.

دادگستری بعدها به صلاحیت نداشتن خود برای رسیدگی به این قضیه رأی داد.(۱)

۵. مداخله بشر دوستانه شورای امنیت و تحلیل آن از منظر حقوق بین الملل

اشاره

مداخله بشر دوستانه، دخالتی است که با استفاده از زور و برای جلوگیری از نقض حقوق افراد صورت می گیرد. هدف از این مداخله، جلوگیری از رنج انسان، پیش گیری از ــژنوسیدــ یا کشتار جمعی تا کشتارهای کوچک(۲) و به صورت کلی، جلوگیری از نقض حقوق انسانی است. در ادامه، مواردی از مداخله های انسان دوستانه شورای امنیت را در برخی کشورها مطرح و مسایل حاشیه ای آن را از دیدگاه حقوق بین المللی تحلیل می کنیم.

مورد دوم ــ قضیه گروگان های امریکایی در ایران (۹ نوامبر ۱۹۷۹)

شورای امنیت در ۹ نوامبر ۱۹۷۹ بنابر درخواست ایالات متحد امریکا، جلسه غیر علنی تشکیل داد. در پایان این جلسه، اعضای شورای امنیت به اتفاق آرا، بیانیه ای را تصویب کردند که در آن اعلام شد شورا قصد مداخله در امور داخلی هیچ کشوری را ندارد»، ولی موازین رفتار بین المللی، مصونیت دیپلمات ها را ایجاب می کند. در این بیانیه، با «لحنی قوی» از دولت ایران خواسته شد تا گروگان های امریکایی را آزاد کند. شورای امنیت در ۷ دسامبر ۱۹۷۹ با صدور قطع نامه ای خواستار آزادی فوری گروگان ها شد.

ص:۴۸

۱- [۱] . همان، ص ۱۷۲.

۲- [۲] . شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، صص ۴۷ ــ ۴۸.

هم چنین در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ با ۱۱ رأی موافق قطع نـامه ای را تصویب کرد که در آن گروگـان گیری محکوم شـده بود. در این قطع نـامه آمـده بود که اگر گروگـان ها تا تاریـخ ۷ ژانویه ۱۹۸۰ آزاد نشونـد، شورا «اقـدامات مؤثری» به عمـل می آورد. نماینـده شـوروی در ایـن جلسه اعلاـم کرد که وی از درخـواست برای آزادی گروگانهـا حمـایت می کنـد، ولی موضـع ایران تهدیدی علیه صلح نیست. بنابراین، برقراری تحریم [اقتصادی] با اصول منشور ملل هماهنگی ندارد.(۱)

مورد سوم ـ جنگ ایران و عراق

یکی از جنبه هـای مهم جنگ ایران و عراق، نقض عمـدی، پی در پی و از پیش سازمان دهی شـده حقوق انسانی بین المللی و واکنش ضـعیف و ناکـافی مجـامع بین المللی به ویژه شورای امنیت در برابر آن بود. اکنون برای نمونه، برخی موارد را یـادآور می شویم:

نگاه اول ـ کاربرد گسترده سلاح های شیمیایی

معاهـده هـا و اسـناد بین المللی در زمینه ممنوعیت اسـتفاده از سـلاح هـای شـیمیایی در جنگ ها فراوان است و همان گونه که پیش تر گفتیم، پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو(۲)از مهم ترین اسناد بین المللی در این زمینه به شمار می رود. در این پروتکل که بیش از ۱۴۰ کشور جهان از جمله ایران و عراق آن را امضا کرده اند، به کارگیری سـلاح های شیمیایی در جنگ ها بدون قید و شرط ممنوع شده است. هرچند در این پروتکل، ضمانت اجرایی پیش بینی نشده است،

۱- [۱] . همان، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- [۲] . Protocol For The Prohibition Of The Use In War Of Asphyxiating , Poisonous Or Other Gases.

ولی این مسئله با لزوم احترام به معیارهای پیش بینی شده در آن، منافاتی ندارد. افزون بر این پروتکل، دیگر موازین بین الملل موجود در این زمینه عبارت است از:

۱. اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴؛

۲. اعلامیه کنفرانسهای صلح لاهه (۱۸۹۹ _ ۱۹۰۷)؛

۳. ماده ۵ عهدنامه واشنگتن (۱۹۲۲) درباره حمایت از زندگی افراد غیر نظامی در زمان جنگ؛

۴. ماده ۶ اساس نامه دادگاه نورنبرگ (۱۹۴۶) درباره تعریف جنایت های جنگی و بیان ممنوعیت استفاده از سم و سلاحهای شیمیایی.(۱)

با این حال، شورای امنیت درباره کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ عراق با ایران، چهار بیانیه و دو قطع نامه صادر کرده است. نخستین بیانیه شورا به تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰ فروردین ۱۳۶۳) بود که براساس گزارش هیأت اعزامی سازمان ملل، استفاده از سلاح های شیمیایی، تأیید و به شدت محکوم شد. هم چنین بر لزوم احترام به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تأکید شد، ولی از عراق به عنوان استفاده کننده از سلاح های شیمیایی علیه ایران نامی به میان نیامد.(۲)

در همین زمان، ایران اعلام کرد که از اول ماه مه ۱۹۸۱ تا مارس ۱۹۸۴، عراق ۴۹ بار از سلاح های شیمیایی استفاده کرده است. شورا در این بیانیه

۱- [۱] . عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۷۷ _ ۱۷۸.
۲- [۲] . S/۱۶۴۳۳ , ۲۶ Mars ۱۹۸۴.

بسیار ضعیف، واکنش مناسب و کافی در برابر این نقض آشکار مقررات بین المللی نشان نداد و بدین وسیله، راه را برای تکرار این گونه جنایت های ضد انسانی بازگذاشت. در دومین بیانیه شورا در ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ (۵ اردیبهشت ۱۳۶۲)، استفاده از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی تأیید شده، ولی از عراق به عنوان مسئول این جنایت، نامی به میان نیامده است. از طرفی دیگر، هیچ ضمانت اجرایی را نیز برای پیش گیری از تکرار استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی مطرح نساخت.

با آغاز عملیات و الفجر ۸ در منطقه فاو در تاریخ ۲۰/۱۱/۶۴ (۹ فوریه ۱۹۸۶) عراق برای چندمین بار به صورت گسترده از سلاح های شیمیایی استفاده کرد. در پی درخواست ایران، هیأت کارشناسی سازمان ملل وارد ایران شد. در نتیجه گیری گزارش اعلام شد که «هیأت از مقدار زیاد مصدومان و دامنه وسیع کاربرد سلاح های شیمیایی به شدت تکان خورده و... این کار هم چنان ادامه دارد که در تناقض آشکار با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو است».(۱) به دنبال ارسال گزارش اینهیأت از سوی دبیرکل به شورای امنیت، شورا در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶ (اول فروردین ۱۳۶۵) با صدور بیانیه ای اعلام داشت:

اعضای شورا از کاربرد مکرر سلاح های شیمایی به دست نیروهای عراقی علیه نیروهای ایران نگران بوده و کاربرد مداوم سلاح های شیمیایی را محکوم می کند.(۲)

چهارمین بیانیه شورا در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۸ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۶) و به دنبال استفاده بسیار گسترده سلاح های شیمایی از سوی عراق علیه مناطق

۱- [۱] . Sc/۱۷۹۱۱ , ۱۲ Mars ۱۹۸۴.

۲- [۲] . Sc/۱۷۹۳۲ , ۲۱ Mars ۱۹۸۶.

غیر نظامی ایران صادر شد. با وجود گزارش تکان دهنده کارشناسان اعزامی دبیر کل سازمان ملل در این زمینه،(۱) در بیانیه شورا چنین آمده است:

اعضای شورا از نتیجه گیری های متفق القول کارشناسان مبنی بر استفاده از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی به دست نیروهای عراقی که پی در پی صورت گرفته و غیر نظامیان در ایران نیز بر اثر سلاح های شیمیایی مجروح شده اند، عمیقاً وحشت زده گردیده است و یک بار دیگر استفاده مداواز سلاح های شیمیایی را قویاً محکوم می کنند.(۲)

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این بیانیه اعلام داشت:

ادامه و تشدید کاربرد سلاح های شیمیایی به دست عراق، جنایت علیه بشریت است و انتظار این بود که شورای امنیت با صدور یک قطع نامه مستقل، ترتیبات عملی و مؤثری را برای مجازات عراق و توقف کاربرد سلاح های شیمیایی معمول می داشت.

بیانیه شورا با آن که با اهمیت فاجعه متناسب نبود، ولی واکنش جهانی گسترده و مناسبی را به سود جمهوری اسلامی ایران برانگیخت و کشورها و سازمان های بسیاری، عراق را به خاطر کاربرد سلاح های شیمیایی محکوم کردند.

اولین قطع نامه جداگانه و منحصر به سلاح های شیمیایی (۶۱۲) در تاریخ ۹ مه ۱۹۸۸ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷) از سوی شورای امنیت به تصویب رسید. این قطع نامه به دنبال استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ و در حلبچه و کردستان عراق بنابر پیشنهاد آلمان فدرال، ایتالیا،

۱- [۱] . Sc/۱۸۸۵۲ , ۸ Mai ۱۹۸۷ . pp . ۵ _ ۶ , ۱۸ _ ۱۹.

۲- [۲] . Sc/۱۸۹۲۴ , ۱۴ Mai ۱۹۸۷.

ژاپن، از سوی شورا به تصویب رسید. این قطع نـامه کوچـک ترین نـامی از عراق به عنوان به کار برنـده سـلاح های شـیمیایی نبرده است. به نظر می رسد از آن جایی که جمهوری اسـلامی ایران تا آن تاریخ هنوز قطع نامه ۵۹۸ (۲۰ ژوییه ۱۹۸۷) شورای امنیت را نپذیرفته بود، شورا برای ایجاد فشار به ایران جهت پذیرش قطع نامه، از محکومیت عراق سرباز زد.

سیاست رژیم عراق در تداوم کاربرد سـلاح های شیمیایی سبب شد تا شورا دومین قطع نامه خود را در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ۱۳۶۷) صادر کند. متن قطع نامه ۶۲۰ را که قوی ترین قطع نامه شورای امنیت از آغاز تأسیس آن در زمینه سلاح های شیمیایی به شمار می رود، آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد کرده بودند. شورا در این قطع نامه، عزم راسخ خود را برای پایان بخشـیدن به هرگونه کاربرد سـلاح های شیمیایی اعلام می دارد و در بند ۴ اجرایی تصمیم می گیرد در صورت هر گونه اسـتفاده هر کشور از سـلاح های شـیمایی در آینده که با حقوق بین الملل مغایر باشد، موضوع را بررسـی کند و براساس منشور ملـل متحـد، اقـدام مناسب و مؤثری را انجام دهـد. گفتنی است جـدّیت قطع نامه ۶۲۰ متأثر از پـذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی ایران است.

هرچنـد شورای امنیت بـا صـدور قطع نـامه یـاد شـده، بخش مهمی از وظـایف خود را در زمینه کـاربرد این سـلاح هـا به انجام رسانید، ولی پرسش این جا است که اگر شورا از همان آغاز استفاده از سلاح ها چنین مواضعی را در قبال

عراق پیش می گرفت، آیا این قدر قربانی و مصدوم از این حمله ها برجای می ماند؟(۱)

نگاه دوم _ حمله به مناطق مسکونی

یکی دیگر از موارد نقض حقوق انسانی در جنگ عراق با ایران، حمله به مناطق مسکونی بود که در اصطلاح، «جنگ شهرها» خوانده می شود. هدف عراق از حمله به مراکز شهری، اعمال فشار روانی و اجتماعی، افزایش تنش در داخل ایران و وارد ساختن خسارت های جانی و مالی بود. قوانین بین المللی در مورد خودداری از حمله به غیر نظامیان و مصون بودن مراکز جمعیتی و مسکونی از حمله نظامی در جنگ ها فراوان است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:(۲)

۱. قاعده عرفی حقوق بین الملل از نیمه دوم قرن نوزدهم؛

۲. اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸)؛

۳. اعلامیه های لاهه (۲۹ ژوییه ۱۸۹۹ و ۲۸ اکتبر ۱۹۰۷)؛

۴. قطع نامه کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح جامعه ملل (۱۹۳۲)؛

۵. قطع نامه جامعه ملل (۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸)؛

۶ . کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت افراد کشور در زمان جنگ (۱۲ اوت ۱۹۴۹)؛

۷. پروتکل های الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷)؛

۸ . قطع نامه متعدد و مکرر مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۱- [۱] . سعید خالوزاده، مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۱۶ _ ۱۱۹ با اندکی تلخیص.

۲- [۲] . شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، صص ۲۰۹ _ ۲۱۰.

با وجود این موازین، در جنگ عراق با ایران، مناطق مسکونی به شدت مورد حمله قرار گرفت. حتی می توان گفت که حمله عراق به شهرها و مناطق مسکونی ایران، پیش از آغاز حمله سراسری به خاک ایران آغاز شده بود.(۱)

دبیرکل سازمان ملل، گزارش تکان دهنده هیأت اعزامی سازمان را که از ۲۰ تا ۲۷ مه در ایران (تهران، دزفول، اندیمشک، پل دختر، موسیان، دهلران، آبادان، خرمشهر، هویزه، سوسنگرد، سرپل ذهاب، قصر شیرین) و از ۲۷ مه تا ۲ ژوئن در عراق به سر برد، به شورای امنیت تسلیم کرد. «با این حال، شورا اقدام مناسبی انجام نداد و تنها در قطع نامه ۵۴۰، به این گزارش اشاره شد و بند ۲ اجرایی آن، نقض کنوانسیون ۱۹۴۹ را محکوم کرده، خواستار قطع فوری حمله به هدف های غیرنظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی شده است».(۲)

بازرسی های پیوسته و اعزام هیأت های شورا یا دبیر کل در طول جنگ همه از حسن نیت نشان ندادن عراق حکایت می کرد؛ زیرا صدام در برخی موارد با ندادن تضمین امنیتی برای هیأت، کار هیأت های شورا را عقیم می ساخت. هر چند بی کفایتی شورا در این زمینه جای دفاع ندارد، ولی سرسختی و لجاجت عراق در این باره را نیز باید در نظر بگیریم.

نگاه سوم _ تهدید امنیت هوانوردی غیر نظامی

ص:۵۵

۱- [۱] . همان، ص ۲۱۰.

۲- [۲] . همان، ص ۲۱۱.

در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۵ (۲۶ اسفند ۱۳۶۳) عراق در اطلاعیه ای، فضای ایران را برای پروازهای غیر نظامی، نا امن اعلام کرد. هم چنین در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۸۶ (۱ اسفند ۱۳۶۴) یک فروند هواپیمای شرکت هواپیمایی _آسمان_ در هنگام پرواز در منطقه اهواز با حمله هواپیمای نظامی عراق روبه رو شد و همه سرنشینان آن به شهادت رسیدند. پیش از آن، در تاریخ های ۲۸ اوت و ۸ سپتامبر ۱۹۸۴، دو فروند هواپیمای _ایرباس _و _بویینگ _هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در پرواز معمولی، کشوری، ربوده و به عراق برده شدند. یک فروند هواپیمای _فالکن _غیر نظامی نیز در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۸۶ ربوده و در عراق فرود آورده شد. عراق برخلاف کنوانسیون های _۱۹۶۳ توکیو _و _۱۹۷۱ مونترال_، به ربایندگان، پناهندگی سیاسی داد و از استرداد هواپیماها خودداری کرد. عراق افزون بر انجام هواپیما ربایی، کنوانسیون ۱۹۳۴ _شیکاگو _در زمینه هوانوردی بین المللی کشوری را نیز نقض کرد.

شورای امنیت در مورد اول و دوم در قطع نامه های ۵۸۲ (بند ۲ اجرایی) و ۵۹۸ (بند چهارم مقدماتی) از حمله به هواپیمای غیر نظامی اظهار تأسف کرد که البته این اقدام شورا ناقص و ناکافی بود. جمهوری اسلامی ایران در نامه ای با اعلام موضع خود نسبت به قطع نامه ۵۸۲ چنین بیان داشت:

در مورد حمله به هواپیماهای مسافری و تهدید امنیت هوایی و حمله به مناطق مسکونی، شورا لازم بود موضع گیری محکم تری اتخاذ می کرد...

در زمینه ربودن سه فروند هواپیمای غیر نظامی نیز شکایت ایران به _ایکائو_ و قطع نامه های مجمع و شورای _ایکائو _راه به جایی نبرد تا آن که هنگام مذاکره صلح میان دو کشور در سال ۱۳۶۹، دو فروند هواپیما بازگردانده شد.

ص:۵۶

نگاه چهارم ـ انهدام آثار تاریخی و فرهنگی و بدرفتاری با اسیران جنگی

مورد اول ـ کردستان عراق

بـا پایان جنگک خلیـج فارس و شـکست ارتش عراق از نیروهای چنـد ملیتی در سال ۱۹۹۸، ناآرامی سراسـر عراق را فرا گرفت. صـدام نیز به شـدت این نـا آرامی هـا را سـرکوب کرد، به گونه ای که در نتیجه آن، نزدیک به دو میلیون نفر از مردم به سوی مرزهای ایران و ترکیه سرازیر شدند. به هر حال، دلایل روشنی وجود داشت که شورا را به اقدام جدّی فرا می خواند این دلایل عبارتند از:

ـ بحران پناهندگی گسترده مردم در نتیجه سرکوب رژیم بغداد؛

ـ هویت قومی اکثریت پناهندگان که مشکلاتی را برای کشورهای همسایه پدید می آورد؛

ـ نقض جدی حقوق بشر از سوی دولت عراق؛

ـ این واقعیت که منطقه، بحران بزرگی را تجربه کرده بود (بحران دوم خلیج فارس).(۱)

شورا برای پایـان دادن به این موارد، سـرانجام قطع نـامه ۶۸۸ را بـا ۱۰ رأی موافـق، ۲ رأی ممتنـع و ۳ رأی مخـالف به تصویب رسانید. قطع نامه یاد شده از دبیرکل سازمان ملل متحد می خواهد که کوشـش های انسان دوسـتانه خود را در عراق پی گیری کند و بی درنگ، در مورد وضعیت دشوار مردم غیر نظامی

۱- [۲] . همان، صص ۹۷ و ۹۸.

آن کشور به ویژه مردم کُرد که زیر فشار و سرکوب دولت بغداد بودند، گزارش دهد. افزون بر آن، از همه امکاناتی که در اختیار دارد، به ویژه امکانات سازمان های مربوط به ملل متحد برای پاسخ گویی سریع به نیازهای حیاتی آوارگان و مردم بی خانمان عراق استفاده کند. هم چنین از دولت عراق می خواهد که برای رسیدن به این هدف، با دبیر کل همکاری داشته باشد. این قطع نامه هر چند با تعداد کمی رأی تصویب شد، «ولی تحولی مهم در روند اقدامات شورای امنیت به شمار می رود؛ زیرا شورای امنیت برای اولین بار در تاریخ خود، ارتباط آشکار و صریح نقض حقوق بشر و تهدید صلح و امنیت بین المللی را اعلام کرده است».

نکته مهم این است که اقدامات شورای امنیت در زمینه درخواست از دولت عراق برای اجازه دسترسی به مردم کرد، به ایجاد سابقه در مورد حقوق و تعهدات دولت میزبان و آژانس های کمک رسانی انجامید، زیرا در گذشته این گونه کمک ها با اجازه دولت میزبان تحویل داده می شد، ولی متن قطع نامه ۶۸۸ طوری تنظیم شده است که رضایت دولت میزبان نمی توانست در اعطای کمک تأثیری داشته باشد.(۱)

شورای امنیت در این دو مورد که از موارد نقض حقوق انسانی به شمار می رود، کار خاصی انجام نداده است؛ در مسئله اسیران جنگی بیش تر _کمیته بین المللی صلیب سرخ _درگیر بود. البته در قطع نامه ۵۴۰ (بند ۲ اجرایی)، نقض مفاد کنوانسیون های ژنو محکوم شده و قطع نامه ۵۸۲ در بند ۴ اجرایی خود خواستار مبادله کامل اسرای جنگی گردیده است. بند ۳ اجرایی قطع نامه ۵۹۸ نیز ناظر بر همین مورد است.

جمهوری اسلامی ایران در مورد تخریب آثار و بناهای فرهنگی، درخواست مشخصی از شورا نداشته است. البته در این مورد، سازمان تربیتی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با اعزام دو هیأت در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷، آثار تخریب شده در چند شهر ایران را بررسی کرد.(۲)

به هر صورت می توان گفت که اقدامات سازمان به صورت کلی در این زمینه، ناکافی و با ملاحظه های سیاسی خاص همراه بوده است که مسئولان آن، گاه بر اساس این ملاحظه ها، چشم خود را بر واقعیت ها و حقایق عینی و ملموس بسته اند.

نتیجه گیری کلی در مورد اقدامات شورای امنیت در جنگ ایران و عراق

اقدامات شورای امنیت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به جز چند اقدام جزئی در مورد کاربرد سلاح های شیمیایی آن هم به دلیل شدت فجایع، در کل ناکافی و همراه با ملاحظه های سیاسی ارزیابی می شود. در پایان، به دو نکته باید توجه داشت.

۱- [۱] . همان، صص ۱۰۴ _ ۱۰۵.

۲- [۱] . همان، ص ۲۲۷.

نکته اول ـ از نظر حقوقی هیچ چیز کوتاهی شورای امنیت از اقدام قاطع در برابر یک تجاوز آشکار را موجّه نمی سازد. براساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد و مسئولیت اصلی شورا، انتقام کِشی بین المللی نیست. اگر شورای امنیت می توانست در برابر غریزه کینه توزی مقاومت کند، عراق را مسئول جنگ علیه ایران می شناخت و بهتر و زودتر می توانست جنگی را که نزدیک به ۸ سال طول کشید و نیم میلیون کشته و میلیاردها دلار خسارت مادی بر جای گذاشت، متوقف کند.(۱)

در مورد قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت، بیان این نکته اهمیت دارد که هنگام تصویب این قطع نامه، با وحدت نظر پنج عضو دایمی شورای امنیت روبه رو هستیم که در تاریخ شورای امنیت کم نظیر است.

نکته دوم ـ تجاوز عراق به ایران را مصداق جنایت ندانستن نباید به حساب نبود مقررات حقوق بین الملل در زمینه جنایت یا قابل اجرا نبودن این مقررات گذاشت. مشکل اصلی در ترکیب نظام سیاسی بین المللی است که در آن، قدرتی متمرکز فراتر از قدرت اعضای آن وجود ندارد و تشخیص جنایت و در مرحله بعد، توسل به ضمانت اجراهای حقوق بین الملل در همه موارد به ویژه در مواردی که اتفاق آرا میان قدرت های بزرگ وجود نداشته باشد، عملی نیست. از همین رو، شورای امنیت که ماهیتی کاملاً سیاسی دارد، به دلیل پشتیبانی قدرت های بزرگ از عراق، نتوانست حمله عراق به ایران را

ص:۵۸

۱- [۱] . مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، ص ۱۳۸.

تجاوز اعلام کند و به مقابله با آن برخیزد، در حالی که در مورد دیگری چون کویت، به سبب هماهنگی میان ابرقدرت ها، سازوکار مقرر در منشور برای مقابله با تجاوز به کار افتاد. شاید بهتر باشد کمیسیون حقوق بین الملل ــ یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی ــ با توّجه به این مشکل، مرجعی را برای اجرای مسئولیت مشخص سازد که برخلاف شورای امنیت، ماهیت سیاسی نداشته باشد و صرفاً رکنی حقوقی به شمار آید. گفتنی است با اصلاحات لازم در منشور و اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری، این دیوان به صورت شایسته می تواند چنین وظیفه ای را برعهده گیرد.(۱)

مورد چهارم ــ حمله ناو وینسنس امریکا به هواپیمای مسافری ایرباس ایران

شورای امنیت در ۲۶ اوت ۱۹۸۸ براساس شکایت جمهوری اسلامی ایران درباره سرنگون ساختن یک فروند هواپیمای مسافربری ایران به دست رزم ناو امریکایی در خلیج فارس، تشکیل جلسه داد. در این اجلاس، دکتر ــعلی اکبر ولایتیــ، وزیر امور خارجه وقت ایران، اقدام امریکا را به شدت محکوم ساخت. در مقابل، معاون ریاست جمهوری وقت امریکا (جورج بوش) که ریاست هیأت نمایندگی امریکا را در شورای امنیت به عهده داشت، اعلام کرد که رزم ناو امریکایی برای دفاع از خود، موشک شلیک کرده است. شورا ادامه بحث و تصمیم گیری را به بعد موکول ساخت. شورای امنیت در ۲۰ ژوییه ۱۹۸۸ در قطع نامه ای که به اتفاق آرا به تصویب رساند، اندوه عمیق خود را از انهدام هواپیمای مسافربری ایران ابراز داشت و به این ترتیب، شورا

۱- [۱] . بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۳۶۴.

از مقصر شناختن امریکا در حمله به هواپیمای مسافربری ایران که به احتمال زیاد با وتوی امریکا روبه رو می گردید، طفره رفت.(۱)

مورد دوم ـ هاییتی (بحران هاییتی و به خطر افتادن دموکراسی)

اقدامات شورای امنیت درباره حوادث هاییتی در نوع خود، امری بی سابقه و منحصر به فرد است. شورای امنیت در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ بر اساس قطع نامه ۸۴۱، اقدامات را برای بازگشت حکومت قانونی این کشور مقرر کرد. این قطع نامه در عین این که در فصل هفتم [منشور] مقرر گشته و مشروعیت

۱- [۱] . سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۱۷۸.

اقدام شورا و وضع تحریم های اقتصادی در آن به گونه ای با صلح و امنیت بین المللی ارتباط داده شده است، ولی تلاش زیادی برای اثبات این قضیه از دید صلح و امنیت بین المللی به عمل نیامده است. البته منظور اصلی از تدوین قطع نامه به طور برجسته در آن مشخص شده و آن عبارت است از بازگرداندن حکومت قانونی هاییتی. برای نمونه، شورای امنیت در بخش های گوناگون قطع نامه از تأیید دولت قانونی و محکومیت نظامیان سخن گفته است. در تأیید بی سابقه بودن این قطع نامه که به اتفاق آرا اتخاذ شده است، همین بس که تعدادی از اعضا شورا در صدد توجیه وضعیت استثنایی این قطع نامه برآمده اند.

زمانی که اقدامات شورا براساس ماده ۴۱ منشور نتوانست به نتیجه برسد، قطع نامه ۹۴۰ به تصویب رسید که به دولت های عضو اجازه می داد تا به مداخله نظامی در هاییتی بپردازند. در این قطع نامه، شورا از وخیم شدن وضعیت بشردوستانه به ویژه افزایش مداوم نقض آزادی های اجتماعی از سوی رژیم هاییتی و بی خانمانی آوارگان اظهار نگرانی کرده و ادامه این وضعیت را تهدیدی علیه صلح و امنیت در منطقه دانسته است. شورا هم چنین بر هدف جامعه بین المللی در احیای دموکراسی و بازگشت رئیس جمهور منتخب و قانونی؛ _برتراند اریستید _تصریح کرده و وضعیت آن کشور را «ویژه، منحصر، وخیم و فوق العاده» و نیازمند «واکنش ویژه» دانسته است.(۱)

ص:۶۲

۱- [۱] . همان، ص ۱۲۹.

به هر صورت، پس از تصویب قطع نامه ۹۴۰، نیرویی چند ملیتی به رهبری ایالات متحده امریکا (MNF) وارد هاییتی شد و سرانجام پس از درگیری ها، حکومت قانونی و رئیس جمهور قانونی را به قدرت برگرداند. پس از لغو تحریم های ایجاد شده به دست شورای امنیت، این نیروی چند ملیتی جای خود را به هیأت ملل متحد در هاییتی (UNMIH) واگذار کرد.

ویژگی اقدامات شورای امنیت در مورد هاییتی در این حقیقت نهفته است که تا مرحله کنونی از توسعه حقوق بین الملل و تا زمان صدور قطع نامه شورای امنیت در مورد هاییتی، وجود حکومت هایی که موجودیت آن ها با قانون اساسی و ترتیبات کسب قدرت به موجب حقوق داخلی کشورهای مربوطه هم آهنگ نیست، هیچ گاه به عنوان امری که مشروعیت آن دولت ها را از دید حقوق بین الملل مخدوش سازد، مطرح نبوده است.(۱) برخی از استادان حقوق این گونه استدلال کرده اند که شورای امنیت با تفسیر موسع از منشور و با این استدلال که وضعیت منحصر به فرد هاییتی اقدام خاص خود را می طلبد، با هدف دفاع از دموکراسی و حق تعیین سرنوشت یک ملت و حقوق بشر و پرهیز از به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی، توسل به قوه قهریه را جایز شمرد. با این وصف و با در نظر گرفتن شرایط نوین بین المللی نمی توان انتظار داشت که جامعه بین المللی در شرایطی نظیر هاییتی یا وضعیت های مشابه آن، سکوت اختیار کند.(۲)

ص:۶۳

۱- [۱] . نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، صص ۴۵۰ _ ۴۵۱.

۲- [۲] . همان، صص ۴۵۵ _ ۴۵۶.

دربـاره قطع نامه ۹۴۰ شـورای امنیت که اجـازه توسـل به قوه قهریه را در هـاییتی صـادر کرد، مهم ترین ایرادهـایی که از سوی برخی کشورهـا وارد شـده، این است که نقض داخلی حقوق بشـر نمی توانـد مصـداق نقض صـلح و امنیت بین المللی باشـد تا شورا بتوانـد با اسـتناد به نقض صـلح و امنیت بین المللی، اجازه توسل به قوه قاهره را در کشوری صادر کند. پس عمل شورای امنیت در مورد هاییتی، مشـروعیت نداشته و قابل انتقاد و ایراد است. هرچند پیش تر اشاره کردیم که شورا با تفسیر موسع خود از منشور دست به این اقـدام زد، ولی نظم نوین جهانی و مسایل بین المللی مربوط به مداخله بشـر دوسـتانه را می توان از جمله مـواردی دانست که دخـالت شورا را توجیه پـذیر می سـازد؛ زیرا در نظم نوین جهـانی نمی توان گفت که نقض داخلی حقوق بشـر نمی توانـد مصـداق نقض صـلح و امنیت بین المللی قرار گیرد. بایـد دانست گـاه نقض حقوق انسـانی داخلی مصـداقی از نقض صـلح و امنیت جهانی تلقی می شود و اقدام لازم بین المللی را می طلبد. البته نمی توانیم با تفسیر بسیار موسّع از این نظم نوین جهانی و مداخله بشردوستانه، هرگونه اقدام و دخالت در حقوق داخلی کشورها را تصدیق کنیم.

مورد سوم _ سومالی

اشاره

مداخله بشردوستانه در سومالی را در سه بخش مطرح می سازیم:

الف) نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در سومالی (UNOSOMI)

سرنگونی _زیادباره _در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۱ که به مدت ۲۱ سال، رهبری سومالی را عهـده دار بود، مبارزه برای کسب قدرت و برخوردهای قبیله ای و مناطق متعدد کشور را در پی داشت. در ماه نوامبر، زد و خورد شدیدی میان جناح

هوادار رئیس جمهور موقت؛ _علی مهدی محمد _و طرفداران ژنرال _محمد فرح آیدید_؛ رئیس کنگره _متحد سومالی _در موگادیشو، پایتخت سومالی در گرفت. در حالی که عناصر کاملاً مسلح بخش های مختلف سومالی را زیر کنترل داشتند، درگیری ها به مناطق دیگر کشور نیز گسترش یافت. مرگ و ویرانی گسترده، صدها هزار نفر را وادار کرد از خانه های خود بگریزند. با وجود این آشفتگی، سازمان ملل متحد هم چنان به تلاش انسان دوستانه خود ادامه می داد و تا ماه مارس ۱۹۹۱، چندین سازمان غیر دولتی دست اندرکار این تلاش بودند. شورای امنیت در ۲۳ ژانویه ۱۹۹۳، تحریم اسلحه را علیه سومالی برقرار کرد و از همه طرف های درگیر خواست به درگیری ها پایان دهند.(۱)

تصویب قطع نامه ۷۵۱، آغاز عملیات سازمان ملل متحد را در سومالی اعلام کرد. براساس این قطع نامه، _نیروی پاسدار صلح _(۲)(UNOSOMI) تشکیل شد کهوظیفه آن، ایجاد امنیت برای کمک های انسان دوستانه، ایجاد شرایط مساعد برای رسیدن کمک های غذایی و دارویی به مردم، جلوگیری از گسترش زد و خوردهای مسلحانه میان طرف های درگیر و نظارت بر آتش بس(۳) بود. شمار این نیروها بعدها تا ۳۵۰۰ نفر رسید.(۴) اگرچه دولت سومالی هنگام اعزام این نیروها، حکومت مرکزی نداشت، ولی رضایت گروه های اصلی درگیر را می توان به منزله رضایت قبلی سومالی دانست. افزون بر آن،

۱- [۱] . واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، برگردان: قدرت اللّه معمارزاده، کتاب سرا، تهران، ۱۳۷۴، صص ۱۲۴ _ ۱۲۵.

۲- [۲] . (United Nations Operation In Somalia (UNosom).

۳- [۳] . آتش بس بین طرف های درگیر پس از تلاش هیأتی متشکل از نمایندگان سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب، سازمان وحدت آفریقا و سازمان کنفرانس اسلامی به وجود آمد.

۴- [۴] . شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، ص ۱۱۲.

هـدف کلی این عملیات، نظارت بر اجرای آتش بس بود و این نیروها در عملیات مشارکت نداشـتند. بنابراین، نمی توان گفت که در امور سومـالی مـداخله می کردنـد، بلکه تـا این مرحله، نیروهـای سازمـان ملـل در چارچوب عملیات حفظ صـلح، انجام وظیفه کرده اند.(۱)

ب) نیروهای مسلّح به فرماندهی امریکا

با آشـفته شدن اوضاع در سومالی، فروپاشـی حکومت مرکزی، ادامه درگیری میان دوازده گروه رقیب و گسترش دامنه خرابی ها در کشور، ادامه کمک رسانی انسان دوسـتانه با مشـکلات بزرگی روبه رو شـد. غارت شـدن کمک های انسان دوسـتانه به دست گروه هـای مسلح نیز اوضـاع را پیچیـده تر کرد. در چنین شـرایطی، شورای امنیت براسـاس توصـیه دبیرکل در تاریـخ ۳ دسامبر ۱۹۹۲، قطع نـامه ۷۹۴ را بـا اجمـاع از تصویب گذرانـد و مجوز اعزام نیرو به سومـالی را صـادر کرد. در پی آن، ۲۸۰۰ نیروی مسلح امریکایی به سومالی سرازیر شدند.(۲)

از دیـدگاه بین المللی، علاقه منـدی امریکا به اعزام نیروی نظامی فراوان به سومالی با هدف تثبیت موقعیت این کشور به عنوان رهبر جهـان آزاد در شـرایط پس از جنـگ سـرد صورت می گرفت. در پی جنگ خلیـج فارس که به آزادی کویت از اشـغال عراق (۱۹۹۱) انجامید، این دومین بار بود که امریکا برای اجرای قطع نامه های شورای امنیت، نیروی نظامی انبوهی را با هدف کمک های انسان دوستانه و زیر عنوان ـ«عملیات بازگشت امید»ـ(۳) وارد معرکه

۱- [۱] . تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، ص ۱۶۷.

۲- [۲] . همان، ص ۱۶۷.

۳- [۳] . Operations Of Restoring Hope.

می کرد. در هر دو سناریو، امریکا ابتکار عمل را به دست گرفت و اروپا و ژاپن را بر آن داشت که دست کم در آن دوره، رهبری امریکا را در برقراری نظم نوین جهانی بپذیرند.

تجربه سومالی، تکرار سناریوی امریکا در خلیج فارس با پوششی متفاوت، ولی در قالب منشور ملل متحد و قطع نامه های شورای امنیت بود. در واقع، هدف امریکا در همه جا و همه حال، پی گیری منافع خود زیر پوشش سازمان ملل متحد است.

با اصرار دبیرکل و تصویب شورای امنیت، مأموریت نیروهای صلح سازمان ملل با هدایت و فرماندهی امریکا، به سرعت از تضمین ایمنی تحویل و توزیع کمک های اضطراری انسان دوستانه به خلع سلاح گروه های رقیب، تلاش برای استقرار دولتی جدید و بازگرداندن ثبات و آرامش و کوشش برای دستگیری یکی از رهبران گروه های درگیر در بحران سومالی و مجازات وی به دلیل تشدید حمله نیروهایش به نیروهای چند ملیتی به ویژه امریکایی تغییر یافت.(۱)

انحراف سربازان امریکایی از اهداف اصلی و اولیه سبب شد بسیاری از سیاستمداران و از جمله جورج بوش که خود مبتکر اعزام این نیروها به سومالی بود، به این وضعیت واکنش نشان دهند. برای نمونه، وی گفت:

سربازان امریکایی برای ارایه کمک های انسانی به مردم سومالی وارد این کشور شدند، ولی امید دارم که این مأموریت بیش از پیش از مسیر خود منحرف نشود.(۲)

۱- [۱] . شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، ص ۱۱۹.

۲- [۲] . نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، صص ۴۸۱ ـ ۴۸۲.

برخی از دولت ها از جمله ایران و عراق، «هدف اقدامات مداخله گرایانه امریکا را تمایل این دولت برای کنترل راه های نفت» و هم چنین «تسلّط نظامی بر شاخ آفریقا» نامیدند. از مقایسه دوگانگی اقدامات شورای امنیت در سومالی و بوسنی به خوبی می توان این ادعاها را اثبات کرد؛ زیرا در بوسنی، با بی میلی قدرت های بزرگ از اقدام مؤثر در آن کشور روبه رو هستیم و در سومالی خلاف آن را می بینیم.

ج) نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در سومالی (UnosomII)

در پی توصیه های دبیرکل، شورای امنیت در ۲۶ مارس تصمیم گرفت مسئولیت نیروهای ویژه متحد را به _عملیات ملل متحد ۲ برای سومالی_ (یونوسوم ۲) منتقل کند و بر وسعت و حدود اختیار آن بیافزاید. شورا به یونوسوم ۲ اجازه داد برای برقراری فضایی امن در سراسر سومالی، براساس مفاد فصل هفتم منشور، از زور استفاده کند. شورا هم چنین به یونوسوم ۲ اختیار داد مردم سومالی را در بازسازی اقتصاد کشور و زندگی اجتماعی _ سیاسی شان یاری دهد.(۱)

در این قطع نامه (قطع نامه ۸۱۴ شورای امنیت) به رضایت دولت اشاره ای نشده و علت آن، افزون بر نبود دولت در سومالی، چیره شدن بر ضعف گذشته عملیات حفظ صلح بود. این در حالی است که داشتن رضایت طرفین درگیر به عنوان یک معیار کلیدی برای اقدام نیروهای حافظ صلح، عملیات حفظ صلح را وارد وادی خطرناکی می کند.

ص:۶۸

۱- [۱] . واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۱۲۷.

نبود چارچوب مدون برای عملیات حفظ صلح، تمایل به تلقی عملیات حفظ صلح به عنوان یک تاکتیک انعطاف پذیر را تسهیل می کند که مبنای قانونی، مقاصد و شیوه عمل آن می تواند اساساً برای وضعیت های دشواری که با آن تناسب ندارد، به کار گرفته شود. البته وقتی رضایت طرفین درگیر وجود ندارد، مشکلاتی پیش می آید. از یک طرف، چون گروه های رقیب با هم توافق ندارند و اعلامیه های شورای امنیت را نمی پذیرند، به راحتی به نیروهای پاسدار صلح حمله می کنند. از طرف دیگر، پیچیدگی جنگ های داخلی نیازمند اطلاعات و توانایی خاصی است که نیروهای پاسدار صلح آن را ندارند و همکاری گروه های داخلی را می طلبد.(۱)

شدت و وسعت اقدامات سازمان ملل و شورای امنیت در سومالی بدون مصداق قبلی، پرسش ها و مباحث زیادی را در مورد مداخله انسان دوستانه این شورا مطرح ساخت از جمله: آیا زمانی که برای صلح، حذف یک مهره سیاسی داخلی لازم باشد، شورا در این نوع دخالت ها صلاحیت دارد؟ آیا نباید حدود و شرایط شیوه کنترل عملیات بشردوستانه این شورا را قانون مند کرد؟

به هر صورت، اقدامات شورای امنیت و دخالت نیروهای امریکایی جای انتقاد و پرسش های زیادی را دارد؛ به ویژه، زمانی که این مداخله را با موردی مانند بوسنی و هرزه گوین یا دیگر موارد مقایسه کنیم.

مورد چهارم ـ رواندا

ص:۶۹

۱- [۱] . شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه، ص ۱۱۸.

رواندا کشوری است که از قومیت های گوناگونی چون: _هوتو، توتسی_ و _توآ _تشکیل شده است. سرزمین رواندا در دهه ۱۹۹۰ شاهد درگیری های قبیله ای فراوان بود. در سال ۱۹۹۳ سازمان ملل برای حل اختلاف میان دو گروه درگیر، موافقت نامه ای را در شهر _اروشا _تانزانیا منعقد کرد. در این قرارداد که به موافقت نامه ۹۰۹ شورای امنیت معروف است، برقراری آتش بس فوری و سراسری، تشکیل دولت انتقالی و برگزاری انتخابات زیر نظر سازمان ملل، مورد توافق طرفین درگیر در رواندا قرار گرفت.(۱) البته به دلیل به وجود آمدن اختلاف بر سر دولت انتقالی و اعضای آن و کشته شدن رئیس جمهور رواندا در سانحه هوایی، درگیری های قومی به شدت میان توتسی ها و هوتوها که در اقلیت بودند، گسترش یافت. شدت کشتارها سبب شد شورای امنیت، موضوع رواندا را در دستور کار خود قرار دهد و با تصویب قطع نامه ۹۲۵، کشتار گسترده هزاران انسان را _«ژنوسید» _و قابل مجازات بداند. با این حال، در این قطع نامه، تنها به ضرورت گسترش اقدامات بشردوستانه نیروهای حافظ صلح درباره آوارگان اشاره شد. در قطع نامه ای که در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۴ به تصویب رسید، بحران رواندا تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه تلقی گردید و شورا براساس فصل هفتم منشور، به دولت های عضو اجازه استفاده از هرگونه وسیله لازم را صادر کرد.

به دنبال این قطع نامه، نیروهای نظامی فرانسه وارد رواندا شدند و با ایجاد مناطق امن در جنوب غربی کشور عملیات _فیروزه _را آغاز کردند. هر چند

۱- [۱] . رواندا (Rwanda) در شرق آفریقا و همسایگی اوگاندا، زئیر، بروندی و تانزانیا قرار دارد.

برخی اعضای شورای امنیت با استناد به تجربه ناموفق سومالی، با اقدام نظامی در رواندا موافق نبودند و ـجبهه میهنی رواندا ـ نیز تنها در قالب عملیات حفظ صلح، دخالت بین المللی را مجاز می دانست، ولی با وجود این موارد، نیروهای فرانسوی توانستند با ماندن و ایجاد مناطق امن، آوارگان رواندایی را از کمک های بشردوستانه جامعه بین المللی بهره مند سازند.

مورد پنجم ـ بوسنی و هرزه گوین

مقایسه کلی میان اقدامات شورای امنیت در بوسنی و هرزه گوین و سومالی و همکاری گسترده امریکا در سومالی و بی میلی جامعه بین المللی و قدرت های بزرگ برای دخالت در بوسنی و هرزه گوین، بیانگر دوگانگی اقدامات شورای امنیت در عمل است. البته این دوگانگی در عمل، خود، متأثر از اراده و قدرت اعضای دایم شورای امنیت و قدرت های بزرگ است که هر جا منافعشان اقتضا داشته باشد، به سرعت و با شدت اقدام می کنند و در برخی موارد با چشم پوشی کامل از کنار مسئله می گذرند. در فهرستی اجمالی، اقدامات شورای امنیت و جامعه بین المللی در بوسنی و هرزه گوین را می توان این گونه برشمرد:(۱)

ـ اعزام گروه های حقیقت یاب؛

ـ اعمال تحریم تسلیحاتی؛

ـ ایجاد و استقرار نیروهای پاسدار صلح موسوم به (UNPROFOR) در قطع نامه ۷۴۳ در ۲۱ فوریه ۱۹۹۲ ؛

ـ تدارک کمک های انسان دوستانه؛

ص:۷۱

۱- [۱] . همان، ص ۱۲۱.

ـ تضمین امنیت و بازگشایی فرودگاه ـسارایوو؛ـ

ـ ایجاد راهروهای امنیتی برای عبور کمک ها؛

ـ ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز آسمان بوسنی و هرزه گوین؛

ـ اجازه دادن به ناتو برای انجام عملیات حمایتی هوایی و بمباران مواضع صرب ها؛

ـ ایجاد اردوگاه ها و مناطق امن؛

ـ تشکیل دادگاه بین المللی رسیدگی به جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق.

با وجود درخواست سازمان کنفرانس اسلامی برای مداخله بشردوستانه بدون رضایت طرفین، کمک ها و دخالت های سازمان ملل تنها به توزیع کمک ها و توصیه طرفین مبنی بر احترام به حقوق بشر دوستانه محدود بود. واقعیت آن است که سازمان ملل ترجیح داد به نقض جدی حقوق بشر در بوسنی، نه با توقف آن، بلکه با کمک به مصیبت دیدگان، واکنش نشان دهد که انتخاب این خط مشی، از رنج و مصیبت های انسانی نکاست. برای جلوگیری از این وضعیت، نیروهایی لازم بود تا صلح را نه تنها حفظ، بلکه اعمال کنند؛ زیرا صلحی وجود نداشت.(۱) نکته اصلی در این جمله نهفته است که «قدرت های بزرگ در شورای امنیت در پایان دادن فوری به جنایت صرب ها، منافعی برای خود نمی دیدند.»(۲) پس به راحتی می بینیم که شورای

۱- [۱] . همان، ص ۱۲۵.

۲- [۲] . همان.

امنیت بر اساس ملاحظات سیاسی، در راستای اهداف قدرت های بزرگ، به نرمی و آهستگی قدم برداشت تا مبادا منافع کشورهای قدرتمند به خطر افتد.

مورد ششم ـ عراق

اشاره

نقض حقوق انسانی در عراق از دو نظر قابل بررسی است:

الف) نقض حقوق بشر به دست دولت حاکم بر عراق

آگاهان و کارشناسان در مورد نقض حقوق انسانی از سوی حزب بعث و صدام حسین نظریه های متفاوتی دارند. دکتر حسین حکیم، پزشك و تحصیل کرده عراقی که هم اکنون استاد دانشگاه در ایران است، این گونه بیان می دارد:

نقض حقوق و قوانین انسان دوستانه در داخل کشور عراق زیاد است و انسان نمی تواند آن ها را بیان کند. مواردی چون کشتار اقلیت فکری، علمی و مذهبی شیعیان، کوشش در به قتل رسانیدن معارضان سیاسی حزب بعث و دولت، کشتار شخصیت های سیاسی، استخدام همه گونه وسایل شکنجه مثل قطع زبان، گوش، شکنجه های روحی، کشتار خانواده های شیعیان و... تنها گوشه ای از این نقض حقوق انسانی در داخل کشور عراق به دست صدام و حزب حاکم است.

ـاستاد نصیریـ، تبعه عراق و استاد دانشگاه در ایران در این باره می گوید:

در سال ۱۹۹۱ یك زندان در بازار عراق کشف شد که زندانیانی در آن وجود داشت که حدود ۳۰ سال در زندان به سر برده بودند. کشتن بچه ها و خانواده ها و معارضان صدام و هزار مورد دیگر از موارد نقض عملی حقوق بشر در این کشور است.

این صاحب نظران از بی توجهی جامعه بین المللی به ویژه سازمان ملل به رنج های مردم بی پناه و مظلوم عراق ابراز تأسف می کنند. استاد حکیم می گوید:

ملّت عراق طبیعتاً به قوانین و ضوابط بین المللی و قطع نـامه هـای سازمان ملل پای بندنـد، ولی تا به حال متضـرران از این قطع نـامه هـا و ضوابـط بین المللی، مردم عراق بوده انـد و حمـایتی از مردم صورت نگرفته است. به طور کلی، اقـدام ناقاطع شورای امنیت و مداخله بشردوستانه هر چند بدون رضایت دولت حاکم مثل بعضی موارد مداخله بشردوستانه، جای ابهام و انتقاد را در مورد سازمان ملل و شورای امنیت باقی گذاشته است.

ب) نقض حقوق بشر به دست امریکا

ایالات متحـده امریکا پس از جنگ عراق با کویت، می کوشـید سازمان ملل و شورای امنیت را به اعمال تحریم اقتصادی علیه دولت عراق وا دارد که این تحریم های مـداوم به پایمال شـدن حقوق انسانی مردم عراق انجامیده است. امریکا در جنگ ایران و عراق، از وجود صدام و دولت عراق برای منافع خود اسـتفاده کرد. آن گاه که دیگر منافعی برای آن کشور نداشت، کوشـید وی را حـذف کند. جنگ جدید امریکا با عراق نیز که به سـرنگونی رژیم اسـتبدادی صدام انجامید، آسـیب های دیگری را بر پیکر عراق وارد آورد.

مورد هفتم ـ فلسطین

یکی دیگر از موارد نقض گسترده حقوق انسانی، مسئله فلسطین است. رژیم غاصب اسرائیل با حمایت امریکا در این کشور، به کشتارهای دسته جمعی و هزاران جنایت ضد انسانی دیگر دست زده است.

از قواعـد عرفی مـورد پـذیرش در جنـگ هـا که از مقبولیت عـام الشـمولی برخوردار بوده و هست، اصـل حمـایت از افراد غیر نظـامی در برابر خطرهای ناشـی از درگیری های مسـلحانه است که به ضوابط بین المللی در این باره اشاره می شود. این موارد عبارت است از:

_ ماده ۲۲ قرارداد چهارم لاهه؛

_ ماده ۴۸ پروتکل اول معاهدات چهارگانه ژنو (۱۹۷۷)؛

_ بند ۲ ماده ۵۱ و ماده ۵۲ پروتکل اول معاهدات چهارگانه ژنو؛

_ قطع نامه ۲۶۷۵ مجمع عمومی (۱۹۷۰)؛

_ موافقت نـامه آوریل ۱۹۹۶ میـان حزب اللّه و رژیم صـهیونیستی در متوقـف کردن حمله به مراکز غیر نظـامی که بـا میـانجی گری فرانسه، سوریه و امریکا پس از جنایات شرم آور _قانا_ به امضا رسید.(۱)

بـا توجه به کشـتارهای گسترده رژیم صـهیونیستی و زیرپـا گذاشـتن کامـل حقوق انسـانی مردم فلسـطین، آیـا حمله های رژیم غاصب اسـرائیل، نقض فاحش حقوق بشـر و تهدیدی برای صلح منطقه و جهان نیست؟ آیا وظیفه شورای امنیت، عمل در قالب فصل هفتم منشور و ماده ۴۲ آن نیست؟

رژیم غاصب اسرائیل تلاش دارد با دستاویز قراردادن قطع نامه های بین المللی _ که یک طرفه و با حمایت دولت های غربی و در رأس آن ها امریکا صادر شده است _ حاکمیت خود را بر سـرزمین فلسطین، مشروع و قانونی جلوه دهد. اکنون به قطع نامه ۱۸۱ مجمع عمومی اشاره می کنیم که به

۱- [۱] . سیدمحسن حکیم، «حملات رژیم صهیونیستی به لبنان از دیدگاه حقوق بین الملل»، رسالت، ۲۶/۲/۷۹.

تشکیل رژیم صهیونیستی انجامیده است. در مورد این قطع نامه، به بیان دو نکته بسنده می کنیم:

۱. قطع نامه های مجمع بر اساس ماده ۱۰ منشور تنها جنبه توصیه و مشورتی دارد، ولی برعکس، این قطع نامه الزام آور است و حتی مجمع به شورای امنیت توصیه می کند که اقدام بر ضد آن را تهدید علیه صلح بداند و اقدام مقتضی انجام دهد.

۲. طرح تقسیم موضوع قطع نامه در تعارض آشکار با بند ۲ و ۷ ماده دوم منشور است.

امروزه صاحب نظران در جامعه بین الملل بر این باورند که رژیم غاصب اسرائیل باتمسک به هنجارهای بین المللی و مفاهیم موجود در عرصه روابط بین الملل می کوشد به حالت اشغال سرزمین فلسطین و ادامه این عمل، مشروعیت ببخشد.(۱)

با توجه به جنایت های ضد انسانی رژیم اسرائیل در _قانا_، _صبرا_ و _شتیلا_ آشکار است که ادامه این اقدامات که هم اکنون با تخریب خانه های فلسطینیان ادامه دارد، بر ضد موازین و ضوابط حقوق بین الملل است. در این میان، شورای امنیت موظف است با توجه به وحدت ملاک در مسئله فلسطین و موارد دیگر چون سومالی و بوسنی، به اقدام مقتضی مندرج در فصل هفتم منشور (ماده ۴۲) دست زند و مسئله رژیم اسرائیل را همانند مسایل دیگر که در تاریخ شورا با آن برخورد شده است، بدون توجه به ملاحظه های سیاسی

۱- [۱] . ابراهیم پولادی، «سازمان ملل متحد و مسئله فلسطین»، ابرار، ۲۶/۱۱/۷۸.

و حمایت های امریکا از این رژیم، در دستور کار خود قرار دهد تا پای بندی این رژیم را به موازین بین المللی عملی سازد. گفتنی است سکوت سازمان ملل و دیگر مجامع بین المللی در برابر این نقض حقوق بشر تنها محکومیت آن ها را نزد افکار جهانی درپی خواهد داشت.

مورد هشتم _ افغانستان

اشاره

شاید در میان کشورهای جهان، کشوری همانند افغانستان، طعم تلخ محرومیت و رنج را نچشیده باشد. در قرنی که قرن تمدن و تکنولوژی نام گرفته است، در گوشه ای از این جهان پهناور، جایی وجود دارد که هیچ شباهتی با عصر تمدن و تکنولوژی ندارد و گویی از اعماق تاریخ به قرن بیست و یکم آورده شده است.(۱)

نقض حقوق بشر در این کشور از سه منظر قابل بررسی است:

_ نقض حقوق بشر در جنگ های داخلی؛

_ نقض حقوق بشر به وسیله طالبان؛

_ نقض حقوق بشر در حمله اخیر امریکا به افغانستان.

نگاه نخست _ نقض حقوق بشر در جنگ های داخلی

نسل کشی های گسترده(۲) _عبدالرحمان_ در هزارستان، سیاه چال های _نادرخان_ وشکنجه گاه های وحشتناک _حفیظ اللّه امین_ در زندان _پل چرخی کابل_، تاریخ غم بار حقوق بشر در افغانستان را رقم می زند و در یک کلام، افغانستان را باید سرزمین «تراژدی حقوق بشر» دانست. در دوران حکومت سه ساله

۱- [۱] . سیدمهدی علی زاده، افغانستان؛ ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، نشر کیش مهر، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶ .
۲- [۲] . Genocide

مجاهـدان در کابـل و پیش از تسـلط طالبـان نیز نقض حقوق بشـر به صورت گسترده ادامه داشت. در این جنگ ها که از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی (۱۳۷۱ _ ۱۳۷۴ ه . ش) ادامه داشت، بیش از بیست و پنـج هزار غیرنظامی جان خود را از دست دادند. در این جنـگ ها، شـکنجه، تجاوز جنسـی و بـدرفتاری ها با زنان نیز رخ داده است.(۱) نکته اصـلی، واکنش نشان ندادن قاطع جـامعه بین المللی به ویژه داعیـان حقوق بشـر و در رأس آن هـا، سازمـان ملل متحـد و شورای امنیت در برابر این ناهنجاری ها است.

نگاه دوم _ نقض حقوق بشر به وسیله طالبان

پس از جنگ های داخلی، تراژدی نقض حقوق بشـر به شـکل اسـفناک تری به دست طالبان رقم خورد.(۲) یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخی کشور افغانسـتان، ظهور و رشد سـریع و شـگفت انگیز طالبان است. هر چند ظهور و رشد ناگهانی و سریع طالبان بدون کمک و یاری کشورهایی همانند: پاکستان، عربستان و امریکا هرگز امکان نداشت، ولی افزون بر این موارد نباید عوامل داخلی را نادیـده گرفت. طالبان در شـرایطی متولـد شد که کشور افغانسـتان در شـعله های آتش جنگ میان گروه های جهـادی دست و پـا می زد و امنیت و ثبات، معنای خود را از دست داده بود. مردم از همه گروه های جهادی قطع امیـد کرده و تنها در پی دست یابی به کم ترین درجه از سـطح امنیت و رفاه بودند. شرایط منطقه _قندهار_ به مراتب از دیگر مناطق کشور بحرانی تر بود. تمامی مناطق این ولایت میان سران جهادی تقسیم شده بود و دزدی، آدم

۱- [۱] . غلام حیـدر علامه، «جانیـان بشـریت در افغانسـتان و کـابوس محـاکمه بین المللی»، فصل نامه دیـدگاه های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ص ۷۳.

۲- [۲] . همان، ص ۷۳.

ربایی، قتل و غارت بر سراسر مناطق این ولایت حکومت می کرد. شرایط به گونه ای بود که اگر نیرو و قدرتی می توانست امنیت مردم را تأمین کند، با اقبال عمومی روبه رو می شد.(۱) به هر حال، طالبان با پشتوانه یک سری باورهای مذهبی مخصوص به خود، در صحنه سیاسی و بین المللی افغانستان ظاهر شد. از آن جا که هدف ما بررسی موارد نقض حقوق بشر است، بحث را روی این مورد خاص متوجه می سازیم و به جرایمی که ناظران بی طرف بین المللی گزارش کرده یا در اسناد سازمان ملل و عفو بین الملل ثبت شده است، اشاره می کنیم.(۲)

کشتار همگانی پیش از اشغال _مزار شریف_؛ در گزارش سازمان عفو بین الملل در مورد کشتار قریه _قزل آباد _آمده است: «در سپتامبر ۱۹۹۷، هفتاد نفر از غیر نظامیان شامل زنان و کودکان در روستای قزل آباد نزدیک مزار شریف به طور عمدی و خودسرانه قتل عام شدند...». دو واژه «به طور عمدی» و «خودسرانه» که در مورد کیفیت این قتل ها در گزارش آمده است، از نظر حقوق، مفهوم خاصی دارد؛ یعنی این کشتارها با قصد و اراده و از روی طرح و برنامه بوده و از روی قساوت صورت گرفته است!

_ کشتار نزدیک به ده هزار نفر پس از تصرّف مزار شریف و کشتن خبرنگار و شماری از دیپلمات های دولت جمهوری اسلامی ایران؛

_ کشتار همگانی در بامیان؛

ص:۷۹

۱- [۱] . افغانستان؛ ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، صص ۱۱۳ _ ۱۱۴.

۲- [۲] . بر گرفته از: جانیان بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین المللی با تلخیص.

ـ تبعید یا کوچ اجباری جمعیت انسانی شیعیان و تاجیکان مزار شریف، در بامیان، دره شمالی و قندهار؛(۱)

ـ بازداشت یا حبس افراد به صورت غیر قانونی؛

ـ تعقیب و آزار مداوم مردم بنا به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی؛

ـ برپایی زندان های زنان در شهرهای قندهار، کابل، مزار شریف و... ؛

ـ تجاوز جنسی و برده گیری زنان؛

ـ ربودن غیرنظامیان.

با توجه به جرایم ضد بشر که در بالا به صورت نمونه اشاره شد و با توجه به ویژگی های برجسته جنایت و جرایم علیه بشریت مانند: صلاحیت جهانی، مشمول مرور زمان نشدن، لزوم پیش بینی آن در قوانین داخلی برخی کشورها و... همگی این موارد، انگشت اتهام را به سوی طالبان نشانه می رود. با توجه به بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد که مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده شورای امنیت می گذارد، دخالت نکردن شورای امنیت در جلوگیری از نقض حقوق بشر در افغانستان، نقض منشور و اجرای صحیح وظایف نوشته شده در منشور را به اثبات رسانید. با توجه به سوابق عملکرد شورای امنیت در برخی کشورهای دیگر و بررسی شدت جنایت ها در افغانستان، وظیفه شورا ایجاب می کرد که با محاکمه عاملان این جنایت ها مرهمی بر داغ مردم بنهد.

نگاه سوم ـ نقض حقوق بشر در حمله امریکا به افغانستان

۱- [۱] . Faced Displacement.

یکی از پرسش های مهم در مورد حمله اخیر امریکا به افغانستان این است که آیا حمله امریکا به افغانستان از نظر عرف بین الملل و قوانین بین المللی مشروعیت دارد یا نه؟ براساس منشور سازمان ملل (ماده ۲ و ماده ۵۱)، هیچ قدرتی حق استفاده از نیروی نظامی جز برای دفاع از خود را ندارد. بر این اساس، هیچ کشوری حق ندارد برای انتقام، تلافی یا مجازات کشور دیگر، از نیروی نظامی استفاده کند. بنابراین، مصوبه نمایندگان مجلس امریکا نسبت به اقدام ـجرج دبلیو بوشـ، در حقیقت، نقض قانون بین المللی شمرده می شود. امریکا باید برای استرداد متهم تلاش می کرد و برای اقدام نظامی نیز با نظر شورای امنیت عمل کرد.

ادعای بوش این بود که حادثه ۱۱ سپتامبر در حقیقت، حمله مسلحانه به امریکا بوده است و امریکا حق دارد از خود در برابر این حمله دفاع کند. هر چند این حمله پایان یافته است، ولی افرادی که این عمل را انجام داده و مسبب انفجارهای گذشته هستند، ممکن است در آینده نیز چنین اعمالی را انجام دهند. این ادعای امریکا هنگامی پذیرفتنی است که مدارکی دال بر دخالت مظنونان به انفجار در اختیار شورای امنیت قرار گیرد. حتی بر فرض وجود مدارکی مستدل باز هم حمله امریکا باید با هماهنگی شورای امنیت انجام می شد؛ زیرا در ماده ۵۱ منشور به اقدامات عملی نیز اشاره شده است.(۱)

آن چه مشهود است این که بسیاری از قربانیان حمله امریکا، غیر نظامیانی بودند که سال ها طعم تلخ جنگ را چشیده و با کمبود آب، غذا،

۱- [۱] . افغانستان؛ ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، صص ۲۱۹ ـ ۲۲۰.

دارو و امکانات بیمارستانی روبه رو بودند. به گزارش سازمان ملل، تا پیش از حمله امریکا به این کشور، نزدیک به ۵ میلیون نفر از کمک های غذایی سازمان ملل استفاده می کردند، ولی پس از حمله امریکا همه این کمک ها قطع شد.(۱)

چه کسی پاسخ گوی این همه کشته و زخمی و خسارت های مادی و معنوی است؟ آیا جامعه جهانی در قبال این کشتار هیچ مسئولیتی ندارد؟ به طور کلی باید گفت خودسری امریکا فضای نا امنی و بی اعتمادی بین المللی را به وجود آورد و «فرهنگ زور» را در روابط بین الملل تقویت کرد. رفتار امریکا این معنا را در اذهان به وجود آورد که روابط بین المللی بر هیچ منطقی استوار نیست و هیچ تشکیلاتی حتی سازمان ملل متحد، قدرت اجرایی ندارد.(۲) حمله امریکا در عمل این واقعیت را به اثبات رسانید که قدرت اجرایی شورای امنیت و سازمان ملل و ضمانت اجرای این وظایف، بستگی تام و تمام به نظر و منافع قدرت های بزرگ و صاحب نفوذ در این سازمان دارد.

پرسش مهم این است که آیا در مواردی که شورا می خواهد در قبال یکی از قدرت های بزرگ و صاحب نفوذ در شورای امنیت، موضعی اتخاذ کند، از چه ضمانت اجرایی برخوردار است؟ آیا امکان مقابله با این قدرت ها در جاهایی که ناقض حقوق انسانی هستند، وجود دارد؟ آیا وظایف محوله در

۱- [۱] . همان، ص ۲۲۱.

۲- [۲] . همان، ص ۲۲۳.

منشور صرفاً نظریه هایی هستند که در این گونه موارد به نظر تام و منافع قدرت های بزرگ بستگی دارند؟!

مورد نهم ـ بحران خلیج فارس (جنگ عراق و کویت)

قوی ترین برخورد سازمان ملل متحد به ویژه شورای امنیت در دهه اخیر، واکنش این سازمان در برابر تجاوز عراق به کویت (۱۹۹۰ م) بود. شورای امنیت در یک برخورد استثنایی و با استفاده از دو عامل؛ یعنی پشتیبانی همه جانبه غرب و در رأس آن، امریکا از کویت و از سوی دیگر، سرگرم شدن شوروی ـ به عنوان حامی عراق در شورای امنیت ـ به مشکلات داخلی، نقش بسیار مؤثری را در هماهنگی جامعه جهانی در مقابله با متجاوز ایفا کرد. شورای امنیت از نخستین ساعت های حمله عراق در جریان اوضاع قرار گرفت و با بررسی سریع مسئله، نخستین قطع نامه(1) خود را به نام قطع نامه ۶۶۰ در مورد وضعیت عراق و کویت صادر کرد. شورا با صدور این قطع نامه، دو نکته اساسی را اعلام کرد. نکته اول این بود که شورا عزم راسخ خود را برای مقابله با این تجاوز نشان داد و دیگر این که شورای امنیت در ابتدای این قطع نامه با اعلام نقض صلح و یادآوری مواد ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور، قصد خود را مبنی بر اقدامات عملی اعلام داشت.

پس از صدور قطع نامه یاد شده و اجرا نشدن آن از سوی عراق، شورای امنیت به فاصله چهار روز قطع نامه ۶۶۱ را صادر کرد که در آن خواستار اجرای ماده ۴۱ منشور مبنی بر اجرای تحریم های همه جانبه علیه عراق از

۱- [۱] . برای آگاهی از فهرست قطع نامه های شورای امنیت درباره عراق نک: روزنامه اطلاعات، ۲۸/۱۱/۱۳۷۰؛ علی آهنی، فرانسه و مجامع بین المللی در برابر بحران خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲.

سوی جامعه جهانی گردید. پس از تصویب این قطع نامه، همکاری بی سابقه ای برای رسیدن به اهداف شورای امنیت آغاز شد. در این راستا و به دلیل آن که جنگ سرد به پایان خود نزدیک می شد، بسیاری از اعضای سازمان ملل متحد برای کسب وجهه بین المللی، آمادگی همه جانبه خود را جهت اجرای این تحریم ها اعلام کردند. این قطع نامه با اعطای وظیفه خاصی به دبیرکل، از وی خواست تا با مذاکره و میانجی گری، مساعی جمیله اش را صرف پایان مسالمت آمیز بحران کند و گزارش های خود را هر ۳۰ روز یک بار در اختیار شورا قرار دهد.

پس از رد شدن همه راه های مسالمت آمیز از سوی عراق برای خروج از کویت، شورای امنیت قطع نامه ۶۷۸ را به تصویب رساند که به واسطه آن، اجازه استفاده از «همه ابزار لازم» برای بازگرداندن حاکمیت کویت اعطا شد بدون این که به چگونگی اجرای مواد ۴۶ و ۴۷ منشور در مورد تشکیل ستاد نظامی اشاره ای داشته باشد. به این ترتیب، شورای امنیت مسئولیت رهبری استراتژیک نیروهای مسلح در بازگرداندن حاکمیت کویت را به امریکا تفویض کرد که البته با این کار، مبنای حقوقی ماهیت کار خود را به دلایل زیر تضعیف کرد:

یک ــ درباره این که نیروهای مسلح، کمک ها و تسهیلات لازم را در اختیار شورا قرار دهند، هیچ گونه موافقت نامه ای میان شورای امنیت و اعضای سازمان ملل منعقد نشد.

ص:۸۴

دو ــ کمیته ستاد نظامی هیچ گونه نقشی در تنظیم طرح های استفاده از نیروهای مسلح (ماده ۴۶ منشور) و هدایت نیروهای مسلح و تعیین مسایل مربوط به فرماندهی آن ها (بند ۱ و ۲ ماده ۴۷ منشور) نداشت.

سه ــ هیچ یک از بندهای قطع نامه ۶۷۸ شورای امنیت، شیوه استفاده از «هرگونه ابزار لازم» را ارایه نکرده بود.

عملیات نظامی برای بیرون راندن عراق از کویت در ۱۷ ژانویه آغاز شد عراق که توان ایستادگی در برابر نیروهای متحد را نداشت، پس از قریب دو ماه، شکست را پذیرفت و اعلام کرد که همه شروط قطع نامه های شورای امنیت را می پذیرد. نکته مهم این است که نیروهای متحد در جریان عملیات همه جانبه خود پاره ای از مقررات بین المللی را نقض کردند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ــ حمله به میراث فرهنگی و اماکن مذهبی عراق؛

ــ حمله به راکتورهای اتمی و ایجاد آلودگی هسته ای؛

ــ ایجاد فشار یا دستگیری عراقی های مقیم خارج از کشور از جمله دستگیری ۲۳ دانشجوی عراقی در انگلیس.

گفتنی است همه این موارد در مغایرت آشکار با برخی مقررات و کنوانسیون های بین المللی بود.

شورای امنیت که قاطعیت خود را از اولین روزهای جنگ نشان داده بود، پس از تسلیم شدن بی قید و شرط عراق، با تصویب قطع نامه ۱۸۷، برنامه خاصی را برای آینده عراق ارایه کرد و این کشور را از داشتن همه سلاح های شیمیایی، میکروبی، بیولوژیکی، هسته ای، کشتار جمعی و موشک های با برد

بیش از ۱۵۰ کیلومتر برحذر داشت. این شورا در حالی که می خواست موجودیت عراق حفظ شود، طرح خلع سلاح همه جانبه این کشور را ارایه داد.

همان گونه که گذشت، شورای امنیت در جنگ تحمیلی عراق با ایران بسیار نرم و آهسته وارد عرصه عمل شد، ولی برعکس، در جنگ عراق و کویت از همان لحظه اول با حضور فعال و شدت خاصی، مسایل را تعقیب کرد و به نتیجه رسید.(۱) اکنون پرسش مهم این است که این دوگانگی(۲) در واکنش های شورای امنیت در برابر بحران های بین المللی، با وحدت ملاک های موجود، چه دلیلی دارد؟ چرا پس از شکست عراق و قیام مردم شمال عراق و اقدامات صدام علیه آن ها که در مغایرت آشکار با موازین حقوق انسانی و بین المللی بود، شورای امنیت با تعلل خاصی این اقدامات را محکوم کرد؟(۳)

۶. حق وتو

اشاره

از سازوکار رأی گیری شورای امنیت در ماده ۲۷ منشور سازمان ملل متحد به «حق وتو» تعبیر شده است؛ یعنی هیچ تصمیمی نمی تواند بدون رضایت یکی از اعضای دایم شورای امنیت اتخاذ شود. این رأی منفی اعضای دایم تنها هنگامی «وتو» تلقی می شود که به مسایل ماهوی مربوط باشد، ولی در مسایل آیین کار این گونه نیست. بدیهی است رأی منفی عضو دایم حتی زمانی که

۱- [۱] . امیر سعید کرمی، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران کویت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۳، صص ۱۴۳ _ ۱۴۶.

۲- [۲] . Double Standard.

۳- [۳] . نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران کویت، ص ۱۴۶.

قطع نـامه مربوط به یکی از مسایـل اساسـی بوده و در مجموع، آرای ثبت لازم را کسب نکنـد، «وتو» به شـمار نمی رود. بـاید دانست به رأی منفی یکی از اعضای دایم شورای امنیت به بخشی از پیش نویس قطع نامه ای که بعداً در مجموع آن را وتو می کنند، «وتوی مضاعف»(۱) گفته می شود.(۲)

الف) فلسفه واگذاری حق وتو

اساساً با تکیه بر تجربه جامعه ملل که نتوانسـته بود نظام امنیت جمعی را برقرار کنـد، تدوین کنندگان منشور سازمان ملل متحد درصدد برآمدند تا با اعطای حق رأی ممتاز (حق وتو) به اعضای دایم شورای امنیت، صـلح جهانی را تضـمین کنند. این امتیاز در کنفرانس ـیالتاـ از طرف ـروزولتـ، رئیس جمهور وقت امریکا پیشـنهاد شـد و به تأییـد انگلسـتان و شوروی نیز رسـید. بنـابراین، اعضـای دایم شورای امنیت با برخورداری از حق وتو تصـمیم گیری می کننـد و براساس ماده ۲۵، تصمیم شورا برای همه اعضای سازمان ملل متحد لازم الاجرا است.

ب) دلایل موافقان و مخالفان حق وتو

یک ـ نظر موافقان

۱. پنـج قدرت بزرگ هر یک برای خود، نظری جداگانه و منافعی خاص دارند و کشورهای دیگر هر کدام تابع این یا آن نظر و منفعت هستند. وقتی اعضای دایم شورای امنیت با هم به توافق برسند، همه کشورهای عضو به دلیل حق وتویی که هر یک از اعضای دایم دارند، مطمئن خواهند بود که راه

ص:۸۷

۱- [۱] . Double Veto.

۲- [۲] . سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۲۳.

حل مورد نظر کشورهای عضو دایم شورا در مورد یک مسئله، همان راه حلی است که از نظر سیاسی و بین المللی، معقول و موجه خواهد بود.(۱)

۲. حق وتو مانع درگیری اعضای دایم و متوازن کننده رأی شورا در برابر مجمع عمومی است، زیرا در مجمع، رأی کشورهای کوچک با کشورهایی چون امریکا برابر است.

۳. این حق مانعی در راه دست یابی شورای امنیت به مقاصد صلح طلبانه خود نیست؛ زیرا در صورت نبود آن، اعضای قدرتمند و دایم شورا حتماً به ابزار دیگری متوسل می شدند.

۴. حق وتو مانع خروج اعضای دایم و قدرتمند از سازمان ملل است همان گونه که در جامعه ملل روی داد.

دو ـ نظر مخالفان

۱. حق وتو با اصل حقوق برابر کشورها در بند ۱ ماده ۲ منشور تعارض دارد.

۲. این حق، شورای امنیت را محدود ساخته است؛ زیرا با توجه به استفاده های غیر منطقی و در راستای منافع قدرت های صاحب این حق، در عمل، شورا را از اقدام قاطع برای حفظ صلح و رفتار بر ضد منافع این قدرت ها خلع سلاح کرده است.

نتیجه گیری

هرچند واگذاری حق وتو با توجه به بررسی مشروح مذاکره کنفرانس های ـیالتاـ و ـسانفرانسیسکو ـمی توانست سودمند باشد، ولی بررسی آن در عمل و میزان قطع نامه های وتو شده نشان می دهد که این حق برخلاف پیش بینی ها، به

۱- [۱] . هدایت اللّه فلسفی، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی؛ دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۸، ۱۳۶۹، ص ۴۳.

صورت ابزاری برای حفظ منافع این قدرت ها در آمده است. تعداد قطع نامه های وتو شده تا ژوئن سال ۱۹۸۶ به ترتیب عبارتند از: شوروی، ۱۱۶ مورد؛ امریکا، ۶۰ مورد؛ انگلستان، ۲۹ مورد؛ فرانسه، ۱۷ مورد و چین، ۴ مورد.(۱)

گفتنی است امریکا به تنهایی هشت پیش نویس قطع نامه در مورد فلسطین، سه قطع نامه درباره تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، یک قطع نامه مربوط به اشغال جنوب لبنان به دست اسرائیل، یک قطع نامه مربوط به محکوم کردن اسرائیل در حمله های قبلی (۱۹۷۷) را وتو کرده است.

توجه به این موارد و مصادیق اعمال این حق رأی ممتاز، ما را به موارد زیر رهنمون می سازد:

۱. همراه با اعطای امتیاز یاد شده به این قدرت ها، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی نیز از آن ها خواسته شد، در حالی که این قدرت ها امروزه با استفاده از هر وسیله ای حتی حق وتو، خواستار به دست آوردن منافع بلند مدت یا کوتاه مدت خود هستند و حفظ صلح بر ایشان اصلاً اهمیت ندارد.

۲. همان گونه که اشاره شد و برخی استادان حقوق چون _باوت_ بیان داشته اند، شناسایی این پنج کشور به عنوان پنج قدرت اول جهان، در حقیقت، یک داوری سیاسی منحصر به سال ۱۹۴۵ م است؛ زیرا امروزه هرکس بخواهد ادعا کند که این پنج قدرت هم چنان قدرت های اول جهان هستند یا خواهند بود، این سخن را از او نمی پذیرند.

ص:۸۹

۱- [۱] . کلود آلبر کیلیار، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه و تحقیق: هدایت اللّه فلسفی، نشر فاخته، ۱۳۷۱، ص ۵۲.

۳. ماده ۱۰۸ منشور هرگونه تجدید نظر در منشور را به اجازه این اعضا وابسته دانسته است. آشکار است که این ها هرگز از امتیازهای خود کوتاه نمی آیند. پس از میان مواد منشور کنونی، راه حلی برای این کار نمی توان یافت.

همان گونه که در جامعه بین المللی مشهود است و صاحب نظران بر آن اعتقاد دارند، دیگر منطق زور در روابط بین الملل جایی ندارد و جامعه بین المللی، دیپلماسی را بهتر می پسندد. البته با توجه به ماده ۲ بند ۱ که همه اعضا را دارای حاکمیت مساوی می داند، می توانیم در صورت تمایل اکثریت اعضای این سازمان و جامعه بین المللی، خواستار تعدیل حق وتو باشیم. گفتنی است در صورت توافق اکثریت قاطع اعضای این سازمان، تعدیل این وضعیت به گونه ای که جامعه بین المللی بپذیرد، دور از دسترس نیست؛ زیرا سازمان ملل، حکومتی جهانی نیست و قدرت و بقای آن منوط و وابسته به اعضا و قدرت آن ها است. پس در صورت توافق قاطع اعضا می توان تعدیل این امتیاز را برای تأمین منافع صلح طلبانه بین المللی خواستار شد.

گفتار دوم: مجمع عمومی (General Assembly)

۱. اعضا و اختیارات مجمع عمومی

مجمع عمومی، ارگان مرکزی سازمان ملل متحد به شمار می آید(۱) و آن را می توان مهم ترین «رکن تبادل نظر و مشورتی»(۲) سازمان ملل متحد دانست.(۳)

۱- [۱] . حقوق نهادهای بین المللی، ص ۷۹.

۲- [۲] . Deliberative.

۳- [۳] . سازمان های بین المللی، ص ۱۱۹.

مجمععمومی از همه کشورهای عضو تشکیل می شود و هر یک از اعضا، یک رأی دارند که می تواند با پنج نماینده در جلسه های مجمع شرکت کند. بر همین اساس، این مجمع را «مجلس جهانی» نامیده اند که مبیّن و معرّف یک جایگاه مؤثر برای ابراز عقاید جامعه جهانی است.(۱) با وجود جهانی بودن ماهیت مجمع عمومی، سازمان ملل متحد، تا سالیان دراز از پذیرش اعضای جدید، خودداری می ورزید. مهم ترین دلایل محروم شدن برخی کشورها از عضویت در سازمان ملل عبارت بود از:(۲)

ـ رقابت دو ابرقدرت امریکا و شوروی تا سال ۱۹۵۵ م؛

ـ کوچک بودن (ذرهّ ای) برخی از کشورها.

البته دلیل دیگری نیز می توانیم برای محروم ماندن سازمان ملل از افتخار جهانی شدن برشمریم و آن، «شرایط ویژه ای است که در ماده ۴ منشور مقرر شده است:

۱. عضویّت در سازمان ملل متحد برای دیگر کشورهای صلح دوست جهان که تعهدات مندرج در این منشور را مورد پذیرش قرار دهند و به موجب رأی سازمان ملل، قادر و مایل به ایفای این تعهدّات باشند، آزاد است.

۲. پذیرش این گونه کشورها به عضویت سازمان ملل متحد، منوط به تصویب مجمع عمومی است و براساس پیشنهاد شورای امنیت صورت می گیرد».(۳)

ص:۹۱

۱- [۱] . همان، ص ۷۹.

۲- [۲] . سازمان های بین المللی، ص ۱۲۰.

۳- [۳] . حقوق نهادهای بین المللی، صص ۷۹ ـ ۸۰.

با توجه به جریان استعمارزدایی و پیدایش کشورهای متعدد و جدید و تغییر دیدگاه ها در سطح بین الملل در مورد کشورها، تقریباً بیش تر کشورها از اوایل دهه هفتاد به عضویت این سازمان درآمدند و بدین ترتیب، جهانی بودن مجمع تحقق یافت.

مجمع عمومی چون مرکب از نمایندگان همه کشورهای عضو با اختیارات وسیعی است که به موجب مواد ۱۰ تا ۱۷ (فصل چهارم) منشور کسب کرده، «مظهر وجدان جهانی» به شمار می آید.(۱) نکته مهم در مورد مجمع عمومی ــ مزیت مجمع نسبت به شورای امنیت ــ شیوه تصمیم گیری در مجمع عمومی است که اعضای مجمع اعم از بزرگ و کوچک یا قدرتمند و ضعیف از قدرت رأی برابری برخوردارند. برابری قدرت آرا سبب می شود هنگام رأی گیری در موضوع خاص، بلوک بندی های متفاوتی در مجمع عمومی شکل بگیرد. همین بلوک بندی ها سبب می شود که شمار محدودی از کشورها با تجمع در یک دسته خاص، نفوذ و قدرت سیاسی خود را تا حد زیادی افزایش دهند، به گونه ای که با قدرت حقیقی آن ها تناسبی نداشته باشد. به همین دلیل، کشورهای غرب به ویژه ایالات متحده امریکا، مجمع عمومی را مرکز «دیکتاتوری اکثریت» می دانند؛ زیرا کشورهای جهان سوم با تجمع خود در یک بلوک سیاسی خاص می توانند به قدرت رأی خود افزوده و قطع نامه هایی را صادر کنند(۲) که گاه برخلاف خواست و اهداف این کشورها است.

ص:۹۲

۱- [۱] . سازمان های بین المللی، ص ۱۲۲.

۲- [۲] . همان، ص ۱۲۲ با اندکی تلخیص.

در مورد وظایف و اختیارات مجمع عمومی می توان گفت این وظایف در مواد ۴، ۵، ۶ و ۱۰ تا ۱۷ و زیر مواد ۳۵، ۶۰ ، ۶۱ ، ۸۶ ، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور و هم چنین ماده ۴ اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری(۱) تصریح شده است. باتوجه به مواد یاد شده، وظایف و اختیارات مجمع را می توان به پنج بخش زیر تقسیم کرد:(۲)

ـ وظیفه بحث و مذاکره؛(۳)

ـ وظیفه سرپرستی(۴) یا نظارت؛

ـ وظیفه اساس نامه ای؛(۵)

ـ وظیفه مالی؛(۶)

ـ وظیفه اصلاحاتی (ترمیم و تغییر مواد منشور).

۲. آثار حقوقی قطع نامه های مجمع عمومی

پرسشی که این جا مطرح می شود این است که آیا از نظر حقوقی و با توجه به منشور ملل متحد، قطع نامه های مجمع عمومی می توانند جنبه الزام آوری داشته باشند یا خیر؟

آن چه از مواد ۱۰، ۱۱ و ۲۰ (در مورد ماهیت مذاکره ای مجمع عمومی) بر می آید، به خوبی نشان می دهد که قطع نامه های مجمع عمومی نمی توانند به

۱- [۱] . International Court Of Justice.

۲- [۲] . احمد مرادی نسب، تحول نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲، ص ۳۷۰.

۳- [۳] . Deliberative functicn.

۴- [۴] . Superisory Function.

۵- [۵] . Constitutional Function.

۶- [۶] . Finanancial Function.

طور مستقیم، تعهد حقوقی ایجاد کنند، بلکه جنبه توصیه ای دارند. گفتنی است امروزه نظریه جالب توجهی از سوی کارشناسان ارایه شده است که قطع نامه های مجمع عمومی را از حالت «نیمه الزام آور» برخوردار می سازد. براساس این نظریه، قطع نامه های صادر شده از سوی مجمع اگر چه برای کشورهای عضو به طور مستقیم تعهد حقوقی ایجاد نمی کند، ولی این قطع نامه ها را به طور غیرمستقیم می توان دلیلی بر وجود یک قاعده الزام آور در آن زمینه به شمار آورد؛ زیرا براساس قطع نامه های صادر شده، کشورها توافق خود را نسبت به وجود یک قاعده الزام آور در زمینه مربوط اعلام می کنند. البته هنگامی که شمار کشورهای رأی دهنده به یک قطع نامه، نسبت به کل اعضای مجمع عمومی قابل توجه نباشد، قدرت حقوقی قطع نامه یاد شده نیز به همین نسبت کاهش می یابد. (مثل قطع نامه ((XVI) ۱۶۵۳ در مورد غیر قانونی شناختن تسلیحات هسته ای که با وجود تصویب مجمع، رأی چندانی به دست نیاورد).(۱)

البته مخالفت با الزام آور بودن قطع نامه های مجمع عمومی در دو مطلب ریشه دارد: اول، اعتراض کشورها نسبت به حاکمیت رأی دوسوم اعضا بر همه آنها؛ دوم، این که قایل شدن اثر الزام آور برای قطع نامه های یاد شده، روش های سنتی انعقاد معاهده های بین المللی را که همگی با تصویب مجالس قانون گذاری کشورهای عضو صورت می گیرد، تحت شعاع قرار خواهد داد.(۲)

ص:۹۴

۱- [۱] . حقوق نهادهای بین المللی، ص ۸۶ .

۲- [۲] . همان، ص ۸۹.

بـا وجود این، برخی قطع نـامه هـای مجمع، در عمل، اثر الزام آوری داشـته انـد. قطع نامه ۱۸۱ مجمع در مورد تقسـیم فلسطین، نمونه برجسته آن بود و الزام آور بودن آن تا جایی است که حتی مجمع عمومی به شورای امنیت توصیه کرده است مخالفت با آن را تهدید علیه صـلح و امنیت بین المللی تلقی کند و در مورد آن تصـمیم بگیرد. با توجه به مفاد ماده ۱۰ و ۱۱ منشور مسلّم است که صـدور قطع نـامه ۱۸۱ فراتر از اختیـارات و صـلاحیت مجمع عمـومی است و آثـار حقـوقی مـترتب بر آن نیز از جنبه حقوقی نمی تواند صحیح باشد و این اقدام از صلاحیت مجمع عمومی و اختیارات مندرج در منشور برای مجمع فراتر است.

۳. بررسی عملکرد مجمع عمومی

اشاره

پیش از بررسـی عملکرد مجمـع عمـومی بایـد دانست که مجمع در عمـل به تدریـج موفق شـده است در حوزه فعـالیت خـاص شورای امنیت نفوذ کنـد و خـط افتراق میان وظایف مجمع و شورا را به تدریـج از بین ببرد. این امر با اسـتفاده بیش تر از مجمع عمومی به جای شورای امنیت برای حل و فصل مسایل سیاسـی و امنیتی آغاز شـده است. علت این گرایش به مجمع عمومی را باید در تغییر به وجود آمده در وضع سیاسـی جهان پس از تأسیس سازمان ملل جست وجو کرد. از سوی دیگر، بنیان سازمانی و ترکیب سیاسی مجمع عمومی در این سیر مؤثر بوده است. در مجمع، بر خلاف شورای امنیت، «وتو» وجود نداشته و عضویت وسـیع تر آن به کشورهای بزرگ امکان داده است تا از مجمع به عنوان سـکوی تبلیغاتی درجه اول اسـتفاده کننـد. بنابراین، در مواردی که شورای امنیت به دلیل «وتو»، با بن بست روبه رو گشته،

کوشش شده است تا مسئله مورد بحث به مجمع عمومی ارجاع شود. به این ترتیب، مجمع عمومی به عنوان یک ارگان پژوهشی از تصمیم شورا یا ارگانی که در درجه دوم به آن توسل می شود، مورد استفاده قرار گرفته است.(۱)

مجمع عمومی دارای دوگونه صلاحیت است صلاحیت انحصاری و صلاحیت های غیرانحصاری. در ادامه از صلاحیت های انحصاری، ایجاد ارکان فرعی و توسعه و تدوین تدریجی حقوق بین الملل و از صلاحیت های غیر انحصاری،(۲) انتخاب دبیرکل را بررسی می کنیم.

الف) ایجاد ارکان فرعی

یکی از صلاحیت ها و وظایف انحصاری مجمع عمومی، ایجاد ارکان فرعی است. مجمع عمومی تاکنون ۱۴ رکن فرعی را ایجاد کرده است که هر یک، وظایف خاص خود را در راستای اهداف و وظایف مجمع پی گیری می کنند. _کمیسیون حقوق بین الملل _(ILC)، _برنامه عمران ملل متحد _(UNEP)، _صندوق جمعیت ملل متحد _(UNFDA) و_ کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان _ (UNHCR) در شمار این ارکان هستند.

ب) تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل

همان گونه که اشاره شد، مجمع با توجه به ماده ۱۳ قسمت اول بند الف، در مورد تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل، صلاحیت انحصاری دارد.

۱- [۱] . تحول نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد، صص ۴۷ _ ۴۸.

۲- [۲] . مجمع عمومی در چهار مورد، صلاحیت انحصاری دارد: ایجاد ارکان فرعی؛ تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل؛ سرزمین های غیر خودمختار و مسایل داخلی سازمان بودجه سازمان، انتخاب اعضای غیر دایم شورای امنیت و... در مواردی چون: حفظ صلح و امنیت بین المللی، انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری و انتخاب دبیرکل نیز صلاحیت غیر انحصاری دارد.

مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷ با تأسیس _کمیسیون حقوق بین الملل،_(۱) وظیفه تدوین وتوسعه تدریجی حقوق بین الملل را به این کمیسیون واگذار کرده است.(۲)

بخش اصلی کار کمیسیون، تهیه متون پیش نویس در موضوع حقوق بین الملل است که برخی را کمیسیون انتخاب می کند و بعضی از سوی مجمع عمومی یا شورای اقتصادی و اجتماعی به آن ارجاع داده می شود.(۳)

به هر صورت، مجمع در زمینه توسعه حقوق بین الملل، فعالیت های زیادی را انجام داده است که از آن میان، تصویب عهدنامه های: روابط _دیپلماتیک _(۱۹۶۱)، _روابط کنسولی _(۱۹۶۳)، _قانون معاهدات وین _میان سازمان های بین المللی و کشورها یا میان سازمان های بین المللی (۱۹۸۶)، _کاهش میزان بی تابعیتی_ (۱۹۶۱)،(۴)عهدنامه _علیه گروگان گیری_ (۱۹۷۹)،(۵) تصویب _کنوانسیون حقوق معاهدات وین_(۱۹۶۹)، ایجاد _کمیسیون حقوق تجارت بین الملل _و _مصونیت پرسنل سازمان ملل متحد_ (۱۹۹۴) و تصویب اعلامیه ای درباره _تدابیری برای رفع تروریسم_(۶) را می توانانم برد.(۷) در این جا نمی خواهیم به درستی یا نادرستی این موارد اشاره کنیم، ولی این فعالیت ها از این نظر که در راه توسعه حقوق بین الملل مؤثر بوده اند، قابل تقدیرند.

ج) انتخاب دبیر کل سازمان ملل متحد

۱- [۱] .International Law Commission.

۲- [۲] . اعضای این کمیسیون را که مرکب از ۳۴ حقوق دان برجسته هستند، مجمع عمومی برای مدت ۵ سال انتخاب می کند. این کمیسیون جلسه های سالیانه دارد و اعضای آن به نمایندگی از دولت خود در آن حضور ندارند، بلکه با توجه به صلاحیت علمی شان انتخاب می شوند.

۳- [۳] . واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۳۲۲.

۴- [۴] . Convention On The Reducation Of Statelessness.

۵- [۵] . Convention against Hostage _ Taking.

۶- [۶] . Declaration On Measures To Eliminate International Terrorism.

۷- [۷] . برای مطالعه نک: واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، صص ۳۲۳ _ ۳۳۶.

یکی از موارد صلاحیت غیر انحصاری مجمع عمومی، انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد است. ماده ۹۷ منشور در این باره چنین بیان می دارد:

دبیرخانه از یک دبیر کل و کارمندان مورد نیاز سازمان تشکیل می گردد. دبیرکل را مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت تعیین می کند. دبیرکل، عالی ترین مقام اداری سازمان است.

شورای امنیت و مجمع عمومی، دبیر کل را به صورت مشترک انتخاب می کنند. در ابتدا، شورای امنیت در یک جلسه خصوصی، نامزدهای دبیر کلی را مورد بررسی قرار می دهد. آن گاه از رأی گیری به صورت غیرتشریفاتی، با صدور قطع نامه ای، یکی از نامزدها را به عنوان نامزد دبیر کلی، به مجمع عمومی معرفی می کند. آن گاه مجمع در مذاکره های خصوصی، موضوع را بررسی و در جلسه عمومی، با رأی مخفی، نظر قطعی خود را اعلام می کند. مدت تصدی این مقام در منشور تعیین نشده است، ولی در سال ۱۹۴۶، مجمع عمومی این مدت را ۵ سال تعیین کرد که البته قابل تمدید است.(۱)

در زمینه انتخاب دبیرکل سازمان ملل، باید به دو واقعه اشاره کرد که برخی مشکلات حقوقی را به وجود آورده اند:

۱. هنگام پایان یافتن مدت خدمت آقای ـ تریگولی ـ در سال ۱۹۵۰، شورای امنیت اعلام کرد که به هیچ وجه قادر به توصیه فردی برای تصدی این پست به مجمع عمومی نیست. به دنبال نظر شورای امنیت، مجمع عمومی نیز موضوع تعیین دبیرکل را ـ با وجود مخالفت اتحاد جماهیر شوروی ـ در

۱- [۱] . حقوق معاهدات بین المللی، ص ۱۶۶.

دستور کار خود قرار داد و به موجب قطع نامه (۷) ۴۹۲ تصمیم گرفت که آقای تریگولی(۱) را برای سه سالدیگر در آن مقام ابقا کند.

۲. مجمع عمومی در پی مرگ _هامرشولد_، جانشین وی، آقای _اوتانت _را به عنوان دبیرکل برای ادامه مدت باقی مانده دبیرکلی معرفی کرد. دبیرکل جدید پس از توصیه نامه شورای امنیت مورد تأیید هر دو ارگان قرار گرفت.(۲)

گفتنی است مجمع عمومی در انتخاب دبیر کل، نقش مکمّل را دارد و نمی تواند خود به طور مستقیم، فرد مورد نظر را انتخاب کند. پس می توان گفت نقش شورای امنیت در این زمینه مهم تر است، هر چند که مجمع نیز در انتخاب دبیرکل سهیم است. بررسی عملکرد دبیرکل های سازمان ملل به طور غیرمستقیم، ما را به قوت یا ضعف کارکرد این دو رکن سازمان ملل در زمینه انتخاب دبیرکل رهنمون خواهد بود.(۳)

گفتار سوم: دیوان بین المللی دادگستری (International Court Of Justice)

۱. ساختار و تشکیلات دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری یکی از ارکان اصلی شش گانه (و رکن اصلی قضایی) سازمان ملل متحد است که مرکز آن در لاهه قرار دارد و به این جهت، گاهی دیوان یا دادگاه لاهه خوانده می شود. دیوان مرکب از ۱۵ قاضی است که برای مدت ۹ سال انتخاب می شوند و در مورد همه مسایل ارجاع

۱- [۱] . Trygve lie.

۲- [۲] . حقوق معاهدات بین المللی، ص ۱۶۶.

۳- [۳] . در بخش دبیرخانه و دبیر کل که یکی از ارکان سازمان ملل به شمار می رود، تا حدودی عملکرد هر یک از دبیرکل ها را بررسی می کنیم.

شده به آن، با اکثریت آرای قضات حاضر _ دست کم حضور نه قاضی لازم است _ تصمیم می گیرند.(۱)

برای تضمین استقلال قضات، دولت های عضو سازمان ملل نامزدهای عضویت در دیوان را به طور مستقیم انتخاب نمی کنند، بلکه از میان گروه های ملّی مربوط به دیوان دایمی داوری پیشنهاد می شوند. آن دسته از اعضای سازمان ملل که در دیوان داوری، نماینده ندارند، نامزدهایشان را از گروه های ملی که بدین منظور تشکیل می شود، تعیین می کنند.(۲) هیچ یک از گروه های ملی نمی تواند بیش از چهار نفر را معرفی کند و حداکثر دو نفر از آن ها می تواند از ملیّت آن گروه باشد. در هر حال، شمار نامزدها نباید از دو برابر کرسی های خالی دیوان تجاوز کند.(۳) مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک به طور مستقل، اعضای دیوان را انتخاب می کنند. انتخاب شوندگان هم در شورا و هم در مجمع عمومی باید اکثریت مطلق آرا را به دست آورند. در رأی شورای امنیت برای انتخاب قضات دیوان، میان اعضای دایم و غیر دایم شورای امنیت تفاوتی وجود ندارد.(۴) این مسئله از نکته های مثبت در انتخاب قضات دیوان به شمار می رود. قضات دیوان باید از قبول هر گونه مأموریت سیاسی یا اداری که جنبه حرفه ای داشته باشد، خودداری کنند.(۵) اعضای دیوان در هیچ دعوایی نمی توانند به سمت نماینده، مشاور یا وکیل یکی از طرفین یا

۱- [۱] . علی آقابخشی و مینوافشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی.

۲- [۲] . ماده ۴ اساس نامه.

۳- [۳] . ماده ۵ ۲ اساس نامه.

۴- [۴] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ارکان فرعی و دیوان بین المللی دادگستری و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آن ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴، صص ۵۵۲ _ ۵۵۳.

۵- [۵] . حاوی ۱۶ اساس نامه.

عضو محکمه ملّی یا بین المللی یا هیأت تحقیق یا هر عنوان دیگری، مداخله داشته باشند.(۱)

نکته آخر در مورد دیوان این که در دو صورت، امکان استفاده از _قاضی اختصاصی_(۲) وجود دارد:

۱. چنان چه یکی از قضات دیوان، تابعیت یکی از دولت های طرف دعوا را داشته باشد، به طرف دیگر حق داده می شود که یکی از اتباع خود یا افراد خارجی را که از شرایط لازم برخوردار است، به عنوان قاضی به دیوان معرفی کند.

۲. هرگاه در میان قضات دیوان هیچ یک از طرفین دعوا در دادگاه، قاضی نداشته باشد، هر یک از آن ها می توانند یک نفر قاضی را به شیوه یاد شده انتخاب و معرفی کنند. گفتنی است قاضی اختصاصی یا ملّی برای دعوای خاص و به طور موقت انتخاب می شود و پس از پایان یافتن دعوا، مأموریت وی نیز پایان می پذیرد.(۳)

۲. صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری و ضمانت اجرای احکام آن

اشاره

صلاحیت دیوان در رسیدگی به اختلافات کشورها به رضایت کشورهای طرف دعوا بستگی دارد؛ زیرا اعمال حق دادرسی و قضاوت در امور بین الملل جز بر مبنای میل و اراده دولت ها میسّر نیست و توافق دولت ها شرط اصلی و قبلی قضاوت شفاف در حل و فصل اختلافات آن هاست. افزون بر این مسئله

۱- [۱] . ماده ۱۷ اساس نامه.

۲- [۲] . Judge Ad Hoc.

۳- [۳] . رضا موسی زاده، کلیات حقوق بین الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۱۹۰ _ ۱۹۱.

که «صلاحیت ترافعی یا قضایی»(۱) نامیده می شود، دیوان می تواند براساس ماده ۱۶۵اساس نامه، در هر مسئله قضایی به تقاضای هر سازمان یا مؤسسه ای که در منشور ملل متحد پیش بینی شده، «رأی مشورتی»(۲) صادر کند(۳) که این مسئله از مواردصلاحیت مشورتی دیوان است.

الف) صلاحیت ترافعی

بند یک ماده ۳۶ اساس نامه در مورد صلاحیت دیوان چنین بیان می دارد:

صلاحیت دیوان شامل همه اختلافاتی است که اصحاب دعوا به آن رجوع می کنند و هم چنین شامل همه مواردی است که در منشور ملل متحد یا قراردادها و مقاوله نامه های جاری پیش بینی شده است.

دقت نظر در این تعریف، کاستی های آن را روشن می سازد؛ زیرا صلاحیت دیوان همه اختلافاتی را که اصحاب دعوا به آن رجوع می کنند، دربرنمی گیرد، بلکه محدودیت هایی به شرح زیر دارد:(۴)

یک _ اصحاب دعوا

یک _ تنها دولت ها می توانند اختلافات خود را به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع دهند. بنابراین، اشخاص حقیقی و شرکت های تجاری اعم از داخلی و خارجی و مؤسسه های عمومی داخلی و بین المللی نمی توانند نزد دیوان، اقامه دعوا کنند.

دو _ اصحاب دعوا باید از اعضای اساس نامه دیوان باشند. دولت هایی که عضو سازمان ملل متحد نیستند، با رعایت مفاد بند ۲ ماده ۹۳ منشور

۱- [۱] . Contentions Jurisdiction.

۲- [۲] . Adrisory Opinion.

۳- [۳] . کلیات حقوق بین الملل عمومی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۴- [۴] . سعید میرزایی ینگجه، ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، صص ۳۳ _ ۳۵.

می توانند عضو اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری شوند (مثل دولت سوئیس، سان مارینو و...).

سه _ دولت هایی که عضو اساس نامه دیوان نیز نیستند، می توانند اختلافاتشان را به دیوان ارجاع کنند که شرایط آن براساس قطع نامه ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ شورای امنیت معین شده است.

دو _ موضوع دعوا

از آن جا که دیوان یک دادگاه حقوقی است، پیش از هر اقدامی باید «قابل پذیرش»(۱) بودن دعوا از نظر حقوقی و صلاحیت خود را احراز کند. دیوان تنهامرجع رسیدگی به اختلافات حقوقی است و برای رسیدگی به اختلافات سیاسی و کیفری صالح نیست.(۲) اگر دعوایی هم جنبه حقوقی و هم سیاسی داشته باشد، تنها جنبه های حقوقی آن قابل رسیدگی در دیوان است.

سه _ رضایت دولت ها

دیوان در صورت رضایت کامل اصحاب دعوا می تواند به اختلافات حقوقی رسیدگی کند. به دیگر سخن، به صرف مراجعه یکی از اصحاب دعوا و تسلیم شکایت نمی تواند طرف دیگر را به پای میز محاکمه بکشاند مگر آن که طرف دعوا پیش تر رضایت خود را مبنی بر رسیدگی به اختلافات اعلام داشته باشد یا پس از بروز اختلاف، صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به آن اختلاف بپذیرد.(۳)

چهار _ مجاری رضایت دولت ها(۴)

۱- [۱] . Admissibility.

۲- [۲] . بند ۲ ماده ۳۶ اساس نامه دیوان.

۳- [۳] . کلیات حقوق بین الملل عمومی، ص ۱۹۷.

۴- [۴] . همان، صص ۱۹۷ _ ۲۰۰.

با توجه به رضایت دولت ها برای رسیدگی، چنان چه رضایت دولتها برای دیوان احراز نشود، آن دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوا را نخواهد داشت. در عمل، اعلام رضایت کشورها یا به عبارت دیگر، قبول صلاحیت دیوان ممکن است به دو شکل صورت گیرد:

اول _ انعقاد موافقت نامه های خاص مبنی بر قبول صلاحیت دیوان

در این موافقت نامه ها که پس از بروز اختلاف میان دولت ها منعقد می شود، صلاحیت دیوان مبنی بر رسیدگی به اختلاف مورد پذیرش قرار می گیرد. قبول صلاحیت دیوان به این شیوه را «پذیرش اختیاری صلاحیت دیوان» می نامند.

دوم _ پذیرش صلاحیت اجباری دیوان

در این حالت، صلاحیت دیوان را پیش از بروز اختلاف، قبول می کنند. پذیرش این صلاحیت به یکی از دو شیوه زیر یا به هر دو صورت اجرا می شود:

۱. پذیرش صلاحیت اجباری دیوان به وسیله عهدنامه ها و موافقت نامه های بین المللی

شامل معاهدات دو جانبه و چند جانبه (مثل: ماده نهم کنوانسیون منع کشتار دسته جمعی) که براساس آن ها به _دیوان دایمی دادگستری _بین المللی اعطای صلاحیت شده است (ماده ۳۷ اساس نامه).(۱)

۲. پذیرش صلاحیت اجباری دیوان به وسیله صدور اعلامیه یک جانبه

۱- [۱] . ماده ۳۷ اساس نامه: «هرگاه به موجب یک عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبر است، ارجاع اختلاف به هیأت قضایی که بایستی از طرف «جامعه ملل» تشکیل گردد یا ارجاع به دادگاه دایمی دادگستری بین المللی» پیش بینی شده باشد، نسبت به امضا کنندگان این اساس نامه، آن هیأت قضات عبارت خواهد بود از دادگاه بین المللی دادگستری».

بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ اساس نامه دیوان، کشورهای امضا کننده این اساس نامه می توانند صلاحیت اجباری دیوان را در یک اعلامیه یک جانبه (بدون نیاز به قرارداد خاص) در مقابل هر دولت دیگری که همین تعهد را پذیرفته باشد، در مورد همه اختلافات حقوقی مندرج در این ماده قبول کنند. البته صدور این اعلامیه ها اختیاری است. دولت ها در صادر کردن یا نکردن آن آزادی عمل کامل دارند و می توانند. هر زمان که مناسب تشخیص دهند، چنین اعلامیه ای را صادر کنند و هر موقع که صلاح دانستند، آن را پس بگیرند یا اصلاحاتی در آن انجام دهند یا حتی اعلامیه دیگری را جایگزین آن کنند. البته پس از آن که اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری تسلیم دبیرکل سازمان ملل متحد شد، دولت تسلیم کننده در مقابل دولت هایی که تعهد مشابهی سپرده اند، متعهد می شود حل و فصل آن اختلافاتی را که در اعلامیه به آن ها اشاره شده است، به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع دهد.(۱)

ب) صلاحیت مشورتی

صلاحیت مشورتی دیوان که موضوع فصل چهارم اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری است، عبارت است از: «اظهار نظر حقوقی و قضایی درباره مسایل حقوقی که سازمان های بین المللی به دیوان ارجاع می کنند. مبنای این صلاحیت مشورتی بعضی از قواعد و اصولی است که در کشورهای انگلوساکسون، معمول و متداول است. در سال ۱۹۲۰ با تأثیر پذیری از همین رسوم و قواعد معمول در انگلیس و امریکا بود که موضوع استفاده از نظر

۱- [۱] . کلیات حقوق بین الملل عمومی، صص ۱۹۹ ــ ۲۰۰.

مشورتی دیوان درباره بعضی مسایل حقوقی بین المللی در اساس نامه دیوان دایمی دادگستری بین المللی پیش بینی شد».(۱)

گفتنی است صلاحیت مشورتی دیوان، محدودیت حقوقی اساسی دارد و آن این است که دیوان دایمی دادگستری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری، خود را در زمینه پاسخ به پرسش های حقوقی _ که بر اختلاف موجود میان دو کشور تأثیر می گذارد _ صالح ندانسته اند.(۲)

در مورد ضمانت اجرای احکام دیوان ظاهراً مفاد بند ۲ ماده ۹۴ منشور ملل متحد، تمام قدرت شورای امنیت را پشتیبان دادگاه بین المللی قرار می دهد. البته در عمل تنها موردی که به این بند استناد گردید، در سال ۱۹۵۱ بود که انگلستان درصدد جلب حمایت شورا از قرار تأمین موقت دادگاه علیه ایران برآمد، ولی نتیجه ای نگرفت. نه در هنگام خودداری آلبانی از پرداخت غرامت تعیین شده به انگلستان در قضیه _کانال کورفو_، نه در مورد ایران در سال ۱۹۷۹ و نه در هیچ یک از موارد دیگر، طرف مقابل به شورای امنیت متوسل نشده است.

این مسئله نشانه بی اعتمادی عمومی به توانایی شورای امنیت برای انجام اقدامی بی طرفانه و بر اساس منشور است. بدین ترتیب، طرف پیروز دعوا که به دلیل اجرا نشدن حکم هم چنان ناراضی است، ناگزیر می شود بی مراجعه به مراجع قانونی، درصدد رفع خسارت و مزاحمتی برآید که برایش پیش

ص:۱۰۶

۱- [۱] . محمد صفدری، حقوق بین الملل عمومی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۶۹۴.
۲- [۲] . عبدالحمید فریدی عراقی، روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳، ص ۵۲.

آمده است.(۱) (مثل توقیف آن دسته از دارایی کل طرف بازنده دعوا که در قلمرو طرف پیروز دعوا است).

۳. ایران و دیوان بین المللی دادگستری

اشاره

پس از بررسی اجمالی و شناخت کلی دیوان به بررسی عملکرد این رکن قضایی سازمان ملل در برخورد با جمهوری اسلامی ایران می پردازیم.

دولت ایران با امضای منشور ملل متحد در ۲۶ ژوییه ۱۹۴۵ در _سانفرانسیسکو_، براساس ماده ۹۳ منشور،(۲) به خودی خود در شمار قبول کنندگان اساس نامه دیوان در آمد.(۳) مجلس شورای ملی نیز در مرداد ۱۳۰۹، اساس نامه دیوان را تصویب کرد. هم چنین مادّه واحده پذیرش صلاحیت اجباری دیوان در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۱۰ (۱۳ ژوئن ۱۹۳۱) از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و اسناد آن در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ به دبیرخانه جامعه ملل تحویل داده شد.

با توجه به این مقدمه و با توجه به این نکته که تاکنون ۳ دعوا در مورد ایران در دیوان بین المللی دادگستری مطرح شده است،(۴) به بررسی دو دعوایی که طرف مقابل ایران، ایالات متحده امریکا بوده است خواهیم پرداخت.

مورد اول _ دعوای ایالات متحده امریکا علیه ایران درباره گروگان گیری اعضای هیأت دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران

ص:۱۰۷

۱- [۱] . درک ویلیام باوِت، تحولات نوین در شیوه های حقوق حل و فصل اختلافات، برگردان: زهرا کسمتی و علی رضا طیب، نشر نی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۶۴ و ۶۵ .

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۶۱.

۳- [۳] . ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، ص ۷۳.

۴- [۴] . سه دعوای مطرح شده عبارتند از: دعوای ایران علیه امریکا در زمینه انهدام هواپیمای ایرباس مسافری؛ دعوای امریکا علیه ایران درباره دستگیری هیأت دیپلماتیک امریکا در تهران و دعوای انگلیس علیه ایران در مورد ملی شدن صنعت نفت.

در پی اشغال سفارت امریکا در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ در تهران، دولت امریکا در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ به طور یک جانبه درخواستی علیه ایران به دیوان تسلیم کرد. هم چنین از دیوان خواست که براساس ماده ۴۱ اساس نامه، قرار موقت صادر کند. مبنای صلاحیت دیوان در این مرحله، پروتکل اختیاری پیوست کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی بود که ایران و امریکا به کنوانسیون های یاد شده و پروتکل های اختیاری پیوستی در مورد قبولی صلاحیت اجباری دیوان، پیوسته بودند.(۱)

جمهوری اسلامی ایران در جریان رسیدگی حضور نیافت، ولی موضع دولت ایران در دو نامه ای که از سوی دکتر _صادق قطب زاده_، وزیر امورخارجه وقت خطاب به دادگاه فرستاده شد، توضیح داده شده است. دولت ایران در نامه ۹ دسامبر ۱۹۷۹ از دادگاه خواست که به قضیه رسیدگی نکند. دلایل ایران مندرج در اقامه های یاد شده بدین شرح است:

قضیه گروگان ها تنها جزئی از کل قضیه و فرع بر اصل است. قضیه اصلی عبارت است از: بیست و پنج سال مداخله امریکا در امور داخلی ایران. به علاوه قضیه گروگان ها باید در چارچوب انقلاب ایران مورد بررسی قرار گیرد و این موضوع در صلاحیت محاکم داخلی ایران است.

هم چنین درباره تقاضای اقدامات تأمینی (از طرف امریکا) گفته شده بود که این امر به منزله درخواست برای قضاوت در ماهیت امر است که غیر قابل قبول خواهد بود. اقدامات تأمینی نیز باید منافع هر دو طرف را تأمین کند، نه منافع یک طرف را.(۲)

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۶۴.

۲- [۲] . ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، ص ۸۷ .

الف) جریان رسیدگی

در این مرحله از دادرسی که از ۱۸ تا ۲۰ مه ۱۹۸۰ ادامه یافت، امریکا از دیوان خواست دولت ایران را برای نقض تعهدات بین المللی در قبال ایالات متحده امریکا براساس کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی، عهدنامه مودت و روابط اقتصادی، حقوق کنسولی ایران و ایالات متحده ۱۹۵۵ و کنوانسیون ۱۹۷۳ مربوط به جلوگیری از مجازات جرایم علیه افراد مورد حمایت بین المللی از جمله دیپلمات ها، محکوم کند. هم چنین بی درنگ گروگان های امریکایی را آزاد سازد و خروج آن ها را از ایران تضمین کند. افزون بر آن، خسارت وارد شده به ایالات متحده را براساس نظر دیوان بپردازد و مرتکبان این جرایم را در مراجع صلاحیت دار خود تحت تعقیب قرار دهد.(۱)

به دلیل حضور نیافتن ایران در جلسه های دادرسی، دیوان پس از بررسی صلاحیت خود و بررسی مستندات و مدارک طرفین، رسیدگی قضیه را در حیطه صلاحیت خود اعلام کرد و وارد مرحله رسیدگی ماهوی شد. دیوان در مورد دیگر دعاوی ایران دایر بر فرعی بودن قضیه گروگان ها نسبت به کل قضیه، نظر قبلی خود را مبنی بر رد این ادعاها که در قرار تأمینی ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹ اعلام کرده بود، بار دیگر مورد تأیید قرار داد.

ب) سیر رسیدگی ماهوی قضیه گروگان گیری

دیوان پس از احراز صلاحیت و قابل رسیدگی بودن اختلاف، براساس ماده ۳۶ اساس نامه وارد رسیدگی ماهیتی شد. دیوان، واقعه ای را که موجب طرح

۱- [۱] . راه نمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۶۵.

دعوا از سوی امریکا شده بود، در دو بخش مورد بررسی قرار داد: ۱. جریان ۴ نوامبر ۱۹۷۹؛ یعنی حمله دانشجویان خط امام به سفارت امریکا، تصرف محل سفارت، ضبط محل سفارت، ضبط اموال و بایگانی آن، گروگان گیری اعضای مسئولیت و واکنش دولت ایران در قبال این رویداد.

۲. رویدادهای مربوط به پس از اشغال سفارت.

دیوان در مورد مسئله اول بیان داشت که دلیلی مبنی بر انتساب رفتار دانشجویان به دولت ایران موجود نیست، ولی دولت ایران براساس تعهد خود باید تدابیر و تمهیدهای لازم را برای جلوگیری از ورود دانشجویان، حفاظت از محل سفارت خانه و کنسولگری های امریکا، بایگانی و کارکنان آن ها انجام می داد. دیوان با استناد به مواد متعددی از کنوانسیون ۱۹۶۱ وین به ویژه مواد ۲۲ و ۲۹ و مواد ۵ و ۳۶ کنوانسیون ۱۹۶۳، مسئولیت ایران را در مورد حفاظت از محل سفارت و کنسولگری های امریکا در تبریز و شیراز و تأمین امنیت اعضای هیأت دیپلماتیک و کنسولی امریکا یادآور شد و اعلام داشت که دولت ایران با آگاهی از اقدام دانشجویان و در اختیار داشتن وسایل اجرای تعهداتش، آگاهانه از هرگونه اقدامی برای اجرای تعهداتش خودداری کرده است.

دیوان در مورد بخش دوم، به دلیل حمایت از ادامه اشغال سفارت و خودداری از هرگونه اقدامی برای تخلیه آن و نیز ادامه یافتن اسارت اعضای سفارت از سوی دانشجویان، آن ها را کارگزار دولت ایران به شمار آورد و تصمیم مقام های ایران را نقض پیوسته و آشکار مقررات کنوانسیون های وین اعلام کرد. هم چنین بر مسئولیت داشتن ایران به دلیل نقض تعهداتش به

موجب ماده ۲ و ۴، عهدنامه ۱۹۵۵ در مورد ادامه بازداشت دو تبعه امریکا تأکید کرد. دیوان در مورد کاردار سفارت و دو عضو دیگر آن که به وزارت امور خارجه پناهنده شده بودند، به موجب ماده ۲۶ و ۲۹ کنوانسیون وین، در نظر نگرفتن تدابیر لازم برای خروج آن ها از وزارت خانه را نقض تعهدات ایران اعلام کرد.(۱)

دیوان با بررسی اوضاع و احوال خاص قضیه و بررسی نامه وزیر امور خارجه ایران، چنین نتیجه گیری کرد که اگر دولت ایران فعالیت های امریکا را از نظر حقوقی با قضیه حاضر مرتبط می داند، می تواند ادعای خود را به صورت دفاعیه مطرح کند.

هم چنین با استناد به بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون وین و بند ۱ ماده ۵۵ کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی و ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، در مورد این پرسش که «آیا می توان اتهام های ایران را به عنوان پاسخی به اتهامات امریکا قلمداد کرد یا خیر؟» پاسخ منفی داد.

دادگاه پیش از صدور رأی نهایی، از اقدام نظامی امریکا در ۲۴ و ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ در ایران ــ برای آزادسازی گروگان ها ــ ابراز نگرانی کرد و آن را مخلّ کار دیوان در رسیدگی قضایی به مسئله دانست. دیوان چنین نتیجه گیری کرد که نه غیر قانونی بودن این قضیه و نه مسئولیت ناشی از آن هیچ کدام در دادگاه مطرح نشده اند. بنابراین، نمی توانند مانع رسیدگی دادگاه به شکایت امریکا شوند. هم چنین دادگاه یادآوری کرد که در رأی تأمینی تأکید شده

۱- [۱] . همان، صص ۵۵۷ ــ ۵۵۸.

است که طرفین نباید به اقدامی متوسل شوند که موجب وخیم تر شدن اوضاع شود.

ج) رأی دیوان

سرانجام دیوان بین المللی دادگستری، رأی خود را در ۲۴ مه ۱۹۸۰ بدین شرح صادر کرد:

۱. جمهوری اسلامی ایران تعهدات ناشی از کنوانسیون های لازم الاجرای بین المللی در روابط دو کشور و اصول حقوق بین الملل عمومی را نسبت به ایالات متحده امریکا نقض کرده است و می کند [با سیزده رأی در مقابل دو رأی].

۲. نقض تعهدات یاد شده موجب مسئولیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران در مقابل ایالات متحده امریکا است [با سیزده رأی در مقابل دو رأی].

۳. جمهوری اسلامی ایران باید بی درنگ کاردار سفارت امریکا در تهران و کارکنان دیپلماتیک و کنسولی دیگر اتباع ایالات متحده را آزاد سازد و به دولت حافظ منافع امریکا تسلیم کند. هم چنین باید وسایل لازم را برای خروج از ایران در اختیار این افراد قرار دهد و ساختمان سفارت، اموال، بایگانی و اسناد آن در تهران و کنسولگری ها را به دولت حافظ منافع امریکا بسپارد [با اتفاق آرا].

۴. هیچ یک از کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده نباید در تهران محاکمه شوند یا به عنوان شاهد در دادرسی حضور یابند [با اتفاق آرا].

۵. دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم است در مقابل خسارت وارده به ایالات متحده غرامت بپردازد [با ۱۲ رأی در مقابل ۲ رأی].

ص:۱۱۲

۶ . در صورت توافق نیافتن طرفین، دیوان میزان غرامت و شیوه جبران خسارت وارد شده را تعیین خواهد کرد. بدین منظور، دیوان حق رسیدگی بعدی را برای خود محفوظ می دارد [با ۱۴ رأی در برابر یک رأی].(۱)

پس از امضای بیانیه الجزایر در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ میان ایران و امریکا، دولت این کشور در ۶ آوریل و اول مه ۱۹۸۱ با فرستادن دو نامه، موضوع را به اطلاع دیوان رساند و به استناد ماده ۸۸ نظام نامه دیوان، از این ارگان خواست که دعوای مورد بحث، پایان یافته اعلام شود. دیوان پس از فرستادن نامه های یاد شده به مقام های ایرانی و دریافت نکردن پاسخ، در قرار ۱۲ مه ۱۹۸۱، دعوای میان ایالات متحده و ایران را مختومه اعلام کرد.(۲)

به هر صورت، هر چند نکاتی چون کوتاهی مدت صدور رأی و اقدامات یک جانبه امریکا در این مورد به چشم می خورد، ولی «حضور نیافتن ایران در جریان دادرسی به خودی خود موجب طرح نشدن اقدامات غیر قانونی امریکا پیش از رسیدگی دیوان و در هنگام رسیدگی آن شد».(۳) باید دانست حضور در دادگاه، تغییر رأی آن از مثبت به منفی یا منفی به مثبت را به دنبال نخواهد داشت، ولی در صورت حضور نیافتن، دادگاه به ادعاهای دولت شاکی بدون چالش، مهر تأیید می زند.(۴)

مورد دوم ــ دعوای ایران علیه ایالات متحده در زمینه سانحه هوایی سوم ژوییه ۱۹۸۸

ص:۱۱۳

۱- [۱] . همان، ص ۵۶۹؛ ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۷۰.

۳- [۳] . همان، ص ۵۷۰.

۴- [۴] . ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، ص ۱۱۰.

با سرنگونی هواپیمای ـ ایرباس ـ جمهوری اسلامی ایران و به شهادت رسیدن ۲۹۰ تن مسافر و خدمه این هواپیما بر اثر شلیک دو موشک از سوی ناو امریکایی ـ وینسنس ـ، ایران شکایت خود را به شورای ـ سازمان هوانوردی کشوری (ایکائو) ـ برد. ایکائو تیمی را برای بررسی سانحه به محل اعزام داشت و سرانجام در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ م، نظر خود را اعلام کرد که با اعتراض ایران روبه رو شد. ایران برای پژوهش خواهی از تصمیم ایکائو، در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۸۹ دادخواستی را به دیوان بین المللی دادگستری تسلیم کرد(۱) و خواستار پژوهش نسبت به آن تصمیم شد.

چون دعوا در دیوان هیچ یک از مراحل رسیدگی ـ اعم از صلاحیتی یا ماهوی ـ را نپیموده است، در ادامه، تنها به بیان روندی از مراحل پیموده شده بسنده می کنیم: در دادخواست تقدیمی جمهوری اسلامی ایران این گونه آمده است:

افتخار دارم که به منظور پژوهش خواهی از تصمیم مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ شورای سازمان هواپیمایی کشوری به بند ۱ ماده ۳۶ و ماده ۳۷ اساس نامه دادگاه و ماده ۸۴ کنوانسیون راجع به هواپیمایی کشوری (شیکاگو) مورخ ۱۹۴۴ رجوع نمایم و نیز به ماده ۱۴ کنوانسیون راجع به مبارزه با اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی کشوری مورخ ۱۹۷۱ (کنوانسیون مونترال) استناد کنم. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا هر دو از اعضای دو کنوانسیون مذکور هستند و به موجب کنوانسیون های مذکور، صلاحیت دادگاه به رسمیت شناخته شده است... .»

۱- [۱] . همان، ص ۱۱۱.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران، دادگاه را برای رسیدگی به قضیه صالح می داند و «با حفظ حق تکمیل و اصلاح این لایحه در مراحل بعدی دادرسی»، از دیوان می خواهد اعلام کند:(۱)

الف) تصمیم شورای ایکائو اشتباه است؛ زیرا دولت ایالات متحده امریکا، کنوانسیون شیکاگو از جمله مقدمه، مواد ۱، ۲ و ۳ مکرر و ماده ۲۴ و ماده ۴۴ بندهای A و H و پیوست شماره ۱۵ این کنوانسیون را نقض کرده است.

ب) دولت ایالات متحده امریکا، مواد ۱، ۳ و ۱۰ (۱) کنوانسیون مونترال را نقض کرده است.

ج) دولت ایالات متحده امریکا مسئول پرداخت غرامت به جمهوری اسلامی نسبت به مبلغی است که از سوی دیوان تعیین می شود.

دولت ایالات متحده امریکا در ۴ مارس ۱۹۹۱ با تقدیم لایحه ایرادات مقدماتی نسبت به صلاحیت دیوان، رسیدگی ماهوی به موضوع را به تعویق انداخت. دیوان، ۴ ژوئن ۱۹۹۲ را برای تسلیم پاسخ ایران به ایرادات مقدماتی امریکا و پس از آن، ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۴ را برای شنیدن دلایل طرفین تعیین کرد، ولی به درخواست دو طرف جلسه، این کار برای مدت نامعینی به تعویق افتاد.(۲) دو دولت پس از مذاکره و رسیدن به توافق هایی، در ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ (سوم اسفند ۱۳۷۴)، مصالحه نهایی را امضا کردند و دعوا از دستور کار خارج شد. در این مصالحه، دولت امریکا از پذیرش مسئولیت نقض

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل ۳، ص ۵۷۱.

۲- [۲] . همان، ص ۵۷۴.

مقررات بین الملل و تسلیم شدن در برابر ایران خودداری کرد، ولی پذیرفت که مبلغی را به خانواده های کشته شدگان این حادثه بپردازد.

__دکتر کاشانی__ در این زمینه در نامه خود به رئیس مجلس شورای اسلامی می نویسد:

در شرایطی که دولت امریکا به طور مستمر، دولت ایران را به دست داشتن در اقدامات تروریستی متهم می سازد، چرا دفتر خدمات، درست در هنگامه توفان تبلیغاتی امریکا به دست داشتن ایران در حادثه [انفجار مرکز فرهنگی یهودی]، به جای پی گیری دعوای قوی و موجه دولت ایران در زمینه اقدام غیر قابل توجیه امریکا در هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافری، درخواست توقف رسیدگی به این دعوا را از دیوان بین المللی کرده است؟ متوقف ساختن رسیدگی به این دعوا پیش از دست یابی به هدف های آن، به مصلحت کشور نبود. اعلام مسئولیت دولت امریکا در پرداخت خسارت به دولت ایران برای جبران زیان های مادی و معنوی خانواده های سوگوار و شرکت ایران __ ایر است. این ادعاها خواه از جهت منهدم ساختن هواپیما یا خسارات مادی و معنوی ناشی از کشته شدن سرنشینان هواپیما، متعلق به دولت ایران است. به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی هنگامی که طرف دعوا، خارجی است، باید به تصویب مجلس برسد. دفتر خدمات حقوقی بین المللی چگونه به خود اجازه داده است مبلغ خسارت واقعی دولت ایران را که باید از سوی دیوان بین المللی دادگستری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال ویژه این حادثه و رویه های بین المللی تعیین گردد، به تصمیم خود و بدون رعایت نص صریح اصل ۱۳۹ قانون اساسی، تعیین کند و مورد مصالحه قرار دهد و چنین مصالحه ای را بدون تصویب مجلس امضا کند؟

ص:۱۱۶

گفتار چهارم: دبیرخانه

اشاره

(۱)

براساس ماده ۷ منشور، دبیرخانه یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد به شمار می آید. به موجب ماده ۹۷ منشور نیز «دبیرخانه از یک دبیر کل و آن تعداد از پرسنل که سازمان لازم بداند، تشکیل خواهد شد».(۲)

نهاد دبیرخانه با توجه به ماده ۱۰۰ منشور، هویتی بین المللی دارد. ماده ۱۰۰ مقرر می دارد:

دبیر کل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از هیچ دولت یا مقام خارج از سازمان کسب دستور ننموده و هیچ گونه فرمانی نمی پذیرند. وانگهی هر عضو ملل متحد متعهد است که جنبه منحصراً بین المللی مسئولیت های دبیرکل و کارمندان را محترم بشمارد و درصدد بر نیاید که آنان را در اجرای وظایفشان زیر فشار قرار دهد.

سازمان با داشتن هجده هزار کارمند بین المللی تابع مقررات استخدامی مندرج در منشور و قواعد پرسنلی سازمان است. بند یک ماده ۱۰۱ در این مورد بیان می دارد:

کارمندان سازمان ملل را دبیرکل بر اساس مقرراتی که مجمع عمومی وضع می نماید، انتخاب می کند.

هم چنین بند ۳ همین ماده در مورد شرایط استخدام کارکنان دبیرخانه می گوید:

در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان شاخصی که بیش از هر چیز باید مور نظر قرار گیرد، کاردانی بسیار و صلاحیت و درست کاری است. به اهمیت استخدام کارمندان بر مبنای معیارهای جغرافیایی هر چه

۱- [۱]. (Secretariat).

۲- [۲] . سازمان های بین المللی، ص ۱۶۵.

وسیع تر توجه لازم مبذول خواهد شد.

از این ماده، دو اصل مهم در مورد استخدام کارمندان دبیرخانه برداشت می شود:

۱. اصل صلاحیت شخصی داوطلبان خدمت در سازمان ملل؛

۲. اصل تضمین توزیع جغرافیایی متعادل مشاغل سازمان ملل.

البته این دو اصل در عمل به سادگی قابل اجرا نیستند. به ویژه در مورد اصل دوم باید اذعان داشت که میزان حق عضویت به طور جدی، اصل توزیع متعادل مشاغل را در این سازمان تحت الشعاع قرار داده است.(۱) نکته دیگر در مورد قراردادهای استخدامی سازمان این است که می توانیم آن ها را از نظر «مدت» و «نوع پست سازمانی» طبقه بندی کنیم.

چون فعالیت دبیرخانه تا حد بسیار زیادی به دبیرکل سازمان به عنوان عالی ترین مقام سازمان ملل متکی است،(۲) وظایف دبیرکل را به صورت اجمالی مطرح می کنیم. سپس به صورت جداگانه در مورد هفت دبیرکل سازمان، توضیح داده خواهد شد. وظایف دبیرکل را در دو بخش اداری و اجرایی می توان بررسی کرد. مهم ترین وظایف اداری شامل موارد زیر است:

ـ تضمین برگزاری صحیح گردهم آیی هایی که با حمایت سازمان برگزار می شود؛

ـ مشاوره حقوقی و فنی در تهیه پیش نویسی اسناد؛

ـ تنظیم برنامه بودجه سالانه سازمان؛

۱- [۱] . همان، ص ۱۷۳.

۲- [۲] . ماده ۹۷ منشور.

ــ تسليم گزارش سالانه به مجمع عمومی.

وظايف اجرايی دبيركل نيز شامل موارد زير است:

ــ جلب توجه شورای امنيت به مسايل حفظ صلح و امنيت بين المللی؛

ــ مساعی جميله و ميانجی گری ميان دولت ها؛

ــ تعقيب دعاوی حقوقی سازمان در مراجع قضايی؛

ــ ابتكار عمل در مورد پر كردن خلأ موجود در زمينه حفظ صلح و امنيت بين المللی.

قطع نظر از وظايف و اختياراتی كه منشور در مواد ۹۷ تا ۱۰۱ برای دبيركل تعيين كرده است، نقش دبيركل و دامنه فعاليت وی از عوامل زير اثر می پذيرد:(۱)

ــ شخصيت دبيركل و كارآيی های وی؛

ــ اوضاع سياسی غالب كه بر دامنه اختيارات سياسی وی می افزايد؛

ــ تفسير وسيع اختيارات دبيركل از منشور.

با توجه به مطالب بالا و با توجه به هدف اين نوشتار، در ادامه به بررسی اجمالی مهم ترين عملكردهای هفت دبيركل سازمان ملل تاكنون خواهيم پرداخت.

۱. تريگو لی،

(۲) اولين دبيركل سازمان ملل متحد (فوريه ۱۹۴۶ تاآوريل ۱۹۵۳)

ــتريگولیــ را می توان يک انسان واقعی دارای سعه صدر و ثبات رأی، زيرک، سرسخت و حقيقت بين دانست. او در روابط اجتماعی، صميمی بوده و به

۱- [۱] . سازمان های بين المللی، ص ۱۶۷.

۲- [۲] . Trygre Lie.

اصول و روابط خانوادگی پای بند است. در ورای شخصیت فعال و پر جنب وجوش او، اضطراب و ناراحتی درونی خاصی به چشم می خورد. تریگولی در زندگی سیاسی و اجتماعی به عنوان یک حقوق دان و کارشناس امور کارگری شناخته شده و نقش مؤثرش در رفع اختلاف های کارگری به وسیله میانجی گری و سازش، زمینه مناسبی برای نمایش توانایی های او در رفع مسالمت آمیز اختلاف های بین المللی فراهم کرده بود. او در نظریه های سیاسی خود مانند بیش تر اعضای حزب کارگر انگلستان به اصول دموکراسی عمومی و تکامل تدریجی و صلح جویانه در دگرگونی های اجتماعی و سیاسی معتقد بود.(۱)

ابتکار عمل او در مورد مسایل فلسطین، جنگ اعراب و یهود در فلسطین، دخالت در جنگ کره، تلاش برای تخلیه ایران از نیروهای متفقین، ارایه برنامه بیست ساله صلح و اصول ده گانه برنامه صلح، دیدار از پایتخت های کشورهای بزرگ (واشنگتن، لندن، پاریس، مسکو) و تسلیم تذکاریه خود به سران این کشورها و در میان گذاشتن مسایل مهم سازمان ملل متحد، همگی دلیل بر کارآیی و همت والای وی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی بوده است. در مورد استعفای تریگولی نیز باید گفت که استعفای او در راه ایفای وظایف دبیرکل بود؛ زیرا پس از برخورد سرد و طرد کننده شوروی و کشورهای سوسیالیستی پس از تمدید مدّت دبیرکلی او به مدت سه سال از سوی مجمع عمومی «و ادامه جنگ سرد میان شرق و غرب و فضای

۱- [۱] . منوچهر معیّری، نقش دبیرکل سازمان ملل متحد در وقایع سیاسی جهان، چاپ بهمن، ۱۳۴۴، ص ۶۴ .

بی اعتمادی که بلوک شوروی نسبت به فعالیت های دبیرکل سازمان ملل داشت، دیگر تریگولی نمی توانست به نحو رضایت بخش و مؤثر به وظایف اساسی خود در این باره ادامه دهد».(۱)

۲. داگ هامر شولد،

(۲) دومین دبیرکل سازمان ملل (آوریل ۱۹۵۳ تا ۱۸سپتامبر ۱۹۶۱)

رهبری ـداگ هامر شولـد ـدر ایفای وظایفش خالی از هرگونه محافظه کاری بود. وی در حالی که می کوشید در محدوده اختیارات اعطایی منشور ملل متحد و قطع نامه مربوط انجام وظیفه کند، ولی هیچ وقت ابتکار عمل شخصی را در حل معضلات بین المللی از دست نمی داد. تمام تلاش او آن بود تا در حالی که دوام و ثبات سازمان ملل را حفظ می کند، گونه ای انعطاف پذیری در آن پدید آورد تا سازمان بتواند به آسانی به مشکلات غیرقابل پیش بینی پاسخ دهد. هامر شولد در مورد تشکیل نیروی دایمی صلح اظهار داشته بود که تشکیل این نیرو مسلماً آزادی عمل سازمان را در استفاده از وسایل و راه های گوناگون لازم برای رفع مشکلات بین المللی تضعیف می کند و او را ملزم می سازد که تنها یک نوع وسیله نظامی را مورد استفاده قرار دهد. بدون شک، ابتکارهای دیپلماتیک وی مورد تأیید دوست و دشمن بوده است.(۳) مسافرت وی به پکن برای رهایی خلبانان امریکایی، تشکیل نیروی صلح سازمان ملل متحد در مدت ۴۸ ساعت و تشکیل پلیس بین المللی در کنگره

۱- [۱] . همان، ص ۸۲ .

۲- [۲] . Dag Hammer Shjold.

۳- [۳] . همان، ص ۲۷۲.

همگی گوشه هایی از ابتکار دیپلماسی و وسعت نظر سیاسی این دبیرکل به شمار می رود. اعزام دیپلمات های عالی رتبه به مناطق پر آشوب دنیا یکی دیگر از ابتکارهای شخصی هامر شولد بوده است.(۱) هامر شولد در سانحه هوایی سقوط هواپیما در راه _لئوپولدویل _به _ندورا_ درگذشت. او به قلب آفریقای سیاه می رفت تا از روی دادن جنگ و خون ریزی جلوگیری کند، ولی جان خود را در راه حفظ صلح و امنیت بین المللی که بدان سخت اعتقاد داشت، تقدیم کرد.

۳. اوتانت،

(۲) سومین دبیر کل سازمان ملل (سپتامبر ۱۹۶۱ تا اولژانویه ۱۹۷۲)

پس از سقوط هواپیمای هامرشولد در ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۱، اوتانت به عنوان «کفیل دبیرکل»(۳) سازمان ملل در اجلاس مجمع عمومی سازمان در ۳ نوامبر ۱۹۶۱ به اتفاق آرا انتخاب شد، ولی اقدامات مؤثر او در کم تر از یک سال، زمینه های موفقیت او را برای کسب مقام دبیرکل سازمان ملل فراهم کرد. وی با حفظ بی طرفی، قدرت، آرامش، وقار و پشتکار وصف ناشدنی، زمینه را برای توافق قدرت های شرق و غرب در گزینش وی به عنوان سومین دبیرکل سازمان ملل فراهم ساخت.(۴)

۱- [۱] . همان، صص ۳۳۹ _ ۳۴۰.

۲- [۲] . I _ U _ Thant.

۳- [۳] . برخی کشورها با عنوان دبیر کل اوتانت مخالفت می کردند. مثلاً شوروی ها با انتخاب اوتانت برای یک دوره ۵ ساله و اطلاق عنوان «دبیر کل» به وی مخالف بودند. آن ها تنها با عنوان «کفیل دبیرکل» و مدت یک سال و نیم باقی مانده دبیر کل هامر شولد موافقت داشتند.

۴- [۴] . علی میرسعید قاضی، زندگی نامه دبیرکل های سازمان ملل متحد و فعالیت های سیاسی آن ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸، چ ۲، ص ۲۸۳.

از کارهـای قابـل تقـدیر اوتانت در دوره تصـدی دبیرکلی می توان به حل مسـئله کنگو و از میان برداشـتن ریشه اختلافات این کشور اشاره کرد که در وجود ـموسی چومبهـ، رهبر ایالت تجزیه طلب ـکاتانگاـمتبلور شده بود.

هم چنین هلنـد و اندونزی که بر سـر مالکیت سـرزمین گینه جدید غربی (ایریان غربی) اختلاف داشـتند، در ۳۱ جولای ۱۹۶۲، گفت وگوهـای صـلح را زیر نظر نماینـده اوتـانت برگزار کردنـد که به دنبال آن در ۲۵ اوت ۱۹۶۲، موافقت نـامه ای میان دو کشور مبادله شد.(۱) در پی مقرر شـدن این که هلنـد، اداره ایریـان غربی را به «یـک مقام اجرایی موقت سازمان ملل» واگـذار کنـد، که مورد تأییـد طرفین باشد، ـاوتانتـ در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۲ ـجلال عبـدهـ را از ایران انتخاب کرد. فعالیت های مـدّبرانه جلال عبده و اوتانت، زمینه را برای همه پرسی آماده ساخت و مردم ایریان غربی به پیوستن به خاک اندونزی رأی دادند.

یکی دیگر از اقدامات مفید و مؤثر اوتانت، مسافرت متهورانه او به کوبا بود در آن هنگام که ناوگان دریایی امریکا، کوبا را به محاصـره خود در آورد. در حـالی که از همه طرف به اوتـانت فشار می آوردنـد تا خودش را در آن بحران وارد نکنـد، وی به دیدار ـفیدل کاستروـ، رهبر کوبا رفت و با برقراری و حفظ ارتباط میان خروشـچف و کندی ـ سـران ابرقدرت شرق و غرب ـ در کاهش این بحران، نقش مهمی ایفا کرد.

ص:۱۲۳

۱- [۱] . همان، ص ۲۸۸.

سرانجـام وی در نهمین سـال دبیر کلی خود در حـالی که هنوز یـک سـال به پایـان دومین دوره دبیر کلی اش باقی مانـده بود، اعلام کرد که به دلیل بیماری، پس از این دوره از کار کناره گیری خواهد کرد و قصد ندارد برای سومین بار پیشنهاد دبیرکلی را بپذیرد.(۱)

۴. کورت والدهایم،

(۲) چهارمین دبیرکل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۷۲ تادسامبر ۱۹۸۱)

کورت والدهایم، تبعه اتریش به مدت ۱۰ سال متصدی سمت دبیر کل سازمان ملل متحد بود. معاون انگلیسی وی، _برایان اورکهارت _در کتاب خاطراتش درباره والدهایم چنین بیان می دارد:

... پاسـخ والدهایم در طول ده سال دبیر کلی سازمان ملل در برابر نقش خود در جنگ جهانی دوم در ارتش هیتلر، همان هایی بود که در زندگی نامه خودش آورده است. بدین شکل که در اواخر سال ۱۹۴۱ میلادی، در جبهه مسکو زخمی شد و پس از بهبودی، ارتش آلمان را ترک کرد و از سال ۱۹۴۲ میلادی به دنبال تحصـیل رشته حقوق رفت. وی حتی مدعی می شد که او و خانواده اش ضـدنازی هم بوده انـد. به سـبب نبود مـدارك و شواهدی که نقض ادعاهای او را نشان دهد، ما هم این گفته را پـذیرفته بودیم. اکنون روشن شـده است که والـدهایم برای نزدیـک به چهـل سال درباره گذشـته خود دروغ می گفته است... .(۳)

داستان والدهایم یک ادعانامه علیه دولت ها به ویژه قدرت های بزرگ است که گزینش کارمندان عالی رتبه سازمان های بین المللی را بر عهده دارند. والدهایم یک میانجی پرحرارت و جاه طلب بود. وی به عنوان دبیرکل،

۱- [۱] . همان، ص ۲۸۹.

۲- [۲] . Kwt Waldheim.

۳- [۳] . زندگی نامه دبیرکل های سازمان ملل، صص ۳۲۶ _ ۳۲۷.

تصمیم های خاص و گاهی شجاعانه و دور از انتظار می گرفت، ولی از مزایایی چون وسعت نظر، کمال و اندیشه خلاق و قدرت رهبری که در سازمان ملل به این ویژگی ها به شدت نیاز است، بی بهره بود. او وظیفه شناس، سخت کوش و فوق العاده پر طاقت بود. او آمادگی داشت تا ایده ها و پیشنهادها را بپذیرد و آن ها را پی گیری کند و هرگز آن قدر خسته نبود که نتواند به مأموریت و سفر سختی برود... . کار با والدهایم بسیار خرد کننده بود؛ زیرا او اصرار می ورزید که بارها جزئیات را مرور کنیم. در بیش تر موارد پس از پایان کار، به آغاز مسئله باز می گشت و ما را وادار می کرد که قدم به قدم، نکات ریز را دوباره بررسی کنیم.(۱)

در مورد والدهایم می توان گفت «زمانی که والدهایم به عنوان دبیر کل سازمان ملل انتخاب گردید، صهیونیست ها همواره با تبلیغات علیه او کوشیدند تا چهره ضدصهیونیستی وی را مخدوش سازند. حمله سال ۱۹۸۲ نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان، با واکنش شدید والدهایم، محکوم کردن کشتار «صبرا» و «شتیلا» و هم چنین صدور قطع نامه ای از سوی شورای امنیت علیه اشغالگری ها و ددمنشی های آن ها روبه رو شد. والدهایم با سخنان و موضعگیری های ضد صهیونیستی خود، اسرائیلی ها را اشغالگرانی معرفی کرد که با زور سرنیزه، خانه های فلسطینیان را غصب کرده اند.

والدهایم پس از پایان دوره دبیر کلی، خود را برای پست نخست وزیری اتریش نامزد کرد که از همان ابتدا، رسانه های تبلیغاتی صهیونیسم از وی به عنوان افسر ارتش نازی و همکار مستقیم هیتلر یاد کردند که در کشتار یهودیان در دوران جنگ جهانی دوم دست داشته است. حتی تصویرها و

۱- [۱] . همان، صص ۳۲۷ _ ۳۲۸.

مدارک جعلی علیه او منتشر کردند. با وجود تبلیغات منفی صهیونیست ها، او توانست با رأی قاطع مردم اتریش به نخست وزیری اتریش انتخاب شود. او در دوره نخست وزیری هم چنان زیر هجوم تبلیغاتی گسترده قرار داشت، به گونه ای که حتی کشورهای اروپایی زیر فشار لابی صهیونیست ها، از دعوت کورت والدهایم به کشورهایشان خودداری می کردند».(۱)

در مورد سخنان برایان اورکهارت می توان گفت که وی در مورد والدهایم کمی نامنصفانه سخن گفته است. هر چند «تردیدی وجود ندارد که والدهایم شاید شاهد پاره ای از شدت عمل ها در ارتش هیتلر بوده، ولی اورکهارت که فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد، افسر ارتش سلطنتی بریتانیای کبیر در جنگ جهانی دوم و کارمند عالی رتبه انگلیسی در سازمان ملل بود، شاید قضاوت خود را براساس تفکر و رفتار والدهایم به عنوان رئیس جمهور اتریش و طرفدار وحدت اروپا و مماشات با شرق بنا نهاده باشد که در این صورت، والدهایم مستحق چنین جملات و کلمات تندی نیست».(۲)

گفتنی است والدهایم در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۲ در مراسم باشکوهی، مدال «صلح سازمان ملل» را به پاس تلاش های خستگی ناپذیرش در راه صلح و امنیت جهانی، از _خاویر پرز دکوئیار__ دریافت کرد.

۵. خاویر پرز دوکوئیار،

(۳) پنجمین دبیرکل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۸۲ تادسامبر ۱۹۹۱)

ص:۱۲۶

۱- [۱] . قاسم بابایی، «از کورت والدهایم تا کوفی عنان»، روزنامه قدس ۱۸/۴/۱۳۸۰.
۲- [۲] . زندگی نامه دبیرکل های سازمان ملل متحد، صص ۳۲۸ _ ۳۲۹.
۳- [۳] . Janvier Perez De Cuellar.

خاویر پرز دوکوئیار یکی از دبیرکل های موفق سازمان ملل متحد است که در دو دوره تصدی این پُست، با اعتقاد و پشتکار وصف ناپذیری، در راه حفظ صلح و امنیت بین المللی کوشید. اقدامات قابل تحسین و تلاش های پی گیر او در جنگ تحمیلی ایران و عراق یکی دیگر از موفقیت های دوکوئیار است. فرازهایی از نامه مقام معظم رهبری به وی که در آن زمان ریاست جمهوری اسلامی ایران را به عهده داشت، در مورد پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و اجرای آن چنین است:

درودهای گرم با بهترین آرزوهای من را برای موفقیت عالی جناب در تلاش برای برقراری صلح و عدالت بپذیرید. در چنین موقعیتی، تلاش های جناب عالی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ حایز اهمیت ویژه است... در این زمینه ها مصمم گردیدیم که رسماً اعلام داریم جمهوری اسلامی ایران به خاطر اهمیت به حفظ جان انسان ها و برقراری عدالت، صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی، قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را می پذیرد. ما امیدواریم که اعلام رسمی این موضع جمهوری اسلامی ایران به شما در ادامه تلاش هایتان که همیشه مورد پشتیبانی و استقبال ما بوده است، کمک نماید.(۱)

برخی تلاش های در خور توجه این دبیرکل به شرح زیر است:

۱. حل مسئله _آنگولا_ و _نامبیا_ که سرانجام به استقلال نامبیا انجامید؛

۲. حل مشکلات _امریکای جنوبی؛_

۳. حل مسئله _افغانستان_ و ایجاد _نیروی صلح_ (یونگومپ)؛

۴. اقدامات مستمر او در طول جنگ _ایران_ و _عراق_ که شامل موارد زیر بود:

۱- [۱] . همان، ص ۳۸۴.

الف) جلب توجه شورای امنیت به مسئله جنگ عراق با ایران (۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)؛

ب) مذاکره برای خروج کشتی های باقی مانده در _اروند رود؛_

ج) تعیین نماینده ویژه (آقای اولاف پالمه) برای مذاکره با طرفین؛

د) اعزام هیأتی برای بازدید از مناطق مسکونی تخریب شده و بررسی کاربرد سلاح های شیمیایی؛

ه) ارایه ابتکار ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ در خودداری طرفین از حمله به مناطق مسکونی یکدیگر و تعیین هیأت های نظارت بر اجرای توافق؛

و) گزارش های متعدد به شورای امنیت در مورد اجرای قطع نامه های شورا؛

ز) سفرهای متعدد به منطقه و مذاکره های مکرر با مقام های دو طرف در این سفرها و نیویورک؛

ح) ابتکار و ارایه طرح هشت ماده ای در ماه مارس ۱۹۸۵؛

ط) ابتکار و ارایه طرح اجرایی برای قطع نامه ۵۹۸ در اکتبر ۱۹۸۷ (۱)

در پایان این بخش، یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که تبلیغات منفی صهیونیست ها علیه دوکوئیار نیز وجود داشت. حتی پس از پایان دوره دبیرکلی دوکوئیار و هنگامی که او قصد داشت خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری پرو کند، صهیونیست ها به شدت تبلیغ کردند که او مأمور

۱- [۱] . شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۳۷.

سازمان اطلاعات مرکزی امریکا بوده و از این سازمان، پول دریافت کرده است.(۱)

۶. پتروس غالی،

(۲) ششمین دبیرکل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۶،)

وی از دیرباز با مسایل سیاسی، روابط بین الملل و حقوق به عنوان نویسنده، استاد دانشگاه، قاضی و پژوهشگر ارتباط داشته است. تاکنون از پطروس غالی، نزدیک به ۲۵ جلد کتاب و یک صد رساله آموزشی و شمار زیادی مقاله منتشر شده است. از فعالیت های پطروس غالی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. تغییر ساختار اداری دبیرخانه سازمان ملل متحد با ایجاد اداره مسایل انسانی و حقوق بشر، اداره امور سیاسی، اداره امور مربوط به نیروهای حافظ صلح و اداره مسایل اقتصادی و اجتماعی.

۲. ارایه «دستورکاری برای صلح» به توصیه جلسه سران شورای امنیت در سال ۱۹۹۲ و بیان دیدگاه های خود درباره امر بسیار حساس توسعه در رساله مشابهی و ارایه آن به مجمع عمومی در می ۱۹۹۴

۳. سفرهای متعدد به بیش از ۵۰ کشور جهان و تلاش برای حفظ صلح و امنیت جهانی و پیشرفت و توسعه در چارچوب منشور ملل متحد.

۴. برگزاری و تشکیل کنفرانس های متعدد در موضوع های حساس و مهم جهان از جمله: کنفرانس سازمان ملل درباره پیشرفت اقتصادی زنان روستایی

۱- [۱] . «قاسم بابایی، از کورت والدهایم تا کوفی عنان»، روزنامه قدس، ۱۸/۴/۱۳۸۰.

۲- [۲] . Boutros _ Ghali.

(۱۹۹۲ ژنو)، کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست (۱۹۹۲) و کنفرانس جمعیت و توسعه (قاهره ۱۹۹۴).

نکته منفی در مورد پطروس غالی این است که در دوران حضور در سازمان ملل، صهیونیست ها و امریکاییان از جانب او آسوده خاطر بودند. «حمایت وی از صهیونیست ها و چشم بستن بر جنایات آنان در حق ملت مظلوم فلسطین تا جایی بود که حتی جمهوری اسلامی ایران از دعوت وی برای سفر به ایران ـ با وجود درخواست های مکرر او ـ خودداری ورزید».(۱)

گفتنی است که در این اواخر، پطروس غالی کتاب مفصلی با عنوان ـداستان دراز و پر پیچ و خم ملل متحد و امریکا ـ(A.U.S.UN. SAGA) نوشته است که از چند نظر اهمیت دارد. یکی آن که از ریزه کاری های غرب به رهبری امریکا برای دخالت در امور ملل متحد سخن می گوید و نمونه های زنده ای را برای اثبات ادعاهای خود می آورد. هم چنین فاش می کند که دبیر کل سازمان ملل در کار خود استقلالی ندارد و باید به ساز قدرت های بزرگ برقصد. دیگر آن که دموکراسی به مفهوم واقعی خود در این سازمان رواجی ندارد و گوشی آماده شنیدن خواسته ها و نداهای حق طلبانه ملل عقب مانده نیست. اگر هم بحثی در این باره به میان می آید، بیش تر وجه تشریفاتی دارد و اصولاً مشکلات جهانی صرفاً باید با میل و رضایت آن ها حل و فصل شود. او در دفاع از حق خود برای تجدید انتخاب به مقام دبیر کلی به تفصیل سخن می گوید و

۱- [۱] . «از کورت والدهایم تا کوفی عنان»، روزنامه قدس، ۱۸/۴/۱۳۸۰.

کارشکنی های امریکا را آشکار می سازد. البته جاه طلبی های خود را نیز پنهان نمی کند.(۱)

۷. کوفی عنان،

(۲) هفتمین دبیر کل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۹۶ تاکنون، دی ۱۳۷۵ تا کنون)

کوفی عنان از کشور آفریقایی _غنا_، با مواضعی مستقل وارد سازمان ملل شد. او در چندین مورد مانند مسئله حمله نیروهای امریکایی و انگلیسی به عراق و حمایت امریکا از صهیونیست ها، در یک مشاجره لفظی شدید با _مادلین آلبرایت_، وزیر خارجه وقت امریکا، تا مرحله استعفا پیش رفت. با آغاز دومین دور از دبیر کلی عنان، پس از هشدارهایی که وی در زمینه توقف ترور رهبران فلسطینی و کشتار مردم مظلوم فلسطین، به رژیم صهیونیستی داد، با هجوم محافل صهیونیستی امریکایی و اروپایی روبه رو شده است. اوج این حملات زمانی رخ داد که سازمان ملل به دستور کوفی عنان از تحویل فیلم عملیات ربوده شدن سه سرباز اسرائیلی به دست حزب اللّه در منطقه _شعبا_ خودداری کرد. نماینده عنان گفت که این فیلم جز و اسناد محرمانه سازمان ملل است و تنها نماینده حزب اللّه و اسرائیل می توانند فیلم ها را ببینند. به دستور عنان حتی چهره های عناصر حزب اللّه در این فیلم به گونه ای دیجیتالی شد تا جان مبارزان حزب اللّه به خطر نیافتند.

۱- [۱] . امیرحسین فرزانه، «تحلیل اعترافات یک دبیر کل ناکام سازمان ملل»، نشریه گزارش، ش ۱۰۵، ۱۳۷۸.
۲- [۲] . Kufi _ Annan.

با توجه به این نکات آن چه از مواضع قدرت های بزرگ به ویژه امریکا و اسرائیل برمی آید، این است که «اگر سازمان ملل و شخص دبیرکل در خدمت منافع نامشروع صهیونیسم بین المللی باشد، مورد حمایت تمام ارکان و نهادهای تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی صهیونیست ها قرار می گیرد و چنان چه مواضع مستقلانه و ضدصهیونیستی داشته باشد، تا مرحله ساقط کردن وی پیش می روند».(۱) گفتنی است پنج فضیلت و خصلت نیکو در مورد کوفی عنان می توان نام برد که عبارتند از: وقار، اعتماد به نفس، هم دردی و شفقت و ایمان.(۲)

مقام معظم رهبری در دیدار با کوفی عنان به مناسبت برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران، با توجه به قاره ای که آقای دبیرکل از آن برخاسته و با اشاره به سابقه مبارزاتی چند تن از رهبران این قاره چنین بیان داشت:

آفریقا در دهه های اخیر مردان بزرگی داشته است و ما از آن جهت که آفریقا مقابل ظلم ایستاده، به این منطقه از جهان عمیقاً علاقه مندیم... .

آقای عنان نیز در پایان دیدار با اظهار خوش وقتی از دیدار با آیت اللّه خامنه ای چنین گفت:

من و هیأت همراهم تحت تأثیر میهمان نوازی و دوستی ایرانیان قرار گرفته ایم و به عنوان دوستان ایران، خاک کشور شما را ترک خواهیم کرد.(۳)

گفتار پنجم: شورای اقتصادی و اجتماعی(Economic And Social)Council

۱. ساختار و صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . «پنج فضیلت کوفی عنان»، ترجمان سیاسی، ش ۴۰.

۳- [۳] . زندگی نامه دبیر کل های سازمان ملل، ص ۴۷۸.

شورای اقتصادی و اجتماعی، سازمان دهنده همکاری های بین المللی در زمینه امور اقتصادی و اجتماعی است. با این که هدف اصلی از تشکیل سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین المللی است، با این حال، این سازمان برخلاف جامعه ملل، به ایجاد همکاری میان ملل گوناگون جهان و پیدا کردن راه حل هایی برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن ها به عنوان یکی از راه های اساسی جلوگیری از جنگ توجه کرده است.(۱)

شورای اقتصادی و اجتماعی در آغاز دارای ۱۸ عضو بود، ولی اکنون شمار این اعضا به ۵۴ عضو رسیده است. با اصلاح ماده ۶۱ منشور که بر اساس قطع نامه (۲۸۴۷ (XXVI مجمع عمومی صورت گرفت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی می بایست بر اساس تنوع جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی انجام گیرد. این قطع نامه مقرر می دارد که اعضای شورا باید از پنج گروه زیر انتخاب شوند: گروه آفریقا، گروه آسیا، گروه امریکای لاتین، گروه اروپای غربی و دیگران و گروه اروپای شرقی.

با وجود تأیید این قطع نامه بر انتخاب عادلانه اعضا، ۵ عضو دایمی شورای امنیت همواره به عنوان اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی انتخاب می شوند.(۲)

ص:۱۳۳

۱- [۱] . ابوالقاسم منصفی، سازمان های بین المللی، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، چاپ خانه گیلان، ۱۳۵۸، ص ۲۰۱.

۲- [۲] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ۱۶۱.

این شورا می تواند در زمینه مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، بهداشتی و دیگر موضوع های همگون بین المللی، مطالعه و تحقیق کند و نتیجه تحقیق های خود را به صورت توصیه نامه به مجمع عمومی یا دولت های عضو سازمان ملل یا سازمان های تخصصی مربوط بفرستد.

موضوع های مربوط به «حقوق بشر» و آزادی های اساسی افراد در صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی است که در هر مورد، توصیه نامه های لازم را صادر می کند.

شورا دارای تعدادی کمیسیون منطقه ای و کمیسیون های تخصصی است. هرچند این شورا یک رکن مستقل سازمان ملل به شمار می رود، زیر نظر مجمع عمومی انجام وظیفه می کند و اعضای آن را نیز مجمع عمومی برمی گزینند. (ماده ۶۱ منشور).(۱)

۲. وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی

اشاره

براساس مواد ۶۲ تا ۶۶ منشور ملل متحد، مهم ترین موارد از وظایف این شورا بدین شرح است:

ـ انجام مطالعات؛

ـ صدور توصیه نامه؛

ـ تهیه پیش نویس کنوانسیون ها؛

ـ تشکیل کنفرانس های بین المللی؛

ـ همکاری با سازمان های تخصصی.

۱- [۱] . سازمان های بین المللی منصفی، صص ۲۰۱ ـ ۲۰۲.

در ادامـه، به دو وظیفه مهم این شـورا؛ یعنی تشـکیل کنفرانس هـای بین المللی و همکـاری بـا سازمـان هـای تخصصـی اشـاره خواهیم کرد.

الف) همکاری با سازمان های تخصصی

ماده ۶۳ منشور ملل متحد این گونه بیان می دارد:

۱. شورای اقتصـادی و اجتمـاعی می توانـد بـا هر یـک از نهادهـای تخصصـی یاد شـده در ماده ۵۷ قراردادهایی منعقـد کند و شرایطی را که به موجب آن، نهاد مربوط وابسته به ملل متحـد خواهـد گردیـد، معین کند. این گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند به وسـیله مشاوره با نهادهای تخصصـی و توصیه به آن ها و توصیه به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد، فعالیت های مؤسسه های تخصصی را هم آهنگ سازد.

همان گونه که در این ماده تصـریح شده، یکی از دو وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی، ایجاد هم آهنگی میان سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد است. ایجاد ارتباط میان این شورا و سازمان های تخصصی با انعقاد موافقت نامه صورت می گیرد که تا حال سازمان ملل متحـد از طریق این شورا، با شانزده سازمان تخصصـی، قرارداد همکاری منعقد کرده است.(۱) برخی از آن هـا عبارتنـد از: _سازمـان بیـن المللی کـار _(ILO)، _اتحـادیه جهـانی پست_(UPU) ، _اتحـادیه بیـن المللی مخـابرات _(ITU)، _صندوق بین المللی پول _ (IMF)_و سازمان بهداشت جهانی _(۲).(WHO)

در پایان، باید گفت هر چند ایجاد هم آهنگی میان فعالیت های سازمان های تخصصـی سازمان ملل یکی از مهم ترین وظایف این شورا است،

ص:۱۳۵

۱- [۱] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۱۶۴.

۲- [۲] . برخی از این سازمان های تخصصی در فصل ششم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

ولی این پرسش باید بررسی شود که آیا تاکنون شورای یاد شده در این امر موفق بوده است یا خیر؟ آن چه مسلّم است این که تصـمیم های شورا دارای پشـتوانه قدرت اجرایی نیست و توصـیه هایی که می کند، در بیش تر موارد اجرا نمی شود. همین امر سبب شـد که در سـال ۱۹۵۷ بـا تأکیـد کشورهای در حال توسـعه، گروهی تخصصـی برای تحقیق و بررسـی در مورد اصـلاح اساس نامه شورا تعیین گردد.(۱)

ب) تشکیل کنفرانس های بین المللی

بند ۴ ماده ۶۲ منشور ملل متحد در این باره بیان می دارد:

شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند در مورد اموری که در صلاحیت آن قرار دارد، کنفرانس های بین المللی براساس قواعد مقرر از طرف ملل متحد دعوت کند.

برگزاری «کنفرانس جمعیت جهـان» در سال ۱۹۴۹ که یـک کنفرانس غیردولتی بود و برگزاری گردهم آیی های کارشناسـی هم چون: _کنفرانس علمی سازمـان ملـل در زمینه حفـاظت و بهره برداری از منـابع _در همان سال و برگزاری کنفرانس های بین دولتی در موضوع هـای: بهـداشت، حمـل و نقـل، تجـارت و... همگی در راسـتای عمـل به وظیفه محول شـده در این ماده منشور به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد است که زمینه ساز پیشـرفت و هماهنگ سازی نظریه های گوناگون دولت ها و کشورها در این موارد خواهد بود.

گفتار ششم: شورای قیمومت

اشاره

(۲)

۱- [۱] . تهماسب محتشم دولت شاهی، سازمان های اقتصادی بین المللی، انتشارات ویستار، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۵ .

۲- [۲] . Trusteeship Council.

الف) نظام قیمومت

در پایـان جنـگ جهانی دوم تقریباً یک چهارم جمعیت جهان در کشورهای نامسـتقل زنـدگی می کردنـد. علاقه بین المللی به رفاه ملت های نامسـتقل سـبب شـد که مواد ویژه ای در منشور ملل متحـد درج شود و پیشـرفت سیاسـی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن ها از وظایف جامعه بین المللی به شمار آید.(۱)

هـدف هـای _نظام قیمومت بین المللی _عبارتنـد از: پیشبرد صـلح و امنیت بین المللی، کمک به پیشـرفت سیاسـی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان سرزمین های تحت قیمومت و پیشرفت دایم آن ها به سوی خودمختاری یا استقلال براساس اوضاع و شـرایط موجود در هر سـرزمین و خواسـته هـای مردم آن، ترغیب احترام به حقوق بشـر و آزادی هـای اساسـی برای همگان، ترغیب شـناسایی اتکـای ملت های جهان به یکـدیگر، تضـمین رفتار برابر در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و بازرگانی با همه اعضـای سازمـان ملل متحـد و اتباع آن ها و رفتار برابر با مردم این کشورها در اجرای عـدالت به شـرطی که این امور با دسـت یابی به دیگر هدف های نظام قیمومت تلاقی نکند.(۲) (ماده ۷۷ منشور به برخی از این اهداف اشاره داشته است).

ماده ۷۷ منشور در مورد این که نظام قیمومت شامل چه سرزمین هایی می شود، این طور بیان می دارد:

۱- [۱] . راهنمـای سازمـان ملـل متحـد؛ شـرح کامـل فعـالیت هـا و تکوین سازمان ملل متحـد در نخستین ۲۵ سـال حیات آن، گردآورنـده: اداره اطلاعات سازمان ملل متحـد، برگردان: منصور فراسـیون، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۴، چ ۱، ص ۲۵۱.

۲- [۲] . همان، ص ۲۵۳.

۱. نظـام قیمومت شامـل سـرزمین هایی می شود که در گروههای زیر قرار دارنـد و ممکن است به موجب قراردادهای قیمومت تابع این نظام گردند:

الف) سرزمین هایی که اکنون تابع نظام سرپرستی هستند.

ب) سرزمین هایی که ممکن است در نتیجه جنگ جهانی دوم از کشورهای دشمن جدا گردد.

ج) سرزمین هایی که به میل کشورهای مسئول اداره آن ها تحت این نظام قرار می گیرد.

تـاکنون تنهـا سـرزمین هـای گروه (الف) و یک مورد سـرزمینی که از مصادیق گروه (ب) بود، تحت نظام قیمومت قرار گرفته اند. تنها سـرزمینی که مشمول بند (ب) ماده ۷۷ منشور بوده و اکنون اسـتقلال یافته است، سومالی لنـد ایتالیا است. بند (ج) این ماده نیز به دلیل این که هیچ سـرزمینی داوطلبانه خواهان قرار گرفتن تحت نظام قیمومت نبود، تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته است. پس می توان گفت که نظـام قیمومت تنها در مورد سـرزمین های تحت سـرپرستی به موجب میثاق جامعه ملل اعمال می گردید که تمامی این سـرزمین ها نیز به اسـتثنای یک مورد، داوطلبانه تحت نظام جدید قرار گرفتند. این مورد استثنایی عبارت بود از سرزمین آفریقای جنوب غربی که قدرت اداره کننده آن؛ یعنی آفریقای جنوبی از قرار دادن این سرزمین در چهارچوب نظام قیمومت خودداری کرد و در مقابل، به پیوستن خاک این کشور به کشور خود تمایل نشان داد.(۱)

گفتنی است در ماده ۸۲ منشور ملل نوعی دیگر از قیمومت به نام «قیمومت استراتژیک» نیز پیش بینی شده است که شیوه اداره و نظارت

۱- [۱] . حقوق نهادهای بین المللی، ص ۱۳۳.

سازمان ملل بر آن فرق می کند. در سرزمین هایی که دولت اداره کننده آن ها را زیر عنوان «قیمومت استراتژیک» قرار می دهد، دست آن دولت برای اداره سرزمین بازتر و نظارت بین المللی بر آن ها کم تر است. به جای شورای قیمومت که مرجع رسیدگی به امور سرزمین های تحت قیمومت است، شورای امنیت عهده دار نظارت بر امور سرزمین هایی است که با عنوان قیمومت استراتژیک اداره می شوند. در واقع، این سرزمین ها در اختیار دولت های بزرگی قرار گرفته بود که خود در شورای امنیت کرسی دایمی دارند و نظارت بین المللی بر امور آن ها از میان رفته بود. برای نمونه، امریکا پس از تصاحب ۶۲۳ جزیره کوچک و بزرگ اقیانوس آرام و با قرار دادن آن ها زیر نظام قیمومت استراتژیک در آن ها می توانست پایگاه نظامی، دریایی و هوایی ایجاد کند و به طور کلی، آن ها را از نظارت بین المللی خارج نگاه داشته بود.(۱)

ب) شورای قیمومت

ماده ۸۶ منشور ملل متحد در مورد ترکیب این شورا چنین بیان می دارد:

۱. شورای قیمومت مرکب از اعضای ملل متحد به شرح ذیل خواهد بود:

الف) اعضای اداره کننده سرزمین های تحت قیمومت.

ب) آن عده از اعضایی که نامشان در ماده ۲۳(۲) ذکر شده و اداره سرزمین تحت قیمومتی را عهده دار نیستند.

ج) اعضای دیگر که به تعداد لازم از طرف مجمع عمومی برای یک دوره سه ساله انتخاب می شوند تا آن حد که مجموع اعضای شورای قیمومت به

۱- [۱] . سازمان های بین المللی منصفی، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲- [۲] . ماده ۲۳ منشور ناظر به ترکیب اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

تساوی میان اعضای اداره کننده سرزمین های تحت قیمومت و دیگر اعضا تقسیم گردد.

۲. هر یک از اعضای شورای قیمومت، شخص واجد صلاحیت خاصی را به سمت نماینده خود در شورای قیمومت تعیین می کنند.

اوج فعالیت شورای قیمومت در سال ۱۹۶۸ بود که اعضای آن مرکب از: چهاردولت اداره کننده سرزمین های تحت قیمومت (استرالیا، بریتانیا، ایالات متحده امریکا و زلاندنو)، سه عضو دایمی شورای امنیت (چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی) و یک عضو انتخابی بودند. در سال ۱۹۸۷، شورای قیمومت تنها از پنج عضو تشکیل می شد (امریکا به عنوان تنها دولت اداره کننده و چهار عضو دایم دیگر شورای امنیت) و چین در کارهای شورا مشارکت نمی کرد.(۱)

شورای قیمومت در راستای انجام چنین وظایفی که منشور بر عهده آن قرار داده است، موفقیت های چشم گیری داشت. تا سال ۱۹۸۲، از یازده سرزمین که تحت قیمومت قرار داشتند، ده سرزمین استقلال خود را یافتند، یا این که به دنبال برگزاری همه پرسی زیر نظارت سازمان ملل، با کشورهای همسایه متحد شدند. این سرزمین ها عبارتند از: _توگولند بریتانیا _(با غنا متحد شد / ۱۹۵۷)، _توگولند فرانسه _(توگو / ۱۹۶۰)، _کامرون فرانسه _(کامرون / ۱۹۶۰)، _سومالی لند ایتالیا _(سومالی / ۱۹۶۰)، _کامرون بریتانیا _(بخشی از آن به نیجریه و بخش دیگر آن به کامرون پیوست / ۱۹۶۱)، _تانگانیکا (تانزانیا _/ ۱۹۶۱)، _رواندا_

ص:۱۴۰

۱- [۱] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۱۷۷.

برونـدی (ـــروانـدا ـــ برونـدیـــ / ۱۹۶۲)، ـــساووای غربی (ساموا_/۱۹۶۲)، ـــفـائوروــ (نائورو / ۱۹۶۸)، ـــگینه جدیـد (گینه جدید پاپوا_/ ۱۹۷۵).

یازدهمین و آخرین سرزمین تحت قیمومت ـــ جزیره پالائو در اقیانوس آرام ـــ نیز که امریکا آن را اداره می کرد، براساس قطع نامه شورای امنیت در نوامبر ۱۹۹۴ از نظام قیمومت خارج شد. با توجه به این که در حال حاضـر سرزمین تحت قیمومت وجود ندارد، شورای قیمومت آیین نامه خود را تغییر داده است و تنها برحسب ضرورت، تشکیل جلسه می دهد.(۱)

۱- [۱] . همان، ص ۱۷۸.

فصل سوم: ارکان فرعی سازمان ملل متحد

اشاره

از میان ارکان اصلی که در فصل گذشته بررسی شد، سه رکن اصلی آن؛ یعنی: مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی، ارکان فرعی دارند که در این فصل برآنیم به بررسی برخی از این ارکان فرعی بپردازیم.

این ارکان فرعی که شرایط لازم برای تبدیل شدن به سازمان های تخصصی را دارند، به دلایل سیاسی که ناشی از سیاست قدرت های بزرگ در قبال آن هاست، تغییر وضعیت نیافته اند. دلیل مخالفت کشورهای غربی، آزادی عملی خواهد بود که این سازمان ها خواهند داشت و مشکلاتی که این آزادی می تواند برای این کشورها پدید آورد.

برخی از این ارکان و نهادهای فرعی مانند مؤسسه های مستقل عمل می کنند که از آن میان، می توان به کمیته _صلاحیت کیفری بین المللی _اشاره کرد. برخی دیگر، از اختیار تصمیم گیری مستقل برخوردارند مانند: _سازمان نظارت بر آتش بس فلسطین_. برخی دیگر از این نهادها نیز از اختیار مذاکره مستقیم با دولت ها برخوردارند مانند: _کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل._(۱)(۲)

۱- [۱] . همان، ص ۱۷۹.

۲- [۲] . UNHCR.

۱. ارکان فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد

اشاره

مجمع عمومی ۱۴ رکن فرعی دارد که برخی از آن ها عبارتند از:

ــ ــ کمیسیون حقوق بین الملل ــ (ILC)؛

ــ ــ کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد ــ (UNCTAD)؛

ــ ــ صندوق کودکان ملل متحد ــ (UNICEF)؛

ــ ــ برنامه عمران ملل متحد ــ (UNDP)؛

ــ ــ کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان ــ (UNHCR).

از میان این ارکان فرعی گسترده مجمع عمومی، تنها به بررسی دو رکن فرعی؛ ــ یعنی کمیسیون حقوق بین الملل ــ (ILC) و ــ صندوق کودکان ملل متحد ــ (یونیسف) خواهیم پرداخت.

الف) کمیسیون حقوق بین الملل(۱)

کمیسیون حقوق بین الملل براساس ماده ۱ اساس نامه آن، برای «تشویق توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن» و اجرای مفاد ماده ۱۳ منشور ملل متحد، در سال ۱۹۴۷ از سوی مجمع عمومی ایجاد شد. کمیسیون برای دست یابی به هدف یاد شده در وهله نخست، حقوق بین الملل عمومی را مورد توجه قرار داده است، ولی از ورود به عرصه حقوق بین الملل خصوصی نیز منع نشده است.(۲) با این حال، کمیسیون در طول حیاتش تقریباً فعالیت خود را در زمینه حقوق بین الملل عمومی متمرکز کرده است.(۳)

ص:۱۴۳

۱- [۱] . International Law Commission.

۲- [۲] . ماده ۲ اساس نامه کمیسیون.

۳- [۳] . راهنمای سازمان ملل متحد، ص ۳۹۵.

مجمع عمومی، اعضـای کمیسـیون حقوق بین الملـل را بـا توجه به صـلاحیت فردی آن هـا به عنوان صاحب نظر در حقوق بین الملل انتخاب می کند، به گونه ای که کمیسـیون، نماینده «اشکال اصلی تمدن و نظام های مهم حقوقی جهان» باشد. کمیسیون براساس ماده ۹ اساس نامه آن، ابتدا دارای ۱۵ عضو بود. سپس مجمع عمومی شمار اعضای آن را در قطع نامه ۱۱۰۳ (۱۹۵۶) به ۲۱ نفر و در قطع نامه ۱۶۴۷ (۱۹۶۱) به ۲۵ نفر و سرانجام در سال ۱۹۸۱ به ۳۴ نفر افزایش داد.(۱)

به موجب اساس نامه کمیسـیون حقوق بین الملل، پیشـنهادهای مربوط به توسـعه تـدریجی حقوق بین الملل از سوی کمیسـیون مطرح نمی شود، بلکه به وسـیله مجمع عمومی یا اعضای ملل متحد و دیگر مؤسسه های مجاز، به آن ارجاع می شود. در زمینه تدوین، کمیسیون می تواند عنوان هایی را بدین منظور برگزیند. کمیسیون در این مورد نیز باید برای درخواست مجمع عمومی در پرداختن به هر موضوع جهت تدوین آن تقدم قایل شود.(۲)

فعالیت های کمیسیون

کمیسـیون در نخستین اجلاس خود در سال ۱۹۴۹، ۱۴ عنوان را به طور موقت برای تـدوین برگزید که برخی از آن ها عبارتند از:

_ شناسایی دولت ها و حکومت ها؛

ص:۱۴۴

۱- [۱] . مجمع عمومی براساس بنـد ۳ قطع نامه ۱۹۸۱، ۳۴ نفر عضو کمیسـیون را به این صورت انتخاب می کنـد: ۸ تبعه دول آفریقایی، ۷ تبعه دول آسـیایی، ۳ تبعه دول اروپای شـرقی، ۶ تبعه دول امریکـایی لاـتین و حوزه کارائیب، ۸ تبعه دول اروپای غربی و دیگر دولت ها، یک تبعه دول آفریقایی یا اروپای شرقی به نوبت، یک تبعه دول آفریقایی یا اروپای شرقی (به نوبت)، یک تبعه دول آسیایی و امریکای لاتین و حوزه کارائیب (به نوبت).
۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد، ص ۳۹۶.

ـ جانشینی دولت ها و حکومت ها؛

ـ مصونیت های قضایی دولت ها و اموال آن ها (در خارج از کشور)؛

ـ صلاحیت قضایی دولت ها نسبت به جرایم ارتکابی در خارج از قلمرو ملی آن ها؛

ـ رژیم دریاهای آزاد؛

ـ رژیم آب های سرزمینی؛

ـ تابعیت و بی تابعیتی؛

ـ رفتار با بیگانگان و... .

این موارد اگرچه موقتی بود و با مطالعه و بررسی بعدی کمیسیون یا مطابق درخواست مجمع عمومی، قابل طرح و تعدیل بود، ولی مبنای کارنامه بلند مدت کمیسیون قرارگرفت.(۱) تا کنون این کمیسیون، کنوانسیون های زیر را تهیه وتنظیم کرده است:

ـ کنوانسیون چهارگانه ۱۹۵۸ ژنو در مورد حقوق دریاها؛

ـ کنوانسیون کاهش بی تابعیتی (۱۹۶۱)؛

ـ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)؛

ـ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (۱۹۶۱)؛

ـ کنوانسیون هیأت های ویژه (۱۹۶۹)؛

ـ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹)؛

۱- [۱] . همان، ص ۳۹۸.

ـ کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک (۱۹۷۳)؛

ـ کنوانسیون دینی در مورد نمایندگی دولت ها در روابط خود با سازمان های بین المللی جهان شمول (۱۹۷۵)؛

ـ کنوانسیون وین در مورد جانشینی دولت ها در زمینه معاهدات (۱۹۷۸)؛

ـ کنوانسیون وین در مورد جانشینی دولت ها در خصوص اموال، بایگانی و دیون دولت (۱۹۸۳)؛

ـ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات منعقده میان دولت ها و سازمان های بین المللی یا میان سازمان های بین المللی (۱۹۸۶).

افزون بر کنوانسیون های یاد شده، کمیسیون مسایل دیگری را نیز مورد بررسی قرار داده و طرح های مصوب خود را به مجمع عمومی ارایه کرده است که تعریف تجاوز (۱۹۵۱)، طرح مجموعه مقررات مربوط به جرایم علیه صلح و امنیت بشر (۱۹۵۴) و (۱۹۸۴)، قواعد نمونه آیین دادرسی داوری (۱۹۵۸) و طرح نهایی شرط ملت کامله الوداد از این موارد هستند.

در پایان این قسمت، بیان این نکته در مورد رابطه ایران با کمیسیون جالب توجه است. تا کنون دکتر ـ احمد متین دفتری ـ از ایران (۱۹۶۱ ـ ۱۹۵۷) به عضویت کمیسیون حقوق بین الملل انتخاب شده است که دوره عضویت او نیز با فوت وی به پایان رسید و ناتمام ماند.(۱)

ب) صندوق کودکان ملل متحد(۲) (یونیسف)

ص:۱۴۶

۱- [۱] . همان، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

۲- [۲] . (U.N.International Children's Emergency Fund (UNICEF.

این صندوق در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ با عنوان _صندوق کمک های اضطراری بین المللی سازمان ملل متحد برای کودکان _(یونیسف) از سوی مجمع عمومی به وجود آمد و چند سال بعد، نام آن به _صندوق کودکان ملل متحد_ تغییر یافت، ولی نام اختصاری آن هم چنان باقی ماند. هدف این سازمان، کمک به مادران و کودکان در کشورهای در حال توسعه است.(۱) این رکن فرعی مجمع عمومی چون دارای وضعیت حقوقی نیمه مستقلی در نظام ملل متحد بوده و دارای هیأت اجرایی، دبیرخانه و دفاتر منطقه ای است، گاه آن را «آژانس عملیاتی» می خوانند.

یونیسف برای حمایت و دفاع از کودکان چارچوبی فراهم کرده است و برای آگاهی از نیازهای خاص کودکان و رفع آن، تصمیم گیری و اقدام می کند. بدین دلیل، یونیسف تجزیه و تحلیل طرح های توسعه ملی را بنابر درخواست دولت ها تقبل می کند و آن طرح ها را از نظر سودمندی برای تندرستی کودکان و میزان مرگ و میر بیماری های کودکان مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد.

یونیسف در محدوده امکانات مالی خود، تجهیزاتی را که دولت ها برای آغاز یک مبارزه وسیع برای کنترل بیماری ها، ایجاد مراکز بهداشتی و بهبود تغذیه (مبارزه با گرسنگی و سوء تغذیه) نیاز دارند، تهیه می کند. هم چنین وجوهی را برای آموزش آموزگاران و کارشناسان تغذیه، مددکاران بهداشت و بهورزان به ویژه برای فعالیت آن ها در جوامع بومی خود، اختصاص می دهد.

ص:۱۴۷

۱- [۱] . فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۰۶، ش ۰۳۰۶۱ .

در مقابل هر دلار کمک یونیسف به اجرای این برنامه ها، دولت دریافت کننده کمک باید دست کم مبلغی مساوی به این امر اختصاص دهد. این سیاست نشان دهنده اعتقاد یونیسف به پذیرش مسئولیت اولیه مراقبت از کودکان از سوی دولت های مربوط است.(۱)

مجمع عمومی در پایان سال _بین المللی کودک _(۱۹۷۹)، یونیسف را به عنوان مؤسسه رهبر و پیشرو نظام ملل متحد درباره مسایل کودکان در سراسر جهان تعیین کرد. از فعالیت های مهم این سازمان، برنامه های گسترده واکسیناسیون کودکان جهان تا سال ۱۹۹۰ علیه شش بیماری مهلک و اصلی اطفال (سرخک، دیفتری، سیاه سرفه، کزاز، فلج اطفال و سل) بود که با همکاری نزدیک سازمان بهداشت جهانی اجرا شد.(۲)

رابطه ایران با یونیسف

این سازمان رابطه گسترده ای با ایران داشته و در زمینه های گوناگون با کشور ما، همکاری کرده است. این سازمان، فعالیت دوباره خود را در ایران از سال ۱۹۸۳ آغاز کرد. همکاری یونیسف با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابتدا در زمینه طرح واکسیناسیون همگانی و مبارزه با بیماری های اسهال متمرکز بود. همکاری یونیسف به صورت ارایه خدمات مشاوره ای کارشناسان، فعالیت های آموزشی، تهیه تجهیزات و حمایت مالی از طرح های دولت در زمینه های یاد شده بوده است.(۳)

ص:۱۴۸

۱- [۱] . Graham Backel , Workshop For The World , (New York: Ablard Schumanltd. ۱۹۶۲),P.۸۶.

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، صص ۳۸۵ و ۳۸۶.

۳- [۳] . همان، ص ۳۸۷.

از مهم ترین همکاری های یونیسف با ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ یاری رسانی به وزارت بهداشت در اجرای برنامه ریشه کن سازی بیماری فلج اطفال؛

ـ پی گیری سیاست حمایت و تشویق در زمینه تغذیه کودک با شیر مادر؛

ـ مشارکت در کمیته ملی مبارزه با بیماری کمبود ید با هدف رفع آن تا سال ۲۰۰۰؛

ـ آموزش بهداشت درباره بیماری ایدز و همکاری با وزارت بهداشت در زمینه افزایش آگاهی های عمومی؛

ـ ارایه کمک های اضطراری به زلزله زدگان ۳۰ خرداد ۱۳۶۹ در استان های گیلان و زنجان؛

ـ کمک مالی در قالب برنامه اضطراری برای رفع نیازهای اساسی استان های زلزله زده به مبلغ ۹۰۰ هزار دلار؛

ـ کمک مالی در زمینه کنترل بیماری اسهال و ایمنی دوران بارداری در سال ۱۹۹۰ به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار (مبلغ کل تعهد این صندوق تا پایان سال ۱۹۹۱ برای این امر، ۱۲۵۰۰۰۰ دلار بوده است)؛

ـ اختصاص ۸ میلیون دلار از منابع اصلی خود به حمایت از برنامه کشوری پنج ساله ایران (۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۳)؛

ـ کمک یونیسف در سال ۱۳۸۱ به ادامه عملیات کمک رسانی بین مرزی به برنامه ریزی بازگشت پناهندگان افغان به افغانستان؛

ص:۱۴۹

_ همکـاری و ادامه برنـامه کشوری و فعـالیت های اضـطراری با دیگر سازمان های همکار برای تأکیـد بر حضور و نقش مؤثر ایران در نشسـت ویژه ملـل متحـد برای کودکـان و تلاش برای تحقق تعهـدهای ایران در رونـد نهضت جهانی برای کودکان و نوجوانان.(۱)

۲. ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

شورای اقتصـادی و اجتمـاعی پنـج ارگـان کمکی منطقه ای دارد که این پنـج رکن فرعی عبارتنـد از: _کمیسـیون اقتصـادی و اجتمـاعی برای آسـیا و پاسـیفیک _(اسـکاپ)، _کمیسـیون اقتصادی اروپا، کمیسـیون اقتصادی امریکای لاتین_، _کمیسـیون اقتصادی آسیای غربی _و _کمیسیون اقتصادی آفریقا._

ماده ۶۸ منشور ملـل متحـد مبنـایی برای تشـکیل و تعیین کمیسـیون هـای گونـاگون منطقه ای و موضوعی است. بایـد دانسـت تشـکیل کمیسیون های خاص منطقه ای در کنفرانس سانفرانسیسکو پیش بینی شده بود، ولی به دلیل نیاز به احیای دوباره اروپا و پیشـرفت کشورهای در حال توسعه، این کمیسیون ها پایه گذاری شد. _کمیسیون های اقتصادی اروپا و اکافه _(که در حال حاضـر اسکاپ نامیده می شود) از نخستین کمیسیون هایی بودند که بدین منظور تشکیل گردیدند.(۲) در ادامه، به بررسی این دو کمیسیون خواهیم پرداخت.

الف) کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و پاسیفیک (اسکاپ)(۳)

ص:۱۵۰

۱- [۱] . برگرفته از پایگاه اینترنتی : WWW.Iran Khabar . Com: News

۲- [۲] . سازمان های اقتصادی بین المللی، صص ۸۵ _ ۸۶ .

۳- [۳] . ESCAP (Economic And Social Commission For Asia And Pacific).

این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ جایگزین کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور (اکافه) شد که در سال ۱۹۴۷ در شهر _شانگهای_ چین تأسیس شده بود. وظایف و هدف های اسکاپ عبارتند از: هماهنگی اقدامات مشترک برای پیشبرد وضعیت اقتصادی، فنی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو، ایجاد مراکز تبادل اطلاعات اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه، ایجاد شرایط مناسب برای بحث و تبادل نظر در زمینه های اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه، ایجاد شرایط مناسب برای بحث و تبادل نظر در زمینه های اقتصادی و اجتماعی میان اعضا.

این کمیسیون ۳۵ عضو پیوسته و ۹ عضو وابسته دارد که دامنه فعالیت آن از غرب به _ایران_، از شمال شرقی به _ژاپن_، از جنوب غربی به _جزایر کوک_، از شمال به _مغولستان_ و از جنوب به _استرالیا_ و _زلاند نو_ گسترده شده است و مرکز آن هم در _بانکوک_ قرار دارد.(۱)

ایران به عنوان عضو اسکاپ، به ویژه با مرکز آسیا _وپاسیفیک _برای انتقال تکنولوژی(۲) _ که مقر آن در شهر _بنگلور _است _ و شبکه منطقه ای ماشین آلاتکشاورزی،(۳) فعالانه همکاری دارد. اجلاس ۱۹۶۳ (اسفند ۱۳۴۲) اسکاپ درتهران برگزار شد. اجلاس وزیران صنعت و تکنولوژی اسکاپ نیز از ۲ تا ۸ تیر ۱۳۷۱ (۲۳ _ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲) در تهران برگزار شد و با صدور _بیانیه_

ص:۱۵۱

۱- [۱] . فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۰۸. ۰۳۰۶۶.

۲- [۲] . Asian And Pacific Center For Transfer Of Technology (APCTT).

۳- [۳] . RUAM

ــ تهران ــ به کار خود پایان داد. در این بیانیه، بر رفع فقر به وسیله توسعه صنعتی کشورهای منطقه تأکید شده است.(۱)

اسکاپ به عنوان مؤسسه اجرایی برنامه عمران ملل متحد طرح های بسیاری اجرا کرده و طرح هایی نیز در دست اجرا دارد که از آن میان می توان به طرح های زیر اشاره کرد:(۲)

ــ رایانه ای کردن تجهیزات بندرها؛

ــ ایجاد شبکه منطقه ای برای ماشین آلات کشاورزی؛

ــ لایروبی، بررسی هیدروگرافیک و رسوب شناسی؛

ــ مدرنیزه کردن راه آهن و... .

ب) کمیسیون اقتصادی اروپا(۳)

کمیسیون اقتصادی اروپا در سال ۱۹۴۷ با هدف کمک به دولت ها برای احیای دوباره کشورهای اروپایی به وجود آمد که در نتیجه جنگ جهانی دوم به ویرانه ای بدل شده بودند.

امریکا بنیان گذار اصلی کمیسیون است؛ زیرا «پس از جنگ جهانی دوم به زودی این واقعیت آشکار شد که احیای اروپا تنها در گرو کمک های ایالات متحده امریکا است که امریکا نه تنها باید ماشین و ابزار فنی به آن قاره ارسال دارد، بلکه باید مواد اولیه، نخ، کائوچو و هم چنین تا مدتی خواربار اروپاییان را تأمین کند».(۴)

ص:۱۵۲

۱- [۱] . برای آگاهی از متن کامل بیانیه نک: روزنامه کیهان، ۹ تیرماه ۱۳۷۱.

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، صص ۵۳۱ ــ ۵۳۲.

۳- [۳] . United Nations Eccnomic Commission For Europe (ECE).

۴- [۴] . کلود آلبر کلییار، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز هم بستگی بین المللی، ترجمه و تحقیق: هدایت اللّه فلسفی، نشر فاخته، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۵.

این کمیسیون در آغاز از ۱۸ کشور عضو تشکیل می شد و در حال حاضر دارای ۳۴ عضو متشکل از کشورهایی با ساختار اقتصادی متفاوت است و در جهت پیشرفت اقتصادی اروپا فعالیت می کند. هدف کمیسیون برخلاف هدف برنامه _مارشال _که بر احیا و بازسازی کشورهای اروپای غربی متمرکز بود، عبارت است از: بازسازی و فراهم آوردن زمینه برای پیشرفت اقتصادی همه کشورهای اروپایی. کمیسیون یاد شده در این زمینه، تحقیق های زیادی در کشورهای عضو به عمل آورده و توصیه های مختلفی به آن ها ارایه داده است (این ها به دلیل اختیاراتی است که _اکوسوک_(۱) به کمیسیون اقتصادی اروپا تفویض کرده است).(۲)

از مهم ترین فعالیت های این شورا برای برقراری رابطه مداوم میان کشورهای اروپایی، تلاش پیوسته در زمینه علمی و فنی، محیط زیست و حمل و نقل است. ایجاد کمیته حمل و نقل از نتایج عملی فعالیت های این شورا است که بر این اساس موفق شده مقررات یگانه ای در مورد نقل و ترانزیت میان کشورها پدید آورد. کمیته تجارت نیز درباره از بین بردن محدودیت های تجاری میان شرق و غرب فعالیت می کند.(۳)

۳. ارکان فرعی شورای امنیت سازمان ملل متحد

اشاره

یکی دیگر از ارکان اصلی سازمان ملل متحد که ارکان فرعی دارد، شورای امنیت سازمان ملل متحد است. در مورد ارکان فرعی این شورا، دو مورد؛

ص:۱۵۳

۱- [۱] . شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد.

۲- [۲] . سازمان های اقتصادی بین الملل، ص ۸۶ .

۳- [۳] . همان، ص ۸۶ .

یعنی عملیات _حفظ صلح ملل متحد_ و _کمیته ستاد نظامی _را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) عملیات حفظ صلح ملل متحد

از عملیات حفظ صلح در چارچوب سازمان ملل متحد به عنوان پدیده ای _سویی جنریس_(۱) یاد می شود. بدین معنی که در منشور ملل متحد، مقررات صریحی درمورد این عملیات وجود ندارد. بر خلاف تصور بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران(۲) که در این زمینه قلم زده اند، این پدیده به هیچ وجه بی سابقه و ابداعی تلقی نمی شود.(۳) اصطلاح «حفظ صلح» برای نخستین بار براساس مواد ۱۰، ۱۱، ۱۵ و ۱۶ میثاق جامعه ملل پیش بینی شده و به دنبال آن «هیأت ناظر بر صلح» برای اعزام بازرسان و هیأت های نظارت بر صلح در هنگام بحران های بین المللی تشکیل شد.(۴) استفاده از این هیأت ها در مواردی چون اختلاف سرزمینی یوگسلاوی و یونان (۱۹۲۳)، بحران چین و ژاپن و حمله ایتالیا به اتیوپی همگی در همین راستا صورت گرفته است.

نخستین اقدامی که در سازمان ملل متحد به عنوان عملیات حفظ صلح شناخته شد، عملیات سازمان _نظارت بر ترک مخاصمه ملل متحد_ (_آنتو)_(۵) است. اینهیأت ناظر در نخستین دور جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به وجود

۱- [۱] . Sui Generis.

۲- [۲] . یکی از آنان، خاویر پرزدوکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد است.

۳- [۳] . فریده شایگان، عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱. (کلیات).

۴- [۴] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۱۹۴.

۵- [۵] . UNTSO.

آمد و به منبع اصلی برای تغذیه دیگر عملیات های حفظ صلح تبدیل شد. البته در آن زمان هنوز به این هیأت، نیروی حافظ صلح نمی گفتند.(۱)

در طول سال ها ثابت شده است که «عملیات حفظ صلح» باید به عنوان عملیات نظامی بدون قدرت قهرآمیز و هدف تهاجمی تعریف شود. پذیرش انجام عملیات حفظ صلح میان طرفین درگیر، داوطلبانه است و در تمام مراحل عملیات، رضایت، توافق و همکاری طرف های درگیر، شرط اصلی ایجاد عملیات حفظ صلح است. هرچند کار عملیات حفظ صلح بر عهده نظامیان است، ولی آن ها با توسل به زور و عملیات قهرآمیز نمی خواهند به اهدافشان دست یابند. به همین دلیل، عملیات حفظ صلح با عملیات قهرآمیزی که در ماده ۴۲ منشور از آن یاد شده، تفاوتی اساسی دارد.

از عملیات حفظ صلح، بیش تر برای نظارت بر آتش بس و کمک به ادامه یافتن آن، عقب نشینی نیروهای درگیر از خط مقدم جبهه و ایجاد حایل میان آن ها استفاده می شود. این عملیات، مجموعه قابل انعطافی است از روش ها، سیاست ها و ابتکارهایی که با موارد گوناگون منطبق می شود و هدف آن، توقف جنگ و درگیری و درک فرصت مناسب برای حل اختلاف از راه های مسالمت آمیز است.(۲)

برپایی عملیات حفظ صلح اعم از هیأت های ناظر و نیروها حافظ صلح تابع ۴ اصل اساسی است:

۱- [۱] . عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، ص ۶ .
۲- [۲] . نیروهای حافظ صلح سازمان ملل کلاه آبی ها، برگردان: علی میرسعید قاضی، انتشارات اداره کل اطلاعات همگانی سازمان ملل، ۱۳۷۳، ص ۲۲.

۱. رضـایت دولت های میزبان: بر اساس ماده ۲(۷) منشور، از آن جا که سازمان ملل متحد در اموری که ذاتا در صـلاحیت داخلی دولت هاست، حق مـداخله ندارد و از طرفی تنها اقدامات قهری مندرج در فصل هفتم منشور از این قاعده مسـتثنا است، پس با توجه به این که عملیات یاد شده، مسالمت آمیز و غیر قهری است، به دست آوردن رضایت دولت ها، شـرط اساسی آن به شمار می رود.(۱)

۲. اجرای عملیـات به دست شـورای امنیت: چون مسـئولیت حفـظ صـلح جهـانی به عهـده شورای امنیت نهـاده شـده است، عملیـات حفـظ صـلح اساسـا از سوی شورای امنیت آغاز می شود و به اجرا درمی آیـد.(۲) این سـخن بـدان معنا است که هیچ عملیاتی نمی توانـد بدون اتفاق نظر همه جامعه بین المللی به اجرا درآید.(۳) افزون بر لزوم تشـکیل این نیروها از سوی شورای امنیت، پشتیبانی پیوسته شورا، شرط اساسی موفقیت عملیات خواهد بود.

۳. به کار نبردن زور: ضرورت این اصل با توجه به ماهیت غیر قهری نیروها _ که بیان شد _ مسلّم است.

۴. بی طرفی نیروهـا: این نیروهـا حق مـداخله در امـور داخلی دولت میزبـان را ندارنـد و نبایـد گـونه ای عمـل کننـد که به حمایت از یک طرف در مقابل طرف دیگر می انجامد.(۴)

ص:۱۵۶

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ج ۳، ص ۵۱۶ .
۲- [۲] . دو مورد به صورت استثنایی از سوی مجمع عمومی برپا شده است: نیروی اضطراری ملل متحد در خاورمیانه یونف. ۱ و نیروی امنیتی ملل متحد در ایریان غربی.
۳- [۳] . نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، ص ۲۴.
۴- [۴] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۷۷ .

در پایان باید گفت عملیات حفظ صلح باید دارای منابع مالی مشخصی باشد. تقریبا همه نیازهای مالی عملیات حفظ صلح به وسیله مشارکت اجباری کشورهای عضو تأمین می شود.(۱)

ایران و عملیات حفظ صلح ملل متحد

ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در سه مورد، نیروهای خود را برای شرکت در عملیات حفظ صلح در اختیار سازمان ملل گذاشته است: اعزام نیروی هوایی و زمینی برای شرکت در عملیات ملل متحد در کنگو (دسامبر ۱۹۶۲ تا ژوییه ۱۹۶۳)، اعزام یک گردان پیاده نظام برای پیوستن به نیروی موقت ملل متحد در لبنان (از مارس ۱۹۷۸ تا مارس ۱۹۷۹) و اعزام نیروی پیاده نظام برای پیوستن به نیروی ناظر بر جداسازی ملل متحد در بلندی های جولان (اوت ۱۹۷۵ تا مارس ۱۹۷۹). گروه اخیر پس از انقلاب، از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران به وطن احضار شد.(۲)

در مورد گروه ناظران ملل متحد در ایران و عراق (یونیماگ)(۳) بیان چند نکته ضروری است:

۱. این گروه که بر اساس بند ۲ قطع نامه ۵۹۸ به منطقه اعزام شدند، وظیفه تحکیم، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی را بر عهده داشتند.

۲. در این قطع نامه، شورای امنیت با صداقت تصمیم می گیرد که عملیات حفظ صلح را بر اساس موادی از فصل هفتم منشور (۳۹ و ۴۰) بر پای دارد.

ص:۱۵۷

۱- [۱] . نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، ص ۲۵.

۲- [۲] . همان، ص ۵۱۹ .

۳- [۳] .United Nations Iran_Iraq Military oberver Group (UNIIMOG).

این در حالی است که در موارد قبل، شورا به مبنای حقوقی عملیات حفظ صلح تصریح نداشته است.

۳. این گروه کارهای درخور تقدیری در منطقه انجام داده است که از آن میان، به موارد زیر می توان اشاره کرد:

ـ ایجاد خطوط آتش بس و نظارت بر رعایت آن از سوی طرفین؛

ـ رسیدگی به ادعاهای طرفین مبنی بر نقض آن؛

ـ مبادله اجساد کشته شدگان در منطقه حایل یا پشت خطوط دفاعی در راستای ایجاد اعتماد میان طرفین.

ب) کمیته ستاد نظامی

ماده ۳۵ منشور چنین بیان می دارد:

برای این که سازمان ملل متحد قادر به انجام اقدام های فوری نظامی باشد، اعضا باید قسمت هایی از نیروهای هوایی خود را به طوری که قابل استفاده فوری برای عملیات اجرایی دسته جمعی بین المللی باشد، آماده نگاه دارند. مقدار و درجه آمادگی این قسمت ها و طرح های عملیات دسته جمعی آنان که در حدود مقرر در موافقت نامه های ویژه اشاره شد، در ماده ۴۳ از سوی شورای امنیت و با کمک ستاد نظامی تعیین خواهد شد.

هم چنین ماده ۴۶ درباره این کمیته می گوید:

طرح های استفاده از نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک کمیته ستاد نظامی تنظیم می کند. هدف از تشکیل این کمیته همان گونه که در ماده ۴۷ منشور بیان شده، راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره همه مسایل مربوط به نیازمندی های نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی، به کار گرفتن فرماندهی نیروهای مسلح قرار داده شده در اختیار شورا و تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی است.

این کمیته از رئیسان ستاد اعضای دایم شورای امنیت یا نمایندگان آن ها تشکیل می شود. هرگاه حسن اجرای وظایف کمیته ستاد نظامی، شرکت عضوی از اعضای ملل متحد را که در کمیته نماینده ندارد، ایجاب کند، آن عضو از سوی کمیته ستاد نظامی برای شرکت در کارها دعوت خواهد شد.(۱)

کمیته ستاد نظامی، مسئول هدایت سوق الجیشی نیروهای مسلح در اختیار شورای امنیت است،(۲) ولی در عمل برخلاف صراحت موادی که عملیات نظامی شورای امنیت را به این کمیته واگذار کرده اند، شاهد هستیم که اقدام های قهرآمیز و نظامی سازمان ملل متحد به وسیله قدرت های صاحب نفوذ در شورای امنیت و در رأس آن ها، ایالات متحده امریکا صورت می گیرد. آن چه در مورد جنگ عراق و کویت صورت گرفت، شاهد بسیار خوبی است؛ زیرا به نظر می رسد سازمان در این جنگ نقشی ایفا نکرده است. «حتی _کمیته ستاد نظامی مشترک_ که در ماده ۴۷ پیش بینی شده، تشکیل نگردید و شورا هرگز نتوانست عملیات را کنترل کند» و عملیات، خارج از این ستاد و به وسیله امریکا صورت گرفت. در مورد تناسب وسایل به کار برده شده و تعجیل شورای امنیت در مورد این جنگ، مسایل مبهمی مطرح است که همگی نقش شورای امنیت را در کنترل و هدایت بحران های بین المللی مخدوش می سازند. به همین دلیل، این پرسش را در ذهن تداعی می سازد که آیا قدرت شورای امنیت در مقابل دولت های صاحب نفوذ در این شورا نافذ است یا خیر؟(۳)

۱- [۱] . ماده ۴۷ بند ۲ منشور ملل متحد.

۲- [۲] . مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، صص ۳۶ _ ۳۷.

۳- [۳] . برخورد شورای امنیت در مورد جنگ عراق با ایران و عراق با کویت گویای بسیاری از واقعیت هاست که پیش تر بررسی شد.

فصل چهارم: مؤسسه های تخصصی

اشاره

(۱) وابسته به سازمان مللمتحد(۲)

مؤسسه های تخصصی و وابسته به سازمان بسیاری از کارهای سازمان ملل متحد را که هدف آن، بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم جهان است، انجام می دهند. ماده ۵۷ که مبنای حقوقی اقدام سازمان ملل متحد برای برقراری ارتباط با این مؤسسه هاست، این گونه بیان می دارد:

مؤسسه های تخصصی مختلف که به موجب موافقت نامه میان کشورها تأسیس شده و بر پایه اساس نامه های خود در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و دیگر رشته های مرتبط دارای مسئولیت های وسیع بین المللی هستند، بنابر مقررات ماده ۶۳ وابسته به سازمان ملل خواهند بود.

هم چنین ماده ۶۳ مقرر می دارد:

شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند با هر یک از نهادهای تخصصی یاد شده در ماده ۵۷، قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن، نهاد مربوط به ملل متحد وابسته خواهد گردید؛ معین کند. این گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۱- [۱] .United Nations Specialized Agencies.(The Specialized Agencies.)

۲- [۲] . به این مؤسسه ها کارگزاری های تخصصی بین الدولی به سازمان ملل هم گفته شده است.

آن چه در این میـان اهمیّت دارد، این است که یکی از وظایف مهم شورای اقتصادی و اجتماعی، هماهنگ کردن فعالیت های مؤسسه های تخصصی است.

مؤسـسه های تخصصـی به عنوان سازمان هایی تعریف شـده اند که با توافق میان حکومت ها تأسـیس شده اند و در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشـی و دیگر زمینه های مربوط _مسئولیت های وسیع_ بین المللی دارنـد. هر سازمان که یـک قرارداد بـا شورای اقتصادی و اجتماعی منعقـد کنـد که بعـد به تصویب مجمع عمومی برسـد، در نظر سازمان ملل متحـد، مؤسسه تخصصی به شمار می رود. شرایط توافق نامه ها از یک مؤسسه با مؤسسه دیگر فرق می کند، ولی برخی ویژگی ها در بیش تر آن هـا مشترک است. برای مثـال، به هر کـدام از طرفین (یعنی سازمان ملل و مؤسـسه مورد بحث) معمولاً حق داده می شود که نمایندگانی (بدون داشـتن حق رأی) به جلسه های برخی سازمان های معین طرف دیگر بفرستند. بیش تر مؤسسه های تخصصـی توافق کرده اند که توصـیه های مجمع عمومی را ملاحظه کنند و به صورت پیوسـته به شورای اقتصادی و اجتماعی، گزارش دهنـد. به بسـیاری از آن هـا حق داده شـده است که نظر دیوان بین المللی دادگستری را در موضوع هایی که در حیطه صلاحیت آن سازمان ها است، اسـتعلام کننـد. هم چنین به موجب ماده ۶۳ (۲) منشور، به شورای اقتصـادی و اجتماعی اختیار داده شده است که فعالیت های

مؤسسه های تخصصی را با مشورت و توصیه هایی به آن مؤسسه ها یا مجمع عمومی و اعضای سازمان ملل متحد هماهنگ کند.(۱)

سازمان ملل تا کنون برای هماهنگ کردن فعالیت های این سازمان و مؤسسه های تخصصی، اقدام هایی انجام داده است (مانند: ایجاد کمیته هماهنگی اداری در سال ۱۹۴۶ به درخواست شورای اقتصادی و اجتماعی از دبیر کل سازمان یا ایجاد صندوق مشترک بازنشستگی). البته به نظر می رسد تا زمانی که مؤسسه های تخصصی، این درجه از استقلال کنونی خود را حفظ کنند، بتوان اقدامی مؤثرتر از تلاش های کمیته هماهنگی اداری در هماهنگ کردن فعالیت این مؤسسه ها با سازمان ملل متحد انجام داد.(۲)

توجه به چند مطلب در مورد این سازمان ها ضروری است:

اول ــ بیش تر مؤسسه های تخصصی، قدرت تصمیم گیری الزام آور برای اعضا را ندارند، ولی معاهداتی که بر اساس اهداف آن ها تشکیل شده اند، ابزار جالبی را برای زیر فشار قرار دادن دولت های عضو که به شیوه خاصی عمل کنند، مقرر می دارند. برای مثال، سازمان بین المللی کار، یونسکو و سازمان بهداشت جهانی می توانند توصیه ها و پیش نویس معاهدات را طراحی کنند. هرچند دولت های عضو مجبور نیستند توصیه ها و پیش نویس معاهدات را بپذیرند، ولی درباره قوانین و رویه هایشان در مورد زمینه هایی که توصیه ها و پیش نویس معاهدات مورد بحث دربردارنده آن ها است، به آن سازمان،

۱- [۱] . مایکل آکهرست، کلیات نوین حقوق بین الملل. برگردان: مهراب داراب پور، ص ۳۰۷.
۲- [۲] . نسرین مصفا و دیگران، راهنمای سازمان ملل متحد ۲، مؤسسات تخصصی و وابسته و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آن ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷.

گزارش های دوره ای ارایه می دهند و در بعضی موارد، باید دلایل نپذیرفتن توصیه ها و پیش نویس معاهدات را نیز بیان کنند. سازمان بهداشت جهانی در برخی موارد می تواند مقرراتی را وضع کند که برای همه دولت های عضو که تصمیم ندارند آن را بپذیرند، الزام آور باشد. این مسایل برای چیره شدن بر سُستی و رخوت دولت ها و ترغیب آن ها برای همکاری با همدیگر مفید است.(۱)

دوم ــ بسیاری از مؤسسه های تخصصی که مسایل مربوط به نظم نوین اقتصاد بین الملل در حیطه فعالیت و مسئولیت های آن ها قرار دارد، نه تنها در جهت توسعه نظم نوین اقتصادی گام برنداشته اند، بلکه اقدام های برخی از آن ها با اصول نظم نوین اقتصاد بین الملل مغایرت داشته است. خط مشی و شیوه عمل مؤسسه های تخصصی مالی و پولی در زمینه اعطای وام مصداق برجسته این روند درباره کشورهای جهان سوم است.(۲)

سوم ــ به دلیل به وجود آمدن شکاف بزرگ میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه یافته که تا دهه های پیش، بار مالی این مؤسسه ها را به عهده می گرفتند، کم کم از زیر این مسئولیت شانه خالی کرده اند. آنان می گویند دیگر زمان آن گذشته است که کشورهای در حال توسعه، شیوه هزینه کردن اعتبارهای تخصیص یافته از سوی این کشورها را معیّن کنند. این مشکل در سازمان هایی چون: فائو، یونسکو و

۱- [۱] . کلیات نوین حقوق بین الملل، ص ۳۰۸.

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۱۱۷.

بهداشت جهانی که در راستای اهداف دولت های توسعه یافته حرکت نمی کنند، ملموس تر است.

چهارم _ نظام مدیریت بیشتر این مؤسسه ها به گونه ای است که کشورهای پیشرفته سرمایه داری همیشه کنترل امور را در دست دارند و سیاست کلی خود را در جهت توسعه اجتماعی _ اقتصادی شان و گسترش سیطره خویش بر کشورهای جهان سوم پیش می برند.(۱)

پنجم _ البته نقش و خدمات این مؤسسه ها را در سطح جهان نمی توان انکار کرد. به همین دلیل، وجود این مؤسسه ها از نبودشان سودمندتر است. از تجربه و تخصص و امکانات این مؤسسه ها می توان برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ها بهره گرفت.

ششم _ در مورد رابطه ایران با این مؤسسه ها باید دانست که مسایل سیاسی این مؤسسه ها سبب شده است که در برخی موارد، به حذف نقش آن ها توجه شود.

در این میان، وزارت امور خارجه باید همه هماهنگی های لازم را با سازمان های مربوط انجام دهد تا در اجرای طرح های این مؤسسه ها در کشورمان دچار مشکلاتی چون طولانی شدن طرح ها و تعویق طرح ها نشویم.

در این صورت، می توانیم با حفظ استقلال و پایداری بر نظام ارزشی و اعتقادی خود، در برابر حق عضویتی که پرداخت می کنیم، از امکانات انسانی و دانش فنی این مؤسسه ها، بیش ترین بهره راببریم. البته پیشبرد همه این

۱- [۱] . فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۱۳ ، ش ۳۰۸۵.

موارد در گرو پیش بینی سیاست های هدفدار وزارت امور خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران است.

اکنون به بررسی دقیق تر برخی از این مؤسسه ها می پردازیم.

۱. مؤسسه های فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی

اشاره

الف) سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)

اشاره

(۱)

از اول تـا ۱۶ نوامبر ۱۹۵۴ برای تأسـیس یک سازمان آموزشـی، علمی و فرهنگی وابسـته به سازمان ملل متحـد، کنفرانسـی در لندن تشـکیل شد که اساس نامه یونسـکو را تهیه کرد. این کنفرانس، «کمیسیون مقدماتی آموزشی، علمی و فرهنگی» را نیز به وجود آورد که تا هنگام تأسیس سازمان مورد نظر، به جای آن انجام وظیفه می کند. یونسکو در ـ تاریخ ۴ نوامبرـ ۱۹۴۶ پس از آن که بیست کشور امضا کننده اساس نامه آن را به طور رسمی تصویب کردند، تأسیس شد.(۲)

یک ـ ساختار، اهداف و وظایف یونسکو

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، ساختاری همانند هر نهاد تخصصـی کلاسـیک دیگر دارد؛(۳) یعنی این سازمان از سه رکن تشکیل یافته است:

ب) ایجاد تحرکی تازه در تعلیم و تربیت عمومی و نشر فرهنگ به وسیله:

ـ تشریک مساعی با اعضا بنا بر درخواست آن ها در توسعه فعالیت های آموزشی و پرورشی.

ـ برقراری تشـریک مساعی میان ملل برای پیشبرد انـدیشه تساوی فرصت تحصـیلی بـدون توجه به نژاد، جنس یا هرگونه تمایز اقتصادی و اجتماعی.

ـ پیشنهاد مناسب ترین روش های آموزشی برای آماده کردن کودکان جهان جهت قبول آزادانه مسئولیت ها.

ج) حفظ، افزایش و اشاعه اطلاعات به وسیله:

ـ تضمین، حفظ و حمایت از میراث جهانی کتاب ها، آثار هنری و یادگارهای تاریخی و علمی و توصیه کنوانسیون بین المللی لازم به ملل جهان با تشویق همکاری میان ملل در تمام رشـته های فعالیّت معنوی از جمله مبادله بین المللی افراد فعّال در زمینه

های آموزش و پرورش و علم و فرهنگ و مبادله انتشارات، موضوع هنری، علمی و دیگر مطالب علمی.

ـ ابداع روش های همکاری بین المللی به منظور دسترسی مردم همه کشورها به مطالب چاپ و منتشر شده از سوی هر یک از آن ها.

۱- [۱] .(Uuited Nations Educational, Scientific and Cultural organization (UNESCO.

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۸۸۶ .

۳- [۳] . سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز هم بستگی بین المللی، ج ۲، ص ۶۲۶ .

دو _ نگرشی بر فعالیت های یونسکو

یونس کو از آغاز فعالیت تا کنون، اقدام های سودمندی انجام داده است. در یک نگاه کلی می توان فعالیت های این سازمان را در دو قالب، دسته بندی کرد:(۱)

الف) فعالیت های اساسی و همیشگی که به همه کشورها مربوط است. این فعالیت ها شامل: پژوهش، مبادله اطلاعات و مدارک و آموزش می شود.

ب) برنامه های عملیاتی که برای پاسخ گویی به مشکلات کشورهای در حال توسعه و ایجاد خوداتکایی در این کشورها در زمینه های آموزش و پرورش، علوم (علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی)، فرهنگ و ارتباطات صورت می گیرد.

این برنامه ها در شش زمینه اصلی اجرا می شود که عبارتند از:

اول _ آموزش و پرورش

مهم ترین فعالیت یونسکو در این زمینه در سطح جهان، مبارزه با بی سوادی و ریشه کنی این معضل بوده است. این طرح به وسیله آموزش آموزگاران و پشتیبانی از آنان در کشورهایی انجام می گیرد که منابع محلی برای استخدام و پرداخت حقوقشان کافی نیست. کمک یونسکو به سه برنامه وسیع منطقه ای این سازمان در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین برای بهبود برنامه های تربیت معلم، هماهنگی برنامه درسی با اوضاع و نیازهای محلّی، ایجاد و توسعه فنون آموزشی جدید و برنامه ریزی آموزشی ادامه داشته است.(۲)

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۱۲۹.

۲- [۲] . همان، ص ۸۸۸ .

دوم ـ علوم طبیعی

یونسکو در این زمینه پس از تصمیم گیری کنفرانس عمومی در سال ۱۹۶۴، به فعالیت بیشتری در این حیطه پرداخت. سازمان در این عرصه برای رسیدن به سه هدف اصلی تلاش می کند:

ـ توسعه ساخت اساسی علوم در کشورهای عضو؛

ـ ترغیب همکاری بین المللی برای پیشرفت پژوهش ها و مدارک علمی؛

ـ به کار بردن علوم و تکنولوژی در کارهای عمرانی.(۱)

سوم ـ علوم اجتماعی

یونسکو کار خود را برای تسهیل همکاری بین المللی میان دانشمندان علوم اجتماعی و مبادله اطلاعات و اسناد ادامه می دهد و به سازمان دهی امر آموزش و ایجاد و توسعه برنامه های پژوهشی در کشورهایی که علوم اجتماعی در آن جا چندان رواج ندارد، کمک می کند.(۲)

چهارم ـ فرهنگ

برنامه یونسکو، سه مرحله اصلی و به هم پیوسته حیات فرهنگی را پی گیری می کند:

ـ آفرینش آثار اصیل؛

ـ حفظ آثار موجود؛

ـ نشر و نقد بین المللی فرهنگ ها.

یونسکو با یاری رساندن به سازمان هایی چون: مؤسسه بین المللی تئاتر، شورای بین المللی موسیقی و انجمن قلم، آفرینش هنری را ترغیب می کند.

۱- [۱] . همان، ص ۸۸۹.

۲- [۲] . همان، ص ۸۹۱.

هم چنین با تشکیل همایش ها و انجام طرح های پژوهشی متعدد، به بررسی تأثیر رسانه های اطلاع رسانی جدید به ویژه فیلم و تلویزیون بر ادبیات و هنر می پردازد.

یونسکو پیوسته به توسعه کتاب خانه ها و موزه ها و بهبود ابزار آن ها کمک کرده است. موفقیت برنامه بین المللی حفظ آثار باستانی نوبیه،(۱) توجه جهانیان رابه لزوم حفظ میراث فرهنگی مشترک بشر جلب کرده است. هم چنین در طرح ده ساله یونسکو برای درک متقابل ارزش های فرهنگی شرق و غرب، تهیه مواد آموزشی، مبادله استادان و دانشجویان، ترجمه آثار ادبی و ترتیب دادن نمایشگاه های هنری بسیار صورت گرفته است.(۲)

پنجم _ ارتباط جمعی

مهم ترین حرکت دولت های عضو در زمینه ارتباطات، تصمیم گیری آن ها در سال ۱۹۷۸ مبنی بر ایجاد نظام جدید ارتباطات و اطلاعات بین المللی است تا بدین وسیله، به انحصارگری غرب در عرصه رسانه های ارتباطی و اطلاعات جهانی پایان داده شود.(۳) یکی دیگر از فعالیت های شاخص در این زمینه، انتشارات متعدد این سازمان است که از میان انتشارات این سازمان، «پیام یونسکو» مشهور است. این نشریه، ماهانه و به زبان های گوناگون از جمله فارسی منتشر می شود.

ششم _ مبادلات بین المللی

ص:۱۷۲

۱- [۱] .Nubia.

۲- [۲] . همان، ص ۸۹۲ .

۳- [۳] . همان، ص ۱۳۰.

تشویق مسافرت به خارج برای اهداف آموزشی، علمی و فرهنگی یک از عناصر اساسی کار یونسکو در راستای توسعه تفاهم بین المللی بیش تر و مبادله مؤثرتر آگاهی ها و مهارت ها میان کشورهای عضو یونسکو است. یونسکو به وسیله _دفتر اطلاعات و مبادلات فرهنگی _و _انتشارات_ خود، درباره برنامه های مبادلاتی، نظر مشورتی می دهد. یکی ازا ین گونه انتشارات یونسکو، زیر عنوان «تحصیل در خارجه»، بررسی دو ساله اطلاعات و امکانات مطالعه در خارج از راه بورس تحقیقاتی، کمک خرج تحصیلی و مبادله های فرهنگی است.(۱)

سه _ خروج ایالات متحده امریکا از یونسکو

هر دولتی(۲) می تواند با نظر موافق شورای اقتصادی و اجتماعی و موافقت دو سوم اعضای شرکت کننده در کنفرانس عمومی، به عضویت یونسکو درآید. هم چنین می تواند با یک پیش آگهی یک ساله، از عضویت سازمان خارج شود.رونالد ریگان در دوران ریاست جمهوری خود در امریکا، این انتقاد را به سازمان وارد ساخت که یونسکو با دور افتادن از اهداف اولیه، شاخص های سیاسی را ملاک کار خود قرار داده و با پشتیبانی از جهان سوم، توزیع ناعادلانه مشاغل میان اتباع کشورهای عضو، گشاده دستی های بی حد و حصر در پرداخت دستمزد و استخدام افراد نالایق، راهی دیگر در پیش گرفته است. از این رو، در دسامبر ۱۹۸۳ تهدید کرد که از یونسکو خارج خواهد شد و در

۱- [۱] . همان، صص ۸۹۲ و ۸۹۳ .

۲- [۲] . منظور ما در این جا دولت هایی است که عضو سازمان ملل متحد نیستند؛ زیرا عضویت در سازمان ملل متحد با حق عضویت در یونسکو همراه است.

نتیجه، این سازمان را از ۲۵ درصد اعتبارهای خود محروم خواهد ساخت.(۱) سرانجام ایالات متحده امریکا در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۴ از عضویت یونسکو خارج شد و یک سال بعد در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۵، انگلستان و سنگاپور نیز از عضویت یونسکو خارج شدند. در مورد خروج امریکا و انگلستان و سنگاپور به ویژه دو کشور نخست می توان گفت که وجود سیاست های مستقل یونسکو در برابر کشورهای قدرتمند و به طور کلی، کشورهای غربی سبب کناره گیری آنان از این سازمان شد. مواردی چون: استخدام افرادی که از نظر فکری مورد نظر غرب نبودند، تلاش برای حفظ استقلال یونسکو در برابر کشورهای غرب و اعمال نفوذ آن ها، پشتیبانی از کشورهای جهان سوم، تصمیم گیری کنفرانس عمومی در مورد ایجاد نظام جدید ارتباط و اطلاعات بین المللی(۲) را می توان از جمله سیاست های مستقل یونسکو در این زمینه نام برد. افزون بر آن، باید دانست هرچند امریکا مبلغ زیادی از بودجه سازمان را برعهده می گرفت، ولی چون کشورهای جهان سوم در این سازمان، اکثریت داشتند، به راحتی می توانستند علیه دولت های غربی به ویژه امریکا موضع گیری کنند که این مسئله، با سیاست های امریکا و انگلستان هم خوانی نداشت. خروج این کشورها از یونسکو که تا حدودی در راستای بهبود وضع فرهنگی و اجتماعی و کشورهای ضعیف گام برمی داشت، چیزی دور از ذهن نبود؛زیرا هرگز این دولت ها حاضر نیستند منافع خود را برای رفاه یا ترقی و پیشرفت کشورهای دیگر به مخاطره بیاندازند.

ص:۱۷۴

۱- [۱] . سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ص ۶۳۰ .

۲- [۲] . در بخش ۲ فعالیت های یونسکو به این مطلب اشاره شده است.

چهار ــ رابطه ایران و یونسکو

دولت ایران در ۱۵ تیر ۱۳۲۷ (۱۹۵۸) با تصویب اساس نامه یونسکو به عضویت این سازمان درآمد. همکاری ایران با یونسکو به وسیله کمیسیون ملی در ایران صورت می گیرد که اساس نامه کمیسیون یاد شده در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ به تصویب دولت وقت رسید و پس از انقلاب، در ۲۹ شهریور ۱۳۶۶، اساس نامه اصلاحی به تصویب هیأت وزیران رسید. کمیسیون بنا بر ماده ۳ اساس نامه اصلاحی دارای سه رکن است:(۱)

اول ــ شورای عالی کمیسیون ملی یونسکو

بر اساس ماده ۴ اساس نامه، شورای عالی کمیسیون ملی دارای ۱۴ عضو است که ۷ تن از آن ها از میان وزیران و دیگر مقام های دولتی و ۷ نفر دیگر از میان شخصیت های علمی و فرهنگی کشور برگزیده می شوند.

دوم ــ شورای اجرایی

بر پایه مواد نهم و دهم اساس نامه، کمیسیون ملی در ایران:

۱. مسئول نظارت بر برنامه های کمیسیون ملی و دست کم دو بار در سال تشکیل می شود.

۲. مرکب از ۱۰ نفر از مقام های دستگاه های مرتبط با فعالیت های یونسکو در ایران است و نظارت و پی گیری اجرای همه مواردی را که در صلاحیت شورای عالی است، بر عهده دارد.

سوم ــ دبیرخانه

دبیرخانه از دو بخش: ــمطالعاتی ــ تخصصی ــ و ــخدماتی ــ اداری ــ تشکیل شده است و یکی از سازمان های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری به شمار

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.

می رود. در رأس دبیرخانه، دبیرکل قرارداد که به پیشنهاد وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری از میان شخصیت های علمی و فرهنگی کشور به هیأت دولت، معرفی و پس از تأیید، با حکم وزیر یاد شده منصوب می شود.(۱) دبیرخانه شامل پنج اداره: ـ آموزش و پرورش، علوم، علوم اجتماعی و انسانی، ارتباطات ـ و ـ فرهنگ ـ است. هر یک از این اداره ها کمیته های تخصصی دارند که در چارچوب اساس نامه ویژه خود به فعالیت می پردازند. با توجه به گستردگی حیطه فعالیت های این کمیسیون و نهادهای وابسته به آن در ایران، به برخی فعالیت های مهم این نهادها به صورت فهرست وار اشاره می کنیم:(۲)

ـ انتشار مجله های پیام یونسکو و فصل نامه کمیسیون ملی یونسکو در ایران؛

ـ معرفی انجمن سینمای جوان ایران برای عضویت در سازمان های بین المللی فیلم وابسته به یونسکو؛

ـ ترجمه و انتشار دیوان حافظ؛

ـ اختصاص مبلغ ۵۰۰۰ دلار برای جبران خسارت های وارد شده بر میراث فرهنگی؛

ـ تشکیل گروه آموزش سیار در زمینه آموزش فنی و حرفه ای با هزینه ۲۸۰۰۰ دلار در سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱؛

۱- [۱] . همان، ص ۱۳۷.

۲- [۲] . همان، صص ۱۳۸ ـ ۱۴۳.

ــ سفارش اسناد، کتاب، نشریه و نرم افزارهایی که از سوی سازمان یونسکو نشر یا تولید می شوند و توزیع آن ها میان متقاضیان در ایران (از فعالیت های بخش اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو در ایران).

ــ برگزاری بزرگداشت هزاره ــفردوسیــ و ــشاهنامه؛ــ

ــ برگزاری کنگره ــنظامی گنجویــ؛ (از فعالیت های اداره فرهنگ در سال ۱۳۷۰).

افزون بر این موارد، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، فعالیت های بسیار سودمندی داشته است که باید مورد توجه نهادهای فرهنگی و اجتماعی ایران قرار گیرد و از امکانات علمی و مالی آن، به درستی بهره برداری شود.

اول ــ کنفرانس عمومی

ص:۱۶۶

این کنفرانس به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری در سازمان، از نمایندگان همه کشورهای عضو تشکیل می شود.(۱) این کنفرانس هر دو سال یک بار برای تصمیم گیری در مورد خط مشی و برنامه و بودجه سازمان یونسکو برپا می شود. نکته جالب توجه این است که بیش تر برنامه های این سازمان، با اجماع اعضا به تصویب می رسد که این مسئله در راستای کمک به اهداف انسان دوستانه این سازمان قابل ملاحظه است.

دوم _ شورای اجرایی

شورای اجرایی از ۵۱ عضو ترکیب یافته که کنفرانس عمومی، آنان را از میان نمایندگان کشورهای عضو انتخاب می کند. اساس نامه اولیه یونسکو پیش بینی کرده بود که اعضای شورای اجرایی، نماینده دولت های متبوع خود نخواهند بود، بلکه به نمایندگی از طرف کنفرانس عمومی، در شورا فعالیت خواهند داشت.(۲)

هشتمین اجلاس کنفرانس، در سال ۱۹۵۴ به پیشنهاد ایالات متحده امریکا و با وجود مخالفت های شدید بلژیک و فرانسه، اساس نامه شورا را تغییر دادند و اعضای شورا را نمایندگان دولت هایی قلمداد کردند که به نیابت از آنان در شورا شرکت می کنند.(۳)

اشکال این ساختار آن است که سبب می شود شورای اجرایی یونسکو را افرادی تشکیل دهند که به تبع دولت های متبوع خود، دارای منافع متفاوت و

۱- [۱] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۴.

۲- [۲] . همان، ص ۲۱۵.

۳- [۳] . سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ج ۲، ص ۶۲۷ .

متضاد باشند، در حالی که این شورا باید انجمنی از شخصیت های علمی و برجسته جهان باشد.

سوم _ دبیرخانه

مدیر کل، دبیر خانه را اداره می کند که به پیشنهاد شورای اجرایی و تصویب کنفرانس عمومی، برای ۶ سال انتخاب می شود.(۱) مدیر کل در رأس دبیرخانه دایمی رار گرفته است که در آن، بیش از ۲۵۰۰ کارمند بین المللی به کار اشتغال دارند و بر اساس معیارهای جغرافیایی بسیار گسترده، به استخدام سازمان درآمده اند.(۲)

افزون بر ارکان سه گانه یاد شده، اساس نامه یونسکو به منظور همکاری های آموزشی، علمی و فرهنگی میان کشورها، تشکیل کمیسیون های مرکب از نمایندگان دولت ها، سازمان های غیر دولتی و دانشجویان ممتاز را پیشنهاد می کند. باید دانست یونسکو، دفترهای منطقه ای و کمیسیون های ملی نیز دارد.(۳)

ماده یک اساس نامه یونسکو به هدف های سازمان اشاره دارد که عبارت است از: کمک به صلح و امنیت جهان به وسیله ترویج همکاری میان ملت ها از راه آموزش علوم و فرهنگ به گونه ای که در همه جا احترام به عدالت، حکومت قانون و حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان را تحکیم کند.(۴)

ص:۱۶۸

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۱۲۸.

۲- [۲] . سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ج ۲، ص ۶۲۷ .

۳- [۳] . سازمان های بین المللی، ص ۲۱۵.

۴- [۴] . فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۰۹ ، ش ۳۰۷۲.

بند ۱۲ ماده ۱ اساس نامه یونسکو در راستای این اهداف، وظایف زیر را بر عهده این سازمان قرار می دهد:

الف) تشریک مساعی در پیشبرد آگاهی متقابل و تفاهم میان مردم از راه وسایل ارتباط جمعی و بدین منظور، توصیه آن گونه قراردادهای بین المللی که ممکن است برای ترویج جریان آزاد اندیشه ها از طریق کلام و تصویر لازم باشد.

ب) سازمان بهداشت جهانی

(۱)

اندیشه تأسیس _سازمان بهداشت جهانی_ با پیشنهادی در کنفرانس ملل متحد درباره تأسیس سازمان جهانی در سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ شکل گرفت. این سازمان، وارث وظایف و اختیارات دفتر _بین المللی بهداشت عمومی_ است که زیر نظر جامعه ملل و در شهر پاریس اداره می شد.(۲) در کنفرانس بین المللی بهداشت که در ماه های ژوئن و ژوییه ۱۹۴۶ در نیویورک تشکیل شد، نمایندگان ۶۴ کشور، اساس نامه سازمان جهانی بهداشت را امضا کردند و یک کمیسیون موقت مرکب از نمایندگان هیجده دولت به وجود آوردند.(۳) اساس نامه این سازمان در ۷ آوریل ۱۹۴۷ با تسلیم بیست و ششمین سند تصویب، لازم الاجرا گردید و این روز به عنوان «روز جهانی بهداشت» در

۱- [۱] .(world Health organization (WHO.

۲- [۲] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۲.

۳- [۳] . راهنمای سازمان ملل ۲، ص ۸۹۶.

سراسر جهان معرفی شد. نخستین اجلاس سازمان جهانی بهداشت در ۲۴ ژوئن ۱۹۴۸ در ژنو برگزار گردید و از آن زمان تا کنون، به عنوان یکی از شانزده آژانس تخصصی سازمان ملل به فعالیت خود ادامه می دهد.

ج) اهداف و وظایف سازمان جهانی بهداشت

با استناد به ماده ۱ اساس نامه سازمان جهانی بهداشت، هدف این سازمان «رسیدن به عالی ترین سطح ممکن از بهداشت برای همه مردم است.» همان گونه که اساس نامه اشاره دارد، بهداشت به معنای «حالت رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی است، نه صرفا فقدان بیماری یا علیلی.» از این رو، این سازمان وظایف متنوع و وسیعی دارد که عبارت است از:

ـ رهبری و هماهنگ کردن تلاش های بهداشتی بین المللی؛

ـ برقراری و حفظ تشریک مساعی مؤثر با مؤسسه های تخصصی سازمان ملل متحد، اداره های بهداشتی دولتی، گروه های حرفه ای و دیگر سازمان ها که مناسب تشخیص داده شوند؛

ـ کمک به بهبود معیارهای آموزش و تکوین افکار عمومی مردم در مورد مسایل بهداشتی؛

ـ تشویق به بهبود تغذیه، مسکن، بهداشت، تفریح، شرایط اقتصادی یا کار و دیگر جنبه های بهداشت زیست محیطی با همکاری مؤسسه های تخصصی در صورت نیاز؛

ـ کمک به دولت های متقاضی در تقویت خدمات بهداشتی به آن ها؛

ـ تحریک و تلاش در زمینه پیشبرد فعالیت های ریشه کنی بیماری های واگیردار، همه گیر و بومی؛

یک _ ساختار سازمان جهانی بهداشت

این سازمان دارای چهار رکن زیر است:

اول _ مجمع بهداشت جهانی(۱)

متشکل از نمایندگان دولت های عضو و نمایندگان سازمان های بین الدولی و سازمان های غیر دولتی است. دو گروه اخیر در جلسه های مجمع، بدون حق رأی حاضر می شوند. وظایف اصلی این مجمع، تعیین سیاست های سازمان، برنامه های دو ساله، بودجه سازمان و تقسیم آن میان دولت های عضو است. هم چنین مواردی از جمله: انتصاب مدیر کل سازمان، وضع مقررات در زمینه قرنطینه، تعیین روش های بهداشتی و استاندارد مربوط به تشخیص بیماری ها و به طور کلی، تصویب هرگونه مقرراتی که برای دست یابی سازمان به اهداف تعریف شده اش، لازم و ضروری است، در صلاحیت این مجمع قرار دارد.

دوم _ هیأت اجرایی(۲)

این هیأت پس از اصلاح اساس نامه در ۲۸ مه ۱۹۷۵، ۳۱ عضو دارد. اعضای این هیأت، نماینده دولت های متبوع خود نیستند، بلکه شخصیتی مستقل از دولت های خود دارند و بر اساس صلاحیت های فردی خود، عضو این هیأت می شوند. این نکته در تصمیم گیری های هیأت از اهمیت برخوردار است. وظایف اصلی هیأت بدین قرار است:

_ اجرای تصمیم های مجمع؛

_ تهیه دستور کار برای هر اجلاس مجمع؛

۱- [۱] .World Health Assembly.

۲- [۲] .Executive Board.

ـ فعالیت به عنوان مشاور مجمع

ـ تصمیم گیری در زمینه اقدام اضطراری در چارچوب امکانات مالی سازمان در مورد اپیدمی و دیگر مصایب.(۱)

سوم ـ دبیرخانه

دبیرخانه از کارکنان سازمان در ژنو، کارکنان دفترهای منطقه ای و کارکنان دفترهای نمایندگی در کشورهای عضو تشکیل می شود. دبیر کل نیز برای ۵ سال در رأس دبیرخانه به عنوان عالی ترین مقام اداری سازمان فعالیت دارد.

چهارم ـ نهادهای منطقه ای

اساس نامه به سازمان اجازه می دهد برای رسیدگی به مسایل بهداشتی برخی مناطق خاص، تدبیرهای منطقه ای در نظر بگیرد. بدین ترتیب، افزون بر رسیدگی سریع به مسایل هر منطقه، از تمرکز سازمان در یک منطقه کاسته می شود. سازمان بهداشت جهانی، شش «سازمان منطقه ای» دارد که هر یک از آن ها یک کمیته منطقه ای و یک دفتر منطقه ای دارد. نمایندگان دولت ها و اعضای پیوسته(۲) درمنطقه مربوطه، اعضای کمیته های منطقه ای هستند.(۳)

هر دفتر منطقه ای، مسئول تنظیم سیاست های منطقه ای، کنترل و نظارت بر فعالیت های منطقه ای است. دفتر اصلی سازمان در ژنو نیز به تعیین سیاست های کلی در امور فنی و اداری سازمان می پردازد.(۴)

دفترهای منطقه ای سازمان بهداشت جهانی عبارتند از:

ـ دفتر منطقه ای مدیترانه شرقی (اسکندریه ـ مصر)؛

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۱۵۱.

۲- [۲] .Associated Members.

۳- [۳] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۳.

۴- [۴] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۱۵۲ ـ ۱۵۳.

ـ دفتر منطقه ای آفریقا (برازاویل ـ کنگو)؛

ـ دفتر منطقه ای اروپا (کپنهاک ـ دانمارک)؛

ـ دفتر منطقه ای پاسیفیک غربی (مانیل ـ فیلیپین)؛

ـ دفتر منطقه ای آسیای جنوب شرقی (دهلی نو ـ هندوستان)؛

ـ دفتر منطقه ای امریکا (واشنگتن دی سی ـ امریکا)؛

دو ـ نگرشی بر فعالیت های سازمان بهداشت جهانی

سازمان بهداشت جهانی برای رسیدن به اهداف تصریح شده در اساس نامه، فعالیت های متعددی را در زمینه کنترل بیماری های واگیر، بهداشت محیط، خدمات بهداشت عمومی، آموزش و پژوهش به انجام رسانیده است که مهم ترین این تلاش ها را می توان چنین برشمرد:

۱. تمرکز فعالیت های سازمان بر ریشه کنی بیماری های آبله، مالاریا، جذام، وبا، طاعون، سل، تب های مناطق حاره، بهداشت مادر و کودک و تغذیه (تا سال ۱۹۸۰)؛(۱)

۲. پژوهش درباره بیماری های حیوانی: بروسلوسیس (تب مالت)، هاری، پتوسپیروسیس، هایدا تیدوسیس.

۳. پی گیری برنامه تهیه غذای پروتئین دار با همکاری فائو و یونیسف؛

۴. کمک به توسعه آموزشگاه های رشته های گوناگون بهداشت در سطح جهان؛

۵. قرار دادن گروه های کارشناسی برای بهبود وضع لوله کشی آب و تأمین جنبه های فنی و برنامه های تأمین آب؛

۱- [۱] . همان، ص ۱۵۳.

۶ . مطالعه درباره استاندارد کردن شیوه ها و وسایل اندازه گیری آلودگی هوا؛

۷. کوشش برای دست یابی همه مردم جهان به سطحی از سلامت با شعار «بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰».

سه ــ رابطه ایران و سازمان بهداشت جهانی

کشور ایران از جمله نخستین کشورهایی است که به عضویت سازمان بهداشت جهانی درآمده است. ایران در ۲۳ نوامبر ۱۹۵۶ (دوم آذر ۱۳۲۵) به این سازمان پیوست و عضو کمیته مدیترانه شرقی شد. دکتر ــطباــ از ایران تا پایان سال ۱۹۸۱، مدیر منطقه ای مدیترانه شرقی بود.(۱)

همکاری ایران با سازمان بهداشت جهانی به وسیله دفتر نمایندگی آن در تهران انجام می گیرد. در ۴ ژوییه ۱۹۵۵، قراردادی میان ایران و سازمان بهداشت جهانی برای ارایه کمک های مشورتی فنی بسته شد که مبنای حقوقی فعالیت دفتر نمایندگی سازمان بهداشت جهانی در تهران قرار گرفت.(۲)

از زمان فعالیت دفتر نمایندگی این سازمان در تهران، تا کنون طرح های بسیاری به وسیله این سازمان در کشور به مرحله اجرا درآمده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. اجرای طرح جهانی ریشه کن کردن مالاریا و آبله در ایران.

۲. کمک ۲۱۲۰۱۸ دلاری به برنامه های ملی میان مدت برای پیش گیری و کنترل ایدز (از ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۲). بیماری ایدز یکی از

۱- [۱] . شناسنامه سازمان های بین المللی، ج ۱، وزارت امور خارجه ایران، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴.

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۱۵۶.

بحران های آینده جامعه جهانی است که هرچند هنوز در ایران فراگیر نشده است، ولی باید از کمک های این سازمان و مطالعات سازمان یونسکو در این زمینه، بهره کافی ببریم و با دادن آگاهی کامل به مردم، این بیماری را کنترل کنیم.

۳. کمک های فنی در زمینه مواد گندزدایی، داروهای ویژه و ارایه اطلاعات فنی در مورد آلودگی محیط زیست و آثار مواد شیمیایی به مبلغ ۲۲۰ هزار دلار در جنگ ایران و عراق به همراه ۵/۲ میلیون دلار کمک مالی برای پناهندگان کرد عراقی با همکاری یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)، کمیساریای عالی پناهندگان و برنامه جهانی غذا.

۴. اجرای طرح هایی در زمینه بیماری های تنفسی، بهداشت خانواده، بهداشت آب، بیماری های واگیردار و غیر واگیر، بهداشت دهان و دندان، بهداشت حرفه ای و بهداشت روانی.

۵. سازمان جهانی بهداشت برخی طرح ها را به عنوان کارگزار برخی برنامه های سازمان ملل انجام می دهد که طرح آموزش مربی به رورزی در سال ۱۹۹۰ به عنوان کارگزار برنامه عمران ملل متحد از آن جمله است.

همکاری ایران و این سازمان در سال های اخیر رو به بهبود نهاده است و می توانیم در آینده به صورت بهتر و دقیق تر از امکانات و تخصص این سازمان بهره بجوییم.

ج) سازمان بین المللی کار

(۱)

ص:۱۸۳

۱- [۱] .(Internationa Labour Organization. (ILO.

سازمان بین المللی کار یکی از کارگزاری های تخصصی سازمان ملل متحد است که قدمت آن حتی از سازمان ملل متحد فراتر می رود. این سازمان زاییده اندیشه جامعه شناسان انقلابی و کارشناسان مسایل کار در اوایل قرن نوزدهم بود.(۱) سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۱۹ بر اساس صلح ورسای به وجود آمد و اساس نامه آن در فصل سیزدهم قرارداد ورسای گنجانده شده است. این سازمان با آن که از نظر حقوقی مستقل بود، ولی در عمل کاملاً به جامعه ملل وابستگی داشت. پس از آن که جامعه ملل بر اثر روی دادن جنگ جهانی دوم، خاصیت وجودی خود را از دست داد، سازمان بین المللی کار هم چنان پابرجا ماند تا این که در سال ۱۹۴۶، قراردادی با سازمان ملل امضا کرد و در شمار مؤسسه های تخصصی سازمان ملل درآمد.

اکنون این سازمان از نظر حقوقی، اتحادیه ای است که دولت ها برای حفظ صلح و گسترش عدالت اجتماعی به وجود آورده اند. خدمات بین المللی سازمان از آن جهت در حفظ صلح مؤثر است که عدالت اجتماعی را گسترش می دهد و شرایط نامساعد زندگی بشر را که پیوسته زمینه ساز ستم، فقر، بدبختی و تهدید صلح جهانی بوده است، از بین می برد. بنابراین، هدف سازمان عبارت است از: ایجاد عدالت اجتماعی و خدمت به مردان و زنانی که در نقاط گوناگون جهان کار می کنند. از آن جا که این سازمان، حافظ حقوق اکثریت بزرگی از جامعه بشریت است، تلاش می کند حقوق کارگران و حداقل زندگی مادی و معنوی آن ها را برآورده سازد و مورد حمایت

۱- [۱] . فناییان، سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد، جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

بین المللی قرار دهد تا با فراهم آوردن زمینه های توسعه اقتصادی اجتماعی، همه مظاهر عقب ماندگی را از میان بردارد و به آرزوی مشترک بشریت؛ یعنی عدالت اجتماعی، نزدیک شود.(۱)

سازمان بین المللی کار از آن جهت در میان سازمان های جهانی منحصر به فرد است که در امر تنظیم سیاست های آن، نمایندگان کارگران و کارفرمایان از حق اظهار نظر برابر با نمایندگان دولت ها برخوردارند. [به استثنای پاره ای کمیسیون ها که جنبه حقوقی دارند و از کارشناسان مستقل تشکیل شده اند.] البته این اقدام جسورانه نه تنها در آن زمان بی سابقه بود، بلکه در سال های بعد نیز نمونه دیگری در روابط بین المللی برای آن نمی توان یافت و این شیوه ای بود که نویسندگان اساس نامه سازمان بین المللی کار ابداع کردند.(۲)

نکته دیگر در مورد سازمان بین المللی کار، صلاحیت این سازمان است. پرسش این است که آیا سازمان یاد شده می تواند در همه اموری که به کار انسان مربوط می شود، صرف نظر از نوع کار و شیوه انجام آن (به صورت مزدبگیر یا مستقل) اظهار نظر کند و مقاوله نامه یا توصیه نامه از تصویب بگذراند یا آن که صلاحیت آن به مسایل دسته ای از کارگران محدود است؟

تردید در حدود صلاحیت سازمان جهانی کار در اوایل فعالیت این سازمان با سال های بحران اقتصادی هم زمان بود و چون مخالفان نمی توانستند به اساس آن حمله کنند، می کوشیدند صلاحیت آن را محدود کنند. اعلام نظر دیوان دائمی دادگستری بین المللی در چهار مرحله پی درپی به ویژه با صدور

۱- [۱] . سید جعفر کی نیا، حقوق سازمان های بین المللی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، صص ۳۰۵ _ ۳۰۶.

۲- [۲] . عزت اللّه عراقی، حقوق بین المللی کار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۶۸ .

اعلامیه ـفیلا دلفیا ـدر سال ۱۹۴۴ و فعالیت سازمان بین المللی کار در دوران حیات جدید پس از جنگ جهانی دوم، در صلاحیت [وسیع و عام سازمان] تردیدی باقی نگذاشت. بررسی مصوبه های سازمان بین المللی کار نشان می دهد که این سازمان در همه مسایل مربوط به کار، با تصویب مقاوله نامه و توصیه نامه یا کمک های فنی و... به صورت بزرگ ترین مرجع جهانی [در زمینه مسایل کار] درآمده است.(۱)

ساختار سازمان بین المللی کار (ILO)

بر اساس ماده ۲ اساس نامه، سازمان بین المللی کار سه رکن اساسی دارد:

۱. دفتر بین المللی کار (دبیرخانه).(۲)

۲. هیأت اجرایی (۴۸ نفره).(۳)

۳. کنفرانس بین المللی کار (با شرکت همه اعضا).(۴)

اساس نامه برای هر رکن وظیفه جداگانه ای در نظر گرفته است، ولی هیچ یک از آن ها را به عنوان رکن برتر تعیین نکرده است. ارتباط ارکان های یاد شده چنان به هم پیوسته است که بیش تر حالت کنترل و تنظیم دارد تا حالت سلسله مراتبی هیأت اجرایی یا حاکمه و کنفرانس هر دو از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت ها تشکیل شده است که سالی یک بار در ژنو تشکیل می شود و هیأت های نمایندگی ملل در آن شرکت می کنند. کنفرانس، هیأت اجرایی سازمان را انتخاب می کند و به تصویب بودجه سازمان

۱- [۱] . همان، صص ۶۶ ـ ۶۷ .

۲- [۲] .International Labour Office.

۳- [۳] .Governig Body.

۴- [۴] .Inter national Labour Conference.

بین المللی کار می پردازد. هم چنین استانداردهای بین المللی کار را به صورت کنوانسیون ها و توصیه نامه ها تنظیم می کند. به طور کلی، این کنفرانس، عرصه ای جهانی است برای بحث در مسایل اجتماعی و کار. گفتنی است جلسه های هیأت اجرایی سه یا چهار بار در سال تشکیل می شود.(۱)

دو ـ نگرشی بر فعالیت های سازمان بین المللی کار

فعالیت های سازمان بین المللی کار سه گونه است: قانون گذاری، اجرایی و آموزشی.

اول ـ کد بین المللی کار

سازمان بین المللی کار به محض پیدایش، زمینه تدوین آیین نامه کار، شرایط کار، بهبود وضع اجتماعی کارگران و تأمین حقوق اساسی انسانی را فراهم آورد. این کار اصولی که با وضع مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها به وسیله کشورهای عضو سازمان پذیرفته شده است، مجموعه ای را تشکیل می دهد که ـ کد بین المللی کار ـ نام دارد. میان مقاوله نامه ها و توصیه نامه های این کد (code) این تفاوت مهم وجود دارد که مقاوله نامه ها شبیه قراردادهای بین المللی هستند و کشورها مکلفند آن ها را در مجالس قانون گذاری خود مطرح کنند و به تصویب برسانند. توصیه نامه ها تنها به مراجع قانون گذاری کشورها تسلیم می شوند تا آن مراجع هنگام وضع قوانین برای اجتماع خود، به آن توجه کنند و از آن الهام بگیرند.

با این وصف، اگرچه کشورها به میل خود از مقاوله نامه های سازمان پشتیبانی می کنند، ولی در مورد تصویب آن ها در مجلس های کشور خود

۱- [۱] . هوشنگ عامری، کارگزاری های تخصصی سازمان ملل متحد، برگردان: فریدون مجلسی، وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷.

جدیت کم تری به خرج می دهند. به همین دلیل، از میان ۱۳۸ مقاوله نامه سازمان که در سال ۱۹۶۸ از طرف اعضای آن پذیرفته شده بود، تنها ۲۱ مقاوله نامه به طور کامل در مجلس ۶ کشور وابسته به جامعه مشترک اقتصادی اروپا به تصویب رسید. ۱۱ مورد دیگر از مقاوله نامه ها در ۵ کشور از کشورهای نام برده و ۱۷ مورد مقاوله نامه در ۴ کشور از کشورهای یاد شده با حذف دستور شماره ۱۰۲ مربوط به کارگران مهاجر و آزادی رفت و آمد و مبادله کارگران تصویب شد. پس می بینیم که سازمان بین المللی کار، مرجع قانون گذاری بین المللی واقعی در مورد کار و کارگری نیست، ولی کشورهایی که مقررات این سازمان را به مجلس های خود تقدیم کرده و به تصویب رسانده اند، مکلفند آن را اجرا کنند. نگاهی به گذشته نشان می دهد که عمل این سازمان در بعضی از کارهای مربوط به زنان و کودکان و برقراری تعطیلات با دریافت مزد، برای حفظ منافع کارگران مؤثر بوده است. این مزایا در سال ۱۹۱۹ تنها شامل بعضی مشاغل مانند: کارمندان راه آهن، کارمندان پست و تلگراف و کارمندان بانک بود.

سازمان در مورد مسایل مربوط به کاهش ساعت های کار، دستاورد کم تری داشت. پس از سال ۱۹۱۴، مدت کار در شبانه روز برای اکثریت کارگران فرانسه، آلمان، انگلستان، کانادا و امریکا، ده ساعت بود. سازمان بین المللی کار در نخستین جلسه خود در سال ۱۹۱۹، ۸ ساعت کار در شبانه روز و ۴۸ ساعت کار در هفته را پذیرفت. این تصمیم در سال ۱۹۲۲، درباره کارگران صنایع و در سال ۱۹۳۰، درباره کارگران وزارت خانه ها و تجارت خانه های اروپا تعمیم یافت. با این حال، سازمان در سال ۱۹۶۲، توصیه نامه جدیدی را

پـذیرفت که بر اساس آن، هرگاه ساعت های کار در هفته از معمول آن (۴۸ ساعت)، تجاوز کند، باید برای برگرداندن آن به سطح معمول، تـدبیرهای فوری در نظر بگیرد. البته اگر ساعت کار از مدت معین هفتگی کم تر شود، نباید هیچ گونه کاهشـی در مزد کارگران اجرا گردد.

دیگر نقش سازمان، پی گیری برای تعمیم مزایای اجتماعی میان همه کارگران جهان است. البته گاهی قواعد و مقررات کلی و گسترده این سازمان، در کشورهای گوناگون، اسیر شرایط و اوضاع ملی می شود و تحت تأثیر آن قرار می گیرد.

دوم _ کمک فنی و همکاری با کشورهای در حال توسعه

تـوجه این سازمـان به سـمت مسایـل توسـعه ای، امر تـازه ای نیست و می توان آغـاز آن را از سـال ۱۹۲۰ دانست، ولی اندیشـه «کمـک فنی» به مفهـوم امروزی آن، از سـال ۱۹۴۴ بـا تـوجه به این اصـل به وجـود آمـد که «فقر، خطر بزرگی برای پیشـرفت عمومی است».

انـدیشه گسترش کمـک هـای فنی پس از آن که سازمان از اعتبارات هنگفت UNDP(۱) اسـتفاده کرد، بیش تر قوت گرفت. در سـال های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۸، اجرای سـهطرح کـه هزینه آن به ۲۶۰ میلیون دلاـر می رسـید، از طرف UNDP به سازمـان بین المللی کـار واگـذار گردیـد. سازمـان بین المللی کـار یکصـد میلیون دلار به این اعتبار افزود که تمام آن را کشورهای مربوط تأمین کردند.(۲)

۱- [۱] .UNDP (United Nations Development Programme). برنامه توسعه سازمان ملل

۲- [۲] . ژاک نِم و کلت نِم، سازمـان هـای اقتصادی بین المللی، برگردان: ابراهیم مدرسـی، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ۱۳۵۳، صص ۱۴۲ _ ۱۴۴.

هلند و بلژیک با سازمان بین المللی کار، همکاری نزدیک دارند. هم چنین برنامه مشترک سوئد و سازمان بین المللی کار در سال های ۱۹۷۱ _ ۱۹۷۴، گروه بندی حرفه ای زنان در کشور تونس، کادرهای عالی در هند و پاکستان، توسعه مؤسسه های تعاونی در سیلان، افزایش سطح کارهای روستایی در زامبیا و توسعه کارهای دستی در کنیا را به ارمغان آورد. سازمان، با اعزام کارشناس به کشورهای در حال توسعه، برنامه های خود را به دست همان کشورها اجرا می کند. شمار این کارشناسان در سال ۱۹۶۸ به ۱۲۰۰ نفر رسیده بود. این گروه برای ارایه کمک های فنی در زمینه های گوناگون، گروه بندی های حرفه ای، تجدید فعالیت ها، بیمه های اجتماعی، تکمیل کادر اجرایی، نهضت تعاونی، کارهای دستی و صنایع کوچک، بازرسی کار، حفاظت و بهداشت کار، آموزش کارگران، توسعه کارگری روستایی به کشورهای مورد نظر فرستاده می شدند.(۱)

افزون بر آن، سازمان در دومین دهه فعالیتش، مبارزه با بی کاری در کشورهای در حال توسعه را در صدر برنامه جهانی خود قرار داد. این برنامه بر نتایج آزمایش های ناحیه ای که در امریکای لاتین و آسیا و آفریقا به دست آمده بود، تکیه داشت و ابتدا توسعه منابع و تحول وسایل موجود را به منظور رشد میزان کار و بهبود تشکیلات آن دربرگرفت.(۲)

سوم _ فعالیت های آموزشی

ص:۱۹۰

۱- [۱] . سازمان های اقتصادی بین المللی ژاک نِم و کلت نِم، ص ۱۴۴.

۲- [۲] . همان، ص ۱۴۴.

سازمان بین المللی کار افزون بر وظایفی که انجام می دهد، مرکز مهم اطلاعات به شمار می رود و در زمان های گوناگون، کتاب ها و جزوه های دربردارنده آخرین اطلاعات کارگری و فنی را به چندین زبان منتشر می کند.(۱) پایگاه اینترنتی این منبع نیز روزآمد شده و منبع سودمندی برای پژوهش در زمینه کار و کارگری است.(۲)

این سازمان همواره سمینارهایی را تشکیل می دهد و به بررسی اوضاع کار و کارگری می پردازد. هم چنین دو مؤسسه تشکیلاتی عالی در سازمان وجود دارد: نخست، _مؤسسه بین المللی بررسی های اجتماع_ که در سال ۱۹۵۰ برای راهنمایی تشکیلات کارگری و بررسی های بین المللی کار در ژنو تأسیس شد. دیگری، _مرکز بین المللی تکمیل حرفه_ که با هدف تربیت کارشناس برای ارایه کمک های فنی به کشورهای در حال توسعه، در سال ۱۹۶۵ در تورن (Torino) تشکیل گردید.(۳)

سه _ ایران و سازمان بین المللی کار

بر اساس فصل سیزدهم میثاق جامعه ملل، هر عضو این سازمان به خودی خود به عضویت سازمان بین المللی کار درمی آمد. عضویت ایران در سازمان بین المللی کار نیز به همان تاریخ تصویب پیوستن ایران به جامعه ملل بازمی گردد. تا سال ۱۹۹۱، ایران به یازده مقاوله نامه این سازمان پیوسته است که عبارتند از:(۴) مقاوله نامه های شماره ۱۴ (تعطیل هفتگی در مؤسسه های

۱- [۱] . همان، ص ۱۴۵.

۲- [۲] . نشانی پایگاه این سازمان عبارت است از: WWW.ILO.Org .

۳- [۳] . سازمان های اقتصادی بین المللی، ص ۱۴۵.

۴- [۴] . سازمان های بین المللی موسی زاده، صص ۲۰۷ _ ۲۰۸.

صنعتی، مصوب ۱۹۲۱)، شماره ۱۹ (تساوی حقوق کارگران داخلی و خارجی از نظر جبران خسارت ناشی از کار، مصوب ۱۹۲۵)، شماره ۲۹ (لغو کار اجباری، مصوب ۱۹۳۰)، شماره ۹۵ (حمایت از فرد، مصوب ۱۹۴۹)، شماره ۱۰۰ (برابری مزد کارگران زن و مرد در برابر کار هم ارزش، مصوب ۱۹۵۰)، شماره ۱۰۴ (الغای مقررات جزایی در مورد تخلف های ناشی از قرارداد کارگران بومی، مصوب ۱۹۵۵)، شماره ۱۰۵ (منع کار اجباری، مصوب ۱۹۵۷)، شماره ۱۰۶ (تعطیل هفتگی در مؤسسه های بازرگانی و اداری، مصوب ۱۹۵۷)، شماره ۱۰۸ (اسناد هویت دریانوردی، مصوب ۱۹۵۸)، شماره ۱۱۱ (منع تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، مصوب ۱۹۵۸)، شماره ۱۲۲ (سیاست اشتغال، مصوب ۱۹۶۴).

از مقایسه مقررات قانون کار با متن مقاوله نامه ها و توصیه نامه های مصوب کنفرانس بین المللی کار، به میزان تأثیر این متون بین المللی(۱) و ثمره عملی این توصیه نامه ها و مقاوله نامه ها در حمایت اجتماعی و اقتصادی از کارگران و کارفرمایان پی می بریم. مواردی چون ساعت های کار در هفته، تعطیلات هفتگی و بیمه از جمله مواردی است که در قانون کار جمهوری اسلامی ایران با تأثیرپذیری از متون بین المللی سازمان کار مورد توجه قرار گرفته است.

رابطه سازمان با ایران به وسیله وزارت کار و امور اجتماعی برقرار می شود و برگزاری طرح های زیر ثمره همکاری ایران با این سازمان بوده

ص:۱۹۲

۱- [۱] . حقوق سازمان های بین المللی جعفر کی نیا، ص ۳۵۰.

است: طرح توان بخشی حرفه ای و اشتغال معلولان، طرح ایجاد مرکز تربیت مربی و تحقیقات حرفه ای، طرح ایجاد مراکز تحقیقات و آموزش حفاظت و بهداشت کار.

د) سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)(۱)

مبنای پیدایش خواربار و کشاورزی ملل متحد، مؤسسه جهانی کشاورزی مستقر در رم (۱۹۰۵) است. این مؤسسه در زمان حیات جامعه ملل در زمینه مبادله اطلاعات، با سازمان بهداشت و سازمان بین المللی کار روابط نزدیکی داشت و در زمینه حمایت از گیاهان و دفع آفت ها نیز نقش مؤثری ایفا کرده بود. پس از تأسیس فائو، از این مؤسسه به عنوان دفتر منطقه ای اروپا استفاده می شد تا این که در سال ۱۹۴۸ منحل گشت و وظایف آن نیز به عهده فائو گذاشته شد.(۲)

در نخستین اجلاس سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵ در شهر کبک(۳) اساس نامه این سازمان به تصویب رسید و فائو از آنتاریخ ایجاد شد. از سال ۱۹۸۱ تا کنون، این روز را _روز جهانی غذا _نامیده اند.

این سازمان در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶، هم زمان با سازمان بین المللی کار و یونسکو در شمار سازمان های تخصصی ملل متحد درآمد.(۴)

یک _ ساختار سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

این سازمان از سه رکن تشکیل شده است:

۱- [۱] .Food and Agricultur Organization (FAO).

۲- [۲] . البرشت وبر، تاریخچه سازمان های بین المللی اقتصادی، ترجمه: طهماسب محتشم دولت شاهی، انتشارات خوشه، ۱۳۶۶، چ ۱، صص ۱۰۴ _ ۱۰۵.

۳- [۳] .zuebeccity.

۴- [۴] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۰.

اول ــ کنفرانس

بالاـترین رکن فـائو است که هر دو سال یک بار تشـکیل می شود. اعضای اصـلی و ناظر هر کـدام می تواننـد یک نماینـده در کنفرانس داشـته باشـند، ولی تنها اعضای اصـلی از حق رأی برخوردارنـد. کنفرانس به عنوان بالاترین رکن سازمان، به مسایلی چون: چهارچوب فعالیت ها، بودجه، پذیرش عضو جدید و مواردی مشابه رسیدگی می کند.(۱)

دوم ــ شورا

شورا با داشتن ۴۹ عضو، رکن اجرایی سازمـان فائو به شـمار می رود. کنفرانس، اعضای شورا را برای ۳ سال، برمی گزیند که شورا اختیار تفویض شـده از سوی کنفرانس را اعمال می کند.(۲) اعضای شورا به ۷ منطقه تقسیم می شوند و هر گروه دارای تعداد کرسی ثابت است:(۳)

ــ گروه ملل عربی (۱۲ کرسی).

ــ گروه ملل آسیا و خاورمیانه (۹ کرسی).

ــ گروه ملل اروپایی (۱۰ کرسی).

ــ گروه ملل امریکای لاتین و کارائیب (۹ کرسی).

ــ گروه ملل خاور نزدیک (۶ کرسی).

ــ گروه امریکای شمالی (۲ کرسی).

ــ گروه جنوب غربی اقیانوس آرام (۱ کرسی).

۱- [۱] . سازمان های اقتصادی محتشم دولت شاهی، ص ۱۰۵.

۲- [۲] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۱.

۳- [۳] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۱۸۱ ــ ۱۸۲.

هم چنین شورای سازمان فائو کمیته هایی دارد که مقـدمات انجام امور را برای سازمان مهیا می کننـد.(۱) کمیته برنامه، کمیته مالی و کمیته امور حقوقی و اساس نامه ای در شمار این کمیته ها هستند.

سوم ـ مدیر کل

مـدیر کـل سازمان فائو، ریاست دبیرخانه را بر عهـده دارد و از سوی کنفرانس برای یک دوره ۶ ساله منصوب می شود. مـدیر کل فائو در صورت تصویب کنفرانس می تواند دفترهای ناحیه ای و منطقه ای ایجاد کند.(۲)

دو ـ اهداف سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

ارتقـای سـطح تغـذیه و معیارهـای زیسـت، بهسـازی تولیـد، صـنایع تبـدیلی، بازاریـابی و توزیـع انـواع فرآورده هـای غـذایی و کشـاورزی حاصـل از کشت زارهـا، جنگـل ها و منابع شـیلاتی، پیشبرد توسـعه روسـتایی، بهبود شـرایط زنـدگی جمعیت های روسـتایی، از میان برداشـتن گرسـنگی و تشویق کشاورزی پایدار و توسعه روستایی، به عنوان راهبردی بلند مدت برای حفظ و مـدیریت منـابع طبیعی، از اهـداف اصـلی سازمان است. این سازمان، برآوردن نیازهای نسل های کنونی و آینـده را از رهگـذر برنامه هایی که به محیط زیست آسیب نمی رسانند و از نظر فنی، مناسب و از جهت اقتصادی، ماندگار و از نظر اجتماعی، قابل قبول هسـتند، پی می گیرد. اولویت دیگر این سازمـان عبـارت است از: امنیت غـذایی به معنـای تـأمین دسترسـی به عرضه مواد غذایی در حد

۱- [۱] . سازمان های اقتصادی بین المللی، طهماسب محتشم دولتشاهی، ص ۱۰۵.

۲- [۲] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۱.

کفایت، تأمین حداکثر ثبات در جریان عرضه مواد غذایی و تأمین دسترسی به غذا برای فقیران.(۱)

سه _ نگرشی بر فعالیت های سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

سازمان خواربار و کشاورزی در اجرای اهـداف یاد شده، به پیشبرد سـرمایه گذاری در کشاورزی، مدیریت بهتر خاك و آب، افزایش بـازده فرآورده هـای کشـاورزی و دامی، انتقـال فـن آوری و توسـعه پژوهش هـای کشـاورزی در کشورهـای در حـال توسـعه، همت می گمـارد. این سازمـان، حفظ منابع طبیعی به ویژه منابع ژنتیک نباتی و اسـتفاده درست از کودها و سـموم دفع آفات، مبارزه با بیماری های دامی، توسـعه شـیلات دریایی و پرورشـی شامل کشت آبی، منابع جدید و تجدید شدنی انرژی به ویژه انرژی روسـتایی و تشویـق مـدیریت پایـدار منـابع جنگلی را ترویـج می کنـد. هـم چنیـن در زمینه هـای تغـذیه، مهندسـی کشـاورزی، اصـلاحات ارضـی، ارتباطـات توسـعه ای، سـنجش از راه دور برای منـابع طـبیعی و پیش گیری از هـدر رفتن مواد غذایی، کمک های فنی ارایه می دهد.(۲)

برخی فعالیت های این سازمان بدین قرار است:

۱. برپایی کنفرانس ها و گردهمآیی های تخصصی درباره موضوع های خاص مانند: برگزاری کنفرانس ۱۹۸۴ شیلات.

۱- [۱] . واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، صص ۳۴۲ _ ۳۴۳.

۲- [۲] . همان، ص ۲۴۳.

۲. گردآوری آمار و ارایه اطلاعات سالانه برای افزایش آگاهی در مورد خواربار و کشاورزی به اعضای این سازمان جهت اجرای آن ها در راستای بهبودی وضعیت خواربار و کشاورزی.

۳. انتشار سالنامه آماری شامل اطلاعاتی چون: تولید، قیمت کالاهای کشاورزی و... .

۴. انتشار گزارش ماهیانه وضعیت غذا در جهان به وسیله نظام هشدار دهنده سازمان جهت آگاهی از نابسامانی های غذایی موجود در جهان و ضرورت توجه به آن.

۵. اعمال نقش واسطه در بروز بحران هایی هم چون قحطی، سیل و... میان سازمان های دولتی و غیر دولتی و ارایه آن ها به کشورهای نیازمند به وسیله دفتر عملیات امدادی ویژه آن.

۶ . کمک های غذایی به کشورهای فقیر و گرسنه دنیا (مثل قاره افریقا) به وسیله برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد.

چهار _ ایران و سازمان خواربار و کشاورزی

ایران در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) به عضویت سازمان خواربار و کشاورزی پیوست و تا کنون به عضویت کمیسیون منطقه ای تولید و بهداشت دام برای آسیای خاور دور و جنوب غربی اقیانوس آرام درآمده است.(۱) همکاری ایران با سازمان فائو به وسیله معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی انجام می گیرد.

۱- [۱] . همان، ص ۱۸۶.

کمک های فنی فائو به ایران در همه زمینه های کشاورزی از سال ۱۳۳۰ آغاز شد که از آن جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد:

توسعه ماهی گیری (۲۹۳۵۰۰۰ دلار)، مرکز تولید و اصلاح بذر درختان جنگی (۱۹۷۰۰۰ دلار)، مدیریت اکولوژی تالاب انزلی (۲۸۳۰۰۰ دلار)، تقویت برنامه بعد از فارغ التحصیلی دانشجویان دانشکده منابع طبیعی در کرج (۳۵۰۰۰۰ دلار)، طرح ارزیابی ذخایر ماهی تالاب انزلی (۲۱۷۰۰۰ دلار)، طرح مطالعه گیاهان معطر (۲۵۰۰۰۰ دلار)، آموزش سد خاکی (۲۳۶۰۰۰ دلار)، طرح سنجش از راه دور کشاورزی (۳۴۳۰۰۰ دلار).(۱)

اجرای طرح جامع توسعه مراتع، طرح تهیه شکر از سورگوم شیرین، طرح بیمه محصولات کشاورزی و طرح غنی سازی کاه با ملاس و اوره از دیگر موارد همکاری ایران با این سازمان است. چون کشاورزی در ایران هنوز به صورت سنتی انجام می شود و توسعه فنی و امکاناتی در این صنعت ضروری است، بهره گیری از خدمات فنی و اطلاعاتی و استفاده از تخصص های این سازمان بسیار سودمند است.

۲. مؤسسه های پولی و بانکی

الف) گروه بانک جهانی

(۲)

گروه بانک جهانی شامل سه مؤسسه مالی است که تقریبا اهداف مشترکی را دنبال می کنند. این سه مؤسسه عبارتند از:

۱. بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)؛(۳)

۱- [۱] . همان، ص ۱۸۹.

۲- [۲] .The world Bank Group.

۳- [۳] .International Bank for Reconstruction and Development (I.B.R.D.).

۲. مؤسسه توسعه بین المللی؛(۱)

۳. مؤسسه مالی بین المللی؛(۲)

از میان این مؤسسه ها، به بررسی بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) می پردازیم.(۳)

یک _ بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)

بانک جهانی یا _بانک بین المللی ترمیم و توسعه_ مهم ترین سازمان مالی بین المللی است که در زمینه تأمین مالی توسعه اقتصادی کشورهای در حال رشد فعالیت دارد. تأسیس این بانک حاصل مذاکره های _کنفرانس پولی _و _مالی ملل متحد _بود که در ژوییه سال ۱۹۴۴ با شرکت ۴۴ کشور برتر جهان در شهر _برتن وودز _صورت گرفت. در واقع، در جریان جنگ جهانی دوم روشن شد که کشورهای در حال جنگ پس از پایان ستیز، برای تأمین مالی فرآیند بازسازی ویرانی ها، نیازمند همکاری بین المللی هستند. اساس نامه بانک جهانی در سال ۱۹۴۵ به ۴۴ کشور شرکت کننده در کنفرانس _برتن وودز_ تقدیم شد و در ۲۷ دسامبر همان سال که نمایندگان ۲۸ کشور در واشنگتن آن را امضا کردند، لازم الاجرا شد. دیگر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس برتن و ودز نیز عضویت بانک را پذیرفتند و این بانک در تاریخ بیست و پنجم ژوئن ۱۹۴۶، فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرد.

دو _ اهداف بانک جهانی

ص:۱۹۹

۱- [۱] .International Development Association. (I.D.A.)

۲- [۲] .International Finance Corporation. (I.F.C.)

۳- [۳] . برای آگاهی از دو مؤسسه دیگر نک: راهنمای سازمان ملل متحد ۲؛ تاریخچه سازمان های بین المللی اقتصادی، البرشت وبر، سازمان های اقتصادی بین المللی، طهماسب محشتم دولت شاهی.

اهداف بانک بنابر ماده ۱ اساس نامه آن عبارتند از:(۱)

۱. کمک به ترمیم و توسعه کشورهای عضو با سرمایه گذاری در امور تولیدی، شامل احیای اقتصادهایی که در نتیجه جنگ از میان رفته و دچار زیان شده اند و نیز هدایت تسهیلات تولیدی به سوی نیازهای زمان صلح و تشویق توسعه منابع و تسهیلات مولد در کشورهای کم تر توسعه یافته.

۲. تشویق سرمایه گذاری خصوصی در خارج با تضمین یا مشارکت در اعطای وام ها و دیگر سرمایه گذاری هایی که سرمایه گذاران بخش خصوصی انجام می دهند. هرگاه سرمایه خصوصی با شرایط عقلایی فراهم نباشد، این وجوه را با شرایط مناسب از منابع خود یا وجوهی که فراهم می آورد و دیگر منابع برای امور تولیدی، تأمین می کند.

۳. تشویق رشد متوازن و بلندمدت تجارت بین المللی و حفظ تعادل در موازنه پرداخت ها به وسیله تشویق سرمایه گذاری برای توسعه منابع تولیدی کشورهای عضو و کمک به افزایش بهره برداری و اعتلای سطح زندگی و شرایط کار در این کشورها.

۴. ترتیب دادن وام هایی که خود می پردازد یا تضمین وام های بین المللی که از مجاری دیگر فراهم می شود، به گونه ای که طرح های عمرانی مفید و ضروری ــ اعم از کوچک یا بزرگ ــ در اولویت باشند.

ص:۲۰۰

۱- [۱] . همان، ص ۵۸۶.

۵. هدایت فعالیت بانک ها با عطف توجه به تأثیر سرمایه گذاری بین المللی روی شرایط بازرگانی در کشورهای عضو و کمک به ایجاد یک دوره تحول آرام از اقتصاد زمان جنگ به اقتصاد زمان صلح در سال های پس از جنگ.

سه ــ ضوابط کلی اعطای وام

منابع مالی بانک به سود کشورهای عضو بانک مورد استفاده قرار می گیرد و کشوری که عضو بانک جهانی نیست، نمی تواند از این سازمان، وام درخواست کند. بانک جهانی، وام نقدی در اختیار درخواست کننده نمی گذارد، بلکه برای پروژه های عمرانی وام می دهد یا وام های پروژه ای را تضمین می کند. مجموع وام هایی که بانک خواهد داد، هیچ گاه نباید از صددرصد سرمایه پرداخت شده و ذخایر آن فراتر رود.

شرایط عمومی اعطای وام یا تضمین وام به شرح زیر است:

۱. ضمانت بازپرداخت اصل و بهره وام های پرداختی از سوی بانک مرکزی یا دستگاه رسمی دیگر در کشور عضو.

۲. ممکن نبودن وام گرفتن با شرایط مناسب از بازارها و منابع دیگر.

۳. تأثیر طرح عمرانی یا تولیدی پیشنهاد شده از سوی عضو.

۴. مناسب بودن نرخ بازدهی طرح و توانایی برای بازگرداندن اصل و فرع وام.

۵. اطمینان از بازپرداخت اصل و فرع وام اعطایی.

۶. دریافت کارمزد مناسب برای تضمین وام های دیگران.

۷. مصرف وام اعطایی برای مقاصد عمرانی و تولیدی.

ص:۲۰۱

دلیل محافظه کاری های بانک جهانی آن است که این تشکیلات برای تأمین منابع مالی خود، به بازار سرمایه رجوع می کند. پس باید بتواند از محل واریز وام های پرداختی خود، تعهداتش را بپردازد. بانک جهانی در برنامه وام دهی خود اساسا روی طرح های زیربنایی اقتصادی تأثیر دارد. توسعه بخش حمل و نقل، ایجاد و توسعه بنگاه های تولید کالا و خدمات عمومی، توسعه صنعتی، توسعه آموزش و پرورش و کمک به بخش کشاورزی، سرلوحه سرمایه گذاری های بانک را تشکیل می دهند.(۱)

بانک افزون بر اعطای وام، خدمات فنی و آموزشی به کشورهای عضو ارایه می دهد که در صورت استفاده درست، برای آن کشور و سیستم های مدیریت اقتصادی آن سودمند خواهد بود.

چهار _ انتقادهای وارد شده نسبت به عملکرد بانک جهانی

بانک جهانی برخلاف آن چه شایع است، با بخش خصوصی میانه ای ندارد و توجه خود را صرفا به دولت ها معطوف کرده است. از این رو، بیش تر وام ها به صورت مستقیم به دولت ها پرداخت می شود. با این که بانک جهانی به استناد اساس نامه خود می تواند به بخش خصوصی نیز وام بدهد، ولی ترجیح داده است اعطای تسهیلات به بخش خصوصی را به وسیله _شرکت های مالی بین المللی (_IFC) انجام دهد. البته حجم فعالیت شرکت سهامی مالی بین المللی در مقایسه با فعالیت بانک ناچیز است.

مدیران طرح های دولتی هر قدر هم طرح سودآور نباشد، از بیان این امر خودداری می کنند و اعتراف نکردن به شکست طرح را وفاداری خود نسبت

۱- [۱] . همان، ص ۵۸۸.

به دولت اجرا کننده طرح تلقی می کنند. در نتیجه، برخی از طرح های ایجاد شده با وام بانک جهانی، طرح های ناکارآمد از آب درآمده اند. به طور کلی، بانک جهانی در تمام مدت فعالیتش، ظرفیت وام دهی نسبتا پایین و مدیریت محافظه کارانه ای داشته است. اعطای وام از سوی بانک، مستلزم متقاعد شدن بانک به مصرف وام برای افزایش بهره وری کشور وام گیرنده و اطمینان از توانایی بازپرداخت وام است.(۱)

وجود نوعی «حق وتو» در بانک برای چند کشور در برخی تصمیم گیری ها از انتقادهای وارد شده بر این بانک است. برای نمونه، برخی تصمیم گیری ها به ۸۵ درصد آرای اعضا نیاز دارد. در این میان، عضوی که دارای بیش از ۱۵ درصد آرا است (ایالات متحده)، می تواند این تصمیم گیری ها را وتو کند؛ هر چند از نظر قانونی، حق وتو ندارد.(۲)

از دیگر انتقادهای وارد بر بانک جهانی این است که بانک جهانی گاهی در امور داخلی کشورهای عضو مداخله می کند و ملاحظه های سیاسی را مدنظر قرار می دهد. بانک جهانی به استناد اساس نامه آن نباید مداخله های سیاسی را در فعالیت هایش در نظر بگیرد و تصمیم های آن باید مبتنی بر ملاک های اقتصادی باشد.(۳) این در حالی است که گاهی سیاست های کشورهایی که دارنده درصد بالایی از آرا هستند (ایالات متحده امریکا)، بر همه اعضا تحمیل می شود.

ص:۲۰۳

۱- [۱] . همان، ص ۵۸۹ _ ۵۹۰.

۲- [۲] . همان، ص ۵۹۰.

۳- [۳] . همان، ص ۵۹۰.

انتقـاد دیگر، این است که تحول و تکامـل سازمـان و روش هـای بانـک تحت تـأثیر و نفوذ قـدرت هـای غربی به ویژه ایالات متحده امریکا قرار دارد و دلیل آن نیز قرار داشتن محل بانک در پایتخت امریکا (واشنگتن)، سیطره قدرت مالی ایالات متحده و اروپای غربی بر بانک و وجود کارشناسانی از کشورهای غربی است.(۱)

پنج ـ رابطه ایران و بانک جهانی

دولت ایران در سال ۱۳۲۴ به عضویت بانک جهانی درآمد. سهمیه یا حق عضویت ایران در ابتدا ۲۴ میلیون دلار تعیین شده بود. سرمایه ایران در بانک جهانی در شش مرحله، به ۳/۱۳۲۹ میلیون دلار افزایش یافت. وزارت امور اقتصادی و دارایی به نمایندگی از سوی دولت ایران تا کنون در زمینه سرمایه گذاری خود در بانک جهانی، مبلغ ۲/۱۳۸ میلیون دلار پرداخت کرده است.

نخستین سند وام اعطایی بانک جهانی به ایران، در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۳۸ به امضا رسید و تا سال ۱۳۵۳، ایران در ۲۴ نوبت مبلغ ۶۸۱ میلیون دلار از بانک جهانی وام گرفت. پس از انقلاب، رابطه ایران با بانک جهانی از سال ۱۳۷۰ آغاز گردید که به وسیله سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی و دفتر وام های بین المللی در وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام می شود. در سال های اخیر رابطه ایران با بانک جهانی بهتر شده است.

ایران در دهه ۷۰ خورشیدی چندین بار از این بانک وام گرفته است که عبارتند از: ۲۵۰ میلیون دلار برای بازسازی مناطق زلزله زده، ۱۶۵ میلیون دلار

۱- [۱] . همان، ص ۵۹۰.

برای ارتقـای کیفی بخش نیرو، ۱۵۷ میلیون دلار برای بهسازی آبیاری، ۱۴۵ میلیون دلار برای احداث شبکه فاضلاب تهران، ۴/۱۴۱ میلیون دلار برای توسعه خدمات اولیه و بهداشت، ۸۷ میلیون دلار برای بهداشت و تغذیه، ۷۷ میلیون دلار برای جمع آوری آب های سطحی تهران، ۵۷ میلیون دلار برای کنترل و مهار سیلاب های سیستان، ۵/۱ میلیون دلار برای پروژه مطالعاتی دام پروری و احیای مراتع.

در جدول شماره ۱، اطلاعات کاملی در زمینه این وام ها به چشم می خورد.

در سال های اخیر، فعالیت این بانک در ایران به وسیله سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی و دفتر وام های بین المللی افزایش یافته است. پروژه های ساخت خانه های ارزان قیمت، طرح مدیریت زباله های جامد شهری، طرح مدیریت زیست محیطی و پروژه ساخت _سد البر_ در _پاشا کلای ساری _از جمله همکاری های جدید بانک جهانی با جمهوری اسلامی ایران، به شمار می رود.

سد یاد شده برای جمع آوری سیلاب های چهار رودخانه: _تالار، بابل، هراز، بابل رود_ ایجاد می شود و در زمینه کشاورزی و تولید برق نقش مهمی دارد.

ص:۲۰۵

بررسی های اولیه در سال ۱۳۵۱ آغاز شد و مطالعات تکمیلی را شرکت _مشاور مهاقدس_ از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷ انجام داد.

توجه به تجربه های عملی بانک جهانی در کشورهایی چون آرژانتین با آن همه منابع غنی و عظیم و شکست اقتصادی آن کشور، باید از لغزش گاه های آرژانتین درس عبرت گرفت؛ زیرا اگر در این مسیر حساس، لغزشی صورت گیرد، پی آمدهای آن بر مردم ایران تحمیل خواهد شد. رابطه ایران با بانک جهانی با توجه به ملاحظه های سیاسی موجود در سازمان، باید هوشیارانه، منطقی، به دور از هرگونه اهمال کاری، همراه با بررسی عملی و مفید و در راستای برآوردن نیازهای حیاتی کشور، سیاست گذاری شود. در این صورت، می توانیم با استفاده از منابع و امکانات علمی و فنی این بانک، شاهد فعالیت های بزرگی در ایران باشیم. بی توجهی به این مسایل نیز ممکن است کشور را به سوی همان پرتگاهی بکشاند که آرژانتین در آن سقوط کرد.

ب) صندوق بین المللی پول

(۱)

صندوق بین المللی پول در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ پس از آن که ۲۹ کشور اساس نامه آن را امضا کردند، موجودیت یافت و عملیات مالی آن از اول مارس ۱۹۴۷ آغاز شد. در واقع، برای نظم بخشیدن به وضع پولی و مالیه بین المللی، چهار طرح به ترتیب از سوی _کینز _[اتحادیه پولی (پایاپای) بین الملل (۱۹۴۲)]، _وایت _[پیشنهاد تأسیس صندوق تثبیت ملل متحد (۱۹۴۲)]، دولت فرانسه [روابط پولی بین المللی (۱۹۴۳)] و دولت کانادا [اتحادیه مبادلات بین المللی] ارایه شد.

۱- [۱] .I.M.F) International Monetary Fund).

از میان این چهار طرح، تنها دو طرح اول و دوم قابل مطالعه و بررسی تشخیص داده شد. در پاییز سال ۱۹۴۳، جلسه های متعددی میان نمایندگان بریتانیا به سرپرستی _کینز_ و نمایندگان ایالات متحده به سرپرستی _وایت_ صورت گرفت. در پی آن، بیانیه مشترکی که در آن، تأسیس صندوق بین المللی پول پیشنهاد شده بود، منتشر شد. آن گاه در ۲۴ ژوئن، با حضور نمایندگان ۱۶ کشور در _آتلانتیک سیتی _امریکا، پیش نویس اساس نامه صندوق بین المللی پول تهیه شد. این پیش نویس در اجلاس ماه ژوییه با حضور نمایندگان ۲۴ کشور در _برتن وودز _با اصلاحاتی به تصویب رسید.(۱)

یک _ اهداف و شرایط استفاده از تسهیلات مالی صندوق بین المللی پول

اساس نامه صندوق بین المللی پول، اهداف زیر را برای این صندوق تعریف کرده است:(۲)

۱. تقویت همکاری های بین المللی با فراهم ساختن امکانات مشورتی و همکاری اعضا درباره مسایل پولی بین المللی؛

۲. تسهیل رشد متوازن تجارت بین المللی با کمک به افزایش سطح اشتغال، درآمد و توسعه ظرفیت های تولیدی؛

۳. تقویت ثبات ارزی و ترتیبات ارزی و پرهیز از تضعیف رقابتی ارزش پول ملی؛

۴. تقویت نظام چند جانبه پرداخت ها برای معاملات جاری و یافتن راه های حذف محدودیت های ارزی که مانع رشد تجارت جهانی می شود؛

۱- [۱] . اقتصاد پول و بانک داری. صص ۵۷۸ و ۵۷۹.

۲- [۲] . همان، ص ۵۷۹.

۵. تأمین منابع مالی برای اعضا به طور موقت و با تضمین های کافی به گونه ای که امکان تصحیح متوازن نبودن پرداخت ها را بدون توسل به ابزارهای مخرب فراهم آورد؛

۶ . یافتن راه هایی برای کاهش دوره و میزان متوازن نبودن پرداخت ها.

در مورد شرایط اعطای تسهیلات مالی باید گفت به طور کلی، _صندوق بین المللی پول _به کشورهایی که دچار بی ثباتی اقتصادی بوده یا با کسری موازنه پرداخت ها روبه رو هستند، وام می دهد. وام های اقتصادی، ضریبی از میزان ذخیره هر کشور در صندوق بوده و ممکن است کم تر یا بیش تر از ذخیره آن ها باشد. اصولاً ـ هر کشور عضو به تعداد سهمیه ای که به صندوق می پردازد، می تواند از منابع عمومی صندوق بهره گیرد. کشورها برای استفاده از تسهیلات صندوق باید روش هایی را در پیش گیرند که در تعدیل کسری موازنه پرداخت هایشان مؤثر باشد. به عبارت دیگر، صندوق باید اطمینان حاصل کند که کشور استفاده کننده از وام، مشکل کسری موازنه پرداخت های خود را حل خواهد کرد. از این رو، صندوق با شرایطی به ارایه منابع مالی خود می پردازد که احتمالاً در سیاست های کشور استفاده کننده از وام مؤثر خواهد بود.(۱)

گفتنی است که خدمات بانک شامل تسهیلات مالی (جبرانی، ذخایر احتیاطی، اضافی، تکمیلی و...) و تسهیلات فنی و آموزشی است که

ص:۲۰۸

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۲۰۷ _ ۲۰۸.

کشورهای عضو می توانند با در نظر داشتن شرایط خاصی از آن ها استفاده کنند.

دو _ نگرشی بر فعالیت های صندوق بین المللی پول

صندوق بین المللی پول در نیمه اول دهه هشتاد کوشید به کشورهایی که با مشکل بدهی بین المللی روبه رو بودند، کمک کند. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲، بانک های تجارتی، مبالغ هنگفتی به کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهایی که از افزایش قیمت نفت آسیب دیده بودند، وام دادند. تغییر سیاست های پولی ایالات متحده و دیگر کشورهای صنعتی برای مبارزه با تورم موجب افزایش شدید نرخ های بهره شد. کسری حساب کشورهای غیر نفتی در حال توسعه به شدت بالا رفت و در سال ۱۹۸۱ به ۱۱۳ میلیارد دلار رسید. تا سال ۱۹۸۲، کل بدهی کشورهای در حال توسعه از مرز ۷۴۰ میلیارد دلار گذشته بود، ولی با کاهش وام های اعطایی بانک های تجاری به کشورهای در حال توسعه، این کشورها به صندوق بین المللی پول روی آوردند. در مقابل، صندوق نیز برای درمان بیماری اقتصادی کشورهای متقاضی وام که طبیعتا ریشه های متفاوتی دارد، نسخه های از پیش نوشته شده تجویز می کرد. از آن میان، سیاست های مربوط به کنترل تقاضای داخلی و رفع کمبودها و امکانات تولیدی به ویژه برچیدن سیاست های قیمت گذاری غیر اقتصادی، نمونه های برجسته سیاست های تجویز شده از سوی صندوق است. در سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴، صندوق بین المللی پول از حق برداشت مخصوص، حدود ۲۲ میلیارد دلار(۱) به حدود هفتاد کشور عضو وام داد.(۲)

۱- [۱]. special Drawing Rights.

۲- [۲] . اقتصاد پول و بانک داری، صص ۵۷۹ _ ۵۸۰.

سه ـ آرژانتین؛ الگوی ناموفق سرمایه داری غربی

ـ‌فرنانـدو دلاـروآـ، رئیس جمهوری مستعفی آرژانتین زمانی که به قدرت رسید، برای اجرای برخی اصلاحات در ساختار اقتصادی این کشور کوشید با پیروی از سیاست های نئولیبرالیسم در عرصه اقتصادی و اجرای سیاست اقتصادی که از پشتیبانی نهادهای مالی بین المللی مانند: بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و ایالات متحده امریکا برخوردار بود، جان تازه ای به اقتصاد از رمق افتاده و ناتوان کشورش بدهد. البته وی غافل از این بود که این نسخه به اصطلاح شفابخش صندوق بین المللی پول ـ یعنی تعدیل اقتصادی ـ هرچند در ابتدا برای بهبود اقتصادی کشورهای امریکای لاتین پیچیده شده بود، ولی با شرایط سیاسی و اجتماعی و زیرساخت های اقتصادی آن روز آرژانتین مطابقت ندارد. به همین دلیل، اجرای آن با شکست روبه رو شد. سیاست ریاضت کشانه و تدبیرهای سخت گیرانه ای برای اجرای سیاست تعدیل اقتصادی در ساختار اقتصاد این کشور به منظور جبران کسری بودجه و به صفر رساندن آن، درآمد اقشار متوسط و ضعیف جامعه را به شدت کاهش و بی کاری را تا سقف ۳/۱۸ درصد افزایش داد. هم چنین امکان برداشت مردم از پس اندازهای شخصی شان را محدود ساخت.

ـ‌فرنانـدو دراروآـ برای چیرگی بر بحران اقتصادی و اجتماعی اعلام کرد که هیچ کس مجاز نیست بیش از ۲۵۰ پرو در هفته از موجودی خود از بانک ها برداشت کند. هم چنین در راستای پیش گیری از گسترش بحران، دولت مرکزی اعلام کرد که برای اجرای این تدبیر، بخشی از حقوق کارکنان

دستگاه هـای عمومی رابه صورت بن پرداخت خواهـد کرد. این مسایل بیانگر عمق ناکامی های اقتصادی و شکست سیاست تعدیل اقتصادی دیکته شده از سوی مجامع مالی بین المللی بود.

دولت با اجرای سیاست های ریاضت کشانه ــ یا بهتر است بگوییم برنامه های اقتصادی «سیاست محور» ــ قصد داشت میزان کسری بودجه دولت را به صفر برساند که متأسفانه ناکام ماند. نهادهای مالی بین المللی نیز در آغاز، حمایت خود را از اجرای برنامه اصلاحات تعدیل اقتصادی در آرژانتین اعلام کردند و پذیرفتند حدود ۴۸ میلیاد دلار به این کشور وام دهند. با تشدید بحران اقتصادی، صندوق بین المللی پول، ارتباط خود را با بحران پیش آمده رد کرد و به اتفاق امریکا اعلام کرد که به دولت آرژانتین کمک نخواهند کرد. همین عوامل زمینه سقوط دولت آرژانتین را فراهم ساخت. رئیس جمهور جدید نیز برای چیره شدن بر بحران پیش آمده، با اعلام سیاست های تازه اقتصادی و برای پیش گیری از سقوط بیش تر ارزش پول جدید کشور، فعالیت های بانکی و مالی را تا دوم ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی تعطیل اعلام کرد. البته این تصمیم، بازخورد مناسبی از سوی مردم نداشت و مخالفت ها و ناآرامی هایی را در پی داشت.

در مورد نقش نهادهای مالی بین المللی و دولت امریکا در تداوم سیاست های اصلاحات اقتصادی با نام سیاست های تعدیل اقتصادی و تنها رها کردن دولت آرژانتین در میانه راه، یادآوری این نکته ضروری است که آن چه بیش از همه ــدلاروآــ، رئیس جمهوری و ــکاوایوــ، وزیر نئولیبرال اقتصاد آرژانتین را در ادامه اجرای برنامه های سخت گیرانه گستاخ می کرد، پشتیبانی

جورج بوش، رئیس جمهوری امریکا و مسئولان IMF از این برنامه ها بود. برای نمونه، با بالاـ گرفتن خبر استعفای رئیس جمهوری آرژانتین، جورج بوش با فرستادن نامه ای به همتای آرژانتینی خود، از برنامه های وی و اصلاحات اقتصادی دولتش پشتیبانی کرد. صندوق بین المللی پول نیز پیش بینی کرد که وضعیت بحرانی اقتصاد آرژانتین در هفته های بعد رو به بهبودی خواهد گذاشت.

این نویدها و اعلام حمایت ها در حالی صورت می گرفت که آرژانتین از ۴۳ ماه پیش دچار رکود اقتصادی شده بود و نشانه های بحران در آن به چشم می خورد. از سوی دیگر، بسیاری از محافل مستقل، تحمیل سیاست های صندوق بین المللی پول را از عوامل اصلی بحران فراگیر اقتصادی و آشوب های آرژانتین می دانند. در اشتباه خط مشی مجامعِ بین المللی مالی همین بس که صندوق بین المللی پول و ایالات متحده امریکا به محض دیدن نشانه های بحران در مؤلفه های اقتصادی آرژانتین، پا پس گذاشتند و با در پیش گرفتن جانب احتیاط، اعلام کردند که اعطای وام های اعتباری را به تعویق خواهند انداخت. بدین گونه آرژانتین در میانه راه، در باتلاقی از بدهی های کلان خارجی، اجرای ناقص سیاست های تعدیل اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بحران پیش آمده سیاسی ـ اجتماعی فرو رفت که راه گریزی از آن نداشت.

باید دانست این کشور در میان کشورهای امریکای جنوبی از امکانات بالقوه اقتصادی زیادی برخوردار است و از گذشته های دور، از این کشور به عنوان انبار غله و منبع فرآورده های گوشتی ـ لبنی امریکای لاتین یاد می شد.

ص:۲۱۲

پیروی بی چون و چرا از دستورهای دیکته شده مجامع بین المللی پولی و در عمل، وابسته شدن، به قدرت های اقتصادی جهانی، بحران شدید اقتصادی را در پی آورد که تا کنون در آرژانتین ادامه دارد.

اکنون آرژانتین راهی جز تن دادن به رضایت صندوق بین المللی پول ندارد؛ زیرا دیگر نمی تواند در بازارهای خصوصی، سرمایه داری، پولی به دست آورد و هم چنان به بازارهای مالی بین المللی از جمله صندوق بین المللی (IMF) نیاز دارد. در واقع، آرژانتین در دور باطلی گرفتار آمده است که تا سال ها گریزی از آن نیست. با توجه به نقش محوری و کلیدی آرژانتین در اقتصاد منطقه امریکای لاتین، این پرسش در ذهن بسیاری از مردم امریکای لاتین مطرح است که اگر آرژانتین، تنها کشور ثروتمند و پیشرفته منطقه در زمینه اقتصادی، در مدت کوتاهی در اثر اشتباه های صندوق بین المللی به چنین بی نظمی و هرج و مرج اقتصادی دچار شد، چه آینده ای در انتظار کشورهای این منطقه خواهد بود؟!

چهار ــ رابطه ایران و صندوق بین المللی پول

دولت ایران از اعضای اولیه صندوق بین المللی پول به شمار می رود که به موجب قانون مصوب ۱۶ دی ۱۳۲۴ با سهامی معادل ۲۵ میلیون دلار به عضویت آن درآمده است. البته سهمیه ایران در چند دوره، افزایش یافته است که در نهایت، سهام ایران در سال ۱۳۵۶، به ۶۶۰ میلیون حق برداشت

ص:۲۱۳

مخصوص افزایش یافت.(۱) آخرین دوره افزایش سرمایه ایران، به سال ۱۳۶۷ بازمی گردد که سرمایه ایران به ۵/۱۰۷۸ میلیون حق برداشت مخصوص رسید.

تا پیش از انقلاب اسلامی، ایران بارها از صندوق استفاده کرد. پس از انقلاب، برای اولین بار در سال ۱۳۶۷، استفاده از منابع صندوق را بررسی و در مرحله اول، از ذخیره خود استفاده کرد که معادل مبلغی در حدود ۷۱ میلیون حق برداشت مخصوص بود. سپس در دو مرحله دیگر، معادل ۳۰۰ میلیون از حساب حق برداشت مخصوص خود بهره گرفت.(۲) ایران از کمک های آموزشی و فنی این صندوق نیز استفاده کرده است که اصلاح نظام آماری کشور به کمک متخصصان صندوق، از آن جمله به شمار می رود.(۳)

۳. مؤسسه های ارتباطی و خدماتی

الف) سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)

(۴)

میثاق تأسیس یک سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در _کنفرانس بین المللی هواپیمایی کشوری_ که از ۱ نوامبر تا ۷ دسامبر ۱۹۴۴ در شیکاگو تشکیل شده بود، تنظیم شد. _سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری_ (ایکائو) در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۴۷ _ ۳۰ روز پس از تصویب میثاق یاد شده _ با حضور بیست و ششمین کشور به وجود آمد. بر اساس موافقت نامه ای که در کنفرانس شیکاگو به عمل

۱- [۱] . حسن گلریز، سازمان های پولی و مالی بین المللی، دانشکده علوم بانکی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۳.

۲- [۲] . همان، ص ۲۶.

۳- [۳] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۲۱۲.

۴- [۴] .ICAO) Interntional civil Aviation Organization).

آمـده بود، یک سازمان موقت هواپیمایی کشوری بین المللی از تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۴۵ آغاز به کار کرد تا این که ایکائو به طور رسمی تأسیس شود.

میثاق شـیکاگو، جانشـین مفاد دو موافقت نامه پیشین؛ یعنی میثاق ۱۹۱۹ پـاریس و میثاق هواپیماهای تجاری پان آمریکن شـد. _کمیسـیون بین المللی هوانوردی_ به موجب میثاق اول برای تعیین ضوابط فنی به وجود آمـد و میثاق دومی در سال ۱۹۲۸ در _هاوانا _منعقد شده بود.

ارکان ایکائو شامل: مجمع، شورا، دبیرخانه و تعدادی کمیسیون و کمیته است.(۱) اولین جلسه مجمع در ششم ماه مه افتتاح شد و شورای ایکـائو که به وسـیله مجمع انتخاب شـده بود، اولین جلسه خود را در ۲۸ مه ۱۹۴۷ برگزار کرد. در سوم اکتـبر، رئیس شورای ایکـائو و دبیر کـل سازمـان ملـل متحـد، پروتکلی را امضـا کردنـد که براسـاس آن، ایکـائو در شـمار یکی از نهادهـای تخصصـی سازمان ملل درآمـد. در اول ژانویه ۱۹۶۱، شـمار اعضای آن به ۸۳ کشور رسـید و تـا سال ۱۹۹۵، ۱۸۳ عضو داشته است. مقر ایکائو در مونترال است.(۲)

یک _ اهداف و آرمان های ایکائو

اهداف و آرمان های سازمان عبارت است از:

توسعه اصول و امور فنی هوانوردی بین المللی و تحکیم برنامه و پیشرفت حمل و نقل هوایی بین المللی به گونه ای که:

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد فدراسیون، ص ۹۲۲.

۲- [۲] . حسین نواده توپچی، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی، نهاجا، ۱۳۷۷، ص ۹۷.

الف) سلامتی و توسعه منظم هواپیمایی کشوری بین المللی را در سراسر جهان تأمین سازد.

ب) فنون مربوط به طرح هواپیما و به کار انداختن هواپیما را برای اهداف صلح جویانه تشویق کند.

ج) خطوط هوایی و فرودگاه ها و تسهیلات هوانوردی را برای هواپیمایی کشوری بین المللی توسعه دهد.

د) نیازهای مردم جهان را از نظر حمل و نقل هوایی سالم، منظم، مؤثر و مقرون به صرفه برآورده سازد.

ه) از اتلاف اقتصادی ناشی از رقابت نامعقول پیش گیری کند.

و) حقوق کشورهای متعاهد کاملاً رعایت شود و هر کشور متعاهد، فرصت مناسب برای به کار انداختن شرکت های هواپیمایی بین المللی داشته باشد.

ز) از تبعیض میان کشورهای متعاهد خودداری شود.

ح) سلامتی پرواز را در هوانوردی بین المللی توسعه دهد.

ط) شئون مربوط به هوانوردی کشوری بین المللی را گسترش دهد.

از مهم ترین فعالیت های ایکائو که با انتقادهایی نیز همراه بوده، اختلافات هوایی است که موانع هوانوردی بین المللی، نقض کنوانسیون و اختلاف کشورها در زمینه دیگر موافقت نامه ها را در برمی گیرد. باید دانست رأی ایکائو قابلیت پژوهش خواهی را دارد.

دو ــ ایران و سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری

ص:۲۱۶

دولت ایران به همه پروتکل های مصوب ایکائو ــ که درباره اصلاح و تغییر اساس نامه بود ــ و ۸ کنوانسیون یا پروتکل اصلاحی کنوانسیون های بین المللی تدوین شده در زمینه حقوق هوایی پیوسته است.(۱)

«اصولاً ـ سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری با کمک های آموزشی و فنی به کشورهای عضو، خدمات ارایه می دهد. کمک های سازمان در زمینه توسعه نظم حمل و نقل هوایی داخلی کشورها، گسترش خدمات هواپیمایی ملی و تقویت ساختار ضعیف فنی آن ها برای حفظ و تأمین عملیات هوایی و برنامه هایی است که در بهبود و اصلاح دستگاه های اداری و فنی قسمت های مختلف هواپیمایی کشوری صورت می گیرد. بودجه کمک های فنی به وسیله برنامه عمران ملل متحد و انعقاد قرارداد با بعضی از کشورها تأمین می شود.

دولت ایران نیز از امکانات آموزشی و فنی این سازمان استفاده کرده است. در زمینه اجرای طرح های پس از انقلاب، طرح فرودگاه بین المللی امام خمینی در اتوبان قم ــ تهران میان ایکائو، وزارت راه و ترابری و برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۰ به امضا رسید که هزینه اجرای آن بر عهده برنامه عمران ملل متحد بود. برای اجرای این طرح، دو کارشناس به مدت یک ماه به ایران آمدند و نظریه کارشناسی ارایه دادند».(۲)

ایکائو افزون بر طرح فرودگاه بین المللی امام خمینی، دو نوع خدمت دیگر نیز به ایران ارایه کرده است:(۳)

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۳۱۳.

۲- [۲] . همان، ص ۳۱۴.

۳- [۳] . همان، ص ۳۱۵.

الف) خدماتی که به همه کشورهای عضو ارایه می دهد، مانند: استانداردهای ایمنی پرواز، مشخصات فنی هواپیمایی، مشخصات فنی فرودگاه ها، مشخصات فنی دستگاه های کمک ناوبری و استاندارد کردن مقررات پرواز.

ب) خدمات ویژه ای که ایران از آن استفاده کرده است. این خدمات به شرح زیر است:

۱. استفاده از کارشناسان رشته های تخصصی و علمی و فنی و عملیاتی هواپیمایی کشوری.

۲. کمک گرفتن در زمینه تأسیس و اجرای برنامه های آموزشی مجتمع هواپیمایی کشوری.

۳. اعزام کارشناسان و مسئولان برای استفاده از دوره های آموزشی تخصصی و شرکت در کارگاه های علمی، سمینارها و اجلاس های ایکائو.

۴. شرکت در اجلاس های توجیهی و مشورتی سالانه برای هماهنگی و یکنواختی قوانین مربوط در سطح بین المللی.

۵. دریافت نشریات و دستورهای تخصصی هوانوردی برای ایجاد هماهنگی در مورد هواپیمایی بین المللی.

۶ . دریافت گزارش های تحقیقی فنی و پیشنهادهای لازم در امر بهبود وضعیت حمل و نقل هوایی.

ص:۲۱۸

۷. طرح دعـاوی حقوقی در امر حمل و نقل هوایی در مورد به خطر افتادن امنیت هوایی ایران(۱) بر اساس صدور اطلاعیه های هوانوردی دولت عراق و سقوط ایرباس(۲) ایران بر اثر حمله ناو جنگی امریکا.

۸. اعزام دانشجو از ایران به مرکز آموزش سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در حیدرآباد پاکستان.

با توجه به قدمت ناوگان هوایی و حوادثی که در سال های اخیر رخ داده است، ضـرورت نوسازی و استاندارد کردن هواپیماها احساس می شود که در این زمینه همکـاری نزدیک تر ایران و ایکائو و استفاده از امکانات فنی و تخصـص های این سازمان، سودمند خواهد بود.

ب) سازمان جهانی مالکیت آثار فکری (وای پو)

(۳)

ـسازمـان جهانی مالکیت آثار فکریـ از کنوانسیون سال ۱۸۸۳ ـپاریس ـبرای حمایت از مالکیت صـنعتی و عهـدنامه سال ۱۸۸۶ برن برای حمـایت از آثـار ادبی و هنری سرچشــمه می گیرد.(۴) ـسازمـان جهـانی مالکیت معنوی (وای پو)ـ براساس کنوانسیون استکهلم (۱۴ ژوییه ۱۹۶۷) که در ۲۶ آوریل ۱۹۷۰ به اجرا درآمد، پا به عرصه وجود نهاد. ـدوایر بین المللی برای حمایت از مالکیت معنویـ(۵) هنوز برای دولت هـایی که عضو اتحادیه های پاریس یا برن هسـتند، ولی به عضویت ـوای پو ـدر نیامده اند، به موجودیت قانونی خود ادامه می دهد.(۶)

ص:۲۱۹

۱- [۱] . در بخش شورای امنیت به این مسئله اشاره شده است.

۲- [۲] . در بخش «دیوان بین المللی دادگستری درباره این مسئله توضیح داده شد».

۳- [۳] .WIPO) World Intellectual Property Organiztion).

۴- [۴] . واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۳۶۶.

۵- [۵] . هر یک از دو کنوانسیون یاد شده، ایجاد یک دایره بین المللی را مقرر کرده بودند که در سل ۱۹۸۳ این دوایر در هم ادغام شدند.

۶- [۶] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۳۳۶.

این سازمان که چهاردهمین ارگان تخصصی سازمان ملل متحد به شمار می رود، برای تضمین حقوق مخترعان و صاحبان علوم و فنون و اندیشمندان فعالیت می کند. حمایت از حقوق این گونه صاحب نظران در سطح جهانی، در پیشرفت علم و انتقال فن آوری بسیار با اهمیت است و فضای جهانی را برای بازاریابی محصولات این گونه مخترعان و اندیشمندان مساعد می کند و تجارت جهانی را گسترش می دهد. در حال حاضر، ۱۶۹ دولت به عضویت این سازمان درآمده اند.(۱)

یک _ وظایف و ساختار سازمان جهانی مالکیت آثار فکری

ماده ۴ کنوانسیون استکهلم وظایفی را بر عهده این سازمان قرار داده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:(۲)

۱. توسعه معیارهای طرح شده برای حمایت و توسعه این حمایت ها؛

۲. تشویق دولت ها به امضای معاهده هایی در زمینه مالکیت معنوی؛

۳. هماهنگ کردن قوانین ملی کشورها در این زمینه؛

۴. پیشنهاد همکاری در زمینه حمایت از مالکیت های معنوی به کشورها؛

۵. جمع آوری و نشر اطلاعات در این زمینه؛

۶ . کمک به حفظ حقوق این مالکیت ها.

با توجه به وظایف و ارکان این سازمان که شامل: مجمع عمومی، کنفرانس، کمیته هماهنگی و دفتر بین المللی است، در سال های اخیر با عنایت

۱- [۱] . نشریه دیدگاه ها و تحلیل ها، ش ۴۵، شهناز نیک انجام، همایش سازمان مالکیت معنوی، اداره کل امور حقوقی.

۲- [۲] . برگرفته از: جزوه درسی «مالکیت معنوی»، محسن اسماعیلی، جزوه دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام.

به رونـد توسـعه جهانی شـدن، اهمیت این سازمان به خوبی ملموس و محسوس است. می دانیـد که رعایت نشـدن این حقوق، پایمال شدن حقوق مؤلفان و مصـنفان و خیانت به میراث فکری و هنری بشریت به شمار می رود. آشکار است که این سازمان بـا برگزاری کنفرانس هـا، همـایش هـا و نشـست ها، در تشویق کشورها برای پیوسـتن به این سازمان و تقویت این حمایت ها، نقش اساسی دارد.

دو ــ ایران و سازمان جهانی مالکیت آثار فکری

دولت ایران عضو ــوای پوــ نیست و تنها در ــاتحادیه پاریس ــعضویت دارد. البته از نظر نوع رابطه ای که میان اتحادیه های برن و پـاریس و وای پو وجود دارد، وای پو بر چگونگی اجرای مقررات کنوانسـیون پاریس نظارت دارد و اعضای اتحادیه ها، عضو ارکان وای پو به جز کنفرانس هستند.(۱)

رعـایت نکردن حقوق مالکیت آثار فکری در ایران به ویژه در مورد آثار خارجی شایـد در بحث های فقهی این مسـئله ریشـه داشته باشد. امام خمینی رحمه الله، در مورد حق التألیف در تحریر الوسیله می فرماید:

آن چه نزد برخی، «حق طبع» نامیده می شود، حق شـرعی نیست. پس سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون معاقده و اشتراط جایز نیست. بنـابراین، مجرّد طبع کتاب و نوشـتن در آن به این که حق طبع و تقلیـد برای صاحب آن محفوظ است، چیزی را موجب نمی شود و این قرار با غیر او شمرده

ص:۲۲۱

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۳۴۱.

نمی شود. پس برای غیر او، طبع و تقلید جایز است و برای کسی جایز نیست که او را از آن منع نمایند.(۱)

هرچنـد، امام در این جا نفس این حق را قابل دفاع نمی دانـد، ولی در ادامه بیان می دارد که امام و حاکم اسـلامی حق دارد به آن چه صلاح مسلمانان است؛ از تثبیت قیمت یا صنعت یا حصر تجارت یا غیر آن ها از آن چه در نظام و صلاح جامعه دخالت دارد، عمل کند.(۲)

حضرت آیت اللّه خامنه ای نیز در مورد کتاب هایی که در داخل چاپ می شوند، فرموده است:

احوط این است که حق ناشر با کسب اجازه از او نسبت به تکرار و تجدید چاپ کتاب رعایت شود.

در مورد کتـاب های خارجی نیز این مسـئله را تابع قراردادهایی می دانـد که میان جمهوری اسـلامی ایران و آن کشورها بسـته شده است.(۳)

بـا عنـایت به این مـوارد و بر اسـاس قوانین تصویب شـده در این زمینه ماننـد: قـانون حمـایت از مؤلفـان، مصـنفان و هنرمنـدان (۱۳۴۸)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات (۱۳۵۲) و قـانون حمایت از نرم افزارهای رایانه ای (۱۳۷۹ ــ ۱۳۸۰)، رعایت و حفظ حقوق این مالکیت ها برای پدید آورندگان آن ها از نظر شرعی و حقوقی، واجب و ضروری است. بدین ترتیب، رعایت

۱- [۱] . ترجمه فارسـی تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵، ص ۴۷۴.

۲- [۲] . ترجمه فارسـی رساله اجوبه الاستفتائات، حضرت آیت اللّه خامنه ای، شرکت چاپ و نشر بین الملل، وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱، ص ۲۹۷، مسئله ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰.

۳- [۳] . همان، مسئله ش ۱۳۳۵ و ۱۳۴۲.

نکردن آن حتی در مورد آثار خارجی که ایران با آن ها قرارداد دارد، موجب ضمان و مسئولیت شرعی است.

در زمینه تبیین این حقوق در ایران، همایش هایی برگزار شده است که از آن جمله می توان به همایش منطقه ای و ملی مالکیت معنوی اشاره کرد که از ۲۱ تا ۲۵ آذر ماه ۱۳۷۷ از سوی سازمان جهانی مالکیت معنوی (وامی پو) با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و به کوشش سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با هدف آشنایی و بررسی حقوق مالکیت آثار فکری در جمهوری اسلامی ایران، در تهران برگزار شد. این همایش، به بررسی مسایل منطقه ای آسیا و اقیانوسیه با عنوان «اهمیت و حمایت و مدیریت در حال توسعه» اختصاص داشت که موضوع های ملی با عنوان «مدیریت و استفاده از حقوق مالکیت صنعتی در صنعت و تجارت» نیز بررسی شد.

برای گشایش همایش، دکتر _کمال ادریس_، مدیر کل سازمان جهانی مالکیت آثار فکری به همراه هیأتی متشکل از رئیسان و مشاوران سازمان وارد تهران شدند.

هم زمان با گشایش این همایش، مرکز اطلاع رسانی ثبت علایم صنعتی در محل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور افتتاح شد که مخترعان و صاحبان حرفه و فن و دیگر علاقه مندان به حقوق ثبت می توانند به آن مراجعه کنند.

اهمیت و نقش موضوع های مطرح شده در این همایش از دو جنبه قابل بررسی است:

۱. گسترش نقش کشورهای در حال توسعه

ص:۲۲۳

با توجه به اهمیت روز افزون ثبت اختراع ها، نشان های تجاری و طرح های صنعتی، اجرای کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، نقش بسزایی یافته است. در چارچوب مقررات کنوانسیون، کشورهای پیشرفته صنعتی با استفاده از رایانه و ابزارهای جدید فنی توانسته اند از حقوق مخترعان و اندیشمندان در کشورشان حمایت کنند و منافع اقتصادی ناشی از این حمایت را به آن ها بسپارند. در مقابل این توسعه، کشورهای جهان سوم به دلیل دسترسی نداشتن به امکانات فنی و منابع اطلاع رسانی و نیز حجم کم اختراع ها، به آموزش و فعالیت در این زمینه ها نیاز بیش تری دارند و مطالعه و بررسی مقاله ها و گزارش های ارایه شده از سوی کارشناسان سازمان، در افزایش سطح آگاهی آن ها مؤثر خواهد بود.

۲. آگاهی از چگونگی روش کار سازمان جهانی مالکیت آثار فکری

برای مقام های دولتی، حقوق دانان و کسانی که با حقوق مخترعان و اندیشمندان سروکار دارند، شیوه فعالیت سازمان و چگونگی حمایت از حقوق صاحب نظران و اهل فن در این همایش مشخص شده است. حفظ حقوق مالکیت صنعتی در توسعه صنعت و تجارت، نقش مؤثری دارد و در نهایت، موجب انتقال فن آوری و بهبود وضعیت اقتصادی خواهد شد. امروزه در ساختار جمهوری اسلامی ایران، این حقوق و مزایا مورد حمایت قوانین و مقررات بوده و بدون آشنایی از فعالیت یک سازمان بین المللی در این موضوع ها نمی توان از برنامه ها و فعالیت دیگر کشورها بهره گیری کرد.

ص:۲۲۴

فصل پنجم: مؤسس ه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد

اشاره

بـا عنـایت به تفـاوت های موجود میان _آژانس بین المللی انرژی اتمی_ و _سازمان تجارت جهانی_ نمی توانیم آن ها را در شمار کارگزاری ها یا نهادهای تخصصی سازمان ملل بررسی کنیم؛ زیرا موافقت نامه منعقد شده این سازمان ها با سازمان ملل و شیوه کار و گستردگی فعالیت شان، این دو مؤسسه را از دیگر سازمان های تخصصی متمایز ساخته است.

اکنون ساختار این دو سازمان را به عنوان مؤسسه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد بررسی می کنیم.

۱. سازمان تجارت جهانی

(WTO)(۱)

در ادامه مـذاکره هـای هاوانـا در سال ۱۹۸۴، انـدیشه تشـکیل یـک نهـاد بازرگـانی جهانی برای از میان بردن محـدودیت ها و امتیازهـای تبعیض آمیز و نظم بخشـیدن به تجـارت برون مرزی کشورهـا مطرح گردیـد. بر این اساس، طرح تأسـیس _سازمان تجارت بین المللی_ (ITO)(۲) پیش بینی شد که هیچ گاه به اجرا درنیامد. در این مورد، تنها به تشـکیل موافقت نامه عمومی تعرفه و تجـارت (گـات) بسـنده شـد که در واقع، یکی از فصل های مطرح شـده در منشور هاوانا است. در سال ۱۹۸۵ کوشش دیگری برای تأسـیس نهـادی به نام _سازمان همکاری های تجاری_ (OTO)(۳) آغاز شد.این طرح نیز که هدف اصـلی آن، کنترل و

۱- [۱] . World Trade Organization .

۲- [۲] .International Trade Organization.

۳- [۳] .Organization for Trade Couperation.

نظارت بر فعالیت های موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بود، به دلیل مخالفت ایالات متحده امریکا تحقق نیافت.

سرانجام در سال ۱۹۸۶، با آغاز مذاکره های دور اوروگوئه، دیدگاه های مبتنی بر تأسیس تجارت جهانی دوباره مطرح گردید تـا این که در سال ۱۹۹۱ پیشـنهاد تشـکیل نهادی به نام _سازمان تجارت چنـد جانبه جهانی_ (WTO)(۱) از سویکشورهای کانادا، اتحادیه اروپا و مکزیک به دور اوروگوئه ارایه شـد. این طرح با مخالفت شدید کشور امریکا روبه رو شد، ولی به دلیل پافشـاری دیگر اعضـای گـات، در روزهـای پایـانی مـذاکره هـای دور اوروگوئه، تأسـیس سازمـان تجارت جهانی مورد توافق اکثریت اعضـا قرار گرفت و کشور امریکا نیز تشـکیل این نهاد را پـذیرفت. در همان اجلاس مقرر شـد سازمان تجارت جهانی (WTO) در اول ژانـویه ۱۹۹۵ کـار خود را آغـاز کنـد. هم چنین گفته شـد همه کشورهـای عضو گـات که سـند نهایی دور اوروگوئه را امضا کرده اند، باید تا ۲ سال، زمینه پیوستن خود را به سازمان تجارت جهانی (WTO) فراهم آورند.(۲)

الف) وظایف و اهداف سازمان تجارت جهانی

این سازمان، پنج وظیفه مهم را بر عهده دارد:

۱. مدیریت و تسـهیل عملیات اجرایی و توسعه اهداف موافقت نامه سازمان تجارت جهانی. سازمان هم چنین چارچوب لازم را برای اجرای مدیریت موافقت نامه های چند جانبه فراهم خواهد کرد.

ص:۲۲۶

۱- [۱] .World Trade Organiztion.

۲- [۲] . تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی ۱۳۷۴، ص ۱۵۹.

۲. فراهم کردن امکانات گردهم آیی اعضا برای مذاکره و مشورت درباره روابط چند جانبه تجاری.

۳. اجرای تفاهم ها و مقررات مربوط به روش های حل اختلاف.

۴. فراهم آوردن مکانیسم بررسی و تجدید نظر در سیاست های تجاری.

۵. همکاری با صندوق بین المللی پول، بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) و سازمان های وابسته به آن.(۱)

در مقدمه موافقت نامه تأسیس سازمان، اهداف اساسی گات این گونه تشریح شده است:

۱. ارتقای سطح زندگی و درآمد.

۲. تأمین اشتغال کامل.

۳. توسعه تولید و تجارت و بهره برداری بهینه از منابع جهانی.

۴. ضرورت دست یابی به «توسعه پایدار» با توجه به بهره برداری بهینه از منابع جهان و لزوم حفظ محیط زیست به گونه ای که با سطوح گوناگون توسعه اقتصادی سازگار باشد.

۵. تأکید بر لزوم تصمیم گیری برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کم تر توسعه یافته از رشد تجارت بین المللی.(۲)

ب) اصول سازمان تجارت جهانی

شیوه و فعالیت های این سازمان بر ۴ اصل اساسی و مهم استوار است:

ـ اصل اول:ـ تعمیم بی قید و شرط اصل معروف «دولت کامله الوداد»(۳) و جلوگیری از

۱- [۱] . همان، ص ۱۶۰ ـ ۱۶۱.

۲- [۲] . همان، ص ۱۶۰.

۳- [۳] . دو دولت و کشوری که در سطح بالایی از دوستی و روابط دیپلماتیک قرار دارند، به گونه ای که هر کدام از این ها با کشور ثالثی قرارداد یا معاهده ای منعقد سازد، کشور و دولت مقابلی که با آن رابطه «کامله الودادی» دارد، در آن معاهده بدون قرارداد و معاهده حضور دارد.

اعمال تبعیض میان کشورهای متعاهد در تجارت بین الملل.

اصل دوم: منع اعمال محدودیت های کمّی در واردات و صادرات.

اصل سوم: کاهش تعرفه های گمرکی به وسیله مذاکره و تضمین رعایت توافق هایی که از این راه به دست می آید.

اصل چهارم: انجام مشورت در مورد سیاست های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلاف ناشی از روابط تجاری به وسیله مذاکره.

۲. آژانس بین المللی انرژی اتمی

(۱)

رییس جمهور امریکا در دهه ۵۰ میلادی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد سازمانی جهانی به وجود آید که خود را تنها وقف مصارف مسالمت آمیز انرژی اتمی کند. بدین گونه بود که آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) در ۸ دسامبر ۱۹۵۳ پدید آمد. اصول کلی این پیشنهاد به اتفاق آرا در قطع نامه ای که در ۴ دسامبر ۱۹۵۴ از سوی مجمع عموی صادر شده مورد تأیید مجمع قرار گرفت.

اساس نامه (IAEA) به اتفاق آرا در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۶ در کنفرانسی که در مقر سازمان ملل متحد تشکیل شده بود، تصویب شد و در عرض سه ماه، به امضای هشتاد کشور رسید. این کارگزاری در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۵۷ که

۱- [۱] IAEA) International Atomic Enerty Agency).

حد نصابی از اسناد تصویب اساس نامه آن به مجمع عمومی تسلیم شد، به وجود آمد.

کنفرانس تنظیم کننـده اساس نامه IAEA یک کمیسیـون تدارکاتی متشکل از ۱۸ کشـور به وجود آورد که اولین بـار در مقر سازمان ملل متحد تشکیل جلسه داد و سپس ترتیب تشکیل اولین جلسه کنفرانس عمومی را فراهم ساخت که از ۱ تا ۲۳ اکتبر ۱۹۵۷ در وین برگزار شد.(۱)

الف) اهداف و وظایف آژانس بین المللی انرژی اتمی

مهم ترین اهداف آژانس عبارت است:

۱. تشویق و یاری رساندن به تحقیق و گسترش مطالعات علمی در مورد انرژی اتمی برای استفاده صلح آمیز در سراسر جهان.

۲. ارایه پیشنهاد و تسهیلات لازم برای تحقیق و پیشنهادهای ضروری در کاربرد انرژی اتمی در راه صلح و رفاه بشر در جهان.

۳. فراهم کردن اطلاعات مربوط به دگرگونی های علمی و فنی مورد استفاده صلح آمیز از اتم و انرژی هسته ای.(۲)

وظایف آژانس عبارت است از:

۱. کمک به پژوهش درباره انرژی اتمی و استفاده از آن برای مقاصد صلح جویانه مانند: تولید برق به ویژه برای مناطق کم تر توسعه یافته جهان.

۲. واسطه گری میان اعضای آژانس در مورد تهیه مواد یا تجهیزات.

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد فراسیون، ص ۸۶۱ .

۲- [۲] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۴۰.

۳. مبادله اطلاعات علمی و فنی و تشویق آن ها در زمینه مبادله اطلاعات در این زمینه.

۴. مبادله دانشمندان و ارایه آموزش های لازم در زمینه استفاده صلح جویانه از انرژی اتمی.

۵. به وجود آوردن تضمین هایی برای به کار نبردن تجهیزات، امکانات و اطلاعات این آژانس برای اهداف نظامی.

۶ . مشورت و همکاری با سازمان ملل و دیگر ارگان های تخصصی و ایجاد ضوابطی برای ایمنی و کاستن از خطاهای مالی و جانی این انرژی در سطح جهان.

«تدابیر حفاظتی موضوع _پیمان عدم گسترش سلاح های هسته ای، پیمان منع سلاح های هسته ای_ در امریکای لاتین (معاهده تلاتلولکو) و _پیمان راروتونگا_، کشورهای بدون سلاح هسته ای را مکلف می کند تا مجموعه فعالیت های مبتنی بر سوخت هسته ای خود را زیر نظر تدبیر حفاظتی آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار دهند».(۱) در سال ۱۹۹۴، زمینه سازی های حفاظتی در ۴۹ کشور بر اساس توافق های به عمل آمده در پیمان عدم گسترش و معاهده تلاتلولکو، در یک کشور بر اساس توافق معاهده تلاتلولکو و در ۸ کشور بر اساس موافقت نامه های دیگر صورت گرفت. در مورد عراق، فعالیت ها به اجرای این تدبیرها بر مبنای پیمان عدم گسترش در چارچوب فعالیت های موضوع قطع نامه ۶۸۷ شورای امنیت معطوف شد.(۲) فشار سیاسی امریکا بر

۱- [۱] . واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۳۷۲.

۲- [۲] . همان، ص ۳۷۳.

شورای امنیت و آژانس بین المللی انرژی اتمی برای خلع سلاح فوری عراق یکی از این موارد بود.

ب) ارجاع موضوع حمله عراق به تأسیسات هسته ای بوشهر به آژانس انرژی اتمی

به دنبال تجاوز عراق به ایران و حمله به تأسیسات هسته ای بوشهر، دولت ایران این موضوع را در آژانس بین المللی انرژی اتمی مطرح کرد. حکومت عراق برای اولین بار در ۲۴ مارس ۱۹۸۴ به تأسیسات هسته ای غیر نظامی بوشهر یورش برد و پس از آن نیز ۴ بار دیگر (۱۲ فوریه و ۵ مارس ۱۹۸۵، ۱۲ ژوئن ۱۹۸۶ و ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸) به نیروگاه اتمی بوشهر حمله هوایی کرد. در آخرین حمله، گروهی از کارشناسان ایرانی، جان خود را از دست دادند و این مرکز به شدت آسیب دید.

سازمان انرژی اتمی ایران پس از نخستین حمله عراق به تأسیسات هسته ای بوشهر، با فرستادن تلکسی به دبیر کل آژانس موضوع را در ۱۹ آوریل ۱۹۸۴ به آگاهی آژانس رساند. ایران با تأکید بر قطع نامه GC (XXVII) Res/۴۰۷ _ که در اکتبر ۱۹۸۳ در بیست و هفتمین اجلاس کنفرانس عمومی درباره حفاظت از تأسیسات هسته ای غیر نظامی در مقابل تهاجم نظامی تصویب شده بود _ و قطع نامه های آژانس در این زمینه، از هیأت حکام خواست در اولین فرصت ممکن برای تصمیم گیری جهت محکوم کردن عراق، تشکیل جلسه دهد. سازمان انرژی اتمی در ۲۷ مه ۱۹۸۴، عکس هایی از تهاجم عراق را برای دبیر کل آژانس فرستاد.

سرانجـام آژانس بیـن المللی انرژی اتمی پس از تشـکیل جلسه هـایی بـا شـرکت نماینـدگان ایران و عراق، بـا وجـود مخـالفت امریکا، در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۴ هرگونه حمله به تأسیسات هسته ای غیر نظامی را تخلف از اساس نامه آژانس، منشور سازمان ملل متحد و قوانین بین المللی دانست و از دولت عراق خواست به این موارد توجه کند.

ایران درپی حمله هـای ۱۲ فوریه و ۴ مارس ۱۹۸۵ عراق، در تلکس هـایی به دبیر کـل آژانس، نقض قطع نـامه های آژانس از سـوی دولت عراق را یـادآوری کرد و خواسـتار محکوم کردن عراق شـد. ایران در نـامه ۱۷ مارس ۱۹۸۵ خود خواهان اخراج عراق از آژانس گردیـد. دبیر کل آژانس در ۲۶ مارس ۱۹۸۵ در پاسـخ به درخواست ایران اعلام کرد که در اساس نامه هیچ مـاده ای برای اخراج یک عضو وجود نـدارد. ماده (XLX.B) اسـاس نـامه نیز به تعلیق یـک عضو مربوط می شود که بر اساس آن، موضوع تعلیق اعضا باید در کنفرانس عمومی و بر مبنای توصـیه های هیأت حکام بررسی شود. گفتنی است بر اساس ماده VII اسـاس نـامه، دبیر کل سازمان، نفر اول اداری و اجرایی آژانس به شـمار می رود که زیر نظر هیأت حکام انجام وظیفه می کند.

به دنبال حمله های پی در پی عراق به تأسیسات هسـته ای بوشهر، سازمان انرژی اتمی ایران در تلکس ۲۶ نوامبر ۱۹۸۷ خود به آژانس، بـا توجه به زیر پـا گذاشـتن اسـاس نـامه و قطع نـامه های آژانس از سوی عراق و حمله نظامی این کشور به تأسـیسات هسته ای غیر نظامی ایران، به عنوان عضو آژانس خواستار بررسی موارد زیر شد:

۱. صدور قطع نامه ای مبنی بر محکوم کردن حمله های نظامی عراق (بر اساس قطع نامه های تصویبی آژانس).

۲. تشکیل اجلاس ویژه مشورتی.

۳. فرستادن گروهی از کارشناسان برای بازرسی محل و راهنمایی.

دبیر کـل آژانس در تلکس ۲۷ نوامبر ۱۹۸۷ خود به سازمـان انرژی اتمی ایران خـاطر نشـان کرد هرگاه خطر پرتوافشانی اتمی وجود داشته باشد، آژانس موظف است با فرستادن گروه های کارشناسی برای مقابله با عوارض آن به دولت های عضو کمک کنـد. بنـابراین، آژانس آمـاده است یـک گروه کارشناسـی را برای ایمنی اتمی و حفاظت از پرتوهای اتمی، به نیروگاه بوشـهر گسـیل دارد. وی افزود: آژانس آمـادگی دارد ماننـد سال ۱۹۸۵ برای تعیین این که آیـا خسـارات وارد شـده به ساختمان های نیروگاه آن ها را از کار انداخته است یا نه، کمک های کارشناسی ارایه کند.

هرچنـد آژانس از نظر اجرایی، برای پیش گیری از حملـه هـای عراق قـدرت کـافی نـداشت، ولی توصـیه هـای آن در مـورد محکوم کردن عراق در خور توجه است.(۱)

این نکته کلی در مورد نهادهـای تخصصـی سازمـان ملـل نیز صـادق است که این کـارگزاری ها هر چه تخصصـی تر و فنی تر باشند، در برابر چالش ها و نفوذهای سیاسی حساسیت کم تری دارند. البته در بیش تر سازمان های بین المللی شاهد چالش ها و نفوذهای سیاسی، تا حد سیاست زدگی این

۱- [۱] . راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۳۵۴ _ ۳۵۶.

سازمان ها هستیم که نشانه عملی آن را در رفتار این نهادها می توان دید. بنابراین، از بسیاری موارد ملموس و عینی چشم می پوشند و بنا بر ملاحظه های سیاسی خاص و نفوذ قدرت های بزرگ و اعمال فشار آن ها به راحتی از کنار مسایل مهم می گذرند.

در پایان گفتنی است ایران افزون بر مورد یاد شده، در طرح هایی مانند: راکتور هسته ای، پیشنهاد برای انتخاب انرژی _سیکلوترن_، کاربرد تکنولوژی هسته ای در تولید غلات و استفاده از امکانات علمی و فنی آژانس برای ساخت و بازبینی نیروگاه اتمی بوشهر، همکاری داشته است.

سخن پایانی

امریکا، مسبّب بی اعتباری سازمان ملل متحد

بدهی سنگین امریکا به سازمان ملل و بی اعتنایی مسئولان کاخ سفید نسبت به این امر از جمله عوامل اصلی پیدایش بحران های مالی در این سازمان و نشانه مهمی از بی اعتنایی امریکا نسبت به بزرگ ترین مرجع شناخته شده بین المللی است. رقم بدهی امریکا به سازمان ملل که این سازمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است، اکنون از ۸/۱ میلیارد دلار _ دو سوم مجموع بدهی های کشورهای جهان _ فراتر رفته است. با وجود ادعای دولت امریکا در مورد تمایل برای پرداخت این بدهی، مخالفت کنگره امریکا سبب شده تا این مشکل هم چنان پابرجا بماند.

ص:۲۳۴

در میان بنیان گذاران سازمان ملل، هیچ دولتی به اندازه دولت امریکا در مبارزه با اعتبار سازمان ملل، سرمایه گذاری سیاسی و تبلیغی نکرده است. باید این واقعیت را پذیرفت که امریکایی ها همواره سازمان ملل و اعتبار آن را پوششی برای توجیه سیاست های مداخله گرایانه و توسعه طلبانه خود در برخورد با بحران های بین المللی قرار داده اند؛ زیرا خود بسیاری از مصوبه های این سازمان را به راحتی زیر پا گذاشته اند و کاخ سفید در قبال قطع نامه های سازمان ملل همواره برخورد گزینشی داشته است. اصولاً ـ بی اعتنایی امریکا نسبت به بدهی های عقب افتاده اش به سازمان ملل، یکی از جلوه های بی حرمتی این دولت به بزرگ ترین مجمع جهانی است.

وقتی دولت امریکا در پاییز سال ۱۳۷۵ و در جریان پنجاه و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، پطروس غالی، دبیر کل پیشین سازمان را به بی کفایتی در حل بحران مالی متهم کرده بود و با این بهانه می کوشید کوفی عنان را جایگزین وی سازد، همه تحلیلگران سیاسی می دانستند سیاست سلطه جویانه امریکا از عوامل ضعف سازمان ملل و قرار گرفتن آن در آستانه ورشکستگی است.

کوفی عنان پس از انتخاب شدن به عنوان دبیر کل جدید سازمان ملل در نخستین سخنرانی خود تصریح کرد که هیچ اصلاحاتی در این سازمان بدون برخورداری از منابع مالی و بدون پرداخت حق عضویت اعضا، امکان پذیر نخواهد بود. دولت امریکا که با توجه به اساس نامه مالی سازمان ملل موظف به تأمین ۲۵ درصد بودجه این سازمان است، در دو دهه اخیر همواره از این اهرم برای پیشبرد سیاست خود در سازمان ملل سود جسته است. امریکاییان

بدین وسیله کوشیده اند برنامه ها، تصمیم ها و ارکان سازمان ملل را زیر نفوذ و سیطره سیاسی خود درآورند و متأسفانه تا کنون در این سیاست موفق بوده اند. مقام های بلندپایه امریکایی بارها با گستاخی تصریح کرده اند که بدهی های مالی خود را به سازمان ملل، بدون تأمین دیدگاه های سیاسی شان در این سازمان پرداخت نخواهند کرد.

همان گونه که گفته شد امریکا در حال حاضر حدود ۸/۱ میلیارد دلار به سازمان ملل بدهکار است و این در حالی است که مجموع طلب های سازمان ملل از کشورهای عضو، از ۳ میلیارد دلار تجاوز نمی کند. دولت امریکا هیچ گاه این حجم سنگین بدهی را انکار نکرده، ولی بارها بر لزوم تأمین دیدگاه های کاخ سفید در ساختار و عملکرد این سازمان پای فشرده است.

به این ترتیب، امریکا به مبارزه ای اعلام نشده با سازمان ملل پرداخته است. امریکاییان می خواهند توان این سازمان را در حل و فصل معضل ها و بحران های جهان تحت تأثیر نقشه های استراتژیک خود قرار دهند. این زشت ترین رفتار سیاسی از سوی یک دولت مدعی دموکراسی در قبال سازمان ملل است.(۱) با توجه به این مطالب و رفتار اخیر امریکا با سازمان ملل در جنگ با عراق، باید آینده مبهم و تاریکی را برای این بزرگ ترین مرجع دیپلماسی و بین المللی پیش بینی کرد؛ آینده ای که در آن، امریکا و انگلیس، اعتباری برای این سازمان قایل نیستند و به راحتی به خود اجازه می دهند هرگونه که منافع کوتاه مدت یا دراز مدت شان اقتضا کند، عمل کنند و در این

ص:۲۳۶

۱- [۱] . امریکا مسبب بی اعتباری سازمان ملل، جمهوری اسلامی، ۱/۴/۷۹.

راستا از هیچ اقدام حتی تهدید شورای امنیت، دبیرکل و... دریغ نورزند. حمله امریکا به عراق نکته های جدیدی را در روابط بین المللی و دیپلماسی پیش روی جهانیان قرار داد که در این روابط جدید بین المللی، سهم سازمان ملل کم رنگ تر شده است.

ص:۲۳۷

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بررسی و نقد عملکرد رسانه در مورد مسایل سیاسی ــ بین المللی

با نگاه فشرده به نمودار بزرگ سازمانی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران می توانیم جایگاه دو معاونت سیاسی و برون مرزی و بخش های وابسته به آن را در مورد بررسی مسایل سیاسی و بین المللی تعیین کنیم.

عملکرد معاونت سیاسی و بخش های وابسته مانند: بخش های خبری، برنامه های سیاسی، تحقیق و تفسیر خبر اگرچه قابل تقدیر است، ولی انتقادهایی چون: پراکندگی، روزمرگی، نداشتن برنامه منسجم و درازمدت، تجربی بودن برخی دست اندرکاران، ضعیف عمل کردن در مسایل بین المللی را می توان بر علمکرد بخش های یاد شده وارد دانست. البته نمی توان منکر شد که در سال های اخیر، دگرگونی هایی در این ساختار به وجود آمده است که آثار آن در شبکه خبر، اخبار و برنامه های تحلیلی ــ تفسیری و مسایل بین المللی در دیگر شبکه ها مشهود است.

در مورد معاونت برون مرزی نیز باید از فعالیت های این معاونت در ایجاد شبکه های «سحر» و «العالم» تقدیر کرد. هرچند هنوز تا ایده آل برنامه های

سیاسی و تفسیری در سطح برون مرزی فاصله داریم، ولی می توان امید داشت که روزی با شبکه های موفق خارجی، رقابت داشته باشیم.

در زمینه بهبود فعالیّت بخش های مربوط با مسایل سیاسی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تخصصی کردن بخش ها. هرچند نمونه آن در بحث اخبار پزشکی شبکه خبر دیده می شود، ولی این رویکرد باید به همه بخش ها به ویژه بخش های گزینش، تحلیل و تحریر خبر، برنامه های سیاسی و تحلیل های سیاسی گسترش یابد که شامل استفاده از استادان رشته های حقوق بین الملل، علوم سیاسی و روابط بین الملل و استفاده از گزارشگران حرفه ای و کارشناس در مسایل سیاسی است.

۲. بهره گیری از پایگاه های اینترنتی برای دریافت متون خبری و استادان علوم سیاسی برای ارایه تحلیل های سیاسی جدید.

۳. تلاش برای درآوردن شبکه های استانی از خمودی و روزمرگی و کشاندن آن به سمت تولید و پخش برنامه ها و اخبار سیاسی روزآمد.

۴. فعال کردن باشگاه خبرنگاران جوان، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و استفاده از ایسنا و دیگر خبرگزاری ها.

۵. دعوت از استادان رشته های علوم سیاسی، روابط بین الملل و حقوق بین الملل در تحلیل های خبری، تحلیل مسایل نوین سیاسی و بیان اهمیت، نقش و جایگاه موضوع یاد شده برای ایران.

۶ . بیان اخبار با رهیافت ملی، تکرار صحیح، شدت و ضعف منطقی و ایجاد حساسیت با در نظر گرفتن نیازها و مسایل بین المللی.

ص:۲۳۹

۷. برخورد منطقی با منتقدان مسایل سیاسی کشور و استفاده بهینه از صاحب نظران با گرایش های گوناگون.

۸. برقراری ارتباط فعال با خبرگزاری های خارج از کشور و استفاده از کارشناسان مسلط بر مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای خارجی.

موضوع های مناسب برای برنامه سازی

۱. ساخت برنامه ای تحلیلی برای مقایسه «حقیقت» و «واقعیت» حقوق بشر در عرصه بین الملل.

۲. ساخت برنامه هایی برای مقایسه سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه در قبال دخالت های امریکا در مسایل داخلی این کشورها.

۳. ساخت برنامه های آموزشی برای آشنایی افکار عمومی با ساختار و شیوه کار سازمان های بین المللی در عرصه بین الملل با محوریت سازمان ملل متحد.

۴. ساخت فیلم های سینمایی یا سریال های تلویزیونی داستانی یا مستند در مورد فعالیت های سیاسی دبیر کل سازمان ملل متحد (فعالیت های مثبت و منفی آن ها).

۵. تهیه برنامه های ترکیبی در مورد فلسفه وجودی مسئله ــحق وتوــ، روند استفاده از آن تا کنون، و ارایه راه حل برای تعدیل آن.

پرسش های مردمی

۱. کشورهای دارای حق وتو را نام ببرید؟

۲. دبیر کل کنونی سازمان ملل کیست و آیا در رهبری بحران های بین المللی از طرف سازمان ملل موفق بوده است؟

ص:۲۴۰

۳. چند کشور عضو سازمان ملل هستند؟

۴. مدت دبیر کلی سازمان ملل چند سال است؟

۵. دیوان بین المللی دادگستری در چه سالی به طور رسمی آغاز به کار کرد؟

۶. دیوان بین المللی دادگستری مرکب از چند قاضی است؟

۷. جامعه ملل چیست؟ چرا سازمان ملل ایجاد شد؟

۸. ۵ مورد از آژانس های تخصصی سازمان ملل را نام ببرید؟

۹. یونسکو با سازمان ملل چه رابطه ای دارد و دارای چه وظایفی است؟

۱۰. سازمان ملل دارای چند رکن اصلی است؟

۱۱. چه رکن هایی از این ارکان اصلی دارای ارکان فرعی هستند؟

۱۲. سازمان ملل تا کنون چند عملیات صلح انجام داده است؟

۱۳. هدف اصلی سازمان ملل چیست؟

۱۴. نخستین دبیرکل سازمان ملل که بود؟

۱۵. سازمان ملل تا به حال چند دبیر کل داشته است؟

۱۶. گروه بانک جهانی از چند مؤسسه تشکیل شده است؟

۱۷. دو نوع صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری را نام ببرید؟

۱۸. مهم ترین رکن فرعی شورای امنیت چیست؟

۱۹. روز ملل متحد چه روزی است؟

۲۰. سازمان ملل در چه سالی تأسیس شد؟

۲۱. منشور ملل متحد چند فصل و چند ماده دارد؟

۲۲. زبان های رسمی سازمان ملل کدامند؟

۲۳. کار اصلی شورای امنیت چیست و چند عضو دارد؟

۲۴. سازمان ملل متحد چند آژانس تخصصی دارد؟

۲۵. عملکرد دوگانه شورای امنیت را در قبال جنگ تحمیلی عراق و ایران و جنگ عراق و کویت چگونه تحلیل می کنید؟

۲۶. نفوذ امریکا را در سازمان ملل تا چه اندازه در اقدامات این سازمان مؤثر می دانید؟

۲۷. سازمان ملل در زمینه ارتقای حقوق بشر چه کارهای مهمی انجام داده است؟

۲۸. یونیسف در چه حیطه ای کار می کند؟

۲۹. دادگاه لاهه چیست و مقر آن کجاست؟

پرسش های کارشناسی

۱. نقش و جایگاه سازمان های بین المللی را در قرن بیستم و بیست و یکم چگونه ارزیابی می کنید؟

۲. رابطه ایران با سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل در پیش و پس از انقلاب چگونه بوده است؟

۳. آیا برای سازمان ملل می توانیم قدرتی فراتر از قدرت اعضای آن تصور کنیم؟

۴. آیا عملکرد شورای امنیت در برابر ایران پس از انقلاب به ویژه در زمان جنگ تحمیلی، با منشور و وظایف تصریح شده در منشور برای این رکن، همسان و منطبق بوده است؟ اگر این گونه نبوده، دلیل آن چیست؟

ص:۲۴۲

۵. حق وتو را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا در قرن جاری، اصلاح یا تعدیل آن با توجه به واقعیت های عینی ضرورت دارد؟ راهکار شما برای تعدیل یا اصلاح آن چیست؟

۶. سازمان کنفرانس سران کشورهای اسلامی چگونه می تواند در عرصه بین المللی از حقوق مسلمانان دفاع کند؟

۷. عملکرد سازمان ملل را از زمان تأسیس تا کنون چگونه تحلیل می کنید؟

۸. آینده سازمان ملل را با توجه به رویدادهای بین المللی چگونه می بینید؟

۹. آژانس های تخصصی سازمان ملل چگونه فعالیت می کنند؟ رابطه دولت ایران پس از انقلاب با این آژانس ها چگونه است؟

۱۰. می دانید که دبیر کل سازمان ملل با توصیه شورای امنیت از سوی مجمع عمومی انتخاب می شود و در معرض وتوی هر یک از ۵ عضو دایم شورا قرار دارد که همین مسئله سبب فشار بر این سازمان می شود. برای رهایی از این گرفتاری، چه راه حلی پیشنهاد می کنید؟

۱۱. دلایل مدافعان و مخالفان حق وتو چیست؟

۱۲. در اقدامات شورای امنیت بر اساس ماده ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد چه تفاوتی وجود دارد؟

۱۳. آثار حقوقی حق وتو چیست؟

۱۴. بودجه سازمان ملل چگونه تنظیم و تصویب می شود؟

۱۵. دیوان بین المللی دادگستری در مورد کدام موضوع های حقوقی صلاحیت ندارد؟

ص:۲۴۳

۱۶. وظایف کمیسariای عالی پناهندگان چیست و از چه ارکانی تشکیل شده است؟

۱۷. رابطه ایران و بانک جهانی را پس از انقلاب به ویژه در سال های اخیر چگونه ارزیابی می کنید؟

۱۸. نظر شما در مورد پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی چیست؟

۱۹. وظایف و ارکان آژانس انرژی اتمی IAEA کدامند؟

۲۰. برای اصلاح ضعف های سازمان ملل متحد در عمل و در عرصه بین الملل چه پیشنهادهای کاربردی دارید؟

معرفی مراکز مرتبط با مسایل سیاسی ـ بین المللی

از میان مراکزی که می توانند با موضوع این نوشتار ارتباط داشته باشند، به برخی اشاره می شود:

۱. دفتر سازمان ملل در تهران

۲. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه

۳. دفتر وام های بین المللی در سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی

۴. کمیسیون ملی یونسکو در ایران

۵. نمایندگی سازمان بهداشت جهانی در تهران

۶. وزارت کار و امور اجتماعی

۷. وزارت جهاد کشاورزی

۸. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۹. معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی

ص:۲۴۴

۱۰. خانه کارگر در تهران

۱۱. مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد

۱۲. کمیسariای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

۱۳. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)

۱۴. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد

۱۵. برنامه های جهانی غذا (سازمان ملل متحد)

۱۶. برنامه عمران سازمان ملل متحد

ص:۲۴۵

معرفی پایگاه های اینترنتی

نام سازمان بین المللی

نام پایگاه اینترنتی

WWW.un.org

united Natio

WWW.un syst.org ۱

united Nations system

WWW.undp.org ۲

(UNDP) united Nations Development Progrmme

WWW.unv.org ۳

united Nations Volunteers

WDevelopment (UNCTAD) WW.unctad.org ۴

united Nations Conference on Trade and

WWW.unep.org ۵

(united Nations Environment Programme (UNEP

WWW.unhcs.org ۶

(united Nations Center for Human Settlements. (Habitat

WWW.unfpa.org ۷

united Nations Population Fund (UNFP

WWW.wfp.org ۸

(World Food Progrmme (WFP

WWW.unu.edu ۹

(united Nations university (UNU

WWW.unaids.org

Joint united Nations Programme on HIV/AIDS

WWW.ilo.org ۱۱

ص:۲۴۶

(International Labour organization (ILO

WWW.fao.org ۱۲

(Food and Agriculture Organization of the unitedNations (FAO

WWW.unesco.org ۱۳

(united Nations Edncational,Scientific and Cultural Organization. (UNESCO

WWW.who.org ۱۴

(World Health Organization (WHO

WWW.world bank.org ۱۵

World Bank

WWW.imf.org ۱۶

International Monetary Fund

WWW.icao.int ۱۷

(International Civil Aviation organiztion (ICAO

WWW.upu.int ۱۸

(Universal Postal Union (UPU

WWW.itu.int ۱۹

(International Telecommvnication Union (ITU

WWW.wmo.ch ۲۰

(World Meteorological Organization (WMO

WWW.imo.org ۲۱

(International Maritime Organization (IMO

WWW.wipo.int ۲۲

(World Intellectual Property Organization (WIPO)

WWW.ifad.org ۲۳

(International Fund for Agricultural Development (IFAD

WWW.unido.org ۲۴

(united Nations Industrial Development Organization. (UNIDO

WWW.iaea.org ۲۵

(International Atomic Enerty Agency (IAEA

ص:۲۴۷

کتاب نامه

الف) کتاب ها

۱. آقابخشی، مینو و علی افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲. آقایی، سید داوود، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، انتشارات پیک فرهنگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۳. آکهرست، مایکل، کلیات نوین حقوق بین الملل، مهراب داراب پور، انتشارت جهان معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴. آهنی، علی، فرانسه و مجامع بین المللی در برابر بحران خلیج فارس، وزارت امورخارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۵. ابی صعب، ژرژ، مفهوم سازمان بین المللی، ایرج پاد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۶. باوت، دی.و، حقوق بین المللی سلاح های کشتار جمعی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.

۷. باوِت، ویلیام، درک تحولات نوین در شیوه های حل و فصل اختلافات، زهرا کسمتی و علی رضا طیب، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.

۸. توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۵.

ص:۲۴۸

۹. ثقفی عـامری، ناصـر، سازمـان ملـل متحـد، مسـئولیت حفـظ صـلح و امنیت بین المللی، وزارت امور خـارجه، دفتر مطالعـات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰.

۱۰. جوادی آملی، عبداللّه، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، ۱۳۷۷.

۱۱. خامنه ای، سـید علی، رساله اجوبه الاسـتفتائات، ترجمه فارسـی، شـرکت چاپ و نشـر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۲. خمینی، سید روح اللّه، ترجمه تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۵.

۱۳. دورموای، دانیل، حقوق سازمان های بین المللی، کمال الدین هریسی نژاد، نشر جامع پژوهش، تهران، دانیال، ۱۳۷۹.

۱۴. ذوالعین، پرویز، حقوق کنسولی، وزارت امور خارجه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

۱۵. شایگان، فریـده، عملیات حفظ صـلح سازمان ملل متحـد، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسـی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۲.

۱۶. شریف، محمد، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.

۱۷. شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.

۱۸. صفدری، محمد، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۰.

ص:۲۴۹

۱۹. عامری، هوشنگ، کارگزاری های تخصصی سازمان ملل متحد، فریدون مجلسی، وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۰. عراقی، سید عزت اللّه، حقوق بین المللی کار، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.

۲۱. علی زاده موسوی، سیدمهدی، افغانستان، ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، کیش مهر، قم، ۱۳۸۰.

۲۲. فریدی عراقی، عبدالحمید، روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۹.

۲۳. قائم مقام فراهانی، سید عبدالمجید، حقوق بین الملل سازمان های بین المللی، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۴. کرمی، جهانگیر، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۵.

۲۵. کلییار، کلود آلبر، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، هدایت اللّه فلسفی، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۲.

۲۶. کی نیا، جعفر، حقوق سازمان های بین المللی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۴.

۲۷. گلریز، حسن، سازمان های پولی و مالی بین المللی، دانشکده علوم بانکی، تهران، ۱۳۶۹.

۲۸. گنجی، منوچهر، سازمان ملل متحد در عمل (جلد دوم)، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۵۲.

۲۹. محتشم دولتشاهی، تهماسب، سازمان های اقتصادی بین المللی، انتشارات ویستار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۳۰. مستقیمی، بهرام و مسعود طاری سری، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳۱. مصفا نسرین (و دیگران)، راهنمای سازمان ملل متحد (مؤسسات تخصصی و وابسته ورابطه جمهوری اسلامی ایران با آن ها)، وزارت امورخارجه، دفتر مطالعات سیاسی وبین المللی، تهران، ۱۳۷۴.

۳۲. مصفا، نسرین (و دیگران)، راهنمای سازمان ملل متحد (ارکان فرعی و دیوان بین المللی دادگستری)، وزارت امور خارجه، دفترمطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴.

۳۳. معیّری، منوچهر، نقش دبیر کل سازمان ملل متحد در وقایع سیاسی جهان، تهران، انتشارات کتاب فروشی دهخدا، ۱۳۴۴.

۳۴. ممتاز، جمشید، حقوق بین المللی سلاح های کشتار جمعی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.

۳۵. منصفی، ابوالقاسم، سازمان های بین المللی، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تهران، ۱۳۵۸.

۳۶. موسی زاده، رضا، حقوق معاهدات بین المللی، نشر میزان و نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.

۳۷. موسی زاده، رضا، سازمان های بین المللی، نشر میزان و دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۸. موسی زاده، رضا، کلیات حقوق بین الملل عمومی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۶.

۳۹. میرزایی ینگجه، سعید، ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۴۰. میرزایی ینگجه، سعید، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۳.

۴۱. میرسعید قاضی، علی، زندگی نامه دبیر کل های سازمان ملل متحد و فعالیت های سیاسی آنها، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۴۲. میرسعید قاضی، علی، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، کلاه آبی ها، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۳.

۴۳. مؤمنی، فرشاد، آثار و پی آمدهای فرهنگی عضویت ایران در گات، انتشارات روش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.

۴۴. نـم، کلـت و ژاک، نِتم، سازمـان هـای اقتصـادی بین المللی، تهران، ابراهیم مدرسـی، انتشـارات مرکز مطالعـات عـالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۵۳.

۴۵. نواده توپچی، حسین، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی، نهاجا، ۱۳۷۷.

۴۶. وبر، البرشت، تاریخچه سازمان های بین المللی اقتصادی (جلد اول)، تهماسب محتشم دولتشاهی، انتشارات خوشه، ۱۳۶۶.

۴۷. وزارت امور اقتصـادی و دارایی، تحلیل پیرامون تجارت (تجربه عملی پیوسـتن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی وآثار اقتصادی الحاق ایران به آن)، معاونت اموراقتصادی، تهران، ۱۳۷۴.

۴۸. وزارت امور خـارجه، شناسـنامه سازمـان های بین المللی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسـی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۲.

۴۹. هـدایتی خمینی، عبـاس، شـورای امنیت و جنـگ تحمیلی عراق علیه جمهـوری اسـلامی ایران، وزارت امـور خـارجه، دفـتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰.

ب) نشریه ها

۱. پژوهش نامه اقتصادی، جهانی شدن و چالش های پیش رو، مهدی تقوی.

۲. پژوهش نامه علمی ـ پژوهشی اندیشه صادق، مباحث فرهنگی جهانی شدن، گفت وگو با پرفسور حمید مولانا.

۳. پژوهش نامه علمی ـ پژوهشی اندیشه صادق، جهانی شدن؛ خطر یا رؤیا، انتخاب یا الزام، غلام رضا گودرزی.

۴. ترجمان سیاسی، پنج فضیلت کوفی عنان، شماره ۴۰.

۵. روزنامه ابرار، ۲۶/۱۱/۱۳۷۸.

۶. روزنامه اطلاعات، ۲۸/۱۱/۱۳۷۰.

۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱/۴/۱۳۷۹.

۸. روزنامه رسالت، ۲۱/۷/۱۳۷۶ و ۶/۲/۱۳۷۹.

۹. روزنامه قدس، ۱۸/۴/۱۳۸۰.

۱۰. روزنامه کیهان، ۹/۴/۱۳۷۱.

۱۱. فصل نامه دیدگاه های حقوقی، جانیان بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین المللی، غلام حیدر علامه، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

۱۲. گزارش، تحلیل اعترافات یک دبیر کل ناکام سازمان ملل، امیر حسین فرزانه، شماره ۱۰۵، ۱۳۷۸.

۱۳. مجله تحقیقات حقوقی، بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای در قلمرو حقوق بین الملل، شماره ۱۶ _ ۱۷.

۱۴. مجله تحقیقات حقوقی، شورای امنیت و صلح جهانی، هدایت اللّه فلسفی، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۶۹.

۱۵. مجله حقوق بشر، ایالات متحده و استعمال سلاح های هسته ای، ایرج صدیقی، شماره ۳۱.

۱۶. نشریه دیدگاه ها و تحلیل ها، اداره کل امور حقوقی، شماره ۱۲۵.

ج) پایان نامه ها

۱. بصیری، محمدعلی، کاربرد سلاح های شیمیایی از جنگ جهانی اول تا کنون؛ مسایل تاریخی، حقوقی، سیاسی و دیدگاه اسلام.

۲. کرمی، امیرسعید، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران کویت.

۳. مرادی نسب، احمد، تحول نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

د) جزوه های درسی

۱. اسماعیلی، محسن، جزوه درسی مالکیت معنوی.

۲. فناییان، جزوه درسی سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد.

ه) پایگاه های اینترنتی

۱. WWW.un.Org.

۲. WWW.unsyst.Org.

۳. WWW.unicef.Org.

۴. WWW.ilo.Org.

۵. WWW.fao.Org.

۶. WWW.unesco.Org.

۷. WWW.who.int.

۸. WWW.imf.int.

۹ WWW.icao.int.

۱۰. WWW.wipo.int.

۱۱. WWW.iaea.Org.

ص:۲۵۵

۲. WWW.unsyst.Org.

۳. WWW.unicef.Org.

۴. WWW.ilo.Org.

۵. WWW.fao.Org.

۶. WWW.unesco.Org.

۷. WWW.who.int.

۸. WWW.imf.int.

۹ WWW.icao.int.

۱۰. WWW.wipo.int.

۱۱. WWW.iaea.Org.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹




مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹